

کتاب مقدس انسانیت

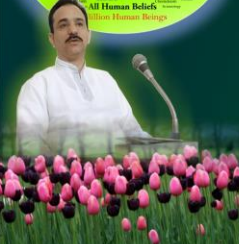

استاندارد هیومنیسم و جامعه جهانی انسان استاندارد

(دنیای روشن و درخشان هزاره سوم)

ما نیاز به بهترین جهان داریم
زیرا که بهترین انسان ها هستیم
(۷ میلیارد انسان)

نوشته
داریوش قاسمیان دستجردی

Standard Humanism
the bright & brilliant world of 3rd millennium



founded (15th Sep. 2010 - Mysore India) by:
DARIUSH GHASEMIAN DASTJERDI
Date of birth: 08/ Feb. 1961 - (IRAN)
He is an artist, designer and writer...

Standard Humanism is his major contribution to philosophy; the result of ... years thought and research on the politics, religions, beliefs and humanity...

With the slogan of:

**We need the best world
Because we are the best human beings
(7 Billion Human Beings)**

Mysore India

© Copyright 2005/6
All Rights Reserved

www.standardhumanism.org
standardhumanism@yahoo.com
standardhumanism@gmail.com



Standard Humanism
And
Worldwide Standard Human Society

Written by
DARIUSH GHASEMIAN DASTJERDI

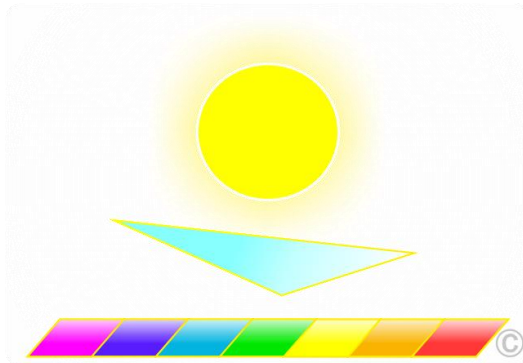
استانداردهیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد

(دنیای روشن و درخشان هزاره سوم)

ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌ها هستیم

(۷ میلیارد انسان)

نوشته داریوش قاسمیان دستجردی



استانداردهیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد
نوشتۀ داریوش قاسمیان دستجردی

چاپ اول: ۲۰۱۰/۰۹/۱۵ / شمارگان: محدود برای مراکز علمی
چاپ دوم: ۲۰۱۲/۰۹/۱۵ / شمارگان: محدود برای مراکز علمی
چاپ سوم: ۲۰۱۵/۰۹/۱۵ / شمارگان: محدود برای مراکز علمی

۲۸۵+۱۴ صفحه فارسی

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال

(نسخه PDF این کتاب رایگان است ...)

ناشر: مؤلف
میسور / هندوستان

LC control no. 2014428725 (Library of Congress – USA)

حق هرگونه کپی برداری و چاپ نزد نویسنده کتاب محفوظ است.

Copyright, all rights reserved – 2005/6 by Dariush Ghasemian Dastjerdi
(این کتاب در تاریخ ۲۰۱۲/۰۹/۱۵ به انگلیسی ترجمه شده است. ISBN: 978-1-312-38061-5)

WWW.STANDARDHUMANISM.ORG

info@standardhumanism.org

https://sites.google.com/site/standardhumanism/

به نام پروردگار جهان و آفریننده و خالق هستی

به نام پروردگار جهان و آفریننده و خالق انسان

به نام پروردگار جهان و آفریننده و خالق عقل و قلب، که به بشر این امکان را داد تا با

عقل و قلب خود و از طریق اتصال روحی خود با حقیقت مطلق، راه سعادت خود را

یافته و به هدف زندگی دنیایی و آخرتی خود برسد و رستگار و شاد گردد.

من این کتاب را تقدیم می‌کنم به تمامی کودکان، دختران، زنان، پسران و مردانی که در طول تاریخ ظلم دیدند و رنج کشیدند و کشته شدند؛ من این کتاب را با نهایت حس حقیقت‌جویی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی‌اش تقدیم می‌کنم به همه آنها که در سیاه‌ترین روزگار تاریخ بشر زندگی کردند و در اثر ظلم ظالمان، خودخواهان و منفوران رنج کشیدند و عدالتی نبود تا به حق آنها توجه کند و آنها را شاد گرداند؛ من این کتاب را به آنان تقدیم می‌کنم تا شاد شوند، و به این امید که خداوند با این شادی اثر تمام غم و رنجی را که دیدند و تحمل کردند از روح‌شان محو و پاک کند، و همیشه شاد باقی بمانند، و بدانند که این امکان وجود دارد تا بشر بتواند با پذیرش روشی جدید به اتحادی انسانی رسیده، و کنترل جهان خود را از دست جاهلان، خودخواهان، زیاده‌خواهان و قدرت‌طلبان گرفته، و ظلم و تیرگی را برای ابد محو کرده و تحت کنترل خود درآورد، و زندگی شایسته انسانی و عادلانه‌ای را برای تمامی بشر به ارمغان آورده و ایجاد کند.

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول

- استانداردهیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱
دیباچه و شروع بحث ... ۳
هدف و مفهوم استانداردهیومنیزم ... ۱۹

بخش دوم

- فلسفه و تفکر انسان استاندارد (استانداردهیومنیزم) ... ۲۱
مراحل و سطوح زندگی بشر ... ۳۰
۱/ مرحله و سطح اول. دنیای واقعی زندگی بشر ... ۳۱
طبیعت بشر ... ۳۹
شخصیت و طبیعت جهان بشری ... ۳۹
شخصیت و طبیعت افراد بشر ... ۴۴
درجات شخصیتی انسان ... ۴۸
لیست اعمال صحیح و ناصحیح فردی و اجتماعی بشر ... ۵۰
الف/ اعمال و رفتار صحیح انسانی ... ۵۱
ب/ اعمال و رفتار ناصحیح و غیرانسانی ... ۵۱
انسان ... ۵۱
تقدیر و سرنوشت ... ۵۴
بزرگی و پهنآوری جهان ... ۵۶
اتم مساوی است با کهکشان ... ۵۷
نتیجه بحث ... ۵۹
۲/ مرحله و سطح دوم. دنیای رؤیایی زندگی بشر ... ۶۱
مدینه فاضله یا آرمان شهر (آتوپیا) ... ۶۵
لیست رمان‌های آتوپایی ... ۶۶
نتیجه بحث ... ۷۲

۳/ مرحله و سطح سوم. اصول استاندارد هیومنیزم (اصول اتحاد انسانی در مقابل نیروهای منفی و شیطنانی زندگی بشر و در نتیجه انسان استاندارد و نمونه شدن، طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد) ... ۷۵

اصول پنج گانه - و سه بعدی - استاندارد هیومنیزم ... ۸۱

اصول پنج گانه استاندارد هیومنیزم عبارتند از: ... ۸۲

۱- باور به خدا (چه باوری قلبی و واقعی و چه باوری سمبولیک و قراردادی) ... ۸۸

۲- اعتقاد داشتن به یک دین و آیین، و یا تفکر معتبر بشری (از هر نوع الهی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی و ...) ... ۹۳

۳- باور به قانون، اخلاق، فرهنگ و حقوق انسانی و مشترک جهانی ... ۱۰۰

۴- رأی به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۰۶

۵- رعایت پاکیزگی جسمی و آرامش روحی و روانی (در زندگی فردی و جمعی) ... ۱۰۸
نتیجه بحث ... ۱۰۹

۴/ مرحله و سطح چهارم. جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۱۵

پنج حقیقت برتر زندگی بشر ... ۱۲۱

تشکیلات، اهداف و وظایف جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۲۷

اهداف و وظایف جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۲۷

منشور اخلاقی و ایمانی جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۲۸

تشکیلات و چارت سازمانی جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۱۳۳

جامعه جهانی انسان استاندارد و پنج بخش مدیریتی آن: ... ۱۴۰، ۱۴۱

بخش اول/ مدیریت و سیاست و نظم جهانی ... ۱۴۲

اشاره‌ای به تاریخ مدیریت و سیاست جهان بشری ... ۱۴۲

اهداف و وظایف بخش مدیریت و سیاست ... ۱۵۴

مدیریت و پاک‌سازی ... ۱۵۵

۲+۲=۴ ... ۱۶۱

سیستم پیشنهادی حکومتی انسان استاندارد ... ۱۶۸

مدیریت و سیاست و زیرمجموعه‌های آن ... ۱۷۳

بخش دوم/ افکار و عقاید و ادیان ... ۱۷۷

اشاره‌ای به تاریخ ادیان و عقاید جهان بشری ... ۱۷۹

فهرست ادیان و آیین‌ها و تفکرات جهان بشری ... ۱۸۱

اهداف و وظایف بخش ادیان و عقاید ... ۱۸۴

مدیریت و پاک‌سازی ... ۱۸۵

ادیان و عقاید و زیرمجموعه‌های آن ... ۱۸۹

بخش سوم/ فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی ... ۱۹۰

اشاره‌ای به تاریخ فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جهان بشری ... ۱۹۱

اهداف و وظایف بخش فرهنگ و هنر ... ۱۹۲

مدیریت و پاک‌سازی ... ۱۹۴

فرهنگ و هنر و زیرمجموعه‌های آن ... ۱۹۷

- بخش چهارم / علم و دانش ... ۱۹۹
- اشاره‌ای به تاریخ علم و دانش جهان بشری ... ۱۹۹
- اهداف و وظایف بخش علم و دانش ... ۲۰۱
- مدیریت و پاک‌سازی ... ۲۰۱
- علم و دانش و زیرمجموعه‌های آن ... ۲۰۴
- بخش پنجم / اقتصاد و تجارت و کار ... ۲۰۵
- اشاره‌ای به تاریخ اقتصاد و تجارت جهان بشری ... ۲۰۵
- اقتصاد خرد ... ۲۰۶
- اقتصاد کلان ... ۲۰۷
- زیرشاخه‌های علم اقتصاد ... ۲۰۸
- مکاتب اقتصادی ... ۲۰۸
- نظام‌های اقتصادی ... ۲۰۹
- اهداف و وظایف بخش اقتصاد و تجارت ... ۲۰۹
- مدیریت و پاک‌سازی ... ۲۱۰
- اقتصاد و تجارت و زیرمجموعه‌های آن ... ۲۱۳

بخش سوم

نتیجه‌گیری نهایی ... ۲۱۵

- مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته ... ۲۱۷
- اشاره‌ای به جنگ‌ها و قدرت‌طلبی‌های اخیر تاریخ بشری، ... ۲۱۹
- لیست جنگ‌هایی که از سال ۲۰۰۳ به اینطرف به وقوع پیوسته‌اند ... ۲۲۰
- اشاره‌ای به اقدامات و تلاش‌های انسانی بشر، به منظور تنش‌زدایی و برقراری صلح و آرامش فراگیر، ... ۲۲۵
- ضرورت تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۲۲۸
- حقوق متقابل فردی و اجتماعی، و بین‌المللی و جهانی بشر در برابر اقدامات نجات بخش جامعه جهانی انسان استاندارد: ... ۲۳۰
- در زندگی فردی و اجتماعی (مربوط به افراد) ... ۲۳۰
- در زندگی بین‌المللی و جهانی (مربوط به حکومت‌ها) ... ۲۳۳
- صفات حکومتی ۱۰ درصد شیطانی ... ۲۳۶
- صفات فردی ۱۰ درصد شیطانی ... ۲۳۶
- اساساً چرا استاندارد هیومنیزم از ۱۰ درصد شیطانی اینقدر متنفر و منزجر است؟! ... ۲۳۷
- زندگی بشر در جامعه جهانی انسان استاندارد ... ۲۴۱
- مراحل اصلاح جهان طبق تفکر انسان استاندارد ... ۲۴۷
- عاقبت زندگی بشر بر روی این کره خاکی ... ۲۴۸
- استاندارد هیومنیزم چه کسی است؟! ... ۲۵۱
- حرف آخر ... ۲۵۵
- ادعانه استاندارد هیومنیزم ... ۲۵۷

پیوست‌ها ... ۲۵۹

مقایسه استانداردهای بین‌المللی با تفکرات و عقاید دیگر: ... ۲۶۱

بررسی و مقایسه تفکرات موجود با استانداردهای بین‌المللی ... ۲۶۱

پنج جهان‌بینی موجود (توسط دنیس مک‌کالام) ... ۲۶۳

جهان‌بینی استانداردهای بین‌المللی (مقایسه) ... ۲۶۵

واضح‌سازی معنی و مفهوم «حقیقت و واقعیت» و رابطه آنها ... ۲۶۸

۱۰ درصد شیطان‌ی و دنیای آنها!!!! ... ۲۷۰

پیش از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد! ... ۲۷۲

نامه دعوت به پذیرش استانداردهای بین‌المللی و عملیاتی کردن آن! ... ۲۷۴، ۲۷۵

سردفتر استانداردهای بین‌المللی! ... ۲۷۶

واژه‌ها و عبارات جدید ... ۲۷۸

منابع و مأخذ ... ۲۸۰

ارسال نظرات ... ۲۸۳

بیوگرافی ... ۲۸۵

مقدمه

بشر، موجود بسیار پیچیده و توانایی است؛ این قدرت، استعداد و ویژگی را دارد که در شرایط متفاوت خود را با محیط وفق داده و هماهنگ کند و یا محیط را با شرایط و نیازهای خود هماهنگ سازد، و یا با فرهنگ‌ها و نژادها و زبان‌های مختلف سازگاری پیدا کند، و یا قوانین متفاوتی در جامعه خود وضع کند و زندگی خود را با اطاعت از آن قوانین بگذراند؛ این توانایی بشر در طول زندگی او بر روی این کره خاکی بارها و بارها به اثبات رسیده و به شکل‌های گوناگونی بروز یافته و نمایان شده است؛ بشر توانسته از این توانایی شگرف خود بهره برده و زندگی خود را مرحله به مرحله به سمت رشد اجتماعی بیشتر هدایت کند؛ از طریق ادیان، عقاید و اندیشه‌های سیاسی خود نیز سعی بسیار نموده تا با ایجاد اتحادی انسانی نیروی خود را صحیح‌تر در جهت خیر و اهداف عمومی متمرکز گرداند، هرچند دست‌آوردهایش بسیار ناچیز و ابتدایی بوده است! در واقع بشر در زمینه اتحاد انسانی و مدیریت موفق جمعی در زندگی خود بسیار ناتوان و ضعیف بوده و تلاش‌های یک قرن اخیر او نیز در جهت جهانی شدن و برقراری تفاهم بین‌المللی با وجود دست‌آوردهای بسیار عظیم آن - از طریق تشکیل سازمان‌های بین‌المللی در زمینه توسعه قانون‌مداری، و یا توسعه علم و دانش، و یا بهداشت جهانی و

جلوگیری از گسترش بیماری‌های خطرناک، و یا در زمینه بهبود وضع اقتصاد جهانی و کار و معیشت بشر، جلوگیری از گسترش تروریسم بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر و موارد بی‌شمار دیگر - هنوز بسیار ابتدایی و جوان است!

بدون شک و مطمئناً بشر همچنان فعال است و در مسیر ایجاد جهان شایسته زندگی انسانی خود گام برمی‌دارد؛ اما سؤال اینجا است که آیا مسیر او واقعاً در جهت خیر کل بشر است و یا در مسیر خیر بخشی از بشر؟ آیا مسیر او در جهت و در خط انسانیت است و یا در مسیر و جهت و خط قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی؟ آیا مسیر و جهت او مسیری صاف و هموار در جهت حقیقت محض و سعادت بشر است و یا مسیری پُر بیراهه و دست‌انداز؟ و در نهایت اگر مسیر او همچنان که از شواهد برمی‌آید مسیری شایسته بشریت نیست و همچنان ضعف‌های گذشته را یدک می‌کشد و بیراهه‌های گذشته را می‌پیماید چگونه می‌تواند راه اصلی و شایسته خود را در پیش گیرد؟

همه بشر می‌دانند و معتقد هستند که راه و هدف بشر، زندگی شایسته انسانی همراه با صلح، دوستی و احترام متقابل است؛ زندگی شایسته و هدفمند در جهت تعالی مادی و معنوی، زندگی شایسته و هدفمند در جهت تعالی و خیر دنیا و آخرت؛ ... اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا واقعاً راه حل برتر و مورد تأیید تمامی اندیشه‌های بشری کدام است که بتواند حق همه را رعایت کند و عدالت جهانی را برقرار سازد؟! اگر قرار باشد راه‌حلی ارائه نمود که مورد تأیید بخشی از دنیا باشد و مورد مخالفت بخشی دیگر، آن راه حل، طبعاً راه‌حلی منطقی و یا مشروع و گره‌گشا نخواهد بود! راه‌حلی که نتواند رضایت‌مندی کل بشر با سلايق انسانی، فرهنگی و عقیدتی گوناگون او را جلب کند مشروعیتی نخواهد داشت و در نهایت یا به بیراهه می‌رود و یا منسوخ و کهنه خواهد شد! در نتیجه راه‌حلی می‌بایست یافت که اول: حق همه و رضایت‌مندی همه بشر را تأمین کند، و دوم اینکه آنقدر قوی، پویا و عملی باشد که توسط آن بشر به آنچه شایستگی آن را دارد برسد و سعادت،

شادی، صلح، صمیمیت، و برادری و برابری انسانی را در زندگی خود تجربه کند، که شایسته رسیدن به آن است و در مسیر رسیدن به آن قرن‌ها و هزاران سال را اندیشیده و سختی‌های بسیاری را تحمل کرده است

استانداردهیومنیزم از طریق برقراری جامعه جهانی انسان استاندارد چنین هدفی را دنبال می‌کند!

استانداردهیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد سیستم و اصولی را پیشنهاد می‌کند که طبق آن وضعیت زندگی بشر به شکلی ساده، ریشه‌ای و پویا دگرگون گشته و اصلاح می‌گردد، و به حقیقت خود، و به صلح و شادی انسانی، و رستگاری و سعادت‌مندی دنیایی و آخرتی مورد نظر تمامی اندیشه‌ها و تفکرات، و عقاید و ادیان جهان می‌رسد؛ تفکر و شیوه انسان استاندارد زندگی و مدیریت پیشرفته هزاره سوم بشر را رقم می‌زند.

از آنجایی که بحث استانداردهیومنیزم بحث جدیدی است، بنابراین سعی شده است به شیوه‌ای آسان و نیز مختصر ارائه گردد تا خوانندگان محترم بتوانند در یک بررسی کلی از محتوای این تفکر بهره‌مند گشته و آن را درک کنند؛ بدیهی است پس از یافتن مقبولیت کافی در بین مردم جهان، در بررسی‌های دقیق‌تر، فرصت بحث و بررسی بیشتر در سرفصل‌های کتاب فراهم خواهد گردید.

داریوش قاسمیان دستجردی

میسور، هندوستان - ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰

استانداردهیومنیزم
و
جامعه جهانی انسان استاندارد

بخش اول دیباچه و شروع بحث

آیا آن کدام انسان است که می‌تواند صلح و زندگی شایسته انسانی را برای تمامی بشر (با ادیان، عقاید، باورها، تفکرات، فرهنگ‌ها، ملیت‌ها، زبان‌ها و نژادهای مختلف) و بطور مساوی و برابر به ارمغان بیاورد؟! آیا آن کدام دین، و یا سیاست، و یا فرهنگ است که می‌تواند زندگی بشر را از تنش و تفرقه، و فقر و ظلم نجات دهد، و جهانی انسانی و شایسته زندگی صلح‌آمیز، و توأم با پیشرفت مادی و معنوی برای او بسازد؟

آیا تا به حال هیچ‌کدام از تفکرات، ادیان و سیاست‌ها توانسته‌اند در عالم واقعیت - و نه تنها با بحث و ادعا، و تئوری و نظریه - تمام بشر را بطور یکپارچه در زیر چتر خود درآورده، و حق همه را بطور مساوی و عادلانه رعایت کنند؟! البته این امر هرگز محقق نشده است

پس آیا بشر باید دائماً و بطور پیوسته در تنش و جنگ، و برتری‌جویی عقیدتی و سیاسی باقی بماند؟! آیا قرار نیست انسان در صلح و آرامش و سعادت‌مند زندگی کند؟! آیا قرار نیست هرگز بشر در صلح و آرامش

و بهره‌مندی از حداقل نیازهای ضروری و به حق زندگی خود، روزگار خود را بگذرانند؟!

آیا آن کدام انسان و یا دین، عقیده، سیاست و فرهنگ است که توانسته و یا می‌تواند صلح و رضایت‌مندی بشر را بطور کامل تضمین کند؟ آیا اساساً امکان‌پذیر است که یک انسان، یک دین و یا یک سیاست، ... با وجود تنوع عظیم سلیق انسانی این مهم را انجام دهد؟!!

تمامی فلاسفه، عقاید، ادیان و سیاست‌ها به منظور رسیدن به هدف زندگی ایده‌آل انسانی (از نگاه خود) ادعا می‌کنند که همه دنیا باید مثل آنها شوند تا صلح و سعادت بشری محقق شود! اما آیا شما حاضر هستید تفکر خود، فرهنگ خود، و دین و سیاست خود را کنار بگذارید، و به صرف ادعای پیروان تفکر دیگر (که می‌گویند اگر مثل ما شوید و تفکر ما را قبول کنید جهان صلح‌آمیز و ایده‌آل می‌شود) تفکر خود را کنار گذاشته و پیرو تفکر آنها شوید؟! و در صورتی که شما حاضر نباشید دست از تفکر، فرهنگ، عقیده و سیاست خود بردارید، چطور تصور می‌کنید که دیگران این کار را خواهند کرد! یعنی حاضر خواهند شد که دست از تفکر خود برداشته و همگی یکپارچه گرد چتر تفکر شما درآیند! و البته نه فقط آنها، بلکه هزاران دین و عقیده و تفکر دیگر! ... آیا همه دنیا حاضر خواهند شد مثل شما شوند، به این امید که صلح جهان تضمین گردد؟!!!! این تصویری است خام و ابتدایی، و برای اثبات آن همین کافی است که توجه کنید که خود شما هم هرگز حاضر نخواهید شد دست از عقیده و تفکر، و دین و سیاست خود بردارید و تفکر دیگران را درست قبول کنید؛ در نتیجه و بدین ترتیب جهان انسانی یعنی جنگ و تنش و برتری‌جویی دائمی و همیشگی؛ این

وضعیت پُرتنش و همراه با برتری جویی، همواره مانع برقراری زمینه‌ها و شرایط ایده‌آل زندگی انسانی بوده و می‌باشد؛ همانطور که از روز نخست زندگی بشر تا به حال نیز چنین بوده است! پس آیا بشر باید بطور دائم در تنش و جنگ و برتری جویی باقی بماند؟! آیا قرار نیست انسان در صلح و آرامش، و سعادت‌مند زندگی کند؟!

بشر محکوم است که همیشه در فقر و دشمنی، و جهل و برتری جویی و قدرت طلبی گرفتار باشد، چون تنها راه سعادت او که دوری از تنش فرهنگی و عقیدتی و سیاسی است هرگز محقق نشده است؛ نه با جنگ‌ها و درگیری‌ها و تنش‌ها، و نه با بحث‌ها و گفتگوها، و نه با هیچ روش دیگری!

تنها راه رهایی از تنش و برتری جویی *با ملاک‌های فعلی جهان* و طبق ادعای *تفکرات مختلف*، یکپارچه شدن همه بشر به صورت پیروان یک دین و سیاست، و یا آیین و فرهنگ است، که متأسفانه و یا خوشبختانه این رؤیا، یک رؤیای غیرقابل تصور و ناشدنی است (مگر با سیر در دنیای مجازی)؛ اگر بشر متفق و یکپارچه زیر چتر یک آیین و سیاست و تفکر قرار می‌گرفت شاید امیدی می‌بود که به دلیل رفع تنش‌ها و برتری جویی‌های من بر حق هستم و دیگری ناحق، و یا اینکه *ایده‌نولوژی و سیاست من به‌تر و برتر است و ایده‌نولوژی و سیاست دیگری ناقص و غلط*، به آرامش برسد، اما تاریخ ثابت کرده است که این امر، امری است محال و ناشدنی! که نه با بحث‌ها و گفتگوها، و نه با جنگ‌ها و درگیری‌ها نیز متأسفانه امکان‌پذیر نشده و نخواهد شد! پس بنابراین دوباره نتیجه می‌گیریم که به دلیل برتری جویی‌ها و قدرت طلبی‌های ایده‌نولوژیک به ناچار بشر باید همیشه در وضعیت جنگ

و تنش و تفرقه و دشمنی باقی بماند! و این است واقعیت فعلی جهان انسان‌ها که تصور یک زندگی آرام، صلح‌آمیز و سعادت‌مند، توأم با کار و ثروت و آرامش برای همهٔ بشر و بطور مساوی و عادلانه را محال می‌سازد. پس دوباره این سؤال را مطرح می‌کنم که آیا نمی‌توان به صلح رسید؟ آیا این است نهایت زندگی بشر در این زمین و این دنیای عظیم بشری، با این همه ثروت و توانایی و قدرت؟! آیا این است حاصل این همه دانش، سیاست، معنویت و فرهنگ که بشر نتواند یک زندگی سالم انسانی برای خود ایجاد کند؟! و یا با وجود در اختیار داشتن ثروت‌های عظیم مادی در دست خویش، بخش عظیم بشر در زیر خط فقر زندگی کنند و گرفتار رنج و مرگ و بیماری باشند؟! آیا بشر نمی‌تواند با وجود قوی‌ترین ایده‌نولوژی‌های دینی و سیاسی، به ایجاد و مدیریت یک زندگی شایستهٔ انسانی برسد؟! به نظر نمی‌رسد بشر با توانایی‌های عظیم خود به این اندازه ضعیف باشد که نتواند زندگی خود را به شکل ایده‌آل و شایسته مدیریت کند؛ پس مشکل کجاست؟ چرا بشر نتوانسته و نمی‌تواند زندگی خود را به شکلی انسانی، کامل و شایسته سامان دهد؟ چرا بشر نمی‌تواند زندگی خود را با تسلطی انسانی و در مسیر رعایت حقوق همهٔ بشر، و به شکلی برابر و عادلانه کنترل و هدایت کند؟ چه چیزی بشر را تا این اندازه ضعیف و ناتوان نگاه داشته است که با وجود برترین ادیان و عقاید و سیاست‌ها، و علم و دانش و ثروت و تکنولوژی، و تمامی امکانات مادی و معنوی زندگی خود، در این جهان حرکتی ضعیف و کند به سمت برقراری زندگی کامل و شایستهٔ انسانی داشته باشد؟ **یک زندگی کامل و شایسته برای کل بشر، و نه فقط برای بخش و یا بخش‌هایی از جهان بشری!**

دین جهان آنقدر روحانی و متعالی هست که بتواند با وجود تنوع خود روح جهان انسانی را زیبا کرده و به آرامش برساند؛ سیاست جهان آنقدر قوی و آبدیده است که بتواند جهان خود را به بهترین شکل پیشرفته نظم داده و اداره کند؛ ثروت جهان آنقدر هست که اگر درست مدیریت شود همه مردم جهان از یک زندگی سالم و مرفه انسانی برخوردار شوند؛ علم جهان قادر به کشف و حل تمامی سؤال‌های بشری در زمینه‌های رشد و ترقی و پیشرفت او می‌باشد؛ و جلوه‌های فرهنگ بشر متنوع‌تر و زیباتر از زندگی خسته کننده ماشینی است؛

اما با وضعیت کنونی جهان، و قدرت‌طلبی‌های دینی و سیاسی و فرهنگی، ضعف مدیریت کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، رشد تروریسم و در نتیجه ناامنی جهانی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، و مشکلات و معضلات بی‌شمار دیگر که گریبان‌گیر بشر است، زندگی آرام و شایسته انسانی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ مشکل جهان ریشه‌ای است: **برتری‌جویی و قدرت‌طلبی و بیسوادی؛** برتری‌جویی در تمامی عرصه‌های زندگی؛ نادیده گرفتن حقوق دیگران و در نتیجه ظلم که منجر به بیدار شدن روح حق‌طلبی در میان جوامع انسانی می‌گردد، و در ادامه باعث اصرار قدرت‌ها بر سرکوب نیروهای حق‌طلب می‌شود، که در نتیجه جهان را به سمت ظلم بیشتر و ناآرامی بیشتر می‌کشاند؛ وضعیتی که دستیابی به صلح را ناشدنی و غیرممکن می‌سازد؛ وضعیتی که روح بشر و بشریت را غمگین کرده و می‌رنجاند؛ وضعیتی که باعث غم و رنج زنان و کودکان و مردان، و تمامی انسان‌ها و پروردگار جهان می‌شود

بخشی از ادعای تفکرات و ادیان و سیاست‌های بشری درست است - که می‌گویند: اگر تمام جهان یکپارچه به یک آیین و تفکر درآیند، دنیا به سمت صلح و پیشرفت همه‌جانبه سوق پیدا خواهد کرد - و آن این است که در چنین وضعیتی از تنش‌های متقابل کاسته شده و طبیعتاً زندگی آرام‌تر می‌شود، و جهان بشری به سمت صلح و اتحاد و دوستی بیشتری پیش می‌رود؛ اما بخشی دیگر از این ادعا چندان خوشایند نیست، و آن حکایت از اصرار بر برتری جویی و تسلط بر دیگران و داشته‌های دیگران دارد! به این ترتیب که، پس از آنکه عده‌ای از انسان‌های بزرگوار و خوش اندیش با ظهور یک اندیشه و تفکر و آیین جدید به این نتیجه رسیدند که به پیروی از آن درآیند و از فضای کامل‌تر و به‌تر آن سودمند و بهره‌مند گردند، ثابت شد که عده‌ای دیگر از حامیان اصلی و اولی آن تفکر از موقعیت برتر خود به عنوان حربه‌ای در جهت استثمار پیروان جدید استفاده کردند و تلاش کردند از نظر سیاسی پیروان جدید را زیرمجموعه خود گردانند، در واقع از آن آیین جدید در جهت برتری جویی خود بر دیگران سوءاستفاده نمودند؛ در نتیجه با این برخورد خود موجب شدند که یک نوع عقب‌نشینی و موضع‌گیری در بین دیگران و در مناطق دیگر (که هنوز آیین جدید را نپذیرفته بودند) پیش آید که اساساً درست بودن و یا برتر بودن آن تفکر را که می‌بایست اصل اساسی در پذیرش آیین جدید باشد را زیر سؤال می‌برد و آن را در درجه دوم اهمیت قرار می‌داد، و این تصور را قوت می‌بخشید که اگر تفکر جدید (چه به‌تر باشد و یا نباشد) را بپذیریم از نظر سیاسی و موقعیتی در مقابل پیروان اصلی آن تفکر گروهی شکست خورده به حساب خواهیم آمد، و در نتیجه اگر آیین جدید را بپذیریم

در واقع خود را مقهور حامیان اصلی آن تفکر قرار خواهیم داد؛ ... پس بطور کلی چنین وضعیتی موجب واپس زنی در پذیرش تفکر جدید و هر تفکر جدید و ایده آلی در ذهن بشر می گردد، که هرگز حاضر نشود آیین خود را از دست بدهد و خود را در زیر سلطه و کنترل عقیدتی و سیاسی دیگران قرار داده و در نتیجه استقلال و آزادی خود را قربانی و فدا کند؛

این وضعیت اصل ماجرا را که انتخاب راه به تر، در جهت زندگی به تر و در نتیجه اتحاد و دوستی میان انسان ها با پذیرش آیین برتر است را زیر سؤال می برد و سیاسی می کند، به طوریکه با چنین وضعیتی اساساً هیچ انسانی حاضر نخواهد شد از تفکر خود دست بردارد و تفکر دیگر را به صرف این ادعا که: *اندیشه پیشنهادی ما به تر است!* را بپذیرد؛ چرا که در واقع با قبول آن از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی شکست خورده به حساب خواهد آمد؛ پس عطایش را به لقایش خواهد بخشید و محترمانه از پذیرش تفکر مدعی سر باز خواهد زد؛ بدین ترتیب در طول تاریخ کمتر شاهد هستیم که ملتی عقیده ملت دیگر و یا اندیشه ای اندیشه دیگر را - چه دینی باشد و چه سیاسی و یا فرهنگی - به سادگی پذیرفته باشد، مگر به زور جنگ و درگیری و کشتار، و نه با اندیشه و رضایت و تصمیم جمعی؛

این همان پدیده تلخی است که اثرات منفی آن بیشتر از هر چیز متوجه خود آن تفکرات شده است! بدین ترتیب که: زمانیکه گروهی شما را با قتل و کشتار، و ترس و وحشت و غیره مجبور کنند تا تفکر و عقیده آنها را بپذیرید و در نتیجه شما را تحت سلطه خود در آورند، طبیعی خواهد بود که شما که نمی خواهید تحت کنترل و سلطه آنها

باشید دست به ابتکاراتی خواهید زد تا خود را از سلطه آنها نجات دهید؛ ... بارزترین و روشن ترین سیاست شکست خوردگان در طول تاریخ و همیشه این بوده است که با ایجاد تغییراتی - در اصل آن اندیشه بکر و خالص و پویا و نجات بخش - هم از آن تفکر که به بهانه آن به اسارت گرفته شده اند انتقام گیرند (و آن را به هر طریق ممکن به دروغ و ناخالصی فرو برند و آلوده کنند و چهره‌ای تاریک از آن ارائه دهند) و هم با ایجاد بدعت‌ها و نوآوری‌ها و تغییراتی آن را مال خود کرده و آیین و تفکری جدید از آن بسازند! تا بدین طریق از کنترل سیاسی توسط گروه پیروز رها گردند، و خود را با این ترفند نجات داده و جدا و مستقل و خودمختار سازند؛ بدیهی است که در این بین فلاسفه و اندیشمندان صادق و یا مغرض، و عامه خرافی و جاهل نیز داستان‌هایی در مدح خود و در حقیقت محض بودن اندیشه انشعابی خود و در مدح تفکر ساختگی خود بسرایند، و خود را برترین در جهان به حساب آورند و دیگران را ناحق و نادرست؛ در حالی که چیزی نیستند جز یک انشعاب سیاسی و تاریخی و نه حقیقت مطلق و راه برتر، که تنها دست‌آورد مفید و مثبت آن این بوده که توانسته است بدین طریق خود را مستقل کند! این فرآیند در مورد اکثر عقاید و تفکرات تاریخی قدیم و جدید صادق بوده و می‌باشد؛ (به استثنای برخی فرهنگ‌ها و تفکرات پویای دینی و فلسفی و ...).

نتیجه بحث اینکه هیچ انسانی، و یا تفکر و دین و سیاستی تاکنون و در عالم واقعیت نتوانسته است به شکلی شایسته بشر را متقاعد سازد که برترین راه هدایت به سوی سعادت است، و این منجر به این شده باشد که تمام بشر بدون استثناء به او رو آورده باشند و آن را پذیرفته

باشند؛ این امر هرگز محقق نشده است و به نظر نمی‌رسد روزگاری هم محقق شود، چرا که تاریخ عمق تفرقه و دشمنی بین تفکرات مختلف را از ابتدا تاکنون، روز به روز و بطور گسترده و روبه رشد ثابت کرده است، و سیر منفی آن آنقدر عمیق است که هرگونه تصویری در جهت یکپارچه شدن همهٔ بشر زیر چتر یک فرهنگ، سیاست و یا دین، با هدف رسیدن به یک زندگی صلح‌آمیز انسانی، یک ساده‌اندیشی غیر واقع‌گرایانه است؛ ساده‌اندیشی و غیرواقع‌گرایانه از دید بشر و نه از دید یک تفکر خاص که ادعا می‌کند می‌تواند همهٔ بشر را متقاعد سازد که اندیشهٔ او برتر است و می‌تواند حق همه را بطور مساوی و عادلانه رعایت کند! طبیعی است که پیروان هر آیین و تفکری همیشه این ادعا را بطور خیلی جدی دارند که تنها آنها هستند که می‌توانند دنیا را نجات دهند و صلح و سعادت بشر را تضمین گردانند! اما از دید بشر (عقل جهان) این یک ساده‌اندیشی است، چون اگر ساده‌اندیشی نباشد پس تمام هزاران اندیشه و تفکر بشری روزی تمامی هزاران اندیشه و تفکر بشری را زیر چتر آیین خود در خواهند آورد!!! چون همانطور که تو تصور می‌کنی، یا می‌دانی و یا یقین داری و یا مدرکی داری که روزی تمام جهان زیر چتر آیین تو در خواهند آمد، دیگری با تفکر و اندیشهٔ دیگر هم تصور می‌کند، یا می‌داند و یا یقین دارد که روزی تفکر تو و تمامی تفکرات دیگر زیر چتر تفکر او در خواهند آمد!!! ... و چون تو حاضر نیستی و در آینده نیز حاضر نخواهی شد که دست از عقیدهٔ خود برداری و درست عقیدهٔ او را بپذیری، یقین بدان که او نیز حاضر نیست و در آینده نیز حاضر نخواهد شد که عقیدهٔ تو را بپذیرد؛ پس تا ابد این امر اتفاق نخواهد افتاد و عملی نخواهد شد؛ نه با بحث و گفت

و گو و مناظره، و نه با جنگ و کشتار و جنایت؛ چون تاریخ ثابت می‌کند که این امر شدنی و امکان‌پذیر نیست! حتی اگر تو واقعاً هم برتر باشی او (تمام بشر) هرگز حاضر نخواهد شد تفکر تو را بپذیرد، چون در نهایت خود را اسیر تو خواهد دید و حاضر به قبول برتری تو نخواهد شد؛ حتی اگر لازم هم باشد جان خود را در جهت حفظ عقیده خود فدا خواهد کرد تا به زیر یوغ تو نیفتد و این خواری را تحمل نکند؛ مگر اینکه تو ادعا کنی که با جنگ همه را می‌کشی تا تنها تفکر تو باقی بماند! پس او هم همین‌طور فکر می‌کند و ادعا می‌کند که برای قبولاندن تفکر خود به تو و همه جهانیان، تو و دیگران را خواهد کشت تا فقط تفکر او حاکم باشد!

پس این نیست جز تلاش جاهلان و قدرت‌طلبان، و همه دنیا و زندگی و مشغولیت آنها که زندگی بشر را از ابتدا تاکنون تیره و رنج آلود کرده است! این بوده تفکر و سرنوشت بشر از ابتدای زندگی خود بر روی این کره خاکی که صلح و زندگی شایسته انسانی را به یک رؤیای دست‌نیافتنی تبدیل نموده است! آیا با چنین وضعیتی امیدی به برقراری دنیایی سالم و محیطی شایسته زندگی انسانی وجود دارد؟!

آیا راه بهتری برای حل این مشکل وجود دارد، و یا اساساً می‌توان تغییری در این جهان جاهلان قدرت‌طلب و در جهت خیر و سعادت دنیا و آخرت بشر پیدا نمود؟ بشر چطور و چگونه می‌تواند سعادت خود را رغم بزند؟ آیا آن کدام انسان، عقیده، تفکر و یا فلسفه و سیاست است که می‌تواند صلح و زندگی شایسته انسانی را بطور مساوی و برابر برای تمامی بشر با هزاران دین و آیین و تفکر پدید آورد، و حق و نیاز و رضایت‌مندی همه را برآورده کند؟!

تمامی عقاید و تفکرات دینی و سیاسی و غیره - به حق و به درستی - اعلام می‌کنند که: اگر تفکر و اصول و راه و شیوه ما را بپذیرید جهان به صلح شایسته خود می‌رسد و بشر رستگار و سعادتمند می‌گردد؛ این ادعا یقیناً درست است، چون در بحث ادیان و عقاید این ادعا توسط پروردگار جهان و از طریق وحی و کتب الهی و غیره تضمین شده است؛ اما چه رنج‌آور که شیطان گمراهی و نادانی با شرک و کفر و تفرقه و خرافه‌هایی که وارد دین کرده است ادیان را به تفرقه کشانده و حاصل و بازده ادیان بیشتر تفرقه و دشمنی و برتری‌جویی در بین طرفداران خود است تا اصلاح جهان! و در نتیجه هرگز نتوانسته‌اند رسالت انسانی و شایسته خود را به انجام برسانند (...); و تفکرات فلسفی و سیاسی و اجتماعی هم یقیناً درست می‌گویند، چون حاصل اندیشه انسان‌های روحانی و یا هوشمند و دانشمندی هستند که سعادت بشر را در تئوری‌ها و نظریه‌های عقلانی و یا روحانی خود دنبال و جستجو کرده و می‌کنند؛ اما نظرات و تفکرات آنها نیز گرفتار کاستی‌ها و کمبودهایی است، و فاقد ضمانت اجرایی لازم بوده و یا اینکه اساساً طوری طراحی نشده‌اند که بتوانند نیازهای کامل بشری را برآورده سازند، در نتیجه فاقد مقبولیت جهانی از طرف تمامی آیین‌ها و تفکرات بشری می‌باشند، و نیز فاقد شایستگی لازم در جهت برقراری یک مدیریت جهان‌شمول؛ بنابراین چیز جدیدی می‌بایست یافت! راه‌حلی که فرادینی و فراسیاسی بوده و مورد توجه و قبول تمامی بشر قرار گیرد، و حق همه را بطور مساوی و برابر رعایت کند!

در اینجا می‌رسیم به فلسفه و تفکر و راه‌حل انسان استاندارد در حل مسایل جهان بشری! **شگفت‌انگیز است که تفکر انسان استاندارد چیز متفاوتی است!!!** اکثر عقاید، تفکرات و اندیشه‌های موجود می‌گویند و ادعا می‌کنند که اگر همه جهان یکپارچه معتقد به اصول، قوانین، شیوه‌ها و راه‌کارهای ما شوند صلح و سعادت بشر تضمین خواهد شد! (برخی به قیمت سرکوب مخالفان خود)؛ اما انسان استاندارد می‌گوید اگر تمامی تفکرات و عقاید بشری به بهترین، خالص‌ترین و کامل‌ترین شکل خود برسند، و فقط مثل خودشان شوند صلح و سعادت بشر تضمین خواهد شد! (این ادعا بسیار شگفت‌انگیز و خاص است) ...

تفکرات موجود، بشر را دعوت می‌کنند تا آیین و اصول آنها را بپذیرند، تا آنها دست به کار شده و شروع کنند تا صلح و سعادت بشر را رقم بزنند و تضمین کنند! اما انسان استاندارد می‌گوید به بهترین صورت و کامل‌ترین صورت ممکن مثل خودتان باشید تا سعادت و صلح بشر تضمین گردد! ...

انسان استاندارد سیستم و اصولی را پیشنهاد می‌کند که طبق آن وضعیت زندگی بشر به شکلی ساده و ریشه‌ای دگرگون گشته و اصلاح می‌گردد، و به حقیقت خود، و به صلح و شادی انسانی، و رستگاری و سعادت‌مندی دنیایی و آخرتی مورد نظر تمامی اندیشه‌ها و تفکرات، و عقاید و ادیان جهان می‌رسد؛ تفکر و شیوه انسان استاندارد زندگی پیشرفته هزاره سوم بشر را رقم می‌زند.

تفکر انسان استاندارد، یک تفکر و عقیده در کنار تفکرات و عقاید موجود نیست، بلکه یک پاک‌کننده و خالص‌کننده و اصلاح‌کننده قوی انسانی است که نقش فرادینی و فراسیاسی را ایفاء می‌کند؛ تفکر انسان

استاندارد یک تفکر فرادینی و فراسیاسی است که موجب پاک‌شدن و خالص‌شدن تمامی تفکرات و اندیشه‌ها می‌گردد، و جهل و خرافه و ظلم را از زندگی بشر دور کرده و محو می‌کند؛ تفکر انسان استاندارد از این جهت فرادینی و فراسیاسی است که به تمامی تفکرات، عقاید و سیاست‌ها احترام می‌گذارد و به پیشرفت، صلح و سعادت جهان بشری می‌اندیشد؛ **"انسان استاندارد" یک هویت کامل انسانی را به تصویر می‌کشد؛** انسان استاندارد به دلیل کامل بودن فلسفه و تفکرش فرامعمولی است و نقش سرپرستی و پاک‌کنندگی تمامی امور بشری را ایفاء می‌کند! بنابراین بحث انسان استاندارد بحث تقابل و برتری‌جویی با اندیشه‌های دیگر نیست، بلکه بحث سرپرستی، کنترل، هدایت و اصلاح امور و داشته‌های بشر است! در غیر اینصورت فراانسانی نخواهد بود.

پس از آنکه مردم جهان به تدریج با تفکر انسان استاندارد آشنا شدند و جهان آمادگی پذیرش این تغییر عظیم بشری را از تاریکی جهل و ظلم به سمت روشنی عقل و عدالت پیدا نمود، زمان آن فرا می‌رسد که **جامعه جهانی انسان استاندارد** تشکیل شود؛ جامعه جهانی انسان استاندارد هدف غایی انسان استاندارد و یک سیستم بین‌المللی و جهانی است که با حفظ استقلال کشورها، فرهنگ‌ها، ادیان و عقاید، جهان بشری را به شکلی انسانی، پویا و کامل با همکاری نمایندگان تمامی کشورهای جهان مدیریت و رهبری خواهد کرد؛ جامعه جهانی انسان استاندارد با سیستمی خاص و ویژه در پنج بخش اصلی زندگی (طبق تفکر و فلسفه انسان استاندارد) شامل: دین و آیین، فرهنگ، سیاست، علم، و اقتصاد، و با حضور نمایندگان تمامی کشورهای جهان، جهان بشری را مدیریت و رهبری خواهد کرد، و صلح جهان و پیشرفت جهان را در تمامی

زمینه‌های زندگی بشر، برای همیشه تضمین کرده، و نفوذ نیروهای منفی و قدرت طلب، ظالم، استثمارگر و شیطانی را برای ابد از زندگی انسان بی‌اثر، محو و پاک خواهد نمود.

جهان امروز با تمام ویژگی‌های منحصر به فرد خود، با تکنولوژی و علم و ثروت خود، با دموکراسی و قانون‌مداری جهانی خود، ... برای بشر امروزی کمی کوچک و ناکارآمد و کسب‌کننده شده است؛ **بشر نیاز به جهش انسانی عظیم‌تری دارد**، در غیر اینصورت با وجود سیستم مدیریت و کنترل ضعیف بین‌المللی، و سیستم قدرت‌مداری کشورهای ثروتمند و تسلط آنها بر جهان و طبیعتاً ظلم آنها، شرایطی ایجاد می‌گردد که در آن وضعیت در بین گروه‌های حق طلب ضد استکباری علیه ظلم و بی‌عدالتی جهانی واکنشی عظیم شکل گیرد، که این خطر را قوت خواهد بخشید که در یک شکست و یا تغییر ناگهانی در جهان (به هر علت طبیعی و یا غیر طبیعی) نیروهای مخالف نظم و سیستم کنونی جهان به مقابله جدی‌تری علیه وضع موجود برخاسته، و با اقدامات شدید خود صلح و ثبات جهان و تمامی دست‌آوردهای مثبت جهان بشری را به نابودی بکشانند تا سیستم خود را پیاده کنند؛ و این برای بشریت به منزله نابودی و آغازی پررنج و محنت و ظلم مجدد خواهد بود؛ جهان نیاز به انقلاب ندارد تا به امید یک رؤیا تمام دست‌آوردهای ارزشمند خود را به شوق رسیدن به آن فدا کند و از دست بدهد! بلکه نیاز به یک جهش مثبت و یک تغییر مثبت به سمت وضعیت به‌تر را دارد؛ انقلاب تمامی دست‌آوردهای بشری را نابود می‌گرداند، اما حرکت تکمیل‌کننده و اصلاح‌کننده او را به مراحل بالاتر می‌رساند؛ اگر مشکلات فعلی جهان بشری در زمینه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و

علمی و ... حل نشود، و عدالت و حق برخورداری از یک زندگی سالم انسانی برای تمامی بشر و به شکلی عادلانه میسر نگردد، بشریت دچار معضلات عظیم‌تری در آینده زندگی خود خواهد شد.

جامعه جهانی انسان استاندارد، یک زندگی جهان‌شمول و کامل انسانی را رقم می‌زند که با کمک تمامی کشورها و عقاید و تفکرات جهان بشری شکل می‌گیرد، و به دلیل دارا بودن سیستم قوی مدیریتی خود صلح بشر را برای ابد تضمین کرده و امکان رشد هرگونه خطر در از بین بردن ثبات جهانی را در ریشه می‌خشکاند، چرا که توسط تمامی ملت‌های جهان و بطور یکپارچه مدیریت و هدایت می‌شود! *استانداردهیومنیزم* و *جامعه جهانی انسان استاندارد* موجب اتحاد تمام نیروهای مثبت و انرژی‌های مثبت بشری با هر دین، آیین، ملیت، نژاد و فرهنگی می‌شود! تفکر انسان استاندارد با کمک تکنولوژی‌های مدرن و بخصوص از طریق اینترنت می‌تواند به شکل شگرفی گسترش یافته و تأثیر مثبت خود را در ایجاد اتحاد بشری نشان دهد و نقش پویای خود را ایفاء نماید! اتحاد نیروهای مثبت از طریق *استانداردهیومنیزم* سپری عظیم در برابر هر ظلم و بی‌عدالتی ایجاد خواهد کرد که همه بشر متحد و یکپارچه با قرارگرفتن در این فضای مشترک و پویای انسانی، هر نوع ظلم و ناکارآمدی را دفع و هر حرکت مثبتی را در جهت خیر و صلاح بشر تأیید خواهند نمود.

حُسن تفکر انسان استاندارد در این است که به مردم جهان صمیمیت و دوستی، و سلامت و روحانیت بیشتری القاء می‌کند! و باعث پاک‌سازی دینی، سیاسی، فرهنگی و علمی و اقتصادی جهان می‌گردد! و مدیریت و زندگی بشر در هزاره سوم زندگی او را رقم می‌زند؛ در

جامعه جهانی انسان استاندارد عقل بشر، علم بشر، ثروت بشر، فرهنگ بشر، و مدیریت و سیاست و روحانیت بشر در جهت حفظ منافع و بهره‌مندی کل بشر استفاده خواهد شد، در نتیجه رفاه عمومی و زندگی زیبای انسانی شکل می‌گیرد.

استاندارد هیومنیزم یک باور انسانی و یک سیستم مدیریتی مدرن و فراحکومتی و فرامذهبی است، بطوریکه همه ادیان و عقاید و فرهنگ‌ها را در بر می‌گیرد و حق همه را رعایت می‌کند.

تفکر انسان استاندارد حداقل استاندارد قابل تشخیص و حداقل ضرورت و نیاز حال حاضر بشریت و جهان بشری در شرایط موجود جهان است، که می‌بایست با تشخیص و پذیرش آن، فرصت و احتمال ایجاد حرکت و جهش به سمت آنچه که در شأن انسان است را در وضعیت نامناسب کنونی مغتنم شمیریم.

(پیروان) تفکرات و آیین‌های جهان هر کدام خانه‌ای می‌سازند و در بهترین بخش آن خانه می‌نشینند و دیگران را دعوت به پیروی و اطاعت از خود می‌کنند تا عدالت و صلح را برقرار سازند، که این روش هرگز بشر را متقاعد نکرده بلکه موجب تشدید تنش و تفرقه در جوامع بشری گردیده است! اما استاندارد هیومنیزم منشوری شیشه‌ای و بسیار درخشان و شفاف است که نور حقیقت جهان را بر زندگی بشر و بر عقاید بشری می‌تاباند تا چشم جهان را به نور حقیقت روشن کرده و با پاک‌سازی و نورانی کردن آیین‌ها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های انسانی حق همه را در نظر گرفته تا در کنار هم با تفاهم، عدالت، برابری و صلح زندگی شایسته خود را در جهان رقم زده و شروع کنند

هدف و مفهوم استاندارد هیومنیزم

استاندارد هیومنیزم یک جهان ایده‌آل و شایسته زندگی انسانی را جستجو می‌کند؛ جهانی شایسته، که آرزوی میلیاردها انسان در طول هزاران سال زندگی بشر بر روی این کره خاکی بوده است؛ این جهان همانی خواهد بود که تمامی تفکرات و عقاید و ادیان به تصویر کشیده‌اند و بشر را مشتاق رسیدنش کرده‌اند؛ جهانی با صلح و عدالتی پایدار، توأم با رفاه عمومی و با کم‌ترین رنج و فقر و ظلم!

استاندارد هیومنیزم با بررسی زندگی بشر نتیجه‌گیری کرده است که رسیدن به آن زندگی ایده‌آل و مورد انتظار با توجه به طبیعت و ماهیت و شرایط موجود جهان بشری امکان‌پذیر نبوده بلکه شرایط متفاوتی را می‌طلبد تا محقق شود، به این دلیل واضح که بشر هرگز تاکنون موفق به ایجاد جهان شایسته زندگی انسانی خود به گونه‌ای که آرزو و آرمان تمامی افکار و عقاید است، و به شکلی صحیح و قابل قبول و پایدار نشده است! چون به اعتقاد استاندارد هیومنیزم مشکل از تفکرات و عقاید نیست بلکه مشکل طبیعت جهان بشری است که هیچ تفکر و اندیشه‌ای از آن سر بلند و پیروز و موفق سر بر نمی‌آورد!

طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد زندگی بشر و طبیعت و شرایط حاکم بر آن به گونه‌ای است که تحقق آرمان‌های بشری در آن هرگز امکان پذیر نبوده، بلکه می‌بایست تغییراتی در طبیعت زندگی بشر ایجاد نمود تا انسان‌ها پس از هزاران سال تجربه و تفکر، و تحمل سختی‌ها و رنج‌های بی‌پایان بتوانند زندگی واقعی و شایسته خود را در این جهان آغاز کنند.

هدف و مقصود اصلی استاندارد هیومنیزم چرخش و تغییر از ماهیت و طبیعت بدوی زندگی فعلی، به ماهیت و طبیعت و سیستم "رشد استاندارد گونه‌ای" است (خروج از چرخه زندگی بدوی برتری جویی فعلی و ورود به دنیای رشد مرحله‌ای و تصاعدی به سمت مراحل بالاتر، و کشف قابلیت‌های بیشتر انسانی و زندگی انسانی).

استاندارد هیومنیزم برخلاف آنچه که از مفهوم و برداشت مقدماتی از کلمه "استاندارد" می‌شود، و برخلاف آنچه که اکثر تفکرات و عقاید بشری در مسیر یکسان‌سازی فکری و فرهنگی بشر جستجو می‌کنند، از طریق مدیریت و سیستم عظیم انسانی و کامل جامعه جهانی انسان استاندارد، به دنیای شگفت‌انگیز و زیبا و متنوع بشری با فرهنگ‌ها و عقاید و تفکرات گوناگون آن می‌اندیشد، دنیایی که همه انسان‌ها حق زندگی برابر، و رشد فرهنگی و اعتقادی توأم با عدالت و رفاه اجتماعی، و به زیباترین و انسانی‌ترین شکل ممکن خود را به دور از نفوذ و تسلط جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان خواهند داشت، دنیایی که همه فرهنگ‌ها، ادیان، عقاید و ملت‌ها با حفظ اصالت‌ها و تفاوت‌های خود در حد استاندارد و ایده‌آل خود خواهند درخشید.

با پذیرش اصول پنج‌گانه استاندارد هیومنیزم و تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد، زندگی انسانی وارد دنیایی جدید با ماهیت و طبیعت متفاوتی خواهد شد، که بشر جهش‌های شگفت‌انگیز و تغییرات و اصلاحات شایسته زندگی خود را در هزاره سوم به گونه‌ای هیجان‌انگیز و موفق در تمامی زمینه‌های سیاسی، دینی، فرهنگی، علمی و اقتصادی تجربه خواهد کرد و به اهداف برتری خواهد اندیشید!

فلسفه و تفکر انسان استاندارد

بخش دوم فلسفه و تفکر انسان استاندارد (استانداردهیومنیزم)

استانداردهیومنیزم تفکر جدیدی بر مبنای احترام به عقاید یکدیگر است، با هدف زندگی بین‌المللی بر مبنای صلح و اتحاد بین‌المللی انسانی.

این تفکر دو بخش عمده و اصلی دارد:

- ۱/ فلسفه و اصول اتحاد انسانی و انسان استاندارد بودن (که در بخش سوم از مراحل و سطوح زندگی بشر به آن می‌پردازیم).
- ۲/ مدیریت جدید جهانی از طریق سیستم جدید جامعه جهانی انسان استاندارد (که در بخش چهارم از مراحل و سطوح زندگی بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد).

استانداردهیومنیزم تفکر جدیدی بر مبنای احترام به شخصیت، فرهنگ، دانش، نژاد، ملیت، زبان، تفکر، دین، هویت و عقاید یکدیگر است؛ عقاید در زندگی انسان‌ها نقش اساسی و عظیمی را بازی می‌کنند؛ عقیده به فرد و جامعه هویت و شخصیت می‌دهد، هویت و شخصیتی که با

آن زندگی خود را شکل می‌دهد و می‌سازد؛ انسان‌ها در دفاع از عقیده خود حتی جان خود را فدا و قربانی می‌کنند.

از نقطه نظر نگاه کلی جهانی، بین بدست آوردن عقیده و نگه داشتن آن تفاوت عظیمی وجود دارد! بدست آوردن عقیده در جوامع بشری به استثنای آن بخش روشن‌اندیش و حقیقت‌جو (که از طریق مطالعه و تحقیق و در حد توان خود به عقیده برتر و تفکر برتر در زندگی خود می‌رسند) معمولاً بیشتر ارثی و خانوادگی است! انسان‌ها معمولاً با عقیده خود در خانواده و جامعه خود، بدون مطالعه و یا حق انتخاب، و کاملاً تصادفی دنیا می‌آیند و زندگی می‌کنند، اما زمانیکه بحث دفاع از عقیده پیش می‌آید چنان از آن دفاع می‌کنند که انگار از دست دادن آن مساوی است با از دست دادن همه هویت انسانی و اعتبار اجتماعی و حتی زندگی‌شان؛ ... به دلیل اهمیت عقیده در زندگی بشر، بیشترین چالش‌های زندگی انسان در این بخش شکل می‌گیرد! چه در بخش عقاید و تفکرات دینی، و چه در بخش عقاید و تفکرات سیاسی، فرهنگی، قومی و غیره.

بخش دوم شعار استانداردهیومنیزم تأکید بر زندگی بین‌المللی بر مبنای صلح و اتحاد بین‌المللی انسانی دارد؛ طبیعی است زمانیکه بشر از مرحله تنش‌های جاهلانه، خودخواهانه و برتری‌جویانه عقیدتی و سیاسی نجات پیدا کرد به مرحله‌ای از رشد و شعور و آگاهی می‌رسد که حق زندگی کردن دیگران با عقاید متفاوت‌شان در این جهان را نیز محترم می‌شمارد؛ این آگاهی به او این فرصت را می‌دهد تا از تنش‌های عقیدتی و سیاسی نجات پیدا کرده و زندگی صلح‌آمیز خود را آغاز کند؛ در این مرحله بشر این فرصت را می‌یابد تا با طراحی و مدیریتی جدید

به زندگی خود سامانی انسانی دهد؛ در این بخش *استانداردهیومنیزم* سیستمی جهانی ارائه می‌دهد که شرایط ایده‌آل زندگی انسانی توأم با تفاهم و همکاری و صلح جهانی را به ارمغان می‌آورد.

در بحث بررسی "عقیده" فاکتورهای خاصی مورد توجه و قابل ارزیابی است:

۱/ عقاید انسانی معمولاً به شکل قوانین و اصول حاکم بر ادیان و یا سیستم‌های سیاسی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی، قومی و ... بروز پیدا می‌کنند، و همگی بدون استثناء مدعی ارایهٔ بهترین راه‌کار حل مسایل بشری و هدایت آن به سمت زندگی کامل و ایده‌آل انسانی می‌باشند!

۲/ عقاید مختلف، تفکر و فلسفه، و اصول صحیح و انسان‌ساز و جامعه‌ساز خود را برتر از عقاید دیگر می‌دانند، و در دفاع از عقیدهٔ خود از بحث و گفتگو گرفته تا جنگ و کشتار پیش می‌روند!

از دید مثبت- پیروان عقاید مختلف چون به این تصور و یا نتیجه رسیده‌اند که عقیده و اصول و قوانین انسان‌ساز و جامعه‌ساز آنها برتر و بهتر از عقاید دیگران است، در نتیجه از روی خیرخواهی و انسان دوستی سعی در تبلیغ عقیدهٔ خود و متقاعد کردن دیگران در پذیرش آن دارند، و به منظور اینکه دیگران را از فواید و ارزش‌های عقیدهٔ خود بهره‌مند سازند گاهی در تبلیغ و ارایهٔ سودمندی‌های عقیدهٔ خود غلو هم می‌کنند! البته از روی خیرخواهی و انسان دوستی، تا عقیدهٔ خود را بهتر جلوه دهند و دیگران را مشتاق و متقاعد به پذیرش آن گردانند.

از نگاه منفی- پیروان عقاید مختلف به دلیل حس برتری‌جویی و تسلط بر دیگران، در تبلیغ عقیدهٔ خود به بحث و اصرار و پافشاری، و

در موارد حادّ آن به نزاع و جنگ و کشتار متوسل می‌شوند! چون به دلیل تعصب و خودخواهی و قدرت‌طلبی، و در نهایت ارضای خوی وحشی‌گری نفسانی خود نمی‌توانند جایی برای دیگران در این جهان تصور کنند! آنها می‌خواهند با وسیله قرار دادن عقیده خود به سلطه همه جانبه عقیدتی و سیاسی و جهانی برسند و همه چیز جهان را مال خود کنند، چون خود را از همه برتر می‌بینند و می‌خواهند قدرت حاکم بر جهان فقط خود آنها باشند؛ آنها از همان عقیده‌ای که بطور تصادفی و ارثی و خانوادگی بدست آورده‌اند تا پای جان خود دفاع می‌کنند، چون با از دست دادن آن بی‌هویت و اسیر می‌شوند؛ در نتیجه از آن دفاع می‌کنند و بخاطر آن می‌جنگند تا دیگران را اسیر کنند و تحت سلطه خود در آورند و بر آنها حکومت - و ظلم - کنند!

تسلط و قدرت‌طلبی سیاسی و اجتماعی بوسیله عقاید بزرگترین چالش تاریخ زندگی بشر بوده است که امکان ایجاد یک زندگی سالم انسانی را از بین برده و نزاع و خشونت و درگیری را جایگزین آن کرده است؛ در این ارتباط، پیروان قدرت‌طلب و زیاده‌خواه، نهایت سعی خود را بکار برده و می‌برند تا هم‌زمان با ترویج عقیده خود، با بکارگیری انواع شیوه‌های مثبت و منفی، عقیده طرف مقابل و یا دیگر عقاید را تضعیف نموده و آنها را غیرحقیقی، ناکارآمد و یا حتی گمراه کننده به شمار آورند!

۳/ از آنجایی که مقوله‌های قدرت، ثروت و شهرت از پتانسیل تمرکز انرژی‌های منفی در حد وسیعی برخوردار هستند، روحیه خودخواهی گروهی از انسان‌ها از این طریق قویاً تحریک شده و به منظور رسیدن به این اهداف (قدرت، ثروت و شهرت) دست به هر

اقدام غیرانسانی می‌زنند تا بتوانند به تسلط بر دیگران دست یافته و حکومت و فرمانروایی کنند، و هرچه بیشتر حرص و طمع و زیاده‌خواهی خود را ارضاء گردانند؛ به همین دلیل، قدرت‌طلبان آنچه بتوانند از حيله و مکر و دشمنی و نفاق و اعمال غیرانسانی انجام می‌دهند تا به وضعیتی برسند که بر اوضاع جهان خود مسلط گردند؛ آنها در این راه حتی حاضر به خالی گذاشتن هیچ فضایی برای دیگران نیستند، تا دیگران هم بتوانند به دنیای خود پردازند؛ و چون این حرص و طمع، ذاتی جهان بشری است در نتیجه اینگونه افراد قدرت‌طلب در همه جوامع و در بین طرفداران تمامی عقاید جهان - کم و بیش - وجود دارند و دائماً در تلاش هستند تا با وسیله قرار دادن هر چیزی و از همه مهم‌تر عقاید و اندیشه‌های پاک و خالص بشری به برتری بر دیگران برسند! این برتری‌جویی موجب تنش دائمی بین طرفداران عقاید مختلف در طول تاریخ زندگی بشر بوده است و زندگی صلح‌آمیز انسانی را از طریق عقاید و اندیشه‌های خالص بشری به رؤیایی دست‌نیافتنی تبدیل نموده است.

۴/ عقاید بشری در طول تاریخ زندگی بشر به دلیل نفوذ نیروهای منفی و قدرت‌طلب، و خودخواهی و تمامیت‌خواهی آنها هرگز نتوانسته‌اند به شکل شایسته و ایده‌آل خود متجلی شوند، مگر در دوران‌های محدود و در مکان‌های محدود؛ در واقع عقاید والای بشری وسیله‌ای شده‌اند در دست قدرت‌طلبان، زورگویان و جاهلان پیرو آنها؛ قدرت‌طلبان و خودخواهان عقاید را وسیله‌ای در جهت سلطه بر دیگران بکار برده‌اند، بنابراین خلوص آنها را از بین برده و آنها را آمیخته و لوده به انواع جهل و خرافه نموده‌اند تا از این طریق با ایجاد تفرقه -

در میان افکار پیروان صادق آنها - عقاید را تضعیف کرده و بتوانند از آن موقعیت گل آلود بهره برده و سلطه خود را بگسترانند؛ فرقه فرقه شدن عقاید چیزی نیست جز تلاش در نابودی و یا بی اثر کردن آنها

۱۵ / در بحث دفاع از عقیده، آن بخش از پیروان صادق عقاید که از عقیده خود در جهت برقراری جامعه سالم و محدود انسانی خود و بدون تفکرات قدرت طلبانه بهره می گیرند و جز اهداف صلح آمیز و زندگی شایسته انسانی چیز دیگری را هدف خود قرار نداده و نمی دهند، در برابر دفاع از عقیده خود - و نه از زاویه تهاجم به عقاید دیگران - جان خود را خالصانه فدا می کنند؛ این گروه، انسان های پاک و شایسته ای هستند که سعادت و صلح بشر را خواهان و جویا بوده اند.

عقاید بهترین دستاوردهای زندگی بشری هستند؛ عقاید قانون و نظم و هویت جوامع بشری هستند، چه آنها که ریشه مستقیم الهی دارند و چه آنها که حاصل تفکر و تعقل، و اندیشه انسان های بشر دوست، صلح طلب و عدالت جو می باشند؛ زندگی انسان بدون اندیشه و قانون مساوی است با زندگی حیوانی! تمامی عقاید بشری در بُرهه های زمانی خاص و طی مراحل و ضرورت خاص حاکم بر زمان و مکان خود شکل گرفته و هویت پیدا کرده و بوجود آمده اند، در نتیجه تمامی آنها منطقی و محترم هستند؛ عقاید محترم هستند چون در شرایط خاصی بشر را از بی قانونی و هرج و مرج نجات داده اند؛ هر عقیده ضرورت زمان خود بوده و می بایست قویاً محترم و معتبر قلمداد شود، و پیروان آن نیز محترم و معتبر، در نتیجه بحث برتری جویی با هدف سلطه خود خواهانه هیچگونه اعتبار انسانی ندارد.

از آنجایی که عقاید بر طبق شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی هر منطقه، و موقعیت جغرافیایی آن شکل می‌گیرند و هویت پیدا می‌کنند در نتیجه نمی‌توان متصور بود که یک عقیده به شکل موفق کل جهان را با تنوع بی‌شمار سلاقی، آداب و رسوم، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف آن تحت پوشش خود قرار دهد، و همه بشر را منطقی از عقاید خود منصرف نموده و معتقد به خود کند؛ در بحث تغییر دین و عقیده و سیاست نیز تنها یک منطق پذیرفتنی و معقول می‌باشد، و آن این است که خود شخص و یا اشخاص با بررسی منطقی و عاقلانه، و بدور از تنش و فشارهای محیط خود به این نتیجه برسند که عقیده و سیاست دیگر برتر و بهتر است و در نتیجه آن را انتخاب کنند.

قدرت‌طلبی خودخواهان و ظالمان، به همراهی و طرفداری و حمایت جاهلان از آنها زندگی بشر را تیره و او را خسته و عده‌ای را هم از داشتن عقیده منزجر کرده و فراری داده است! آیا این خودخواهان و قدرت‌طلبان و جاهلان پیرو آنها چه کسانی هستند که تاریخ بشر را تیره و سعادت و صلح بشری را دست‌نیافتنی کرده‌اند! برای شناخت آنها لازم است که ابتدا مراحل و سطوح زندگی بشر و طبیعت جهان بشری مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

مراحل و سطوح زندگی بشر

بشر از ابتدای پیدایش و زندگی خود بر روی این کرهٔ خاکی همواره و هم‌زمان در دو سطح و دو لایه، و یا بهتر بگوییم در دو دنیا زندگی کرده است، که عبارتند از:

۱/ مرحله و دنیای واقعی زندگی بشر – که شامل زندگی بشر در تمامی دوران‌ها و اعصار تاریخ خود بر روی کرهٔ زمین با تمامی پستی و بلندی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها، تنوع حکومت‌ها و فرهنگ‌هایش می‌باشد

۲/ مرحله و دنیای رؤیایی زندگی بشر – که در اثر رنج و ظلمی که در این جهان خاکی و در عالم واقعیت متحمل شده و می‌شود برای خود به شکلی ایده‌آل و رؤیایی می‌سازد و هم‌زمان با زندگی‌اش در عالم واقعیت در آن رؤیا غوطه می‌خورد و زندگی می‌کند

این دو مرحله، واقعیت و حقیقت زندگی بشر هستند؛ بشر از بدو پیدایش خود در این کرهٔ خاکی، همواره در این دو مرحله و سطح زندگی و سیر کرده و روزگار تلخ و شیرین خود را گذرانده است!

مراحل سوم و چهارمی نیز وجود دارند که فلسفه و تفکر انسان استاندارد به عنوان راه‌حل نجات بشر از ناکارآمدی‌های فعلی جهان ارائه و پیشنهاد می‌کند، و در ادامهٔ بحث مراحل و سطوح زندگی بشر به آنها خواهیم پرداخت! مراحل و سطوح سوم و چهارم، انسان را از این چرخهٔ ناکارآمد عظیم و پوسیده، و پُر جهل و ضعف و بی‌لیاقتی، و قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی موجود نجات داده و زندگی واقعی در شأن انسان را برای او به شیوه‌ای ساده و روشن، و عملی هموار خواهند نمود.

مرحله و سطح اول
دنیای واقعی زندگی بشر

۱/ مرحله و سطح اول، دنیای واقعی زندگی بشر!

چه کسی می‌تواند جنگ‌ها و ظلم‌های تاریخی، که در جهت حفظ منافع معدودی زندگی بشر را تیره و تار کرده است را منکر شود؟! تاریخ همیشه شاهد رنج بشر و سلطه خودخواهان و ظالمان بوده است که با هر وسیله‌ای سعی نموده‌اند تا بر زندگی انسان‌ها حاکم شوند و آنها را از داشتن یک زندگی پاک و سالم انسانی محروم سازند! آن قدرت‌طلبی و خودخواهی تاریخی اکنون نیز وجود دارد و ما به خوبی شاهدیم و در عالم واقعیت می‌بینیم که در روزگار مدرن کنونی ما نیز نقاط بسیاری از جهان همچنان تحت سلطه و ظلم عده‌ای زورگو و قدرت‌طلب - چه در قالب قدرت‌های بزرگ و چه از طریق گروه‌هایی که به خود این حق غیرانسانی را می‌دهند که برای دیگران تصمیم بگیرند - می‌باشد؛ آنها به سادگی به خود این حق را می‌دهند که انسان‌های بی‌گناه را بکشند و خود را مصلحان جهان معرفی کنند! ... شاید جهان امروز ما بیش از گذشته شاهد قدرت‌طلبی و ظلم است؛

بشر همیشه و بطور مستمر در رنج و ناامنی زندگی کرده است و هرگز نتوانسته جهان امن و شایسته و با ثباتی برای خود بسازد!

بشر از بدو پیدایش و زندگی خود بر روی این کره خاکی مسیر عظیمی را پیموده است، و مرحله به مرحله با افکار دانشمندان، فلاسفه، پیامبران و همچنین تحمل دشواری‌های بسیار پیشرفت اجتماعی خود را رقم زده تا به دوران رشد کنونی در همه عرصه‌های زندگی خود رسیده است؛ بشر دوران تاریک و روشن زیادی را سپری کرده تا به امروز رسیده، اما مشکلات اصلی زندگی او با توجه به پیشرفت‌های عظیمش همچنان لاینحل مانده و بلکه اشکال بسیار خطرناک‌تر و وسیع‌تری به خود گرفته‌اند! مشکلاتی همچون خطر جنگ‌های شیمیایی و اتمی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه ... و از همه بدتر قدرت طلبی دولت‌های بزرگ و همچنین عدالت‌خواهی جاهلانه گروه‌های کوچک از طریق ترور و وحشت و کشتار، که وضعیت جهان را به سمت خودکامگی و هرج و مرج کشانده است!

در عرصه سیاسی، تنها در یکصد سال گذشته بشر شاهد دو جنگ فجیع جهانی بوده! که هدفی جز سلطه و قدرت طلبی به دنبال نداشته است؛ همانطور که در قرون گذشته نیز به دنبال قدرت طلبی و سلطه بر جهان انسان‌ها هزاران جنگ بزرگ و کوچک به راه انداخته است؛ پس بنابراین ظالمان و قدرت‌طلبان از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا بر جهان حاکم شوند؛ هر چند پس از پایان جنگ جهانی اول، کشورهای جهان به این دانش دست یافتند تا با تأسیس تشکیلات بین‌المللی - حافظ صلح جهانی - خطر رخ دادن جنگ دیگری را خنثی نمایند، اما پس از گذشت مدتی کوتاه جنگ عظیم دیگری رخ داد که حکایت از ناتوانی بشر در

کنترل و مهار آن داشت؛ پس از آن، تشکیلات جدیدتر و قدرتمندتری تأسیس گردید، اما از آنجایی که آن تشکیلات نیز ضعف‌های خود را دارد نتوانست مانع جنگ سرد و جبهه‌گیری عظیم و بی‌سابقه جهانی دو بلوک غرب و شرق گردد، که اگر آن تنش عظیم سیاسی و نظامی، و قدرت‌طلبی و برتری‌جویی جهانی به جنگ واقعی می‌انجامید، با توجه به وجود زرادخانه‌های اتمی دو جناح، جهان به سمت نابودی کامل سوق پیدا می‌کرد؛ خطری که همچنان و به‌گونه‌ای دیگر و با تهدیدات تروریستی وجود دارد! ...

در طول تاریخ، و هر زمان که یک امپراطوری شکل گرفته است، به دلیل ظلم و نادیده گرفتن حق بخش عظیمی از بشر، اعتراضات عدالت‌خواهانه‌ای را شکل داده که موجب براندازی آن امپراطوری به ظاهر ابدی شده است! و از آنجایی که قدرت با غرور و زیاده‌خواهی و ظلم همراه است، در نتیجه هرگز گروه‌های بعدی که امپراطوری‌های بعدی را ساخته و بوجود آورده‌اند نیز از اشتباهات گذشتگان درس نگرفته و مانند گذشتگان در جهت دستیابی به اهداف‌شان ظلم را پیشه رفتار و اعمال خود نموده‌اند، در نتیجه روحیه عدالت‌خواهی نیز مجدداً رخ نموده و از آنجایی که راستی و عدالت برتر است، همیشه ظالمان سرنگون گشته‌اند، اما افسوس که ظالمان هرگز اصلاح نمی‌شوند و در هر فرصتی حاکم بر سرنوشت انسان‌ها می‌گردند و ظلم دیگری را رقم می‌زنند؛ البته قرار هم نیست که شیطان جهل و زیاده‌خواهی دست از سر انسان بردارد؛ در نتیجه این ماجرای ظلم و بدنبال آن عدالت‌خواهی همیشه ادامه خواهد داشت، و در زمان ما نیز ادامه دارد، و دور نیست که اَبَر‌قدرت‌های

کنونی نیز پس از رویارویی با اعتراضات عدالت خواهانه جهانی (خوشبختانه و یا متأسفانه) سرنگون گردند؛ ...

دستاوردهای مثبت قدرت‌های بزرگ بسیار با ارزش است و سزاوار نیست که فدای ظلم و زیاده‌خواهی آنان گردد؛ اگر کمی به حقوق انسان‌های دیگر نیز به شکلی واقع‌بینانه بیندیشند شاید از ظلم آنها کمی کاسته شود و عدالت برقرار گردد؛ هرچند جامعه جهانی می‌بایست مراقب باشد که در لابلای اعتراضات عدالت‌جویانه، گروه‌هایی نیز هستند که با اعتراضات و اقدامات تروریستی‌شان بدنبال تسلط بر دیگران می‌باشند؛ این وضعیت شرایطی را بر جهان بشری حاکم کرده است که قانون حاکم بر آن بیشتر به **قانون جنگل** شبیه باشد! ...

این وضعیت (ازلی و ابدی) بشر در مرحله و سطح اول زندگی‌اش است، و طبق شرایط موجود و تا زمانی که طبق **قانون جنگل** زندگی می‌کند هرگز از آن‌رهایی نخواهد یافت و همچنان شاهد ظلم و بی‌توجهی به حقوق دیگران و در نتیجه عدالت‌خواهی گروه‌های بشری و در نهایت نابودی قدرت‌های بزرگ خواهد بود.

در این فضای ظلم و بی‌عدالتی، و پر از هرج و مرج و بی‌قانونی، در طول تاریخ بشر و در هر مقطعی از زمان، دین و آیین و فلسفه و تفکری ظهور کرده تا به حکمرانان و ظالمان بفهماند که عدالت را برقرار کنید، تا رستگار و سعادت‌مند گردید و بتوانید زندگی شایسته و ایده‌آل انسانی داشته باشید، و از لذت یک زندگی آرام انسانی برخوردار گردید؛ ادیان و آیین‌ها و عقاید پاک و سالم بشری نهایت سعی خود را بکار برده‌اند تا هرکدام در مقطعی از زمان و در شرایط مکانی و فرهنگی خاصی، و با زبان حال مردم همان دوره آنها را هدایت کنند، و بهترین

راه را بر طبق شرایطشان به آنان نشان دهند، برخی هدایت شدند و برخی در گمراهی ماندند، اما بشر هرگز نتوانست بر اوضاع جهان خود مسلط شود و با وجود ظالمان و قدرت طلبان جهان خود را اصلاح کند. به هر حال در این تلاطم و تقابل، و در این جنگ دائمی نور و ظلمت، عدالت خواهی و ظلم، جنگ و صلح ... بشر به ناچار به زندگی خود ادامه داده است، و با ابداع فرهنگ و آداب و رسوم زیبای خود سرگرم زندگی اش شده است، هر چند نفوذ جهل شیطانی در اینجا نیز آداب و رسوم رنگارنگ و شاد زندگی او را آلوده به خرافات کرده و از خلوص و زیبایی انداخته است! جهل و سلطه شیطانی در عرصه علم و دانش نیز وارد شده است و با فقیر نگه داشتن بشر از طریق تصاحب ثروت او، جهان او را در تاریکی جهل زندانی کرده و بشر را تبدیل کرده است به اسیر دربند خود، تا هر چه می تواند به او ظلم کند! ... چون شیطان جهل دشمن انسان است، و به شعور، عقل، روحانیت، خلوص، پاکی و آرامش او حسادت می ورزد، چون تیرگی دشمن نور است، و چون جهل رقیب و دشمن و ضد عقل است.

این وضعیت تلخ و شوم، واقعیت زندگی بشر است، و هرگز از آن رهایی نیافته و نمی یابد مگر با توجه به آنچه که همه ادیان و عقاید بشری توسط پیامبران، دانشمندان و فلاسفه به او گوشزد نموده اند، و آن چیزی نیست جز اتحاد انسانی در برابر ظلم و زیاده خواهی و جهل شیطانی؛ و تنها از طریق یک ارگان مسؤول و عظیم و قدرتمند جهانی که توسط همه جهان، و به نفع همه جهان ایجاد و برقرار گردد، در غیر اینصورت این چرخه همچنان ادامه خواهد داشت.

بشر باید با حل مشکلاتش و با مدیریت صحیح جهان خود افق‌های عظیم‌تری را برای خود ببیند و رقم بزند! زندگی شاد و سالم توأم با سلامت مادی و معنوی ارزش بیشتری دارد تا دست و پا زدن‌های بی‌ثمر و خانه‌مان‌برانداز و بی‌حاصل کنونی، هنوز افق‌های مادی و معنوی بی‌شماری برای بشریت متصور و دست‌یافتنی است و شایسته نیست که بشر در وضعیت پُرمشکلی که برای خود درست کرده باقی بماند و خود و آیندگان خود را از زندگی پویای انسانی و قابل دست‌یافت محروم بدارد.

در بررسی اینکه چرا جهان انسان‌ها از ابتدا و تاکنون درگیر ظلم، قدرت‌طلبی، زیاده‌خواهی، جنگ و کشتار، و تحمیل دین و عقیده و تفکر خود به هر روش انسانی و غیرانسانی بوده و هرگز نتوانسته است خود را از این چرخه ناکارآمد ازلی و ابدی نجات دهد، به بررسی و تحلیل استاندارد هیومنیزم از طبیعت و سرشت بشر می‌پردازیم.

طبیعت بشر

بررسی طبیعت بشر از دو منظر قابل توجه است، نخست از زاویه نگاه کلی به شخصیت و طبیعت جهان بشری، و دوم از زاویه نگاه و بررسی و تجزیه و تحلیل شخصیت و طبیعت تک تک افراد بشر.

شخصیت و طبیعت جهان بشری

بر طبق فلسفه و جهان بینی و تفکر انسان استاندارد، بشر (بطور کلی) در طول تاریخ و همیشه، و در همه دورانها مظلوم بوده و ساده و سالم زندگی کرده است؛ ۷۰ درصد مردم جهان همیشه خوب بوده‌اند (این یک آمار کلی و سمبولیک است)؛ انسان‌هایی شریف، سالم، زحمتکش و صادق؛ زن‌ها، مردها، کودکان، دختران و پسران؛ و خانواده‌های خوب، صمیمی و سالم؛ دوستان و همسایگان و...؛ این گروه، گروه خوبانند، خوبان زحمتکش، صلح‌طلب، صادق و بشردوست که در هر شرایطی به هم‌نوع خود احترام می‌گذارند و حق زندگی همه انسان‌ها را برابر و محترم می‌شمارند؛ همه خیر و نیکی، و اعمال صالح و انسانی حاصل رفتار و اعمال این گروه از بشر است؛ این‌ها همان‌هایی هستند که لایق و شایسته بهترین‌ها هستند، چون خود نیز با اعمال خود بهترین‌های انسانی را بوجود می‌آورند؛ آنچه معنی انسانیت، عقل، منطق و قانون می‌دهد حاصل تفکر و عمل این گروه از بشر است؛ تراوشات ذهن و قلب و روح آنها جز روشنی، خیر، فهم، عدالت و عقل نیست؛ آنها همه صفات خوب و ایده‌آل بشری را دارند و جز خوبی، صلح، آرامش،

سعادت، و رشد و ترقی مثبت جهان بشری به چیزی نمی‌اندیشند؛ تمام معنویت، نورانیت، صلح، صفا و پاکی ادیان و عقاید بشری از طریق عقل، قلب و روح این گروه دیده شده و معنی پیدا کرده است؛ تمامی دست‌آوردهای بشر در زمینه علم و سیاست و جلوه‌های زیبای فرهنگی، و همچنین رشد و توسعه، رونق و رفاه اقتصادی و اجتماعی و غیره حاصل عقل و دانش و عمل این گروه از انسان‌ها است؛ اگر جهان همچنان با وجود مشکلات فراوان توانسته ثبات خود را حفظ کند، حاصل تدبیر، اندیشه، مدیریت، سیاست و عقیده این گروه از انسان‌های شایسته و مثبت، سالم، صادق و انسان‌دوست است ...

در مقابل این گروه از انسان‌های شایسته، حق‌طلب، بشردوست و صادق و راستگو، گروه دیگری نیز وجود دارند؛ آنها گروهی هستند که ۱۰ درصد جمعیت بشر را اشغال کرده‌اند! (این یک آمار کلی و سمبولیک است)؛ ۱۰ درصد بشر همان‌هایی هستند که قلب و روح و ذهن‌شان مکان همه بدی‌ها، تاریکی‌ها، شومی‌ها، تلخی‌ها، و خودخواهی‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌هاست؛ این گروه منفی همان‌هایی هستند که حرص مال و قدرت و شهرت (شهرت سیاسی و قدرت‌طلبانه) دارند و می‌خواهند همه چیز را مال خود کنند! این گروه شوم، جاهل، قدرت‌طلب و زیاده‌خواه هیچ حدی را برای خود و در مسیر ارضای تمایلات شوم و حیوانی خود نمی‌شناسند! و در مسیر رسیدن به قدرت و ثروت و شهرت دست به هر اقدامی می‌زنند، از دروغ و مکر و حيله و خشونت گرفته تا قتل و کشتار و ظلم و هر اقدام سیاه دیگر! این گروه در همه جای زمین پراکنده هستند و مشغول انجام هر نوع عمل کوچک و بزرگ ظالمانه و جاهلانه! حیطة عمل آنها

بسیار وسیع و پیچیده است، از بداخلاقی و ظلم به زنان و کودکان و دختران و پسران گرفته تا پرداخت نکردن حقوق و دستمزد کارگران و زحمت کشان، و یا تصدی مناصبی که لیاقت و شایستگی مدیریت آن را ندارند و در نتیجه با ضعف مدیریت خود باعث عقب افتادگی جوامع خود می شوند، و یا شرارت و سرکشی و ترور و وحشت، و یا سرپیچی از قانون، و یا گران فروشی و کم فروشی، و یا ...؛ آنها با هزاران عمل کوچک و بزرگ غیرانسانی خود هدفی را دنبال می کنند که آن چیزی نیست جز دشمنی با بشر و بشریت! اگر از آنها بخواهی که به مستمندی کمک کنند طوری نفَس شان بند می آید که انگار کسی دارد جان شان را می گیرد، چون می دانند که اگر مشکل انسانی برطرف شد در نتیجه شاد می گردد و آنها نمی خواهند این شادی را ببینند، چون هدف آنها شادی مردم نیست بلکه رنج مردم است؛ آنها اگر میلیاردها ثروت هم داشته باشند باز می بینی که به کسی کمکی نمی کنند چون کمک کردن شیوه انسان ها است و آنها انسان نیستند ...

این گروه شوم گروهی منفی هستند، پس ۱۰ درصد منفی دشمن ۷۰ درصد مثبت است! این گروه شوم گروهی جاهل هستند، پس جهل و نادانی دشمن عقل و دانایی است؛ این گروه شوم گروهی نادرست هستند، پس نادرستی و ناراستی دشمن راستی و درستی است؛ این گروه شوم گروهی دروغگو هستند، پس دروغگویی و فریب دشمن صداقت و راستگویی است؛ این گروه شوم گروهی شیطانی هستند، پس تیرگی شیطانی دشمن سعادت انسانی است؛ ... بنابراین پُر واضح است که در طول تمام تاریخ به دشمنی با صلح و ثبات، آرامش، دین، سیاست، فرهنگ، علم، اقتصاد و معیشت بشر پردازند، و با تسلط و تصاحب

همه این امور امکان بهره‌مندی بشر از امکانات و نعمت‌های به حق او را از او سلب گردانند!

این گروه منفی و شوم دشمن بشریت، و صلح و شادی و سعادت او هستند، و به هر وسیله، فکر، ترفند و عملی سعی می‌کنند که بشر را برنجانند و آزار دهند! آنها به هیچ آیین و مرام و قانونی پایبند و معتقد نیستند! آنها با هر روش ممکن و غیراخلاقی و غیرقانونی بر همه داشته‌ها و امکانات انسانی چنگ می‌اندازند تا با گسترش سلطه خود زمینه‌های رنج و ظلم بیشتری را بر بشر فراهم کنند؛ آنها بر ادیان تسلط پیدا می‌کنند و با ایجاد تفرقه در بین پیروان صادق آنها دشمنی را جایگزین دوستی میان آنان می‌کنند! آنها بر سیاست‌ها و احزاب سلطه پیدا می‌کنند تا حزب خود را پیروز گردانند، و با سلطه بر منابع قدرت و ثروت جوامع خود راه‌های ظلم بیشتر به انسان‌ها را فراهم کنند! آنها بر منابع ثروت جهان چنگ می‌اندازند تا با انباشت آن در ذخایر خود بشر را فقیر و محروم کرده و رنج دهند! آنها آیین‌های جاهلانه را وارد فرهنگ‌های زیبا و شاد انسانی می‌کنند تا بشر را به خرافه و عقب ماندگی ذهنی بکشانند! ... همه چیز این جهان وسیله‌ای است در چنگ آنها تا از طریق آن به دشمنی خود با بشریت ادامه دهند و او را از صلح و سعادت انسانی‌اش بازدارند؛ این گروه شوم و شیطانی دشمن بشریت هستند و هزاران سال است که نگذاشته‌اند بشر به آنچه که شایسته آن است برسد؛ این گروه شوم شیطانی به دلیل تسلط خود بر داشته‌های بشر، کنترل جهان انسان‌ها را در دست دارند، و ۷۰ درصد خوب و سالم همیشه مغبون آنها بوده و هرگز نتوانسته‌اند در چنین وضعیتی خود را از سلطه آنها نجات داده و جهان را به ایده‌آل آن برسانند؛ ...

منظور از شیطان و ۱۰ درصد شیطانی، خوی حیوانیت مسلط بر افراد متعصب، جاهل، خودخواه، زیاده‌خواه و قدرت‌طلبی است که با تصاحب و سلطه بر تمامی داشته‌های انسانی موجب تفرقه، رنج و فقر، و گرفتاری و عقب‌ماندگی بشر می‌گردند؛ گسترش علم و دانش، و مدیریت قوی انسانی و همه‌جانبه جهان بشری از مهم‌ترین راه‌کارهای ریشه‌کنی سلطه و سیطره این جاهلان و زیاده‌خواهان قدرت‌طلب می‌باشد.

صفات منشعب از خوی حیوانیت نهفته و یا مسلط بر این افراد (۱۰ درصد شیطانی) به دو شاخه اصلی تقسیم می‌گردد: **شاخه اول** شامل تمامی نادانی‌ها ... و جهل و تعصبات و خرافات است، که بیشتر در افراد عامی شیطانی دیده می‌شود، و **شاخه دوم** شامل تمامی زیاده‌خواهی‌ها و خودخواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌های ظالمانه است، که بیشتر در حکمرانان و رهبران جوامع بشری دیده شده است؛ تلفیق این دو طیف متفاوت در یک مجموعه، اثری همچون اثر شکافت و انفجار هسته‌ای بر جوامع بشری می‌گذارد که بسیار خطرناک و نابودکننده است

در ادامه این بحث ۲۰ درصد باقی خواهد ماند؛ ۲۰ درصد باقی مانده حالت خنثی و کم‌رنگ دارند؛ آنها در هر شرایطی این آمادگی را دارند که متمایل به یکی از این دو دسته نیک و شر شوند و در صف و گروه آنان قرار گیرند! این ۲۰ درصد طبیعتاً پیرو هستند؛ زمانیکه شرایط مثبت حاکم باشد به سمت ۷۰ درصد مثبت گرایش پیدا می‌کنند، و زمانیکه شرایط منفی حاکم باشد به سمت ۱۰ درصد منفی گرایش پیدا کرده و به شکل جاهلان همراه، و سیاهی لشکر جبهه منفی شیطانی ظاهر می‌گردند؛

شخصیت و طبیعت افراد بشر

انسان موجودی ترکیبی است، ترکیبی از جسم و روح! و از زاویه نگاه فردی به شخصیت افراد بشر (بر طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد) در وجود هر انسان دو ویژگی عمده شخصیتی به علاوه دو انرژی حاکم قرار دارد که همگی ریشه در ذات و روح او دارند!

روح انسان ریشه در حقیقت مطلق جهان دارد، و در این بین دخالت نفس که ریشه در ذات خوی طبیعی حیوانیت نهفته در بشر دارد موجب می‌گردد تا صفات منشعب از آن خوی طبیعی حیوانیت (به شکل نادانی، زیاده‌خواهی، قدرت‌طلبی و ...) در مجموع باعث گردد دو ویژگی اصلی: ۱/ عقل و عواطف، و ۲/ جهل و ظلم، در انسان شکل گیرد؛ ...

در واقع هر آنچه که ریشه در حقیقت مطلق جهان دارد و از طریق روح انسانی در بشر جاری می‌گردد او را تبدیل به انسان می‌کند (با آراستن بشر به صفات انسانی) و هر آنچه که ریشه در خوی طبیعی حیوانیت نهفته و یا مسلط بر ذات این موجود (آدم) دارد - و به شکل طبیعی و بدون کنترل عقل و عواطف بروز پیدا می‌کند - او را در حد حیوان (با تمامی صفات غریزی و طبیعی که برای یک حیوان مانند نادانی، خشونت، قدرت‌طلبی و ... می‌توان متصور بود) نگه می‌دارد؛ ... در نتیجه از روح دو عنصر اصلی عقل و عواطف، و از خوی طبیعی حیوانیت نهفته و یا مسلط بر ذات بشر عنصر اصلی جهل ... منشعب می‌گردد، که هر کدام از اینها زیر مجموعه‌های فراوانی را شامل می‌گردند؛ ...

بنابراین این موجود (آدم) حیوانی است که به دلیل عقل و عواطف انسانی که در روح او نهفته شده است تبدیل به انسان شده است! بدون عقل و عواطف انسانی بشر تنها یک حیوان است که مانند دیگر موجودات

طبق سرشت و ذات حیوانی طبیعی خود زندگی می‌کند؛ ... بنابراین هرکجا که عقل و عواطف انسانی حاکم نباشد با حیوانی روبرو خواهیم بود که تا مرز جنون و وحشی‌گری و درنده‌خویی بسیار خطرناکی پیش می‌رود که هیچ حیوان دیگری را یارای رویارویی و مقابله با او نیست! و این *انسان بدون عقل و عاطفه همان است که استاندارد هیومنیسم از آن با نام "۱۰ درصد شیطانی" یاد می‌کند*

عقل در فضای سر قرار می‌گیرد، و عواطف و احساسات و خوبی‌ها در قلب و سینه؛ ... و روح اتصالی است از سرچشمه انرژی و حقیقت جهان تا به انسان جان دهد! ... همچنین وجدان نماینده حقیقت جهان است تا انسان را کمک کند و مراقبی باشد که راه صحیح خود را گم نکند؛ ... و هوش و استعداد و نبوغ هم مواهب متنوع و فراوان پروردگار جهان هستند تا از طریق آنها بهتر از عقل خود در مسیر ساختن زندگی زیبا و شایسته و کامل خود بهره برد؛ ... و فکر نیز دستور جلسه زندگی او را در هر مقطعی از زندگی‌اش پیش روی عقل قرار می‌دهد تا با برنامه و هدف زندگی خود را به پیش برد؛ ... و اراده تصمیمی است که با کمک انرژی‌های مثبت و یا منفی کار خود را به انجام می‌رساند؛ ... و حافظه نیز مخزنی است تا آموخته‌ها و دستاوردهای خود را تحت نظر و مراقبت داشته باشد؛ ... اما ذهن فضایی است که می‌بایست مانند هوای پاک و سالم عاری از هرگونه آلودگی باشد! تا زمانیکه عقل درست کار کند ذهن سالم خواهد بود ولی زمانیکه عقل عملکرد مستمر خود را درست انجام ندهد ذهن اکسیژن خود را از دست داده و بشر را تبدیل می‌کند به بیمار روحی با انواع تنبلی‌ها، افسردگی‌ها، خرافات، اوهام، نادانی‌ها و

دو ویژگی عمده شخصیتی عبارتند از:

- ۱- **عقل و عواطف**، شامل پنج ویژگی و پنج بخش اصلی است؛ در واقع از **عقل و عواطف** پنج ویژگی و پنج حقیقت اصلی و برتر زندگی منشعب می‌گردد، که عبارتند از: ۱/ مدیریت و سیاست. ۲/ دین و عقیده و باور. ۳/ فرهنگ و هنر. ۴/ علم و دانش. ۵/ اقتصاد و تجارت.
- ۲- **جهل**، شامل تمام بدی‌ها است، و در واقع هر چه بدی است در فضا و محدوده جهل قرار دارد که نتیجه آن نیز چیزی نیست جز رنج و ناراحتی انسان‌ها!

خوبی‌های عقلانی و عاطفی، پنج حقیقت برتر زندگی انسان را شامل

می‌شوند، که اهمیت هر کدام مساوی است با دیگری، و هرگز نباید و نمی‌توان نقش یکی را در مقابل دیگری تضعیف نمود و یا یکی را نسبت به دیگری برتر شمرد، که عدم تعادل بین آنها اثرات مخرب و منفی بر انرژی‌های مثبت حاکم بر زندگی انسان گذاشته و تعادل و سلامت زندگی انسانی را برهم می‌زند، و نتیجه آن عدم آرامش و صلح شایسته انسانی خواهد بود؛ همه آنچه که از عقل، منطق، دانش و عواطف تراوش می‌کند و حاصل تفکر و تعمقی انسانی و مثبت و به نفع بشریت و رضایت‌مندی صحیح و انسانی اوست جزو این پنج حقیقت برتر و انشعابات آنهاست؛ ... (این انشعابات در مرحله و سطح چهارم زندگی بشر توضیح داده خواهد شد).

هر آنچه که معنی خودخواهی، زیاده‌خواهی، قدرت‌طلبی، حرص و طمع و مال‌پرستی، دشمنی و ظلم و ستم، جهل و خرافه، قانون‌شکنی، خیانت، انکار حقیقت، گران‌فروشی و کم‌فروشی و ... می‌دهد و حاصل

آن ناراحتی و بی‌نظمی و رنجش بشر است، از بازتاب‌های جهل است؛ آنچه بدی به حساب می‌آید و باعث ظلم و رنج و از بین بردن و یا نادیده گرفتن حقوق انسان‌ها، و بی‌عدالتی در حق کودکان و دختران و زنان و پسران و مردان صادق و درستکار، و ظلم به بشریت و روح بشریت است، از بازتاب‌های جهل و در نهایت دشمنی با بشریت است، در نتیجه قویاً مطرود و منفور است؛ همهٔ سیاهی و رنج و درد و عقب ماندگی تاریخ بشر حاصل تراوشات جهل و نادانی است ...

دو انرژی حاکم بر انسان عبارتند از: ۱- انرژی مثبت، ۲- انرژی منفی.

۱- انرژی مثبت انسان را به سمت همهٔ خوبی‌ها می‌کشاند

۲- انرژی منفی انسان را به سمت همهٔ بدی‌ها می‌کشاند

در تعبیر و منطقی انرژی‌های مثبت و منفی و تأثیر آنها بر رفتار و اعمال بشر فلسفه‌ها و برداشت‌های متفاوتی از طریق ادیان و یا آیین‌های گوناگون بشری بیان شده است؛ آنچه که آشکار و مورد توافق است این است که این دو انرژی وجود خود را در واقعیت و حقیقت زندگی بشر بارها و بارها و به اشکال گوناگون به اثبات رسانده‌اند!

برای آنچه که خوبی است سرچشمه و منشأی وجود دارد، و برای آنچه که بدی است نیز منشأی! چه از یک منبع تغذیه شده و تراوش کنند و چه دو منبع متفاوت باشند! حتی اگر گروهی نیز وجود آن دو را نپذیرند و آن دو را اوهام بخوانند و انکار کنند، یقیناً نمی‌توانند وجود بدی و خوبی را منکر شوند، پس در نتیجه سرچشمه و منشأی می‌بایست برای آن دو قایل شد، چون وجود دارند و حقیقی و واقعی هستند و تأثیرگذار بر رفتار و اعمال انسان!

از جمله تعبیرات اصلی در منشاء همه خوبی‌ها و انرژی‌های مثبت جهان، پروردگار و خالق جهان و نیروی پدیدآورنده جهان هستی است، که همه درستی و راستی از آن سرچشمه می‌گیرد؛ و منشاء همه بدی‌ها و تیرگی‌ها و ظلم‌ها و دشمنی‌ها نیز شیطان جهل است، که به تعبیری خود را برتر از انسان به حساب آورده و در نتیجه با هر روش و وسیله‌ای سعی در ابراز دشمنی و رنج و آزار انسان دارد!

در جایی انرژی‌های مثبت (که در جوامع سالم و از طریق رفتار و اعمال انسان‌های مثبت جاری می‌شوند) انسان خوب را از انجام خطایی باز می‌دارند و به او کمک می‌کنند تا به خطا نیفتد، و یا به او مساعدت می‌کنند تا عمل خوبی را به پایان برساند؛ و در جایی دیگر انرژی و یا انرژی‌های منفی (از طریق فراگیر بودن جوئی منفی در مکان‌ها و محدوده‌هایی که تحت کنترل و سیطره ۱۰ درصد شیطانی است) انسان را به سمت خود می‌کشاند تا با ایجاد ذهنیتی منفی او را به خطا بیندازند و گرفتار کنند؛ انرژی‌های منفی ساطع شده از شیطان جهل! برخی از افراد ضعیف بشر را به سمت ظلم و بدی کشانده و اسباب تلخی و تیرگی زندگی انسانی را فراهم می‌آورند

درجات شخصیتی انسان

درصد قوت و ضعف پنج حقیقت و صفت و ویژگی برتر عقلانی و عاطفی در درون هر کدام از ما به علاوه ترکیب آن با صفات منفی منشعب از جهل مثل خودخواهی و زیاده‌طلبی و غیره طیف وسیعی از درجات شخصیتی انسانی را می‌سازند...؛ در این بین تلاش و اراده هر یک از ما در مسیر مثبت و عقل و انسانیت، حمایت و کمک انرژی‌های مثبت را در پی خواهد داشت، و همچنین سیر نزولی ما به سمت صفات منفی و جهل،

انرژی‌های منفی را به سمت ما متوجه کرده و ما را به سمت خود خواهند کشید و در تیرگی و گمراهی غرق خواهند نمود،

ترکیبات و تلفیقات صفات و ویژگی‌های منفی منشعب از جهل در عقل و قلب، و روح و جسم ۷۰ درصد مثبت هرچند بسیار ضعیف است، اما وجود آن و ترکیب آنها با صفات و ویژگی‌های منشعب از عقل و عواطف، طیف بسیار متنوع و بی‌شماری از شخصیت‌های انسانی را می‌سازد که باعث می‌گردد افراد بشر روحیات و توانایی‌ها و استعدادهای فراوان و متعدد و بی‌شماری پیدا کنند.

درصد قوت و ضعف، و ترکیب مجموعه متنوع صفات، ویژگی‌ها و توانایی‌های عقل و عواطف و جهل، و تأثیرات و فشارهای انرژی‌های مثبت و منفی در هر یک از ما باعث می‌گردد که برخی افراد بیشتر گرایش‌ات معنوی داشته باشند (در عین حالی که از گرایش‌ات دیگر نیز به اندازه‌های متفاوت اما ضعیف‌تری بهره‌مند خواهند بود) برخی بیشتر گرایش‌ات سیاسی و مدیریتی، برخی گرایش‌ات فرهنگی و یا علمی و یا اقتصادی (تجارت و کسب و کار) و ...؛ علت اینکه ۲۰ درصد بشر حالت خنثی داشته و در شرایط متفاوت به وضعیت حاکم گرایش پیدا می‌کنند این است که صفات عقل و عواطف و جهل در آنها کمرنگ‌تر است، در نتیجه موجب می‌گردد شخصیتی خنثی و پیرو داشته باشند!

در نهایت با توجه به تنوع ترکیبات و ویژگی‌های عقل و عواطف، و جهل؛ در عقل، قلب، روح و ذهن انسان‌ها، در میان انسان‌ها ۱۰ درصد آدم‌های زورگو، قدرت‌طلب، خودخواه، شرور و ظالم و جاهل وجود دارند که درصد اصلی و بخش اصلی عقل، قلب، روح و ذهن آنها توسط همه بدی‌ها اشغال شده است، هرچند درصدهای بسیار ضعیف و کمرنگ و بی‌اثری هم از صفات مثبت در آنها ممکن است وجود داشته باشد! و

۲۰ درصد از افراد بشر شخصیتی ضعیف و خستی و پیرو دارند! و ۷۰ درصد اصلی جهان بشری را انسان‌های خوب و مثبت تشکیل می‌دهند، که با توجه به اینکه ترکیبات بسیار متنوع شخصیتی دارند همگی آنها انسان‌های سالم، شایسته و مثبت‌اندیش هستند؛ هر چند به دلیل تلفیق درصد‌های ضعیفی از صفات منفی در شخصیت این افراد گه‌گاه خطاهایی در بین آنها نیز بروز کرده و دیده می‌شود، اما خطاهای آنها سطحی، و قابل گذشت و اصلاح است؛ تمامی انسان‌های خوب: زنان و مردان و دختران و پسران ... و کارمندان و کارگران و رؤسا و مدیران شایسته ... و نوابغ و دانشمندان و فلاسفه و پیامبران ... جزو این دسته و گروه هستند، از هر نژاد، ملیت، دین، مذهب، آیین، تفکر و کشوری که باشند، جزو گروه انسان‌های شایسته یک زندگی ایده‌آل انسانی بوده و با یکدیگر کاملاً مساوی و برابر می‌باشند، چون همگی *انسان* هستند.

(بحث درجات شخصیتی انسان را در کتاب *انسان استاندارد* شرح داده‌ام! اما بطور خلاصه قابل ذکر است که از نظر استاندارد هیومنیزم چهار گروه شخصیت انسانی قابل تشخیص می‌باشد: ۱/ انسان استاندارد متعالی؛ ۲/ انسان استاندارد اجتماعی؛ ۳/ انسان استاندارد روبه رشد؛ و ۴/ آدم درجه سه، و یا همان ۱۰ درصد شیطانی! ... سه گروه اول علی‌رغم هر نوع تفاوت و طبقه اجتماعی یا فرهنگی، و از هر دین و آیین و ملیتی بطور مطلق با یکدیگر مساوی و برابر هستند ... / ۱۰٪ شیطانی با پذیرش تفکر انسان استاندارد با دیگران برابر خواهند شد).

لیست اعمال صحیح و ناصحیح فردی و اجتماعی بشر

اعمال و رفتار صحیح و ناصحیح انسانی گسترده و متنوع بوده، و در فرهنگ‌های دینی، سیاسی و اجتماعی مختلف، تعبیرات و اشکال متفاوتی دارند (ص. ۲۶۳، ۲۶۴ و ۲۶۶/ *ارزش‌ها را ملاحظه فرمایید*)؛ شاید آرایه لیستی از مجموع آنها در یک صفحه و مبحث آسان نباشد، اما اطلاع از خلاصه‌ای از آنها خالی از لطف هم نیست؛ *این اعمال و رفتار عبارتند از:*

الف/ اعمال و رفتار صحیح انسانی:

پندار نیک؛ گفتار نیک، و کردار نیک (۱/ ادب و احترام ۲/ راستگویی ۳/ خوشرویی و خوش اخلاقی ۴/ روشن بینی و عقل ۵/ رعایت حق و انصاف و عدالت ۶/ احترام به قانون ۷/ صداقت و صمیمیت ۸/ همکاری و همراهی با دیگران ۹/ راستی و درستی ۱۰/ نظافت و پاکیزگی ۱۱/ شرم و حیاء ۱۲/ سخاوت و بخشش ۱۳/ نظم و انضباط ۱۴/ مطالعه و علم آموزی ۱۵/ پاکیزه نگه داشتن طبیعت ۱۶/ آسان گیری و گذشت ۱۷/ کم گویی و متانت ۱۸/ رعایت احترام پدر و مادر و بزرگ تر ۱۹/...).

ب/ اعمال و رفتار ناصحیح و غیر انسانی:

پندار پلید؛ گفتار پلید، و کردار پلید (۱/ ایجاد مزاحمت و اذیت و آزار و ناراحتی برای کودکان و دختران و زنان و پسران، ... ۲/ دروغ گویی ۳/ خشونت و بد اخلاقی ۴/ تعصب و جهل و بیسوادی ۵/ کفران نعمت و نمک شناسی ۶/ حرص و طمع و دنیا پرستی ۷/ تخریب طبیعت، و اذیت و آزار حیوانات و پرندگان ۸/ هرزگی و بی بند و باری ۹/ غیبت و تهمت ۱۰/ بی ادبی و بی احترامی ۱۱/ خیانت در امانت ۱۲/ تبلی و سستی ۱۳/ بخل و حسد ۱۴/ بی نظمی و کثیفی و شلختگی در زندگی ۱۵/ پیمان شکنی و بد قولی ۱۶/ ظلم و ستم ۱۷/ قانون شکنی ۱۸/...).

انسان

انسان موجودی ترکیبی است، ترکیبی از جسم و روح؛ بشر مخلوق است و مثل همه موجودات دیگر بر روی این کره خاکی زندگی می کند و روزگار خود را می گذراند؛ موجودات دیگر به ظاهر - و از زاویه دید و نگاه انسان - چیزی را درک نمی کنند و تنها یک زندگی مستمر و غریزی را می گذرانند، بدون اینکه هدفی داشته باشند! اما آیا انسان نیز مانند حیوانات دیگر بدون هدف خلق شده است تا فقط بر روی این کره خاکی زندگی کند؟! ... انسان عقل دارد و می تواند فکر کند و خوب و بد

را تشخیص دهد؛ عقل بشر (کل بشریت) تشخیص می‌دهد که می‌تواند کارهای عظیمی بر روی این کره خاکی انجام دهد و زندگی باشکوهی را بگذرانند، و گاهی نیز به روح خود فکر می‌کند و متوجه می‌گردد که با دنیای دیگری هم ارتباطی ماورایی دارد، قلب بشر این ارتباط ماورایی را تأیید می‌کند و روح او حقیقت را نشان می‌دهد که زندگی محدود به این کره خاکی نیست! انسان بیشتر فکر می‌کند و - چه عمیق و ماورایی، و چه با تجزیه و تحلیل منطقی و عقلانی - می‌پذیرد و تأیید می‌کند که دنیای او از حیوانات (ظاهراً) فراتر است و در نتیجه زندگی خود را بزرگ‌تر و معنی‌دارتر می‌بیند...؛ در نهایت انسان نتیجه‌گیری می‌کند که در این کره خاکی موجودی خاص و ویژه است! و می‌تواند شگفتی‌های مادی و معنوی بزرگی از طریق تلفیق توانایی‌های روحی و جسمی خود بوجود بیاورد، و همچنین نتیجه‌گیری می‌کند که ممکن است زندگی فراتری نیز داشته باشد که فقط محدود به زندگی زمینی‌اش نیست ...

انسان از ترکیب جسم و روح تشکیل شده است، جسم او - ظاهراً و طبق شواهد موجود - فانی می‌شود! اما روح او - ظاهراً - فانی نمی‌شود! به این دلیل که جسم مادی است و خاصیت ماده تغییر شکل و دگرگونی است، و روح مادی نیست و البته نمی‌دانیم که تغییر شکل پیدا می‌کند یا خیر؟ اما از آنجایی که استاندارد هیومنیزم ارزش خاصی برای انسان و شخصیت و هویت او قایل است در نتیجه باور دارد که روح هر انسانی به خود او تعلق دارد، و از آنجایی که احتمال دارد روح، پس از مرگ - ظاهری و مادی انسان در این دنیا - همچنان به حیات خود ادامه دهد، در نتیجه ممکن است که طول عمر هر انسان بیشتر از عمر فیزیکی و محدود زمینی‌اش باشد، یعنی اینکه به شکل روح، و یا با حلول مجدد

در جسم خودش و یا جسمی دیگر (چه در این دنیای خاکی و چه در دنیاهای خاکی و یا مادی دیگر) به حیات خود و در مسیر هدفی که ما از آن خبر موثق نداریم ادامه دهد! ...

بنابراین انسان موجودی ترکیبی و خاص است، و می‌تواند و حق دارد زندگی شایسته‌ای برای خود در این دنیا رقم بزند، و هم‌زمان با نگاه به چشم‌انداز فراتر و بزرگ‌تری خود را آماده زندگی بسیار خاص‌تری بکند! چرا زندگی خاص‌تر؟! به این دلیل که جهان در حرکت و رو به جلو سیر می‌کند و نمی‌توان تصور نمود که وضعیت بعدی یک وضعیت بدتر باشد (البته ممکن است برای عده‌ای باشد و یا نباشد!) جهان رو به جلو حرکت می‌کند، پس بنابراین برای انسان‌های شایسته و مثبت یقیناً وضعیت بعدی وضعیت بهتری خواهد بود ...

و حالا، این بحث پیش می‌آید که چرا انسان که قرار است به دنیای دیگری سیر کند، در این دنیا به طرز فجیعی گرفتار است و به نظر می‌آید برای همیشه و به طرز رنج‌آوری به زندگی مادی آن چسبیده است؟! جواب سؤال به این صورت روشن می‌گردد که کلاس درسی را فرض بگیرید که عده‌ای دانش‌آموز در آن مشغول تحصیل و آموزش هستند، آنها می‌بایست این دوره و کلاس را (با تمام سختی‌هایش) بگذرانند تا مستحق و لایق رفتن به کلاس بالاتر شوند، با درج‌ازدن - در این دنیا - امکان صعود به مرحله بالاتر فراهم نمی‌شود! در زندگی بشر نیز بالا و پایینی زیادی وجود دارد تا انسان پس از موفقیت در هر مرحله، به مرحله رشد مادی و معنوی بالاتری نایل شود تا در نهایت با سلامت و موفقیت دنیا و یا دنیاهای بعدی و برتر خود را آغاز کند! ... تا زمانیکه بشر خود را اسیر زندگی غیر پویای جهان کنونی نگه داشته است رشد مناسبی به سمت مراحل بالاتر زندگی خود نخواهد داشت؛ ...

این وضعیت بر جهان انسان‌ها نیز حاکم است، بدین صورت که جهان بشری نیز اگر همچنان محدود به زندگی ناشایسته کنونی خود باشد و با برنامه‌ریزی‌های جهانی رشد فراگیر و همه‌جانبه خود را رقم نزند، نخواهد توانست به مراتب بالاتر زندگی انسانی خود صعود کند و در نتیجه در دنیای کنونی با کاستی‌های انسانی بی‌شمار آن برای همیشه درگیر و گرفتار خواهد ماند.

این تفکر، و کلاً اعتقاد به پویا بودن زندگی، و فرامادی و فرادنیایی بودن آن فلسفه‌های دیگری را بدنبال می‌آورد که اساساً زندگی انسان را معنی‌دارتر می‌کند؛ فلسفه و تفکراتی مثل باور به مکافات عمل، و باور به بهشت و جهنم، و باور به زندگی در دنیا‌های دیگر؛

زندگی بشر تنها با بهره‌گیری کامل از عقل و قلب و روح، و در جهت زندگی کامل مادی و معنوی، و با نگاهی جهانی، کامل و معنی‌دار و بزرگ است؛

تقدیر و سرنوشت

هر یک از افراد بشر خصوصیات اخلاقی و روحی خاص خود را دارد و شکل زندگی‌اش با دیگری فرق می‌کند، حتی اگر اعضای یک خانواده باشند تفاوت‌های بی‌شماری ممکن است با یکدیگر داشته باشند که این تفاوت‌ها زندگی‌های متفاوتی را برای آنها رقم می‌زند! هر انسان طبق روحیه و توانی که بطور ذاتی با او همراه است بدنیا می‌آید و در نتیجه سرنوشت و تقدیری متفاوت با دیگری دارد! چنین بشری در مسیر زندگی خود که از این پس با عقل و کنترل و برنامه‌ریزی خودش همراه است مواجه با حوادثی می‌شود که خارج از کنترل و اراده اوست! این حوادث چه خوب باشند و چه بد ناگهانی پیش می‌آیند و انسان هیچ کنترلی بر روی آنها ندارد، و در نتیجه تسلیم آنها می‌شود! به این

می‌گوییم **قضا و قدر!** ... این بشر در حال گذران طبیعی زندگی خود بود اما دچار حوادثی ناخواسته شد که هیچ اختیار و کنترلی بر روی آنها نداشت! برخی به این می‌گویند اتفاق و شانس! اما از آنجایی که انسان موجود بزرگ و خاصی است و همه جزئیات زندگی او همانند نظم عظیم طبیعت بشری حساس و دقیق است پس شانس و اتفاق شایسته او نیست بلکه می‌بایست و لازم است که معنی خاصی را در هنگام وقوع این حوادث (چه خوب و چه بد) پی‌گیر شویم! در هنگام وقوع حادثه‌ای بد عده‌ای تحمل خود را از دست می‌دهند و دچار ضعف روحی و شکست روحی می‌شوند! این افراد اگر تحمل خود را با تکیه بر آموخته‌های عقلی، معنوی و روحانی بالا ببرند همان‌هایی خواهند بود که از عهده امتحان زندگی معنی‌دار خود (نه یک زندگی صرفاً دنیایی، و پوچ و بی‌هدف) برآمده و با ارتقای روحی خود یک مرحله خود را بالاتر کشیده، و با آبدیده شدن و تقویت روحی خود آماده گذر از مرحله و کلاس دنیا به مرحله زندگی بهتر بعدی خود خواهند شد

تقدیر و سرنوشت، و قضا و قدر برنامه آموزشی زندگی انسان است؛
انسان با بهره‌گیری از توان عقلی، قلبی و روحی خود و با گذر از امتحان و سختی‌های تقدیر و سرنوشت، و قضا و قدر خود آماده رفتن به کلاس بعدی و دنیای برتر و بهتر بعدی خود خواهد شد؛ ... **ارتقاء روحی این توان را به بشر می‌دهد تا ظرفیت زندگی برتر بعدی خود را پیدا کند!**

(تقدیر ... سه بخش است: ۱/ آنچه که از پیش تعیین شده - تحت تأثیر انرژی حاکم بر جهان (تقدیر خالق جهان)؛ اگر بیاموزیم تا در آرامش روح خود را با این انرژی (خدا) هماهنگ کنیم همه امور زندگی مان به روان‌ترین شکل خود پیش خواهد رفت و به موفقیت‌های در شأن خود خواهیم رسید - ... ۲/ تأثیرات رفتار دیگران بر سرنوشت ما ... ۳/ بازتاب رفتار و عملکرد خود ما بر زندگی مان)

به منظور باور به احتمال ادامه زندگی بشر و وجود دنیاهای دیگر، نظر شما را به مثال‌های زیر که پهناوری و بزرگی جهان را ثابت می‌کنند جلب می‌نمایم:

بزرگی و پهناوری جهان

جهان هستی بسیار عظیم و بیکران است؛ شش فضاپیما را فرض بگیرید که در شش جهت و از یک نقطه واحد با سرعتی برابر با سرعت نور حرکت کنند، با این هدف و مأموریت که به نقطه و انتهای دنیا برسند! آنها ساعت‌ها و روزها را پشت سر می‌گذارند و شما هر لحظه منتظر مخابره و دریافت پیامی هستید که از آن فضاپیماها برسد که به شما بگویند که ما به آخر دنیا رسیده‌ایم! روزها و ماه‌ها و سال‌ها می‌گذرد! و همچنان قرن‌ها و هزاران سال و میلیون‌ها سال می‌گذرد! ... آن فضاپیماها با سرعت نور در حرکت هستند، اما پیامی نیز هرگز و تا ابد مخابره نمی‌شود که کسی بگوید به آخر دنیا رسیده‌ایم! هر چه بروند همچنان باید بروند! انتهایی وجود ندارد! این است اندازه خدا و اندازه جهان انسان‌ها!!! این جهان انسان‌ها است و بزرگ و بی‌نهایت؛ پس چطور می‌توان تصویری محدود از زندگی انسان و اتفاقی و شانسی بودن، و ساده و دنیایی بودن زندگی او داشت! حتی اگر واقعیت هم این باشد که ما زندگی محدودی داشته باشیم عاقلانه‌تر این است که به وجود زندگی برتری فکر کنیم، که حداقل این حسن و منفعت را به همراه خواهد داشت که اعمال انسانی بهتری انجام دهیم تا در نتیجه امیدوار به بازتاب‌های آرامش‌بخش روحی آن در جهان و زندگی بعدی خود باشیم ...؛ خود نفس تفکر ما و وسعت اندیشه ما ثابت می‌کند که ما

بزرگ هستیم! و این امکان وجود دارد تا دنیاهاى شگفت انگیزتری را در این بی نهایت ابدی تجربه کرده و ببینیم!

این احتمال وجود دارد تا دنیاهاى دیگری وجود داشته باشد و ما بتوانیم آنها را ببینیم و در آنها زندگی کنیم، به این دلیل که خالق جهان ما را خلق کرده و چنین اراده کرده است تا جهان خود و بزرگی خود را به ما نشان دهد و ما را در هم نشینی و دوستی با خود شاد و مفتخر گرداند؛ پس در نتیجه با باور به زندگی های برتر بعدی با انگیزه بهتری زندگی خواهیم کرد، یک زندگی پویا و هدف دار و روبه جلو، و نه یک زندگی محدود دنیایی و بی هدف و کوچک؛

اتم مساوی است با کهکشان

تجسمی دیگر از پهناوری جهان می توان داشت که توجه به آن شاید جالب باشد! و آن نظریه برابری اتم و کهکشان است!!! می دانیم که در این دنیا همه چیز نسبی است؛ حقیقتها و واقعیتها در مواجهه با وضعیتها و شرایط مکانی و زمانی مختلف به شکل های متفاوتی بروز کرده و معنی پیدا می کنند! ... وقتی به آسمان می نگریم میلیاردها ستاره و کهکشان را می بینیم که با فواصلی بعید از هم قرار گرفته و پرتوافشانی می کنند؛ اما زمانیکه از فاصله ای دورتر به آنها می نگریم آنها را بصورت توده هایی منسجم و دارای شکلی خاص تصور می کنیم؛ همچنین زمانیکه به توده سنگی می نگریم آن را منسجم می بینیم! ... حال اگر فاصله خود نسبت به سنگ را نزدیک کنیم و باز هم نزدیک تر تا جایی که نسبت به سنگ *فروای* گردیم، این امکان وجود دارد تا به درون آن نفوذ کرده و درون آن را مشاهده کنیم! با توجه به نظریه نسبیت، نسبت خود به سنگ

را کوچک تر می کنیم تا جایی که کم کم متوجه فواصلی در بافت و اجزاء آن می گردیم؛ این نسبت را تا جایی کوچک می کنیم که فضای عظیمی در بین اجزای تشکیل دهنده سنگ و بین مولکولها و اتمهای آن مشاهده می کنیم؛ ... به حرکت خود ادامه می دهیم و بتدریج در سفر درون سنگی خود ملاحظه می کنیم که از اتمی دورتر و به اتمی نزدیکتر می شویم و بر روی آن فرود می آییم! این سفر هنوز پایان نیافته است و ما همچنان پیش می رویم و فضا و دنیای اتم را به نسبت ابعاد و اندازه خود تغییر می دهیم تا جایی که متوجه می گردیم که دنیای عظیمی درون آن قرار دارد! هم زمان در آن طرف دنیا نسبت و فاصله خود را از کهکشانها دورتر می کنیم و کم کم متوجه انسجامی در شکل و هویت آنها می شویم! به سفر خود ادامه می دهیم و نسبت و اندازه خود را نسبت به کهکشانها بیشتر می کنیم و ناگهان با شگفتی سنگریزه ای را در برابر خود می بینیم! ... ما وارد دنیای دیگری شده ایم که ابعاد آن به نسبت ابعاد کنونی ما غیر قابل تصور است! اما به هر حال آن را می بینیم! پس از فاصله گرفتن و تغییر نسبت خود به کهکشانها توده آنها را منسجم و آنها را به شکل یک سنگریزه دیده ایم که پسر بچه ای (به ابعاد میلیاردها غول نسبت به ابعاد فعلی ما) به هنگام شوت کردن توپش در یک زمین خاکی به هوا پرتاب کرده و ما در درون اتمهای آن سنگریزه و درون کهکشان آن سنگریزه در حال زندگی و گذران تعطیلات خود هستیم!!! ...

آن ابر دنیای غول پیکر خود ممکن است درون یک ابر دنیای غول پیکر دیگری باشد! و درون هر سنگریزه ای در اطراف ما نیز میلیاردها کهکشان و زندگی انسانی دیگر! ...

این تجسم می‌تواند بزرگی دنیا را تا حدی به تصویر بکشد، و مطمئناً کسی نخواهد گفت که: جهان آنقدر بزرگ نیست که چنین فرضیاتی در آن صادق و درست باشد؛ ... بشر در دنیای عظیمی زندگی می‌کند و شگفتی‌های جهان نیز مطمئناً به اندازه عظمت آن بیکران و بزرگ است؛ (فقط کمی صبور باشیم).

نتیجه اینکه

بشر در دوران‌های مختلف زندگی خود تلاش بسیاری کرده است تا از وضعیت‌های تیره و تاریک، و از ظلم و فقر و انواع کاستی‌های زندگی خود و از طریق انواع سیاست‌ها و برنامه‌های متنوع بین‌المللی و منطقه‌ای و غیره رهایی یابد، اما هیچ‌گاه و با بکارگیری هیچ روشی نتوانسته است بر ظلم و کاستی‌های حاکم بر زندگی خود غلبه کرده و آنها را از بین ببرد؛ و اگر هم در جایی موقتاً موفق شده است، مشکلات جدیدتری در نقطه‌ای دیگر نمایان شده و بطور مستمر بشر را در رنج و ناراحتی نگه داشته است! ... چون انسان هرگز و هیچ‌زمانی نتوانسته صحیح و متمرکز مشکلات جهان خود را هدف قرار داده و بر آنها غلبه کند، در نتیجه تمام بدبختی‌های او همواره از شکلی به شکلی دیگر در آمده و همواره همراه او باقی مانده است! ... چون همیشه و در همه حال ۱۰ درصد جاهل و شیطانی (خوی حیوانیت مسلط بر عقل و قلب و روح بخشی از بشر) با ترفندهای خود فعال بوده‌اند و زندگی او را با دشمنی‌های خود تحت کنترل نگه داشته‌اند! ... چون تمرکز بشریت بر محو تیرگی جهل و تعصب، و زیاده‌خواهی و ظلم (شیطانی) نبوده است؛ ... چون بشر هنوز ریشه مشکلات جهان خود را که همیشه و از ابتدای حضورش

بر روی این کره خاکی همواره همراه او بوده است را نمی‌شناسد و طوری عمل می‌کند که انگار مشکلاتش فقط محدود به زمان حال و حاضر است! بشر هرگز نتوانسته ریشه مشکل خود را به درستی درک کرده و بر آن چیره شود (منظور از بشر بخشی از بشر و در محدوده زمانی و مکانی مشخصی نیست، بلکه منظور کل بشریت، و شعور و جهان بشریت، و عملکرد دنیای بشریت است، منظور عقل بشریت است)؛ این به آن معنی نیست که بشر ابزار کار مناسب را در اختیار نداشته است، بلکه نتوانسته از ابزار کار خود، از دانش خود، از سیاست و مدیریت خود، از ادیان هدایت‌گر و آگاهی‌دهنده و هشداردهنده خود استفاده لازم را برده و با بکارگیری صحیح از آنها جهان خود را اصلاح کرده و بسازد؛

هرکجا نفوذ جاهلان صدمه‌ای به دین و سیاست او زده است او نتوانسته با اتحاد خود تکه پاره‌های دین و سیاست خود را به هم متصل و متحد کند، و در نتیجه سودمندی آنها را از دست داده است؛ هرکجا به او ظلم شده نتوانسته است با اتحاد جهانی خود از خود دفاع کند؛ هرکجا جنگ شده نتوانسته است صلح جهانی را تضمین کند و به جنگی دیگر گرفتار شده است؛ بشر ابزارهایی بسیار قوی در اختیار دارد اما توانایی مدیریت شایسته جهان خود را ندارد چون هرگز نتوانسته نیروهای قوی انسانی خود را در جهت خلع سلاح ۱۰ درصد شیطنی بکار گیرد!

در چنین شرایطی است که بشر افسرده شده و به رؤیا فرومی‌رود

مرحله و سطح دوم
دنیای رؤیایی زندگی بشر

۲/ مرحله و سطح دوم، دنیای رؤیایی زندگی بشر!

چون ۷۰ درصد مثبت مغبون و تحت کنترل ۱۰ درصد منفی و پیروان جاهل آنها (۲۰ درصد) در عالم و جهان واقعیت هستند، و در نتیجه دنیای شایسته و ایده‌آل و در شأن خود را نمی‌توانند در این دنیا و در عالم واقعیت ببینند، و در آن زندگی کنند، و از زیبایی‌ها و مواهب بی‌شمار آن و از صلح و دوستی پایدار آن برخوردار باشند، و در عین حال چون می‌دانند که حقیقت بهتر و برتری وجود دارد، در نتیجه برای دیدن آن وضعیت ایده‌آل که خود را شایسته آن می‌دانند به رؤیاپردازی متوسل می‌شوند!

این وضعیت یک جهان ذهنی و کاذبی را ایجاد می‌کند که انسان‌های شریف این دنیای واقعی، بدور از چشم و حضور منفوران جاهل و شیطانی برای خود می‌سازند و - به موازات حضورشان در عالم واقعیت - در آن زندگی می‌کنند؛ آنها زندانیانی هستند که رؤیای شیرین آزادی را به ناچار در ذهن خود مجسم کرده و به تصویر می‌کشند.

آگاهی از وضعیت تلخ زندگی بشر در عالم و دنیای واقعی زندگی او هر انسان بشر دوستی را غمگین کرده و به فکر چاره می‌اندازد، چه رسد به اینکه عمق فاجعه را اینگونه ببیند که کودکانی در فقر و گرسنگی دست و پا می‌زنند و پدر و مادر آنها به آنها امید می‌دهند که اوضاعشان خوب خواهد شد، آنها امید دارند که وضعشان خوب شده و از فقر و گرسنگی نجات پیدا کنند، و البته و بطور حتم هم همینطور خواهد شد؛ اما آیا برای همیشه فقر و گرسنگی از زندگی بشر محو خواهد گردید! یا این فقط رؤیای ما در دنیای کاذب و خیالی مان است؛ آگاهی از اینکه بشر در عالم واقعیت رنج می‌کشد و تحت ظلمی پایان ناپذیر است بسیار رنج آور است، اما آگاهی از اینکه او برای رهایی از رنج خود کاری نمی‌تواند بکند جز به فکر و رؤیا فرورفتن، بسیار دردناک‌تر و رنج‌آورتر است.

بخشی از بشر در رفاه و شادی و آرامش زندگی خود را می‌گذرانند، اما بخش عظیمی دیگر تنها در رؤیای رسیدن به وضعیت شایسته خود زندگی می‌کنند...؛ مشکل ما و سؤال ما مشکل بشریت است تا راهی یافت شود که همه بشر در عالم واقعیت زندگی شاد، سالم، مرفه و توأم با صلح و آرامشی را تجربه کنند، اینکه بخش و یا بخش‌هایی از جهان مرفه است مشکل بشریت را حل نمی‌کند.

مرحله و سطح دوم، دنیا و رؤیای همیشگی بشر بوده است! بشر در مواجهه با وضعیت‌های نامناسب زندگی خود از یک ناراحتی و کمبود و مشکل ساده گرفته تا مشکلات و معضلات بزرگ بشری (به همان نسبت که مشکل او بزرگ‌تر است) برای خود رؤیاهای بزرگ‌تر و موفق‌تری می‌سازد؛ در دنیای رؤیایی او اثری از ظلم و جنایت

نیست، اثری از فقر و بیسوادی و بیماری نیست و همه چیز به خوبی و درستی پیش می‌رود؛ همهٔ بدی‌ها در این رؤیا محو و همهٔ خوبی‌ها ظاهر می‌شوند؛ پیروان ادیان همگی با هم دوست و برابر و برادر هستند و تفرقه‌ای در میان آنان دیده نمی‌شود؛ ثروتمندان از ثروت خود به فقرای نیازمند می‌بخشند و اسباب کار و زندگی مناسب را برای‌شان فراهم می‌کنند؛ سیاستمداران جهان بدور از قدرت‌طلبی تمام توان و مدیریت خود را در جهت خیر و صلاح و رفاه عمومی صرف می‌کنند، ... اما شیطان سیاهی و جهل و ظلم و خرافه و تفرقه و دشمنی، پشت این بادکنک خیالی در کمین است تا ضربهٔ خود را بزند؛ در واقع شیطان خود این فرصت رؤیایپردازی را به بشر می‌دهد، تا هنگامی که بشر در آن رؤیای شیرین دلخوش و غرق خیال‌پردازی و شادی است، در اوج امید و شادکامی بشر حاضر شود و او را مأیوس کند و به او بفهماند که نمی‌تواند با خیال‌پروری از چنگ او (شیطان جهل و ظلم و خودخواهی) نجات پیدا کند؛ او حاضر می‌شود و با ایجاد و تحمیل رنجی دیگر انتقام و دشمنی خود با بشر را تکرار می‌کند! بیچاره بشر

مدینهٔ فاضله یا آرمان‌شهر (آتوپیا)

در تاریخ افکار و عقاید اجتماعی بشر نظریهٔ آرمان‌شهر جای به‌خصوصی را به خود اختصاص داده است، این نظریه که به مدینهٔ فاضله یا اُتوپیا نیز شهرت یافته است، مبتنی بر تصورات خوش‌بینانه نسبت به امکان ایجاد شهرهایی است که از هر جهت نظام یافته و زیر نظر و بررسی دقیق دولت و یا سازمان‌های خاص دینی و یا سیاسی و حقوقی قرار داشته باشند، و به وسیلهٔ فلاسفه، حکما و یا سیاستمداران عادل اداره

شوند؛ در این رؤیاسازی، فلاسفه و دانشمندان و گروه‌های دینی سابقه‌ای طولانی دارند، همگی به شیوه خود و برای برتر و بهتر نشان دادن تفکر خود رؤیای یک زندگی بهتر را در برابر دیدگان بشر به تصویر کشیده‌اند؛ تمامی فلاسفه و اندیشمندان مدینه فاضله و آرمان شهری را با اندیشه خود می‌سازند که در آن همه چیز صحیح و درست است! عدالت برقرار است و از فقر، گرسنگی، جنگ و ظلم و حتی از گروه‌ها و عقاید و ادیان مخالف آنها نیز هیچ اثری در میان نیست تا مانع دیاسازی آنها گردند! بنظر می‌آید فلاسفه ساده‌تر از افراد عامی می‌اندیشند!

کتابخانه دنیای رؤیایی زندگی بشر مجموعه‌ای دارد شامل میلیون‌ها تز و عقیده و فلسفه ایده‌آل و رؤیایی که هرگز عملی و واقعی نشده‌اند؛ افلاطون در جمهوریت خود، ارسطو در سیاست، اتین کابه در سفر به ایکاری، خواجه نصیر طوسی در اخلاق الملوک، کامپلانلا در شهر خورشید، فرانسیس بیکن در ارغنون جدید و آتلانتیس نو، ویل دورانت در لذات فلسفه، و همچنین فلاسفه دیگری چون کانت، هگل، راسل، فارابی ... از افرادی هستند که تلاش نموده‌اند معیارهایی را برای مدینه فاضله ایده‌آل بشری طراحی و ترسیم کنند؛ ...

List of utopian novels

لیست رُمان‌های اُتوپایی

(From Wikipedia, the free encyclopedia, 03/09/2010).

Pre-20th century:

The City of God (written 413–426 AD), by Augustine of Hippo, describes an ideal city, the "eternal" Jerusalem, the archetype of all Christian utopias.

Tao Hua Yuan (421), is a utopia for Chinese intellectuals.

مرحله و سطح دوم: دنیای رؤیایی زندگی بشر! ۶۷

Utopia (1516), by Thomas More.

Christianopolis (1619), by Johann Valentin Andreae, describes a Christian utopia inhabited by a community of scholar-artisans and run as a democracy.

The City of the Sun (1623), by Tommaso Campanella, depicts a theocratic and egalitarian society.

New Atlantis (1627), by Francis Bacon.

Erewhon (1872), by Samuel Butler, constitute a satiric romp through a hidden utopia (with dystopian elements) in the mountains of New Zealand.

News from Nowhere (1892), by William Morris, Shows "Nowhere", a place without politics, a future society based on common ownership and democratic control of the means of production.

Looking Backward (1888), by Edward Bellamy.

Gloriana, or the Revolution of 1900 (1890), by Lady Florence Dixie, The female protagonist poses as a man, Hector l'Estrange, is elected to the House of Commons, and wins women the vote. The book ends in the year 1999, with a description of a prosperous and peaceful Britain governed by women.

20th century:

A Modern Utopia (1905), by H. G. Wells.

Islandia (1942), by Austin Tappan Wright, an imaginary island in the Southern Hemisphere, a utopia containing many Arcadian elements, including a policy of isolation from the outside world and a rejection of industrialism. (In a sequel by Mark Saxton (The Islar, 1969), the Islandians develop a modern air force to fend off hostile communist-allied neighbors, and debate whether to join the UN).

Walden Two (1948), by B. F. Skinner.

Big Planet (1957), by Jack Vance, depicts a world in which attempts by utopian misfits to set up new societies have gone haywire after many revert to savagery and violence. But one city, Kirstendale, sets up a successful order in which citizens constantly shift their status, titles and duties (from servant to aristocrat and back again) according to an elaborate schedule.

Island (1962), by Aldous Huxley, follows the story of Will Farnaby, a cynical journalist, who shipwrecks on the fictional island of Pala and experiences their unique culture and traditions which create a utopian society.

Ecotopia: (1975), by Ernest Callenbach, The Notebooks and Reports of William Weston ecological utopia in which the Pacific Northwest has seceded from the union to set up a new society.

Woman on the Edge of Time (1976), by Marge Piercy, the story of a middle-aged Hispanic woman who has visions of two alternative futures, one utopian and the other dystopian.

The Probability Broach (1980), by L. Neil Smith, presents both utopian and dystopian views of present day North America, through alternative outcomes of the American War for Independence.

Always Coming Home (1985), by Ursula K. Le Guin, a combination of fiction and fictional anthropology about a society in California in the distant future.

The Giver (1993), by Lois Lowry, a story about a community in the future where everything is the same; there are no choices, but no pain.

Uglies (series) (2005), by Scott Westerfield.

....

اهداف و تصورات دنیای رؤیایی زندگی بشر و آرزوهای او واقع بینانه نیست و هرگز عملی نخواهد شد (مگر در دوره‌ای کوتاه و فقط برای بخشی از بشر)، چون ابزار عملی و واقعی رسیدن به آن را در اختیار ندارد، چون بشر هرگز و در هیچ مرحله از زندگی خود و با وجود تمام دست و پا زدن‌ها و تلاش‌هایش به آن اهداف و تصورات نرسیده است، اگر رسیده بود امروز انسان در صلح و آرامش زندگی می‌کرد و می‌زیست؛ اگر تصور کنیم که رؤیاهای او در شرایط فعلی و با ساز و کارهای فعلی عملی خواهد شد، خود این تصور این نکته را ثابت خواهد کرد که در عالم واقعیات زندگی نمی‌کنیم و در حال بررسی شرایط انسان در عالم رؤیا هستیم، چون شرایط امروز حاکم بر جهان

بشری و ماهیت و طبیعت آن با گذشته او کوچکترین تفاوتی نکرده است و فقط ظاهر زندگی انسان تغییر یافته است!!!

برای عملی کردن رویاهای زندگی بشر باید ابزاری در اختیار داشت، باید راه حل را دانست؛ بشر (جهان بشری) هرگز راه حل نجات خود را تشخیص نداده است، اگر تشخیص داده بود آن را در گذشته بکار گرفته بود! البته هزاران راه حل وجود دارد! اما هیچکدام از آنها در عالم واقعیت مشکل بشر را حل نکرده اند، مگر بطور محدود و در زمانهای محدود و برای بخشی از بشر و نه برای تمام بشر و برای همیشه؛ ... البته اکثر غریب به اتفاق آن راه حل ها در عالم رؤیا تمامی مشکلات بشر را حل کرده اند! برخی با شیوه های صلح آمیز و برخی با کشتن مخالفان خود در ذهن خود

بشر هنوز نتوانسته حداقل نیازهای زندگی ساده و سالم انسانی را برای انسان ها تدارک ببیند و فراهم کند! برخورداری از مسکن، امکانات آموزشی و پرورشی و ورزشی، کار مناسب، تغذیه مناسب ... جزو حداقل نیازهای هر انسان و هر خانواده انسانی است (به عنوان حداقل لازم برای تمام مردم جهان)؛ بشر آنقدر در تشخیص آن و مدیریت امکانات خود در مسیر رسیدن به این نیازها ضعیف بوده است که در شرایط فعلی و با مدیریت فعلی جهان راه درازی را برای رسیدن به آن باید پیماید.

یک راه حل مناسب باید مجموعه کاملی را شامل شود که حقوق و نیازهای تمام بشر در آن لحاظ گردد؛ چنین راه حلی باید به گونه ای طراحی شود که هر انسانی با هر دین، عقیده، تفکر و سلیقه ای در آن دنیای انسانی به گونه ای شاد و راضی زندگی کند، و از تمام حقوق مادی و معنوی شایسته انسانی برخوردار و در نهایت درستی و صحت

و سلامت روزگار خود را بگذرانند، و سیر انسانی مادی و معنوی و همچنین اهداف عظیم‌تری را در پیش روی خود ببیند و دنبال کند.

بشر راه‌حل نجات خود را نیافته است چون اگر یافته بود به آن عمل می‌کرد و در نتیجه نجات می‌یافت و به همه شادی‌ها و موفقیت‌هایی که استحقاقش را دارد می‌رسید! اگر راه‌حل مشکلات خود را یافته بود اکنون ما دیگر هرگز اثری از ظلم، دشمنی، تنش‌های سیاسی و برتری‌جویی‌های عقیدتی، جنگ، فساد، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و اسلحه و هزاران مشکل و معضل دیگر نمی‌دیدیم؛ بشر حتی نتوانسته این‌ها را کنترل هم بکند، چون اگر نتوانسته بود این‌ها را کنترل و مهار کند مطمئناً می‌توانست محوشان هم بکند؛ بشر نتوانسته این معضلات عظیم را از بین ببرد چون ۱۰ درصد شیطانی همیشه فعال هستند و ۷۰ درصد مظلوم و خوب و مثبت را همیشه بازی داده و به رنج انداخته‌اند و دست‌آوردهای مثبت‌شان را از بین برده و برباد داده‌اند

بشر اگر وضعیت و شرایط حادّ و بی‌ثبات خود را تشخیص ندهد با این خطر عظیم جهانی مواجه است که تمام دست‌آوردهایش را از دست بدهد؛ بسیار ساده‌لوحانه و ابتدایی است اگر تصور کنیم با چند پیمان بین‌المللی و یا آقایی و سرپرستی و کنترل جهانی قدرت‌های بزرگ ثبات جهان پایدار مانده و حفظ خواهد شد! قدرت‌های بزرگ‌تر و امپراطوری‌های عظیم‌تر از این‌ها هم بوده‌اند که هیچ اثری از آنها نمانده و برای ابد محو شده‌اند؛ و علاوه بر آنکه نتوانسته‌اند ثبات جهان را حفظ کنند، حتی هرگز نتوانسته‌اند ثبات خود را هم حفظ کنند! چون شیطان از آنها بزرگ‌تر، سیاست‌مدارتر و بسیار قوی‌تر بوده است! شیطان جهل و نادانی، شیطان خودخواهی و خودپرستی، شیطان

قدرت طلبی و ظلم، شیطان من حق هستم و دیگری ناحق، شیطان دروغ، شیطان بیسوادی، ... و نیروها و سپاه انسان‌های حق طلب و عدالت خواه نیز در این بین ضربه آخر و نهایی را بر پیکره آنان وارد ساخته و برای همیشه محوشان کرده‌اند؛ *اما چه سود* که بشر نجات نیافت و ماجرا مجدداً با سلطه ۱۰ درصد شیطانی آغاز گردید و هزاران بار تکرار شد و تکرار نیز می‌شود، تا زمانیکه بشر راه حل نجات خود را بیابد و بر زندگی خود مسلط شود و مرحله اصلی زندگی کامل انسانی خود را آغاز کند!

بشر اگر وضعیت و شرایط حادّ و بی‌ثبات خود را تشخیص ندهد با این خطر عظیم جهانی مواجه خواهد بود که تمامی دست‌آورد های با ارزش زندگی‌اش را از دست بدهد! در حال حاضر هیچ تضمین واقعی و مطمئنی که ثبات زندگی بشر را تضمین کند وجود ندارد! انباشت انرژی‌ها و شرایط منفی حاکم بر جهان بشری بسیار قوی‌تر از گذشته است؛ خطر و تهدید اتمی، تروریسم و قاچاق و بی‌لیاقتی کشورهای جهان سوم در مدیریت امور خود (در شرایطی که مردم آن کشورها بدلیل رشد و توسعه و وسایل و امکانات ارتباطی و رسانه‌های جمعی پیشرفت‌های دیگر کشورها را می‌بینند و غبطه می‌خورند و در نتیجه مأیوس می‌شوند و منتقد و معترض نسبت به بی‌لیاقتی‌های مسئولان کشور خود، و این منجر به اعتراضات و بی‌ثباتی‌ها می‌گردد) همه تهدیدی است بر ثبات جهان که تنش جهانی را بیشتر می‌کند و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد؛ در این بین گروه‌های تروریستی و یا گروه‌های حق طلب مسلح نیز که فقط به منافع خویش می‌اندیشند و تصور می‌کنند که همه جهان می‌بایست مثل آنان شوند از جمله تهدیدات

منطقه‌ای و جهانی هستند که به گونه‌ای تنش‌زا و خطر آفرین امنیت زندگی بشر را تهدید می‌کنند! زندگی بشر مورد نظر و توجه و اهمیت برای این گروه‌ها نیست! این گروه‌ها فقط بدنبال مقابله با آن بخشی از ظلم جهانی هستند که متوجه گروه و عقیده و نیازهای خود آنهاست، در نتیجه اعمال و شیوه‌های آنها نامنی جهانی ایجاد می‌کند.

نتیجه اینکه

فضای دنیای رؤیایی زندگی بشر خام و دست نیافتنی است، چون ابزار واقعی و عملی رسیدن به اهداف رؤیایی آن را در اختیار ندارد، چون هر گروه از بشر رؤیای خود را می‌بیند و هیچ اتحاد و همکاری بین آن گروه و گروه‌های دیگر بشری نیست؛ ... تا زمانیکه ۱۰ درصد شیطانی در بین نیروهای مثبت بشری در فعالیت هستند و ۷۰ درصد مثبت را متفرق و جدا نگه داشته‌اند اتحادی بوجود نخواهد آمد؛ بشر (...+۲۰+۷۰ درصد) تحت کنترل ۱۰ درصد شیطانی است، و این ۱۰ درصد بهترین ابزار را در اختیار دارد: ابزار **تفرقه انداختن و قدرت طلبی**، و در نتیجه ایجاد دشمنی؛ ۱۰ درصد با همراهی ۲۰ درصد طوری فضای دنیاپرستی را با انواع ترفندها و حیل‌های خود تبادار و داغ می‌کنند که در نتیجه آن ویژگی‌های منفی ضعیف و نهفته در درون شخصیت بخشی از ۷۰ درصد تحریک شده و آنها را ترغیب به دلبستگی دنیایی می‌کنند، و از طریق این دلبستگی‌ها علاقه به مال و دارایی، سودجویی بیشتر و یا ایجاد حس تعصب دینی و عقیدتی را در آنها ایجاد کرده، و بدین ترتیب مرزبندی‌های عقیدتی و خودخواهی و قدرت طلبی را افزایش داده، و در نتیجه تا جایی که امکان‌پذیر باشد به تشدید تفرقه در میان جوامع بشری

اقدام کرده، و بالاخره روحیه برتری‌جویی و خودخواهی و قدرت‌طلبی را تقویت می‌کنند تا به هدف نابسامانی زندگی بشر برسند

روحیه خودخواهی و برتری‌جویی، دین تو را که یک قانون بشری و انسانی است و همه از دید آن با هم برابر هستند را مال تو می‌کند، و تو خیال می‌کنی که مالک دین و مسئول آن هستی و بهتر از دیگران آن را می‌فهمی! و همین «جهل» تو را وادار می‌کند تا تصورات و برداشت‌های خود را از دین حقیقی به حساب بیاوری و برداشت‌های گروه دیگر را اشتباه، و همین جهل تو به تفرقه و تنش دامن می‌زند، و حضور «شیطان جهل» در اینجا ثابت می‌شود که با ابزار خود (برتری‌جویی و تفرقه آفرینی) به سادگی توانسته تو را فریب دهد تا دین را از طریق تو به تفرقه کشانده و تضعیف کند! ... از دین و آیین تنها عمل تو مال تو است و نه بیشتر

بدین ترتیب روشن می‌گردد که اصلی‌ترین ابزار ۱۰ درصد شیطانی ایجاد تفرقه است و بزرگ‌ترین ابزار ۷۰ درصد برای نجات خود از تمامی رنج‌های خود نیز اتحاد انسانی است؛ هرچند تن دادن به این اتحاد برای بشر بسیار سخت است، چون تنها چیزی است که در طول زندگی چندین هزار ساله خود هرگز تجربه نکرده است! بنابراین رسیدن به آن برای او بسیار عجیب، شگفت‌انگیز، جدید و درعین حال بسیار سخت است! اما بشر با کمک عقل، قلب و از طریق اتصال عمیق روحی خود با حقیقت مطلق جهان هستی می‌داند که این اتحاد تنها راه حل مشکلات او و تنها راه نجات اوست، در نتیجه با تمرکز تمام توانایی انسانی خود و با یاری خواستن از انرژی مثبت پروردگار جهان

این امید را دارد که به اتحاد انسانی و در نتیجه به شادی و رستگاری در شأن خود برسد؛ ...

بدون اتحاد نیروهای مثبت، پیروزی بر نیروهای منفی امکان پذیر نیست؛ ۱۰ درصد شیطانی در دنیای واقعیت مرحله اول آنچنان ذهن بشر را نسبت به عقاید و افکارشان با هم بدبین کرده‌اند که بشر در رؤیای خود نیز حتی دنیایی بر پایه اتحاد انسانی برای خود متصور نشده و نساخته است!!! هر چند حالا که به این اتحاد و دوستی انسانی فکر می‌کند به وجد می‌آید، و مشتاق است که بداند چگونه می‌تواند با انسان‌های دیگر به دوستی و تفاهم کامل رسیده و **دامنه جهان دوستان** و **هم‌جهانیان** خود را گسترش داده و به صلح و سعادت پایدار و کامل انسانی برسد.

به عنوان راه‌حلی در جهت نجات بشر از وضعیت تلخ، رنج‌آور و بی‌پایان مرحله و سطح اول که دنیای واقعی زندگی انسان است، و همچنین عملی کردن و رسیدن به تمامی رؤیاهای بشر از بدو پیدایش تاکنون بر روی این کره خاکی (که شامل تمامی آرزوها و ایده‌آل‌های افراد بشر، فلاسفه، دانشمندان و سیاستمداران، ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمامی ادیان و عقاید بشری است!) انسان استاندارد و استاندارد هیومنیزم مرحله و سطح سوم زندگی بشر را رقم می‌زند.

مرحله و سطح سوم
اصول استاندارد هیومنیزم

۳/ مرحله و سطح سوم، اصول استاندارد هیومنیسم!

(اصول اتحاد انسانی در مقابل نیروهای منفی و شیطانی زندگی بشر و در نتیجه انسان استاندارد و نمونه شدن، طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد)

به عنوان راه کار و راه حلی به منظور نجات بشر از وضعیت تلخ و رنج آور و بی پایان دنیای اول زندگی انسان‌ها، و همچنین عملی کردن تمامی رؤیاهای بشر از بدو پیدایشش تاکنون بر روی این کرهٔ خاکی - که شامل تمامی آرزوها و ایده‌آل‌های افراد بشر، فلاسفه، دانشمندان، سیاستمداران، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، و همچنین اهداف تمامی ادیان و عقاید بشری است! - انسان استاندارد و استاندارد هیومنیسم مرحله و سطح سوم زندگی بشر را رقم می‌زند.

کلمهٔ **استاندارد** یک کلمه و مفهوم جهان‌شمول و آشنا برای تمامی بشر است؛ همهٔ مردم جهان با کلمه و مفهوم **استاندارد** آشنایی دارند؛ مثلاً وقتی که می‌گوییم یک کالا و یا محصول استاندارد است همه متوجه می‌شویم که معنی آن این است که آن کالا و یا محصول حد مناسب و قابل قبول و امتیازات و ویژگی‌های لازم، و همچنین سلامت یک محصول قابل استفاده و مطمئن برای استفادهٔ بشر را دارد و می‌توان آن

را با اطمینان کامل مصرف نمود؛ این یک مفهوم کاملاً قابل فهم و جهانی است و همه مردم جهان با آن آشنایی کامل دارند و آن را درک می‌کنند؛ اما کلمه و ترکیب جدید *انسان استاندارد* و *استاندارد هیومنیزم* چه معنی و مفهومی را القاء می‌کند؟! این ترکیب خیلی عجیب، شگفت‌انگیز و جالب است؛ چطور جهان انسانی می‌تواند استاندارد باشد! ملاک‌های آن چیست! و اساساً *استاندارد هیومنیزم* یعنی چه؟! زندگی متنوع انسانی با ملیت‌ها، نژادها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان و عقاید متفاوتی در این جهان پراکنده است، و بشری که در مناطق جغرافیایی متفاوتی زندگی می‌کند چطور می‌تواند استاندارد شود و یا چگونه می‌توان زندگی او را استاندارد کرد! (لطفاً به صفحه ۲۰ مراجعه گردد).

عبارت و مفهوم *انسان استاندارد* برای اولین بار ۲۷ سال پیش و زمانیکه ۲۳ ساله بودم به ذهنم خطور کرد! زمانیکه به حقیقت، و به انسان، و به جایگاه انسان در این دنیا، و هدف زندگی انسان، و علت وجود و پیدایش انسان، و اینکه یک انسان شایسته و ایده‌آل چه خصوصیتی می‌تواند و می‌بایست داشته باشد می‌اندیشیدم؛ زمانیکه بطور مطلق به انسان فکر می‌کردم! نه به یک انسان مسیحی یا مسلمان یا هندو یا بی‌دین و غیره، و نه یک انسان اروپایی یا آفریقایی یا آسیایی یا آمریکایی و...؛ **فقط و فقط و بطور مطلق انسان، و فقط و فقط و بطور مطلق حقیقت انسان و حقیقت جهان.**

صفات و ویژگی‌هایی که برای یک انسان نمونه و ایده‌آل و به دنبال آن برای یک زندگی شایسته انسانی متصور بودم در طول سال‌ها تفکر و تعمق کامل تر شد و پس از چاپ اولین کتاب خود - به نام *اصالت من* در سال ۲۰۰۰ - کتاب دوم خود به نام *انسان استاندارد* را در سال ۲۰۰۲ به

چاپ رساندم، و در ادامه سایت *انسان/استاندارد* را در سال ۲۰۰۵/۶ تأسیس و راه اندازی کردم، و اکنون (۲۰۱۰) کتاب *استاندارد هیومنیزم و جامعه جهانی انسان/استاندارد* را می نویسم، که حاصل تمامی دستاوردهای من در اندیشه و تفکر یک انسان استاندارد و نمونه، و همچنین ارایه راه حل های مدیریت شایسته و جهانی توسط جامعه جهانی انسان استاندارد متشکل از نمایندگان تمامی کشورهای جهان می باشد.

تمامی این تلاش ها به این منظور بوده است تا راهی پیدا شود که به **حد مناسب و شایسته زندگی انسانی** برسیم؛ به اصول و راه حل هایی برسیم که بتوان جهان انسانی را با تجهیز آن اصول و قواعد از این بن بست اسارت و تسلط نیروهای منفی نجات داده و زندگی شایسته انسانی را محقق کنیم! دنیایی بسازیم که مردم جهان، زنان و مردان و کودکان در آن با آرامش و امنیت، و رشد و ترقی و ثروت و سعادت زندگی کنند، راه حلی پیدا شود که بشر بتواند فقر و ظلم و دشمنی و ... را از بین برده و خوی حیوانی مسلط بر زندگی انسانی را برای همیشه محو و نابود کرده و به صلح شایسته خود برسد و دنیایی انسانی بسازد، دنیایی که در آن جهان با عقل انسان ها اداره شود و نه با خودخواهی و قدرت طلبی و ظلم! تمام مردم جهان به شکلی عادلانه از ثروت جهان خود بهره مند گردند، و حداقل نیازهای بشری از جمله: مسکن، آموزش و پرورش، بهداشت و تغذیه مناسب، کار و تفریح و ورزش و ... به عنوان حداقلی برای تمام مردم جهان تأمین گردد!

این رنج و دغدغه و آرزوی همه ما است که در مرحله و سطح اول و دوم جهان بشری زندگی می کنیم! و بدنبال یافتن راه حلی ریشه ای و واقعی در جهت رفع کاستی های زندگی خود می گردیم؛ بشر باید و

ناچار است که راه حل نجات خود را پیدا کند، چون هرگونه سهل انگاری - در رقم زدن سرنوشت شایسته خود - درحالی که امکان رسیدن به آن را دارد غیر قابل جبران و از نگاه نسل های آینده نابخشودنی است.

استاندارد هیومنیزم به سهم خود تلاش کرده است تا راه حلی عملی برای نجات و گذر از مراحل و سطوح اول و دوم زندگی بشر و رسیدن به **سطح شایسته زندگی انسانی** پیدا کند؛ تفکر انسان استاندارد به اصول و راه کارهایی عملی و قدرتمندی رسیده است که می تواند شگفتی های بسیار عظیمی در زندگی بشر ایجاد کند.

با درک **دنیای انسان استاندارد** به زودی متوجه خواهیم شد که دنیای فعلی ما چقدر کوچک و کهنه است و در نتیجه در تغییر آن به سمت دنیای انسانی در شأن خود به سرعت بسیج خواهیم شد.

تفکر انسان استاندارد با رأی و تأیید مردم جهان مشروعیت پیدا می کند و در نهایت به سمت تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد که همه امور جهان بشری را - با حفظ استقلال و تمامیت کشورهای جهان - کنترل و مدیریت می کند پیش خواهد رفت؛ تفکر انسان استاندارد فلسفه ای را ارائه می کند که با قبول اصول آن توسط اکثریت مردم جهان اصلاحات بنیادین جهان بشری آغاز و زندگی پیشرفته و سعادت مند بشری در هزاره سوم رقم خواهد خورد.

استاندارد هیومنیزم خوی وحشی حیوانیت نهفته و یا مسلط بر روح و ذات بخشی از بشر (۱۰ درصد شیطانی) را مهار کرده و زندگی صلح آمیز هزاره سوم بشر را رقم می زند.

اصول پنج گانه - و سه بعدی - استانداردهیومینیم

تفکر انسان استاندارد به عنوان اولین گام و جهش اساسی در مسیر اصلاح جهان بشری، و شستن آثار چندین هزار ساله تسلط جهل و ظلم شیطانی، و به منظور هدایت عقل و قلب و روح انسان‌ها در جهت اتحاد انسانی - که تنها وسیله و ابزار بشر، و تنها راه نجات او از سلطه ۱۰ درصد شیطانی است - اصولی را به بشریت ارائه می‌کند؛ به روشنی درک کردیم که ابزار ۱۰ درصد شیطانی ایجاد **تفرقه و دشمنی** در بین بشر، با هر چه که می‌تواند وسیله این هدف شومش قرار دهد می‌باشد! و درک کردیم که در مقابله با این سیاست شوم شیطانی تنها راه مبارزه بشر نیز چیزی نیست جز **اتحاد انسانی!** اتحاد انسانی چیزی فراتر از صرف معنی و مفهوم اتحاد است! اگر بخواهیم اتحادی بین بشر ایجاد کنیم تا بر سلطه ۱۰ درصد شیطانی غلبه کنیم، آن اتحاد می‌بایست یک اتحاد بسیار خاص و ویژه باشد! میلیاردها انسانی که بر روی این کره خاکی زندگی می‌کنند، هزاران دین و آیین، و سیاست و فکر و عقیده، و فرهنگ و زبان و غیره دارند، چگونه می‌توان اتحادی بین آنها ایجاد کرد که طوری آنها را متحد گرداند تا مشکل هزاران ساله خود را حل کنند!!! پس زمانیکه می‌گوییم اتحاد، تنها منظور اتحاد با یک مفهوم ساده نیست، در غیر اینصورت بسیار ساده‌اندیش خواهیم بود؛ **بحث ما اتحادی انسانی است، و نه اتحادی قومی یا نژادی یا فرهنگی و یا منطقه‌ای و سیاسی ...**؛ اتحاد انسانی تمام بشر را شامل می‌شود، در نتیجه اصول و راه‌کارهایی نیز باید ارائه کند که تمام بشر را شامل شده و توافق تمام بشر را با تمام تنوع رنگارنگ خود جلب گرداند!!! اصول اتحاد انسانی می‌بایست از چنان مشروعیت، منطق و پشتوانه عظیم انسانی برخوردار باشد تا نظر بشر را به خود جلب کرده و او را آماده پذیرش آن گرداند؛ و درعین حال بشر نیز باید وضعیت خود را سبک و

سنگین کرده و بسنجد! که اگر بخشی از این اصول خیلی خوشایند او نبود، متوجه باشد که اصل اتحاد در برابر نیروهای عظیم شیطانی - که امکان برخورداری از یک زندگی شایسته انسانی را در طول تاریخ از او سلب کرده است - مهم تر است، که در مقابل و در عوض امکان تغییر جهان به سمت و به نفع مردم رنج کشیده جهان را در پی خواهد داشت.

اصول پنج گانه استاندارد هیومنیزم عبارتند از:

۱/ باور به خدا. چه بصورت باوری واقعی و قلبی (آنطور که پیروان ادیان و عقاید مختلف معنوی و روحانی به او باور دارند) و چه بصورت باوری سمبولیک و قراردادی! به عنوان حقیقت حاکم و مطلق جهان و تنها نقطه مشترک بین انسانها که باور واقعی و یا حتی سمبولیک به او می تواند فضایی سالم و انسانی را ایجاد کرده، و اولین نقطه اتحاد انسانی در مقابل نیروها و انرژی های منفی شیطانی قلمداد گردد!

(این یعنی انرژی و حقیقتی حاکم بر جهان ما است که سرچشمه همه درستی هاست...). ص. ۲۶۵ و ۲۶۱ - جهان بینی، و حقیقت و واقعیت - را ملاحظه فرمایید.

۲/ اعتقاد داشتن به یک دین و آیین، و یا تفکر معتبر بشری. از هر نوع الهی، معنوی، اجتماعی و ...، که ارزش های مثبت و انسانی داشته باشد! (این یعنی هر انسانی حق انتخاب راه و روش زندگی خود را با آگاهی و شناخت دارد...).

۳/ باور به قانون، اخلاق، فرهنگ و حقوق انسانی و مشترک جهانی. که از حاصل جمع تمامی نکات و آموزه های مشترک تمامی عقاید و باورهای انسانی تشکیل و تدوین شده باشد؛ مثل راستی و درستی، حق برخورداری از زندگی شایسته انسانی، صلح و برابری و آزادی و (این یعنی در فرهنگ جهانی بشر حق همه می بایست رعایت گردد...).

۴/ رأی به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد. متشکل از نمایندگان تمامی کشورهای جهان به منظور مدیریت جمعی جهان در تمامی زمینه‌های عقیدتی، سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی جهان و با حفظ فرهنگ و استقلال تمامی کشورها به شیوه‌ای پویا و فراگیر

(این یعنی ما نیاز به سازمانی بین‌المللی داریم تا از حقوق و داشته‌های همه ما در جهت زندگی شایسته انسانی حمایت کند...).

۵/ رعایت پاکیزگی جسمی و آرامش روحی و روانی. در زندگی فردی و جمعی خود

(این یعنی ما بشری ذی‌شعور هستیم، که لازم است شایسته زندگی کنیم...).

این اصول بسیار ساده، قابل فهم و عملی می‌باشند؛ نکته پیچیده و غامضی در آنها مشاهده نمی‌گردد! اما در عین سادگی و همه‌فهم بودن بسیار ریشه‌ای و حقیقی نیز هستند؛ هر انسان مثبتی با قبول این پنج اصل، راه اتحاد انسانی و غلبه و شکست ۱۰ درصد شیطانی را هموار خواهد نمود! هر چه تعداد افرادی که این اصول را بپذیرند بیشتر شود اتحاد انسانی محکم‌تر و وسیع‌تر گشته و راه رسیدن به صلح و سعادت بشر هموارتر خواهد گردید؛ با قبول و اجرای این پنج اصل، راه و مسیر نابودی بختک‌ظلم و تیرگی، و تفرقه و دشمنی هموار گشته و ۱۰ درصد شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد.

با پذیرش و قبول این اصول، انسان آفریقایی و آمریکایی و اروپایی و آسیایی و ...، با هر نوع ملیت، نژاد، فرهنگ، دین و آیین انسانی به وحدت و برابری با هم می‌رسند! چون همگی زیر چتر یک فرهنگ مشترک انسانی قرار خواهند گرفت، و در نتیجه همگی انسان و برابر به شمار خواهند آمد؛ با پذیرش این اصول هر نوع تبعیض و برتری‌جویی نژادی، منطقه‌ای، دینی و عقیدتی از بین خواهد رفت، چون رعایت این

اصول فضایی را ایجاد خواهد کرد که همه به یکدیگر احترام گذارده و حقوق یکدیگر را به گونه‌ای برابر رعایت کنند، و در نتیجه راه را بر نفوذ ۱۰ درصد شیطانی و تفرقه‌سازی آنها با اتحاد خود ببندند

این پنج اصل، اصول اتحاد انسانی و در نتیجه انسان نمونه شدن است!

با قبول آن در عین حالی که دین و نژاد و فرهنگ و زبان خود را محفوظ خواهیم داشت، هم‌زمان به اصولی معتقد خواهیم شد که اتحاد انسانی و بین‌المللی ما را (با فرهنگی که در جهان ایجاد و پراکنده می‌کند) تضمین کرده، و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی را خستی، و در نتیجه افکار برتری جویانه و قدرت‌طلبانه و تفرقه‌افکنانه در بین ما را محو کرده، و امکان ایجاد و برقراری یک زندگی صلح‌آمیز انسانی را فراهم می‌گرداند؛ البته پذیرش و باور به این اتحاد انسانی برای ۱۰ درصدی که در بین ما زندگی می‌کنند بسیار سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود، و از اولین لحظهٔ اعلام و گسترش آن با انواع بی‌شمار دلایل شوم و شیطانی، و پوچ و بی‌پایه و اساس خود سعی در تضعیف و کم‌رنگ کردن و نابود کردن آن خواهند نمود؛ ... ممکن است برای تضعیف این تفکر بگویند که این نشدنی و خیال‌پردازانه است؛ حاصل تفکر یک اروپایی و یا آسیایی و یا آفریقایی و ... است، و یا حاصل تفکر یک مسیحی یا مسلمان یا هندو یا ... است، و در نتیجه به هر شکل و بهانه‌ای نهایت سعی خود را در بی‌اثر کردن آن بکار برند؛ ... یک فکر مثبت ارزش‌های مثبت خود را دارد و ممکن است ایرادات و کاستی‌هایی هم داشته باشد، اما تلاش‌های مغرضانه در بی‌اثر کردن آن چیزی نیست جز **مقابلهٔ شیطانی و جاهلانه؛ بشر ناچار است بطور مستمر در تلاش و به فکر اصلاح جهان خود باشد، در غیر اینصورت نیروهای منفی جهل و ظلم و خودخواهی شیطانی به او اجازهٔ زندگی صلح‌آمیز انسانی را نخواهند داد.**

مدیریت ضعیف کشورها، و رنج و فقر مردم کشورها، و قدرت طلبی و زیاده خواهی ۱۰ درصد منفی و شیطانی با نیروی اراده و اتحاد انسان‌های شایسته باید محو و نابود گردد؛ تفرقه و دشمنی و برتری جویی باید به دوستی، برادری و برابری، و امنیت جهانی تبدیل شود؛ این حق بشر است؛ ما نیاز به بهترین جهان داریم، و این محقق نمی‌شود مگر با دوستی و صلح، و اتحاد همه انسان‌های جهان، و به شکلی مساوی و برابر؛ ... با قبول اصول پنج‌گانه استاندارد هیومنیزم چیزی را از دست نمی‌دهیم، بلکه با پاک‌سازی قلب و روح خود از اثرات تلخ ذهنیت‌های تفرقه‌آمیز، به اتحاد و صمیمیت و احترام انسانی و در نتیجه به صلح و سعادت و پیشرفت فراگیر جهانی خواهیم رسید.

استاندارد هیومنیزم انسانی‌ترین راه حل مشکلات جهان بشری را ارائه می‌دهد، که حق و احترام و برابری تمامی انسان‌ها در آن دیده و لحاظ شده است؛ بشر تاکنون هیچ فرهنگ و تفکر انسانی کامل، مشترک و قابل قبولی را تجربه نکرده است، تا با قبول آن به صلح و اتحاد جهانی خود برسد! هر تفکر و فرهنگی به شیوه‌ای سنتی اصرار دارد که اصول یکطرفه و محدود خود را به جهانیان بقبولاند؛ بدیهی است که در چنین وضعیتی هرگز کسی حاضر نخواهد شد دست از عقیده و تفکر خود برداشته و تفکر یکجانبه دیگری را بپذیرد! ... تنها آن تفکری پذیرفتنی است که حق همه را بطور برابر رعایت کرده و جهان‌شمول باشد؛ تفکر انسان استاندارد با ایجاد فرهنگ مشترک جهانی بر پایه دوستی و احترام متقابل، موجب اتحاد انسانی بشر گشته و صلح و سعادت او را تضمین می‌گرداند.

در وضعیت فعلی جهان هر گروه و دسته‌ای از بشر تنها خود را قبول دارد و تنها خود را برتر می‌داند؛ این گروه‌ها و دسته‌ها که همگی مدعی رایه بهترین راه حل مسایل جهان بشری هستند با تفرقه‌ای که بر جهان

تحمیل می‌کنند جهان را روز به روز به سمت اغتشاش و تنش بیشتر پیش می‌برند؛ اما تفکر انسان استاندارد با برقراری فرهنگ جهانی بشری و سرپرستی جهانی علاوه بر اینکه ایده‌آل و اهداف و چشم‌اندازهای تمامی گروه‌ها و آیین‌ها را در برقراری جهان صلح‌آمیز برآورده می‌کند، این امکان را نیز به عقاید و تفکرات مختلف می‌دهد که با آرامش و بدور از دغدغه‌های اصلاح جهانی، به رشد و اصلاح درونی خود پردازند!

در واقع اهداف جهان‌ساز تمامی افکار و عقاید و فلسفه‌های بشری که صلح و پیشرفت مادی و معنوی بشر را می‌جویند از طریق روش و سیستم کامل و پویای جامعه جهانی انسان استاندارد - و به شکلی بسیار برتر و جامع‌تر - محقق و برآورده خواهد شد! و نگرانی‌های همه تفکرات جهانی بشری بدین طریق رفع خواهد گردید.

استاندارد هیومنیزم یک تفکر فرادینی و فراسیاسی و فرافرهنگی است که نقش پاک‌کننده و خالص‌کننده و هدایت‌کننده زندگی بشری را با هدف زندگی کامل و شایسته انسانی دنبال می‌کند؛ یک زندگی شایسته که حق همه انسان‌ها با مدیریت جهانی آن (جامعه جهانی انسان استاندارد) برآورده خواهد شد! یک زندگی شایسته که تسلط نیروهای منفی، و ظلم، جنایت، قتل، اعتیاد و ... در آن به حداقل رسیده و محو خواهد گردید، و زندگی نورانی انسانی با چشم‌اندازهای بسیار عظیم‌تر و بالاتر از اهداف و چشم‌اندازهای مرحله و سطح دوم رؤیایی زندگی بشر در آن رقم خواهد خورد و دست‌یافتنی خواهد شد؛ چون بر اتحاد نیروهای مثبت تکیه دارد؛ چون تمام عقل جهان، ثروت جهان، مدیریت و سیاست جهان، و ادیان و عقاید جهان در ساخت آن سهیم و شریک هستند! بشر با اتحاد و همکاری خود به پیشرفت‌های بسیار عظیمی دست خواهد یافت؛ بسیار بسیار عظیم‌تر و شگفت‌انگیزتر از آنچه تاکنون بدست آورده است!

انسان (مسیحی، مسلمان، هندو، بودایی، شینتویی، تائویی، سیک، کنفوسیوسی، زرتشتی، جائینی، یهودی، کمونیست، سکولار، ...) با قبول تفکر انسان استاندارد و با قبول پنج اصل آن - به عنوان لایه دوم هویت و شخصیت اجتماعی خود -، ایده‌آل‌های بزرگ‌تری را در پیش روی خود خواهد دید؛ با قبول تفکر انسان استاندارد و باور به پنج اصل آن و عملی کردن اصول آن، جهان بشری شروع به تغییر و نوسازی عظیمی می‌کند که جامعه جهانی انسان استاندارد - که سطح و دنیای چهارم زندگی بشر می‌باشد - در ادامه آن تغییر ایجاد خواهد شد؛ استاندارد هیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد جهان بشری را به گونه‌ای جدید مدیریت خواهد کرد که دیگر هیچ اثری از حکومت‌های نالایق، ظلم، قدرت‌طلبی، فقر، فساد، ترور، ناامنی و ... در جوامع بشری نخواهد بود، و در نتیجه کشورهای عقب مانده به رشد شایسته خود خواهند رسید، و فقر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دینی، اقتصادی و علمی آنها به حداقل خود رسیده و محو و نابود خواهد گردید.

(استاندارد هیومنیزم "یک هویت کامل و دولایه" را به انسان‌ها معرفی می‌کند: در لایه اول تأکید بر حفظ تنوع دینی، فرهنگی و تمدن رنگارنگ ملل جهان دارد و با سیستم خود قویاً از آن حمایت می‌کند؛ و در لایه دوم از طریق پنج اصل خود موجب اتحاد بشر گشته و به مقابله با ۱۰ درصد شیطانی می‌پردازد ...).

دنیا تحت نفوذ و کنترل ۱۰ درصد جاهل و شیطانی است، پس در نتیجه انسان‌های مثبت (از هر دین و آیین و نژاد و ملیتی) باید از طریق یک تفکر متحد کننده که حق همه را دربرگیرد با یکدیگر متحد و هماهنگ شوند تا گروه شیطانی را شکست داده و نابود کنند؛ شکست ۱۰ درصد شیطانی مساوی است با زندگی شایسته انسانی.

تفکر انسان استاندارد اولین تفکر و فلسفه مشترک جهانی بشر است
که فرهنگ مثبت جهانی را شکل می‌دهد؛
مدیریت انسان استاندارد ضعف‌های بشری را کنترل و مدیریت
انسانی او را جهانی و فراگیر می‌کند.

۱/ باور به خدا - خدا به معنی انرژی، و حقیقت حاکم و مطلق جهان، و قانون راستی و درستی - (چه باوری قلبی و واقعی و چه باوری سمبولیک و قراردادی).
خدا یعنی صلح و عدالت، که در طول تاریخ و از طریق تمامی باورهای متنوع و رنگارنگ انسانی ... جلوه‌گر شده تا بشر را به سمت زندگی شایسته انسانی - توأم با سعادت کامل آن - طبق ظرفیت و توانایی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی‌شان هدایت کند؛ در نتیجه تمامی باورهای عدالت‌جو و صلح‌طلب بشری از خدا و حقیقت جهان سرچشمه می‌گیرند، و بنابراین برای مردم تحت پوشش خود کامل هستند؛ هرچند مسیر رشد و تعالی بیشتر آنها نیز ممکن است باز باشد!
درصد و بخش عظیم عقاید و باورهای دینی، فلسفی و علمی موجود در جهان به شکل‌ها و از طریق فلسفه‌های گوناگون به خداوند و خالق و آفریدگار جهان، نیروی حاکم بر جهان، منشاء همه خوبی‌ها و منشاء همه انرژی‌های مثبت و ... ایمان و به وجود او اعتقاد دارند؛ در واقع بشر از طریق وحی و باورهای روحانی و معنوی، و یا از طریق اثبات علمی و منطقی به این نتیجه و باور رسیده است که خلقت خود او و جهان او توسط نیرویی خاص و ذی‌شعور و حاکم و مسلط بر جهان، و از طریق نظم و هدفی معین ایجاد شده است و پوچ و اتفاقی و بی‌هدف نیست
با دید وسیع و وسعت نظر در هستی درمی‌یابیم که پیش از پیش و از ازل خداوند و پروردگاری محاط بر جهان بیکران بوده که با مشیت و اراده خود هستی را خلق کرده و شکل‌گیری این جهان زیبا و منظم را اراده کرده است؛ اگر سرنخ شکل‌گیری دنیا را بگیریم و به عقب برگردیم به

جایی می‌رسیم که اثبات می‌گردد که اولین ماده هستی از هیچ شکل گرفته است، و قبل از پیدایش و بوجود آمدن آن اراده و خواستی بوده که آن را پدید آورده، چون از هیچ، هیچ چیز حادث نمی‌شود و بوجود نمی‌آید! مگر با اراده و خواست و مشیت و هدفی، که همان است که از آن به عنوان خالق و آفریدگار جهان یاد می‌کنیم و مورد توجه و پرستش قرار می‌دهیم، چون می‌دانیم که این خلقت شگفت‌انگیز و زیبا را اتفاقی و بیهوده نیافریده است، و همه جا شاهد رفتار انسانی و یا خطاهای ما می‌باشد؛ از این جهت او را مورد توجه خود قرار می‌دهیم تا با الهام از خوبی‌هایی که از خود به ما ساطع می‌کند اعمال و رفتار خود را اصلاح کنیم و سعی کنیم که انسان‌های شایسته‌ای باشیم؛ باور به خدا حداقل این حسن و فایده را دارد که ما را مطمئن می‌سازد که نیروی عظیم، مثبت و عادلانه بر جهان ما حاکم است که می‌توانیم در اجرای اعمال انسانی خود از خوبی‌های او الهام و انرژی بگیریم.

باور به خدا هویت انسان را از سطح محدود زمینی فراتر برده و به عمق هستی فرو می‌برد؛ باور به خدا صرف نظر از اینکه از طریق چه دین و آیینی به او ایمان آورده باشیم باعث ایجاد یک اتحاد جهانی در بین تمامی بشر می‌گردد! یک انسان مسیحی، یک انسان مسلمان، یک انسان هندو، یک انسان بودایی، و هر انسان دیگر با هر دین و آیین دیگر که به پروردگار جهان و نیروی حاکم بر جهان باور و ایمان دارد با انسان‌های دیگر از هر دین و آیین دیگر که به خدا (وجود نیرویی برتر) باور دارند، احساسی لطیف و انسانی بین خود و آنان احساس می‌کند که وجود خدا را در روح آنان احساس کرده و به طریقی خاص حس دوستی خفیفی در خود نسبت به آنان احساس می‌کند، که نشان از معجزه باور به خدا به عنوان وسیله و فاکتوری در جهت ایجاد اتحاد انسانی او با دیگران دارد! (افرادی که تحت تأثیر ناخالصی‌ها و جو تفرقه‌آمیز و پُرتنش کنونی جهان قرار دارند طبیعتاً این احساس نامرئی دوستی را در خود کمرنگ‌تر خواهند دید ...).

باور به خدا (انرژی مثبت حاکم بر جهان) **عظیم‌ترین سپر انسانی است؛** باور به خدا عظیم‌ترین سپر انسانی در دست ۷۰ درصد مثبت جهان است! باور به خدا به عنوان اولین اصل استانداردهیومینیم باعث اتحاد انسانی بین تمامی بشر با هر دین و آیینی (مادی یا معنوی) با یکدیگر می‌گردد! این باور چه یک باور واقعی و قلبی باشد و یا یک باور سمبولیک و قراردادی! انسان‌های خوب و مثبت جهان را تحت پوشش خود قرار داده و در برابر ۱۰ درصد شیطانی متحد می‌کند.

در بین مردم جهان درصد عظیمی باور قلبی و ایمانی به خدا دارند و او را می‌پرستند؛ درصدی او را و وجود او را قبول دارند اما او را از طریق آیین‌های بشری نمی‌پرستند و تنها قبول دارند که خدایی چه مؤثر و اثرگذار در زندگی انسان و چه بی‌اثر و بی‌توجه به امور روزمره زندگی انسان‌ها وجود دارد؛ درصدی دیگر از انسان‌ها نیز هستند که اساساً به وجود هیچ خدایی ایمان و باور ندارند! اما جزو انسان‌های خوب و مثبت جهان بشری و مخالف ۱۰ درصد شیطانی به شمار می‌آیند؛ در اینجا این سؤال پیش می‌آید که استانداردهیومینیم چگونه می‌تواند این گروه اخیر را متقاعد به باور به خدا کند، و در اصل، باور به خدا از دید استانداردهیومینیم در این بحث چه معنی و مفهومی دارد؟! جواب این است که همانطور که پیشتر گفته شد به عنوان اولین اصل در مسیر اتحاد بشر در مقابل ۱۰ درصد شیطانی، باور به خدا (خدا با مفهوم علمی و فلسفی، و نه عامیانه و سنتی! در تعبیر عامیانه مردم خدا را یک فرد می‌پندارند و مرتباً از او پول می‌خواهند...)، چه با باوری قلبی و ایمانی و چه تنها یک باور سمبولیک به منظور ایجاد یک **فاکتور متحدکننده** بین بشر اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد! بشر نیاز به اتحاد انسانی دارد؛ بدون اتحاد انسانی – که می‌تواند او را با هر دین و آیین و ملیت و نژادی متحد کند – نمی‌تواند در برابر ۱۰ درصد شیطانی که به همه انرژی‌های منفی و انواع ترفندها و حیل‌های شیطانی و ضد انسانی مجهز هستند مقاومت کرده و بر آنها چیره گردد!

آن گروه که به خدا باور ندارند اگر جزو دسته انسان‌های مثبت جهان باشند می‌بایست قبول کنند که با این باور سمبولیک حضور خود

را در **جبهه خیر علیه شرّ** اعلام و نقش خود را در جهت اتحاد انسانی تمامی ۷۰ درصد مثبت جهان ایفاء کنند! این حداقل همکاری آنها در این مسیر و همراهی با **هم‌جهانیان** خود است تا به کمک یکدیگر جهان خود را از تسلط منفی جهل و ظلم شیطانی رهایی داده و زمینه‌های رشد انسانی بیشتر بشری را فراهم کنند؛ **برای آنها، این صرفاً یک باور سمبولیک - به معنی قانون راستی و درستی - است تا آنها را رسماً جزو دنیای انسان استاندارد قرار دهد؛** الزام و تعهدی به باور دینی و یا انجام مراسم دینی خاصی را در پی ندارد؛ این بهانه‌ای است در جهت قبول یک اصل از اصول متحد‌کننده و انسانی استاندارد هیومینیزم! انسانی که معتقد به اتحاد در برابر دشمن جهل و قدرت‌طلبی شیطانی است می‌بایست با قبول این اصل نقش خود و وظیفه خود را در برابر برقراری صلح و عدالت جهانی و به نفع تمام جهان بشری ایفاء کند؛ ... **باور به خدا/ جبهه خوبان جهان را در برابر جاهلان و ظالمان شیطانی متحد می‌کند.**

بدین ترتیب طبق تفکر و فلسفه استاندارد هیومینیزم هویت انسان تبدیل به **یک هویت کامل و دولایه** می‌گردد:

در **لایه اول** به منظور دستیابی به صلح و اتحاد انسانی، معتقد به استاندارد هیومینیزم می‌شود و با این اعتقاد به اتحاد و تفاهم با انسان‌های دیگر از هر نژاد و رنگ و آیینی می‌رسد، (که نهایت فلسفه و جهان بینی‌اش اتحاد انسانی خواهد بود و جز آن را نمی‌جوید)؛ و در **لایه دوم** چون استاندارد هیومینیزم فرادینی و جهان‌شمول است در نتیجه دین و آیین فردی خود را همچنان حفظ می‌کند، (اگر باور واقعی به خدا دارد به پرستش و عبادت قلبی و روحی خود ادامه می‌دهد، و اگر به دنبال کشف راز و رمز علمی و عقلانی علت پیدایش خود و جهان هستی می‌گردد آزاد خواهد بود تا به عمق تلاش علمی و فلسفی خود ادامه دهد)

انسان استاندارد اعتقاد به کامل بودن شخصیت انسان دارد، در نتیجه او را با خلق تفکر و فلسفه استاندارد هیومنیزم وارد دنیایی انسانی و دولایه می‌کند! در لایه اول عمق فلسفه و نهایت جهان بینی او را در اتحاد انسانی با هدف دستیابی به صلح و آرامش انسانی و کنترل ۱۰ درصد شیطانی و قطع دست آنها از داشته‌های بشر می‌بیند، و با این تلاش بستر یک زندگی انسانی را برای او فراهم می‌آورد؛ و در لایه دوم با توجه به فلسفه و باور عمیق احترام به عقاید و افکار انسانی، دست او را باز می‌گذارد تا تمام تلاش علمی و عقلی، و صداقت عمیق قلبی و روحی خود را در جهت انجام امور دین و تفکر خاص خود بکار گیرد.

استاندارد هیومنیزم به تمامی باورهای معتبر انسانی احترام می‌گذارد و حق همه را در برخورداری از یک زندگی به شیوه و فلسفه خود محفوظ می‌شمارد؛ **استاندارد هیومنیزم با تمام بشر سر و کار دارد، و نه با بخشی از بشر با یک دین و آیین خاص.**

نام خدا (در این بحث و در این قسمت، به عنوان قانون راستی و درستی که در همه عقاید مادی و معنوی در جریان است) در رأس استاندارد هیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد یک **لوگو و آرم** است که جهان انسان‌های مثبت را تحت پوشش خود قرار داده و متحد می‌کند؛

از نظر استاندارد هیومنیزم مفهوم خدا (حقیقت جهان هستی) از دو منظر قابل توجه است:

۱/ **از نظر اجتماعی** - به عنوان حقیقت حاکم و مطلق جهان، و قانون راستی و درستی، که از طریق **تمامی** ادیان و عقاید صلح طلب و عدالت جوی بشری (مذهبی، اجتماعی یا سیاسی = مادی یا معنوی) و از طریق گذر از مسیر عقل، قلب و روح در زمان‌ها و مکان‌های مختلف آشکار شده و بشر را به سمت روش صحیح‌تر زندگی خود (با انواع اسامی گوناگون! و طبق ظرفیت‌هایشان) مستقیم یا غیر مستقیم! هدایت نموده است

۲/ از نظر فردی - دوست، خالق و انرژی الهام بخشی که از طریق ارتباط ماورایی با او (به انواع روش های پرستش، مدیتیشن، یوگا و غیره، و از طریق آموزه های آیین های متفاوت) موجب ارتقای روحی فرد می گردد؛ در نتیجه ارتباط خالصانه با او ظرفیت روحی بشر را در مواجهه با پستی و بلندی های زندگی افزایش داده، و در نهایت موجب می گردد تا انسان - با درک صحیح تر حقیقت - زندگی این دنیایی سالم تر و نیز زندگی های بعدی بهتری را (چه در این جهان و چه در دنیاهای دیگر) بگذراند و آغاز کند

۲/ اعتقاد داشتن به یک دین و آیین، و یا تفکر معتبر بشری

اعتقاد داشتن به یک دین و آیین، و یا فلسفه و تفکر معتبر، صلح طلب و عدالت جوی بشری (شامل ادیان و آیین های: ابراهیمی، ایرانی، هندی، چینی، قومی و قبیله ای، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) که ارزش های مثبت و انسانی داشته باشد، دومین اصل استاندارد هیومنیزم در برقراری اتحاد انسانی و در نتیجه ساختن جهانی شایسته بدور از سلطه ۱۰ درصد شیطانی است، که به دلیل ایجاد فضای تفاهم و احترام، و افزایش سطح آگاهی انسان ها - که در اثر مطالعه صادقانه برای یافتن آیین برتر در شخص ایجاد می گردد - نفوذ جهل و قدرت طلبی را بر زندگی انسان کم رنگ نموده و خستی می گرداند.

طبق تفکر انسان استاندارد تمامی آیین های معتبر، عدالت جو و صلح طلب بشری (مادی یا معنوی) - از طریق گذر از مسیر عقل، قلب و یا روح انسان - ریشه در حقیقت مطلق جهان دارند! و از آنجاییکه همگی با هدف دوری از جهل و ظلم، و برقراری عدالت و صلح پایه ریزی شده اند در نتیجه همگی آنها - با هر نام و فلسفه ای - در محدوده های خود معتبر می باشند، بنابراین یک انسان شایسته و نمونه لازم است که به عنوان اثبات درک و شعور انسانی خود، و نیز در مسیر برقراری صلح و عدالت در جامعه خود، به یکی از آیین ها و تفکرات معتبر انسانی معتقد و زندگی خود را با پیروی از اصول آن پویا و هدفمند کند

داشتن آیین انسانی به انسان هویت و اعتبار اجتماعی می‌دهد، در حالی که بدون ایمان و اصولی هدفمندکننده انسان از نظر روحی و روانی سردرگم و بلا تکلیف می‌گردد!

نداشتن ایمان و هویت اعتقادی انسان را به سمت پوچ‌گرایی و دنیایی شدن صرف پیش می‌برد و زندگی او را بی‌معنی و بی‌ریشه، و سست و کوچک می‌گرداند

ایمان و باور روشمند به یک آیین بشری - از هر نوع مذهبی، سیاسی یا فرهنگی آن - شخصیت فردی و اجتماعی انسان را کامل‌تر می‌کند انسان در مواجهه با مسایل روزمره زندگی خود به چالش‌های مختلف و متفاوت اخلاقی و اجتماعی گرفتار می‌شود که در صورت نداشتن یک هویت و چارچوب فکری مناسب و معتبر نخواهد توانست راه‌حل مشکلات خویش را بیابد، و در نتیجه به مشکلات روحی و سردرگمی‌های روحی و روانی متعددی گرفتار می‌گردد؛ روح انسان (و عقل و قلب او) نیاز به هویت و شخصیت اعتقادی مناسب دارد (اعتقاد به هر نوع آیین شایسته انسانی) و نمی‌توان او را به حال خود رها کرده و در مسایل روزمره زندگی فقط به ذهن شخصی خویش متکی بود

تاریخ بشر عظیم‌ترین گواه بر اهمیت داشتن دین و آیین است و ثابت می‌کند که انسان‌ها در تمامی دوران‌های تاریخ زندگی خود - از جوامع بدوی گرفته تا جوامع پیشرفته - نیاز به داشتن یک اعتقاد در قالب یک دین، سیاست، فلسفه، و یا تفکر نظم‌دهنده شخصیت بشری را پذیرفته‌اند، و این بخشی از فرهنگ و تمدن جوامع بشری است

انسان، بدون باور عقیدتی، انسانی سردرگم و بی‌هویت است! باور اعتقادی آرامش و اطمینان قلبی و روانی مطلوبی را بدنال می‌آورد که روح انسان بدان محتاج و نیازمند است؛ از همه مهم‌تر اینکه یک انسان نمونه و با شخصیت امروزی به منظور اینکه در جهان پیشرفته انسانی

بتواند به **درک احترام متقابل** با انسان‌های دیگر برسد نیازمند پذیرش یک آیین معتبر انسانی (در حد درک و تشخیص خود) می‌باشد، در غیر اینصورت نمی‌تواند حس احترام متقابل را در جهان خود و با اطرافیان خود تجربه کرده و در نتیجه صلح و آرامش را برقرار سازد

انسانی که به هیچ آیینی از میان صدها آیین متفاوت و رنگارنگ بشری معتقد نباشد عملاً نمی‌تواند به این درک و تشخیص برسد که لازم است و باید به آیین دیگران احترام گذارد! کسی که به آیینی از روی آگاهی و شناخت معتقد باشد، طبیعتاً در جهت ایجاد احترام متقابل، خود نیز احترام گذاردن به آیین‌های دیگران را لازم و حیاتی می‌بیند؛ در نتیجه پذیرش یک آیین - بر پایه مطالعه و شناخت و آگاهی - احترام متقابل بین انسان‌ها را پدید آورده و ایجاد می‌کند! و تفاهم و صلح و دوستی را مستحکم‌تر و پایدارتر می‌گرداند

اعتقاد داشتن به یک آیین معتبر بشری شرایط ایجاد و پذیرش **فرهنگ مشترک بشری** بر پایه قانون برتر و حقیقت مطلق که در درون تمامی آیین‌های بشری جاری است را سهل‌تر می‌نماید

داشتن یک آیین بشری بسیار ضروری است زیرا که شناخت بشر نسبت به قوانین حاکم بر جوامع انسانی را بالا برده و انسان معمولی را تبدیل به انسان اجتماعی و فرهنگی و آگاه می‌کند که می‌تواند در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی و جهانی خود مفید و مؤثر باشد

ایمان و باور آیینی، مشارکت بشر در سرنوشت جهان خود را رقم زده و او را به معنای کامل انسان می‌کند

باور آیینی، بین انسان با هم‌فکران خود حس دوستی و برادری و برابری ایجاد می‌کند، و به او این آرامش خاطر را می‌دهد که در جامعه‌ای انسانی و در بین انسان‌هایی زندگی می‌کند که با او بواسطه اعتقاد به یک آیین دوست و برادر و برابر هستند؛ در چنین شرایطی که فضای

دوستی انسانی حاکم است، فرد در صورت مشاهده مشکلی برای هم‌نوع و دوست خود حاضر به کمک و همکاری و از خود گذشتگی می‌شود، و در نتیجه به عمق رضایت روحی و درونی خود از خود می‌رسد، که در پی آن یک شادی عمیق معنوی را تجربه خواهد کرد، که هرگز در فضایی بدون دوستی و اتحاد نمی‌توانست به آن عمق معنوی و شیرینی و نشاط روحی و آرامش روانی زیبا برسد

و بالاخره اینکه داشتن عقیده و آیین انسانی حق هر انسانی است و موجب می‌گردد فضای جامعه انسانی گرم‌تر و صمیمی‌تر گشته و در نتیجه صلح و آرامش را به زندگی بشر وارد می‌کند.

فواید و سودمندی‌های فردی و اجتماعی داشتن یک دین و عقیده انسانی بسیار عمیق و بی‌شمار است، به همین دلیل است که استاندارد هیومنیزم در برقراری یک جهان پویا و کامل و شایسته بشری تأکید دارد تا انسان‌ها تلاش کنند در جهت سلامت شخصی و اجتماعی خود و هم‌جهانیان خود، از میان انواع آیین‌های معتبر بشری یکی را انتخاب و به اصول آن معتقد و آنها را به شکلی صحیح و صادقانه انجام دهند.

فواید و سودمندی‌های فردی و اجتماعی داشتن یک دین و عقیده انسانی بسیار عمیق و بی‌شمار است، اما تأکید استاندارد هیومنیزم بر آن بخشی بیشتر است که:

۱/ موجب می‌گردد سواد و آگاهی بشر - در اثر مطالعه صادقانه برای یافتن دین و آیین برتر طبق روحیه و نیازهایش - نسبت به ادیان و عقاید بشری بیشتر گردد.

۲/ موجب می‌شود به این درک برسد که دیگران هم حق دارند طبق ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و تشخیص خود آیین مورد نظر خود را انتخاب و از اصول آن پیروی کنند، در نتیجه به همه آیین‌ها احترام می‌گذارد.

۳/ مطالعه صادقانه عقاید بشری در مسیر یافتن آیین برتر، بشر را متوجه ناخالصی‌های تاریخی وارد شده به ادیان و عقاید می‌کند، و در نتیجه باعث می‌گردد در انتخاب خود آیین پاک‌تر و خالص‌تر و حقیقی‌تر را برگزیند، و بدین ترتیب به رشد و آگاهی خود و اجتماع خود بیافزاید و روشنی و رشد را به ارمغان بیاورد.

۴/ مطالعه صحیح و حقیقت‌یابی دینی و عقیدتی، تسلط جاهلان شیطانی را بر آیین‌های بشری و بر افکار پیروان آیین‌های بشری خنثی و کم‌رنگ کرده و از بین می‌برد.

۵/ در رأس همه فواید، مطالعه و یافتن آیین مناسب شخصیت بشر را از سطح انسان عامی بودن به سطح انسان شایسته بودن ارتقاء می‌دهد.

در ارتباط با ایمان و اعتقاد داشتن به یک آیین معتبر بشری، رعایت و توجه به نکات زیر حیاتی است:

۱/ یک انسان نمونه، متمدن، هوشیار و عاقل می‌بایست با مطالعه و تحقیق و در حد درک، فهم، ظرفیت و توانایی‌های عقلی و قلبی و روحی خود، و با آگاهی کامل به انتخاب دین و آیین خود برسد. انتخاب‌های اتفاقی، ارثی، خانوادگی و ... اعتبار انسانی لازم و کافی را ندارند! انسانی که با مطالعه و تحقیق در آیین‌های بشری می‌تواند به آیین برتر - در حد تشخیص خود برسد - سزاوار نیست که به شکلی سنتی خود را به یک آیین معتقد نگه دارد، که با روحیه و توان روحی و عقلی و قلبی او سازگاری نداشته و تنها یک دلبستگی سنتی در او ایجاد می‌کند، و در نتیجه رشد انسانی او را ضعیف و کند نگه می‌دارد!

در یک دنیای انسانی پویا، انتخاب صحیح و آیین برتر بر طبق ظرفیت و توان فرد، اول: موجب می‌گردد که شخص با آگاهی و

شناخت صحیح آموزه‌های دین و آیین خود را انجام دهد، و دوم اینکه به دلیل انتخاب هوشمندانه و آگاهانه آیین خود و اعتقاد صادقانه به آن، با سلامت انسانی بیشتر و احساس داشتن هویت انسانی پویاتری در خود، زندگی خود را بگذراند؛ منظور و هدف اصلی این است که انسان یک مطالعه و شناخت صحیح نسبت به آیین خود و آیین‌های انسانی دیگر داشته باشد؛ حداقل حسن این مطالعه در این است که متوجه می‌گردد که انسان‌های دیگری با آیین‌های دیگری نیز در این جهان زندگی می‌کنند، که آیین‌های محترم و معتبری برای خود دارند.

۱۲ یک انسان نمونه چون با مطالعه و شناخت به آیین خود معتقد شده است، در نتیجه حق اعتبار و احترام مساوی و برابر برای پیروان تمامی آیین‌های انسانی دیگر نیز قایل می‌گردد؛ چون به همان نسبت که معتقد است که لازم است دیگران به انتخاب او احترام بگذارند، در نتیجه این تشخیص و درک را دارد که خود نیز به انتخاب دیگران احترام بگذارد.

این منطق و تجزیه و تحلیل انسانی جزو اولین گام‌های زدودن تسلط جاهلانۀ ۱۰ درصد شیطانی بر ذهن برخی از افراد است که آیین خود را از همه برتر دانسته و هیچ احترام و اعتباری برای دیگر انسان‌ها قایل نیستند، که در نتیجه باعث ایجاد تنش‌های عقیدتی مستمر در جهان انسان‌ها شده‌اند.

۱۳ نفوذ ۱۰ درصد شیطانی به قدری قوی است که این ذهنیت جاهلانه را در برخی پیروان عقاید بشری ایجاد می‌کند که حاضر نشوند احترام و اعتباری برای پیروان آیین‌های دیگر با قومیت‌ها و نژادهای دیگر قایل گردند، در حالی که اگر خود در میان آن جوامع بدنیا آمده بودند! آیین حال حاضر خود را غریب می‌دیدند و قبول نمی‌داشتند! این گروه در میان هر ملت و نژادی که بدنیا بیایند چون بدون مطالعه و

شناخت به آیین موروثی خود معتقد و متعصب می‌گردند، در نتیجه تنها آیین خود را قبول دارند و برتر می‌شمارند، و دیگران و دیگر آیین‌ها را ناحق و گمراهانه به شمار آورده و بی‌اعتبار به حساب می‌آورند!

۴/ آیین برتر آن آیینی است که توسط پیروان خود به ایده‌آل‌ترین و خالص‌ترین و صلح‌آمیزترین شکل ممکن خود اجرا شود، نه اینکه وسیله‌ای گردد در دست ۱۰ درصد شیطنانی که توسط آن تفرقه، تنش، برتری‌جویی و قدرت‌طلبی را در جهان دامن بزنند!

۵/ آیین‌های انسانی قوانین جوامع بشری هستند و از آنجا که هر دین، آیین و تفکر بشری بر طبق شرایط و موقعیت خاص فرهنگی و اجتماعی، و زمانی و مکانی خاص و ویژه منطقه‌ای خاص از جهان شکل گرفته است، در نتیجه شکل ایده‌آل و پویای آنها در همان مناطق نمایان می‌گردد، بنابراین در عمل نمی‌توان متصور بود که روزی همه عقاید جهان بر همه جهان حاکم شوند! بلکه می‌توان متصور شد که هر عقیده در محدوده جغرافیایی خود (باتوجه به ظرفیت و فراگیر بودنش) شکوفا شده و به بهترین، ایده‌آل‌ترین و صلح‌آمیزترین شکل خود متبلور گردد، و از حاصل جمع ویژگی‌های انسانی، صلح‌آمیز، مثبت، و برتر آنها قانونی بین‌المللی و مورد تأیید تمامی عقاید و ملت‌های جهان تدوین گردد، که دنیای شایسته انسانی را با آن اداره و هدایت نمود! و آن قانون چیزی نخواهد بود جز حقیقت مطلق و قانون مطلق انسانی حاکم بر جهان که توسط خالق و انرژی جهان بر قلب و روح بشر نقش بسته است و همه انسان‌های درست‌اندیش با عقل خود درستی آن را تأیید می‌کنند و حاضر به اجرا و انجام آن هستند

هویت اعتقادی و داشتن یک جهان‌بینی انسانی همان چیزی است که نظم شخصیتی به انسان می‌دهد و او را از آدم معمولی تبدیل به انسان کامل می‌کند.

۳/ باور به قانون، اخلاق، فرهنگ و حقوق انسانی و مشترک جهانی

یک انسان نمونه، شایسته و استاندارد چون با مطالعه و شناخت به آیین خود رسیده است می‌داند که تمامی آیین‌های شناخته شده و معتبر بشری ریشه در حقیقت داشته و از خالق، انرژی و حقیقت مطلق جهان ساطع و ارسال می‌شوند؛ در نتیجه قانون برتر را قانون انسانیت می‌داند، یعنی همان قانونی که طبق ذات و سرشت انسان تدوین و هویدا شده است؛ یعنی قانونی که به راستی و درستی، و صلح و عدالت فرمان می‌دهد، و در نتیجه آن قانون، قانون بشریت است که توسط عقل، قلب و یا روح بشر قابل شناخت و اثبات است؛ بشر از طریق اتصال - مستقیم و یا غیرمستقیم - روحی خود با حقیقت مطلق جهان، و از طریق عقل و قلب خود این قانون را درک کرده و بکار می‌گیرد؛ همه بشر قادر به شناخت و تأیید این قانون برتر هستند! این قانون همیشه و در طول تاریخ و توسط همه ادیان، آیین‌ها و فلسفه‌ها (چه مادی و چه معنوی، و چه مذهبی، سیاسی و ...) کشف شده و به اجرا در آمده است؛ ...

جهان بشری فقط و فقط یک قانون مطلق دارد که مثل موضوع یک تابلوی نقاشی که هنرمندان مختلف آن را کشیده باشند ثابت می‌باشد، اما تنوع ظاهری بی‌شماری دارد؛ شکل همگی یکی است، موضوع همه یکی است، اما چون توسط افراد مختلف و در زمان‌های مختلف بیان شده است ظاهراً با هم متفاوت هستند؛ همگی آنها به انسانیت و عدالت و راستی و درستی و سلامت جسمانی و روحانی فرمان می‌دهند و هدایت می‌کنند؛ به این ترتیب، یک انسان نمونه به همه آیین‌های بشری احترام می‌گذارد و از میان آنها یکی را که بیشتر با فرهنگ و روحیه او هماهنگ است را انتخاب کرده و آن را مسیر هدایت به سمت رشد و تعالی مادی و معنوی خود قرار می‌دهد، و بالاخره از نقاط مشترک

همه آنها قانون مشترک جهانی که همان قانون راستی و درستی است را به منظور اجرا در زندگی خود تدوین و جاری می‌سازد.

از این قانون برتر و حقیقت مطلق، در درجه اول نظم زندگی انسانی منشعب می‌شود! نظم زندگی انسانی، قانون مدیریت شایسته زندگی انسانی بر پایه صلح و اتحاد انسانی، و در نتیجه پیشرفت پویای مادی و معنوی جهان بشری به شکلی عادلانه و برای تک تک افراد بشر است؛ این نظم بر مبنای تفکر انسان استاندارد تنها از طریق مدیریت فراگیر **جامعه جهانی انسان استاندارد** امکان پذیر می‌باشد؛ از تبعات این مدیریت جهان شمول انسانی نیز **تدوین منشور اخلاقی و ایمانی جهان بشری** و **تدوین حقوق بشر انسانی** است!

این ریشه یابی پویای قانونی، سلامت جهان بشری و رعایت حقوق کامل بشری را امکان پذیر می‌سازد، و نیازهای همه مردم جهان را در نظر گرفته و برآورده می‌کند، و در نتیجه صلح جهانی را ثباتی پایدار و ابدی می‌دهد؛ صلحی که زمینه‌های رشد عظیم بشر را در پی خواهد داشت و هموار خواهد نمود.

- برخی از این قوانین مشترک زندگی بشر در زمینه‌های اخلاقی و فرهنگی و حقوقی - از نگاه استاندارد هیومنیزم - عبارتند از:**
- ۱/ حق برخورداری از زندگی شایسته انسانی و مواهب مادی و معنوی آن.
 - ۲/ حق انتخاب و داشتن عقیده و هویت ایمانی (داشتن دین و آیین).
 - ۳/ حق برخورداری از عدالت و آزادی مشروع فردی و اجتماعی.
 - ۴/ رعایت و تقویت اتحاد و همبستگی، و صلح شایسته انسانی.
 - ۵/ زندگی شایسته انسانی با راستگویی و عقل و اندیشه.
 - ۶/ ادب و احترام و رعایت شخصیت اجتماعی جامعه.

۷/ دوری از تفرقه و دشمنی با ابزار دین و سیاست.

۸/ بخشندگی و خیرخواهی و کمک به هم‌نوع.

۹/ دوری از ظلم و جهل و بیسوادی.

۱۰/ رعایت حق و انصاف.

۱۱/ علم آموزی.

....

حقیقت (آنچه که درست است ...) مقوله‌ای است سیال و همیشگی، و در همه جا و همه مکان‌ها و زمان‌ها حضور و وجود دارد؛ حقیقت از طریق تفکر و منطق، و عقل، قلب و روح بشر، و در دوران‌های مختلف زندگی بشر به عنوان چراغ راه او کشف شده و می‌شود تا بشر از طریق آن هدایت شده و قانون و روش صحیح زندگی خود را بیابد! حقیقت از طریق روح انسان‌های پاک و سالم و حقیقت‌جو می‌گذرد، و پس از تأیید قلبی و عقلانی مشروعیت خود را ثابت و پیدا می‌کند؛ حقیقت بسیار پویا، سیال، زنده و در جریان است؛ همه انسان‌های خوب از درک آن بهره‌مند می‌شوند، هرچند میزان درک آنها از کل حقیقت یکسان نیست و بستگی به سلامت نفس، دانش، خوش‌اندیشی و عقل آنها و ظرفیت و توان روحی آنها دارد! (در این ارتباط و برای رسیدن به حقیقت معیارهای متفاوتی در مکاتب گوناگون، چون: غریزه، وحی، سنت، ظن قوی، اتفاق آراء، عادت، ارتباط منطقی، تجربه و آزمایش، و غیره وجود دارد). *لطفاً صفحات ۲۶۳، ۲۶۵ و ۲۶۱*

= بحث "حقیقت" نیز ملاحظه گردند.

باور به قانون مشترک جهانی که از طریق روح و عقل و قلب بشر و در طول تاریخ خود را نشان داده است، به این معنی است که در زندگی جهانی حق همه آیین‌ها و عقاید بشری می‌بایست بطور مساوی رعایت گردد؛ این نتیجه‌گیری و جهان‌بینی منجر به تأسیس جامعه جهانی انسان

مرحله و سطح سوم: اصول استاندارد هیومنیزم ۱۰۳

استاندارد و مدیریت آن که حق همه را در نظر می‌گیرد می‌شود، و در ادامه و بر پایه این قانون جهانی که رأی به راستی و درستی و عدالت و رعایت حقوق همه آیین‌ها و همه افراد بشر می‌دهد نوبت به تدوین منشور اخلاقی و ایمانی جامعه جهانی است، و پس از آن تدوین حقوق جهانی بشر؛ کشورها و فرهنگ‌ها در تدوین قانون و فرهنگ اخلاقی و رفتاری داخلی کشورشان تا جایی که تبعات منفی بین‌المللی نداشته باشد آزادند؛ ... در ارتباط با اخلاق سیاسی جهان باید اذعان کرد که در حال حاضر و در وضعیت و واقعیت مرحله و سطح اول زندگی بشر، اخلاق جهانی در بیشتر بخش‌های جهان ماکیاولیستی است! هر چند در برخی بخش‌ها تمایل به تفاهم از طریق وضع قوانین بین‌المللی و پایداری و متعهد بودن (برخی کشورها) به آن وجود دارد، اما این اخلاق و فرهنگ کنونی جهان آلوده و تحت کنترل ۱۰ درصد شیطانی است، و تنها با تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد ریشه‌کن خواهد شد؛ در جامعه جهانی انسان استاندارد به دلیل مدیریت انسانی و جامع جهانی و مهار ۱۰ درصد شیطانی، سیاست به آرامش می‌رسد و متمرکز می‌شود بر روی مدیریت و رشد و توسعه همه‌جانبه جهان، در نتیجه اخلاق سیاسی جهان معنی روشن خود را پیدا کرده و دست‌یافتنی می‌گردد.

به منظور درک بهتر قانون و اخلاق و فرهنگ مشترک جهانی و اثری که باور به آن می‌تواند در تحکیم صلح و اتحاد انسانی بشر ایفاء کند، مثال زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

در اطراف ما رنگ‌های بسیار زیادی وجود دارند؛ رنگ‌ها در همه جا حضور دارند و لایه بیرونی و نمایان و بخش اصلی و مصور همه چیز هستند؛ یکی از لطیف‌ترین و زیباترین بخش‌های رنگی زندگی ما

گل‌ها هستند؛ وقتی به گل‌ها می‌نگریم در درجه اول رنگ آنها چشم ما را متوجه خود می‌کند و بعد شکل و فرم آنها در ذهن ما نقش می‌بندد.

رنگ‌ها فراتر از پوشش مادی طبیعت و اشیای اطراف ما در روحیه و سلیقه ما نیز نفوذ و حضور زیادی دارند، تا جایی که در انتخاب‌های خود به نقش رنگ مورد علاقه خود اهمیت بسیار زیادی می‌دهیم، چرا که رنگ ارتباط مستقیم با روحیه ما دارد و با انتخاب رنگ مورد علاقه خود به آرامش و ارضای کامل‌تری از انتخاب خود دست می‌یابیم.

رنگ‌ها طیف‌های بسیار متنوعی دارند؛ با توجه به خاصیت‌های تیره و روشنی، خلوص رنگی و رنگ‌مایگی (زرد، قرمز، آبی، ...) تعداد رنگ‌های موجود در جهان و اطراف ما بسیار زیاد است ...

حالا فرض بگیریم که سه رنگ اصلی را (بر مبنای علاقه به رنگ) بین گروه‌هایی تقسیم کنیم: گروهی که رنگ زرد را دوست دارند در یک طرف، گروه قرمز در طرف دیگر، و گروه آبی نیز در یک طرف دیگر؛ در این حال آیا به نظر شما می‌توان به گروه زرد گفت که شما دست از علاقه خود به رنگ زرد بردارید و به گروه رنگ قرمز بپیوندید! و یا طرفداران رنگ آبی دو گروه دیگر را به گروه رنگ خود دعوت کنند و ادعا کنند که رنگ آبی کامل‌تر و بهتر است؟! مطمئناً هیچ یک از این سه گروه حاضر نخواهند شد از علایق و باورهای خود دست بردارند و به گروه دیگر بپیوندند! ...

فرض می‌گیریم که این سه گروه می‌خواهند کاری اجتماعی را بطور مشترک انجام دهند؛ پُر واضح است که هر گروه خود را در امر مورد نظر بهتر و لایق‌تر می‌بیند و تصور می‌کند که می‌تواند بهترین تصمیم‌گیری را با اتکاء به باورهای برتر خود بگیرد و به موفقیت کامل

برسد! گروه زرد می گوید که ما با تمام باورهای خود و با تمام ایده‌نولوژی خود و با تمام دانشمندان خود ثابت می‌کنیم که از همه بهتر و تواناتر هستیم؛ گروه قرمز که گروه منصفی است به پیشنهاد گروه زرد فکر می‌کند، اما می‌گوید نه خیر! ما نیز با تمام دانشمندان خود و تمام باورهای خود ثابت می‌کنیم که حقانیت بیشتری داریم و ارجح هستیم؛ گروه آبی نیز با تعمق و صداقت به نظر دو گروه فکر می‌کند، اما چون مانند هر دو گروه دیگر تنها خود و داشته‌های خود را می‌بیند به این نتیجه می‌رسد که حقیقت مطلق تنها خودش است!

راه‌حل چیست؟

با بررسی دقیق‌تر متوجه می‌گردیم که اصل و ریشه رنگ‌ها رنگ سفید و در واقع نور است؛ کافی است منشوری شیشه‌ای را در برابر نور خورشید قرار دهید، متوجه خواهید شد که طیف‌های رنگی زیبایی از آن ساطع می‌گردد و آشکار می‌شود که اصالت و ریشه رنگ‌ها نور است، ظاهراً با این کشف حقیقت آشکار می‌شود:

هیچکدام از سه رنگ اصلی و هر رنگ دیگری حق و حقیقت مطلق نیستند، حقیقت مطلق و برتر سفید و نور است!

زمانیکه شما بگویید زرد و من بگویم آبی و دیگری قرمز، ۳ فرد جدا از هم هستیم، اما اگر من بگویم قانون مشترک و انسانی ادیان و عقاید انسانی، و شما نیز بگویید قانون مشترک و انسانی ادیان و عقاید انسانی، و نفر سوم نیز بگوید قانون مشترک و ...، ارتباط بین ما ارتباطی کامل، انسانی و در شأن همه ما خواهد بود؛ و این همان حقیقت اتحاد و اعتقاد به یک قانون انسانی بین‌المللی و جاری بین کل بشر با حفظ تمامی عقاید رنگارنگ‌شان است که بشر را به صمیمیت و دوستی با یکدیگر، و صلح و سعادت و رستگاری کامل می‌رساند.

اعضای یک تیم احساس دوستی و صمیمیت بیشتری با یکدیگر دارند و در شادی‌ها و غم‌ها در کنار یکدیگرند، اما اعضای دو گروه مختلف هر قدر هم که خوب باشند خود را از یکدیگر جدا و رقیب می‌بینند، گروه انسان‌های مثبت با قوانین روشن انسانی همچون راستگویی، عدالت، بخشش، دوری از جهل و ظلم و ... تنها گروه شایسته‌ای است که می‌تواند مورد تأیید اکثریت مردم جهان قرار گیرد، و می‌توان با عضویت در آن از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد به آنچه در شأن انسان است رسید.

زمانیکه قانون مشترک راستی و درستی (در بین همه عقاید) اجرا، و صلح و عدالت برقرار گردد خدا در بعد اجتماعی محقق خواهد شد.

۴/ رأی به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد

هر انسان نمونه و شایسته‌ای به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد با هدف مدیریت و هدایت جهان شمول دنیای پیشرفته خود (از طریق سایت استاندارد هیومنیزم، و یا گروه و صفحه فیس‌بوک استاندارد هیومنیزم: www.facebook.com/StandardHumanism) رأی می‌دهد؛ چون اعتقاد دارد که جمع برترین‌های جهان در یک ارگان جهانی، سودمندترین و صلح‌آمیزترین روش حفظ جهان او خواهد بود؛ جامعه جهانی انسان استاندارد با یک سیستم جهان‌شمول و یک مدیریت فراگیر جهانی به شکلی خاص امور جهان را در تمامی عرصه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی، و همچنین تمامی زیرمجموعه‌های آن مثل امنیت جهانی، صنعت، تجارت، توریسم، بهداشت، ورزش، و تمامی زیرمجموعه‌های وابسته به پنج بخش اصلی خود به شیوه‌ای مدرن و ریشه‌ای مدیریت و رهبری می‌کند!

مرحله و سطح سوم: اصول استاندارد هیومنیزم ۱۰۷

جامعه جهانی انسان استاندارد بخش برتر و تشکیلاتی مدیریت جهان بشری است، و هر کشوری در امور خود مستقل است، و امور داخلی خود را با همکاری، کمک، راهنمایی و هدایت جهانی بسته به میزان نیاز خود به کمک جهانی مدیریت می‌کند؛ کشورها در اداره امور خود دچار ضعف‌هایی هستند اما با بهره‌گیری از کمک‌ها و همکاری‌های جهانی می‌توانند به رشدی سریع‌تر، و هم‌زمان با حفظ استقلال خود دست یابند؛ در واقع سیستم جدید جهانی طبق روش پیشنهادی استاندارد هیومنیزم یک سیستم دموکراتیک و فدرال جهانی خواهد بود.

جامعه جهانی انسان استاندارد با بکارگیری عقل جمعی و ثروت بشر، جهان بشری را مدیریت و هدایت خواهد کرد؛ این جامعه جهانی نقطه اوج اتحاد بشر با هدف ایجاد یک زندگی صلح‌آمیز و پیشرفته انسانی است که در مسیر حرکت مثبت و پویای خود هیچ مانعی نخواهد دید! تشکیلات و سیستم مدیریتی جامعه جهانی انسان استاندارد آنقدر بزرگ، پیشرفته و عظیم است که قوی‌تر از هر موتوروری در تمامی جهات مادی و معنوی، جهان بشری را به رشد و پیشرفت خواهد رساند! استاندارد هیومنیزم با ابزار بسیار قوی اصلاحی خود دنیای انسان‌ها را از نفوذ ۱۰ درصد منفی و جاهل پاک کرده و شرایط رشد همه‌جانبه بشر را فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که بشر را از خود و پیشرفت خود شگفت‌زده و متعجب خواهد کرد.

جامعه جهانی انسان استاندارد حاصل اراده نیروهای مثبت جهان بشری است؛ نیروهایی که با ادیان و عقاید و سیاست‌ها و فرهنگ‌های مختلف و متفاوت خود، سرنوشت خود را از دست ۱۰ درصد خودخواهی

و قدرت طلبی گرفته و به سمت اوج انسانیت حرکت می دهند، حرکتی بدون توقف و در نهایت شگفتی و تعجب

بشر در تاریخ اخیر زندگی خود تلاش های ارزشمندی در جهت جهانی شدن انجام داده است؛ رأی به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد می تواند گام بزرگ بعدی باشد؛ (مدیریت و سیستم جامعه جهانی انسان استاندارد با جزئیات کامل آن در مرحله و سطح چهارم زندگی بشر ارائه خواهد گردید).

۵ / رعایت پاکیزگی جسمی و آرامش روحی و روانی. در زندگی فردی و جمعی خود

عظیم ترین مشکل اجتماعی دنیای بشر مسأله رعایت بهداشت فردی، جمعی، اجتماعی و جهانی است! بدون بهداشت انسان سالم نیست؛ بدون بهداشت انسان فلج و زمین گیر می شود، منابع عظیم مادی اش هدر می رود، رنج می کشد و عمرش بی حاصل می گذرد! بیماری های جسمی انسان را از پا در می آورند و امکان کار، زندگی و آسایش را از او می گیرند، و بیماری های روحی و روانی نیز او را منزوی و خطرناک می کنند؛ به هر صورت رعایت بهداشت جسمی و روحی به منظور بشاش و سالم نگه داشتن بشر عظیم ترین مسأله انسانی است؛ و این امر محقق نمی شود مگر در جهانی پاک، سالم و ثروتمند، و با مدیریت و کنترل جهانی وسیع، و از طریق سیستم کامل مادی و معنوی و پیشرفته استاندارد هیومنیزم!

یک انسان نمونه، انسانی است پاک و تمیز؛ یک انسان نمونه، انسانی است فهمیده و با شخصیت؛ همانگونه که استاندارد هیومنیزم به تصویر

می‌کشد و شرایط لازم انسان شایسته بودن برای همهٔ بشر را بطور مساوی برقرار و ایجاد می‌کند!

بهداشت فردی، جمعی، خانوادگی، جسمانی، روانی، غذایی، عمومی، اجتماعی، حرفه‌ای و شغلی، ... از مهم‌ترین بحث‌های بهداشتی جهان هستند، و رعایت آنها زندگی انسان را سالم و مصون از بیماری و رنج و فقر و بدبختی نگه می‌دارد

شکل‌گیری و پیدایش گروه‌های غیرانسانی و شرور در جوامع نیز خود نشان از عدم تعادل روحی و روانی در زندگی بشر دارد.

نتیجه اینکه

این اصول پنج‌گانه طراحی شده‌اند تا هویتی را بسازند که **انسانیت** نام دارد، **یک جهان استاندارد و نمونه؛** در تدوین اصولی فراگیر و جهانی می‌بایست ملاک‌ها را با دقت انتخاب و طراحی نمود! می‌بایست از قالب یک انسان فیزیکی و زمینی خارج شده و خود را فراانسانی دید؛ اصول جهانی انسانیت را نمی‌توان از نگاه محدود زمینی بررسی کرد! چطور می‌توان انسانیت جهان‌شمول را هدف قرار داده و در نظر گرفت در صورتیکه زاویهٔ نگاه محدود و یک‌جانبه باشد! چطور یک انسان آسیایی می‌تواند بدون اینکه از قالب فرهنگ و تفکر آسیایی بیرون بیاید برای انسانی دیگر از نقطه‌ای دیگر از جهان اصول عادلانه‌ای را تدوین کند که حق آسیایی و اروپایی و آفریقایی و آمریکایی و ... را بطور برابر در نظر گرفته باشد و رعایت کند! یک انسان آمریکایی و یا آفریقایی و یا ... تنها زمانی می‌تواند عدالت را در نظر بگیرد که از قالب خود بیرون آید و از نگاه یک بشر موضوع را بررسی کند! چطور یک مسیحی و یا مسلمان و

یا ... می‌تواند اصولی تدوین کند که طبق آن اصول حق و حقوق خودش و دیگری بطور مطلق و عادلانه رعایت شده باشد! بنابراین در طراحی اصول جامع انسانی می‌بایست بطور مطلق انسانی و بلکه فرانسائی بود! می‌بایست از قالب خود خارج شده و از زاویه نگاه بشریت به بشر نگریست! می‌بایست خود را به عقل، شعور، فهم و دانش تمام تاریخ بشریت مجهز نمود و بی طرفانه و صادقانه حقیقت بشر و حقوق بشر را - به عنوان یک انسان - در نظر گرفت، و مطالعه و تدوین کرد!

با این منطقی و از زاویه نگاهی صادقانه و بی طرفانه به هویت و شخصیت و حقوق انسان‌ها، و به عنوان اولین فاکتور و دلیل و بهانه در مسیر یافتن انگیزه‌ای مشترک در جهت اتحاد بشر، باور به خدا/ قرار دارد! یک انسان متعادل و منطقی علی‌رغم هر نوع باور واقعی و یا غیر واقعی به پروردگار جهان می‌تواند بپذیرد که مثل هر موجودی بر روی این کره خاکی خلق شده و بوجود آمده است! یعنی اینکه زندگی و پیدایش او شروعی داشته است، و او یک مخلوق است، و در نتیجه خالق دارد؛ همان خالق که چه او را طبیعت بنامیم و یا یک خدا و یا چند خدا و یا انرژی نظم دهنده جهان! ... هر چه که بنامیم گواه این حقیقت است که شعوری حاکم بر جهان ما است که بشر وجود او را تصدیق می‌کند؛ چه با عقل و منطق خود و چه از طریق الهامات ماورایی و یا هر منطق انسانی دیگر ...؛ به هر صورت چیز برتری وجود دارد که بشر به وجود او از روزی که در مورد خود و علت پیدایش خود بر روی این کره خاکی شروع به اندیشیدن کرده معتقد شده است و همچنان معتقد باقی مانده است؛ این حقیقت برتر و بالاتر در زندگی بشر به عنوان اولین نقطه اشتراک او که می‌تواند بهترین بهانه قابل قبول

در جهت اتحاد انسانی او باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ باور به این حقیقت برتر و بالاتر زندگی بشر اولین اصل اتحاد انسانی بر روی این کرهٔ خاکی است؛ باور به خدا و حقیقت برتر جهان - که همهٔ نظم جهان، و همهٔ راستی‌ها و درستی‌ها از آن نیروی مثبت سرچشمه می‌گیرند - به بشر دلگرمی و اطمینانی می‌دهد که باعث می‌گردد پیدایش خود را و زندگی خود را معنی‌دار و هدف‌دار فرض گیرد، و برای زندگی خود هویتی فرامادی و ارزشمند قایل گردد؛ باور به خدا، و خالق و نیروی بوجود آورندهٔ هستی چه بصورت عمیق و واقعی و چه بصورت سمبولیک و قراردادی نیاز مبرم زندگی پویای انسانی است؛ بدون این باور زندگی انسان کوچک و محدود می‌گردد؛ در نتیجه استاندارد هیومنیزم باور به خدا را وسیله‌ای قرارداده است در مسیر ایجاد اولین اصل اتحاد انسانی خود، و اولین فاکتوری که او و سایر جهانیان او را تحت پوشش و هویت واحد و مشترک کننده‌ای قرار می‌دهد؛

زمانیکه صحبت از بشریت و انسانیت، و قانون و صلح، و راستی و درستی است نام پروردگار جهان = انرژی و حقیقت حاکم و مطلق جهان، و قانون راستی و درستی می‌بایست در رأس قرار گیرد؛ نام پروردگار و خالق جهان در رأس جهان بشری است و به آن اعتبار عظیمی به وسعت هستی می‌بخشد؛ (خدا یک فرد نیست، یک انرژی هوشمند بسیط است ...)

در ادامه از آنجایی که انسان استاندارد و نمونه یک موجود هوشمند و برتر است این شخصیت و اعتبار را دارد که با روح و عقل و قلب و تشخیص خود هر یک از آیین‌ها و تفکرات معتبر بشری (مادی یا معنوی) را که ارزش‌های قابل توجه انسانی داشته باشد - در حد توان و تشخیص خود - انتخاب و آن را به عنوان قانون انسان‌ساز و هویت‌ساز فردی و

اجتماعی خود بپذیرد، و شخصیت انسانی خود را با آن شکل داده و کامل کند؛ در نتیجه استاندارد هیومنیزم به عنوان دومین اصل از اصول سه بعدی اتحاد انسانی این احترام و شخصیت را برای تک تک افراد بشر قایل است که حق آگاهانه انتخاب آیین انسانی خود را داشته باشند؛ انسانی که با آگاهی و مطالعه آیینی را می پذیرد به همه آیین ها احترام می گذارد؛ اما انسانی که سنتی و بدون مطالعه و متعصبانه خود را مقید به آیینی بکند - چه آیین او آیینی انسانی و ایده آل باشد و چه نباشد - در تعاملات جهانی با دیگران همیشه خود را برتر می بیند و در نتیجه به منظور ارضای خوی حیوانی برتری جویی و قدرت طلبی خود در جامعه جهانی بشر تنش و نگرانی ایجاد می کند و صلح بشر را به خطر می اندازد؛ چنین افرادی در هر جامعه و محیطی که بدنیا بیایند خود را از همه برتر و بالاتر می بینند!

اصل دوم استاندارد هیومنیزم تأثیر شگرفی در ایجاد آرامش و امنیت و تضمین صلح جهانی دارد و به گونه ای خاص احترام و اتحاد انسانی را با رعایت احترام متقابل به فکر و اندیشه انسان های دیگر تقویت می کند. چنین انسانی که با باور به خدا و حقیقت برتر جهان و در ادامه با مطالعه و تشخیص صادقانه آیینی را برای خود پذیرفته باشد طبیعتاً به یک شعور بالاتری دست می یابد، و آن این است که در مطالعه آیین ها متوجه می گردد که همه آیین های بشری از هر نوع مادی و غیر مادی آن ریشه در عدالت و درستی، و با هدف تحقق زندگی شایسته مادی و معنوی بشر دارند، و در نتیجه مشترکاتی در آنها می بیند؛ بنابراین چنین انسان شایسته و فهمیده ای در تعاملات جهانی خود نتیجه می گیرد که قانون مشترک جامعه بشری می تواند و می بایست از جمع مشترکات انسانی تمامی آیین ها و با تأکید ویژه بر احترام به تفکرات آیین های

دیگر بشری شکل گیرد؛ این انسان نمونه در بحث قانون و فرهنگ و اخلاق جهانی نظر فرهنگی و اعتقادی خود را تحمیل نمی‌کند، چون او به احترام متقابل معتقد است، و در نتیجه خصوصیات و ویژگی‌های مشترک آیین‌های بشری و احترام متقابل به حرمت و شخصیت انسانی همه بشر را ملاک اخلاق، فرهنگ و قانون جهانی خود قرار می‌دهد؛ این اصل که اصل سوم استاندارد هیومنیزم است استحکام، انسجام و هویت انسانی جهان بشری را به حد بسیار بالایی می‌رساند، و شناختی به او می‌دهد که برای حفظ چنین دنیای شایسته‌ای و حفظ آن از خطر فروپاشی و نفوذ تفرقه‌افکنانه نیروهای جاهل و منفی چاره‌ای بیندیشد!

اینجا است که استاندارد هیومنیزم اصل چهارم را ارائه می‌کند؛ اصل چهارم تضمینی است که صلح و زندگی سالم انسانی تا رسیدن به مراحل ندیده و غیرقابل تصور برای بشر کنونی (از جهت رسیدن به اوج پیشرفت‌های شگفت‌انگیز مادی و معنوی) توسط آن رقم خورده و راه خود را هموار می‌نماید؛ اصل چهارم رأی به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد است! جامعه جهانی انسان استاندارد قادر خواهد بود انسان را به مقام و زندگی شایسته او در تمامی زمینه‌های زندگی انسانی‌اش برساند، و بشر را وارد زندگی هزاره سوم خود کند! چنین انسانی یک مرحله و اصل دیگر را در تکمیل انسان استاندارد بودن در پیش دارد و آن اصل پنجم است؛ اصل پنجم بسیار مهم و اساسی است، و با اهمیتی برابر با چهار اصل مهم قبلی قرارداد؛ اصل پنجم رعایت پاکیزگی است، رعایت بهداشت و پاکیزگی جسمی و روحی...؛ انسان استاندارد به نظافت شخصی و اجتماعی خود بسیار اهمیت می‌دهد؛ جهان انسانی باید بسیار تمیز و پاکیزه باشد و انسان استاندارد نیز شخصی بسیار تمیز و پاکیزه، چه از نظر جسمی و رعایت بهداشت

فردی و اجتماعی و چه از نظر فکری و روحی؛ آرامش و پاکیزگی روحی اهمیتی برابر با آرامش جسمی و فیزیکی دارد؛ انسان استاندارد و نمونه انسانی با شخصیت و تمیز و پاکیزه است، و انسان تمیز و با شخصیت حقیقت را بهتر درک می کند

بشر هزاره سوم با وجود این همه علم و دانش، و پیشرفت‌های مادی و معنوی، دیگر یک موجود سنتی و بدوی نیست و می‌بایست با تجهیز خود به اصولی انسانی و برتر یک مرحله خود را از سطح بشر عامی و سنتی بالاتر کشیده و شایسته مقام انسان نمونه کند.

اصول پنج‌گانه استاندارد هیومنیزم هویت و شخصیتی در تک‌تک افراد بشر ایجاد می‌کند که انسان آفریقایی، آمریکایی، اروپایی، آسیایی و در هر نقطه از جهان با قبول آن اصول با تمامی انسان‌های دیگر از هر رنگ، نژاد، زبان، آیین و ملیت دیگر - با حفظ اصالت‌ها و داشته‌های خود - برابر خواهند شد، چون همگی به اصولی برابر و متحدکننده معتقد هستند، و از شعوری مساوی برخوردارند و به یکدیگر احترام می‌گذارند؛ احترامی انسانی، احترامی که همه آنها را با هم برابر و مساوی می‌کند.

استاندارد هیومنیزم و مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد همه بشر را از نظر حق برخوردار از یک زندگی مرفه و بی‌رنج و فقر برابر می‌کند! مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد نیازهای زندگی انسانی از قبیل مسکن مناسب، کار مناسب، شرایط تحصیلی و آموزشی مناسب، شرایط بهداشتی مناسب، شرایط تفریحی و ورزشی مناسب و غیره را با مدیریت جهان‌شمول خود - و با بهره‌گیری از ثروت و عقل جهان در خدمت زندگی انسان - فراهم خواهد کرد

مرحله و سطح چهارم
جامعه جهانی انسان استاندارد

۴/ مرحله و سطح چهارم، جامعه جهانی انسان استاندارد!

استانداردهیومینیزم تفکر جدیدی بر مبنای احترام به عقاید، هویت و موجودیت یکدیگر است؛ و البته بخش عظیمی از بشر به این احترام قایل هستند؛ بلکه تنها بخش کمی به این احترام قایل نیستند و در نتیجه زندگی انسانی را تیره و تار کرده‌اند! تنها بخش اندکی خودخواه، قدرت طلب و جاهلان همراه آنها هستند که چهره روشن زندگی و دنیای انسانی را با اعمال خود تیره و مخدوش نموده‌اند

استانداردهیومینیزم تفکر جدیدی بر مبنای احترام به عقاید یکدیگر است با هدف زندگی بین‌المللی بر مبنای صلح و اتحاد بین‌المللی انسانی؛ بخش دوم این جمله روشن می‌کند که این احترام هدف بزرگ‌تری را دنبال دارد و آن هدف شرایطی را می‌طلبد تا حقیقی شود! صرف اینکه ادعا شود ما به عقاید یکدیگر احترام می‌گذاریم کافی نبوده بلکه بسیار ساده و خام و ابتدایی است! و برقراری این شرایط تنها از طریق یک ارگان قدرتمند جهانی میسر است.

همواره درصد عظیمی از بشر به عقاید یکدیگر احترام گذاشته‌اند؛ اما مشکلات اصلی و تفرقه‌ها و تنش‌های عقیدتی همیشه پایدار بوده، و حتی ذره‌ای هم کاسته نشده‌اند....

این احترام می‌بایست از حالت ساده و خام اولیه و کنونی خارج شده و هدفی را به دنبال بیاورد! تا با توجه به آن هدف، مسیری تعیین شود، و اصولی پایه‌ریزی گردد، و شرایطی محقق شود تا آن هدف به گونه‌ای رسمی و بین‌المللی دست یافتنی بشود!

هدف این است که بشر به صلح و اتحاد بین‌المللی انسانی برسد و در نتیجه به تمامی کشمکش‌ها، درگیری‌ها و خودخواهی‌های قبلی و موجود خود برای همیشه پایان دهد! هدف این است که نفوذ اقلیت خودخواه، ظالم و قدرت طلب از زندگی بشر قطع، و بجای اینکه اکثریت جهان تحت نفوذ اقلیت باشد! اقلیت تحت کنترل و مهار و هدایت اکثریت قرار گیرد؛ هدف این است که به صلح شایسته بشری و اتحاد بین‌المللی انسانی توأم با احترام واقعی و عملی به عقاید یکدیگر برسیم و شادی زندگی شایسته انسانی را درک و تجربه کنیم.

زمانیکه مشکلات و چالش‌های عقیدتی کنترل و محو شوند، شرایط مناسب برای زندگی کامل انسانی در تمامی عرصه‌های آن ایجاد خواهد شد؛ تنش‌های داخلی ادیان، و تنش‌های داخلی سیاست‌ها، و تنش‌های متقابل ادیان و سیاست‌ها، با تفکر و فلسفه و اصول استاندارد هیومنیزم قابل حل می‌باشد! این هدف انسان استاندارد و استاندارد هیومنیزم است.

استاندارد هیومنیزم یک سیستم بسیار قوی خالص‌کننده و پاک‌کننده زندگی بشری از آلودگی‌های خودخواهی، قدرت‌طلبی، ظلم و جهل است؛ استاندارد هیومنیزم اعتقاد راسخ دارد که ما نیاز به بهترین جهان داریم زیرا

که ما بهترین انسان‌های شایسته بهترین زندگی انسانی هستیم، پس برای رسیدن به این زندگی شایسته باید با هم همکاری کنیم.

استانداردهیومینیزم یک تفکر فرادینی و فراسیاسی است، چرا که حق همه انسان‌ها، فرهنگ‌ها و آیین‌ها را از طریق سیستم فراگیر جامعه جهانی انسان استاندارد محترم می‌شمارد، و به بهترین و کامل‌ترین روش شکل‌گیری جهان انسان‌ها در این کره خاکی می‌اندیشد.

از آنجایی که استانداردهیومینیزم قویاً مدافع انسانیت و عدالت، و صلح و شادی انسانی به نفع تمام جهان بشریت است و خود را مسؤول برقراری عدالت و انسانیت جهانی می‌داند، در نتیجه معتقد است که برقراری عدالت و انسانیت می‌بایست تنها از طریق تشکیل یک آرگان قدرتمند جهانی، انسانی و عدالت‌خواه - که نفع تمام مردم جهان با تمامی عقاید، فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها را در نظر گیرد - انجام شود؛ ...

استانداردهیومینیزم اولین قانون و فرهنگ اخلاقی، انسانی، مشترک و رسمی بشری را در زندگی بین‌المللی رقم می‌زند که اثرات مثبت آن تا از بین رفتن کامل فقر و بی‌سوادی، و جهل و ظلم جهانی پیش خواهد رفت، و همه چیز زندگی بشر را از دین، سیاست، فرهنگ، علم، اقتصاد و غیره را پویا و تازه و نو خواهد نمود.

شیوه قدیم و فعلی اصلاح جهان توسط عقاید و افکار دینی، سیاسی، فلسفی و غیره سیستمی سنتی و ضعیف و ناکارآمد است، (چون خود عقاید و ادیان و سیاست‌ها نیز تحت کنترل و یا نفوذ ۱۰ درصد شیطانی هستند! ...) و با شرایط امروز جهان انسان‌ها و دانش بشر و سطح انتظار بشر از یک زندگی مناسب انسانی سازگاری ندارند! اما سیستم جهانی انسان استاندارد سیستمی کامل و مدرن، اصلاح‌گر و بین‌المللی، با رعایت

حقوق همه بشر در برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، همه جانبه، کامل و متنوع انسانی است.

اگر بشر بتواند بر وضعیت حاکم بر جهان خود غلبه کند و مسلط بر ۱۰ درصد منفی و شیطانی شده و در نهایت ۲۰ درصد خنثی را هم به سمت خود بکشد، این امید را خواهد داشت که به اهداف و رؤیاهای مرحله و سطح دوم زندگی خود دست یابد؛ اما حالا که می‌تواند بر اوضاع خود مسلط شود چرا اهداف و رؤیاهای بزرگ‌تری را عملی نکند! چشم انداز دنیای رؤیایی مرحله و سطح دوم زندگی بشر بسیار عظیم است چون آرزوی دست نیافتنی میلیاردها میلیارد انسان بر روی این کره خاکی از ابتدای پیدایش او تاکنون بوده است! اما اگر بشر بتواند ابزاری برتر باشد که اهداف رؤیایی او را محقق کند، چرا ایده آل شایسته خود را هدف قرار ندهد و جستجو نکند! انسان این توان را دارد که برترین اهداف مادی و معنوی متصور زندگی خود را از طریق اتحاد و برنامه‌ریزی بدست آورد؛ ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌های شایسته گذران یک زندگی مناسب انسانی هستیم.

آنچه که از عقل و عواطف منشعب شده و تراوش می‌کند پنج حقیقت برتر زندگی بشر هستند که استاندارد هیومنیزم پایه مدیریت جهان شمول خود قرار می‌دهد؛ این واقع بینی موجب می‌گردد تا به حقوق تمامی مردم جهان با تمامی گرایش‌های متفاوت شخصیتی‌شان که نسبت به این خوبی‌ها و درستی‌های انسانی دارند اهمیت برابر داده شده و در نتیجه صلح و عدالت جهانی از طریق یک ارگان مشروع جهانی که حامی و مدافع این حقوق می‌باشد برقرار گردد.

پنج حقیقت برتر زندگی

هرآنچه که در اختیار بشر است از دین و عقیده، و سیاست و مدیریت و نظم جهانی گرفته تا علم و دانش و فرهنگ، و اقتصاد و کار و تجارت ... حقیقت‌های زندگی بشر هستند! (یعنی اموری که در زندگی بشر قطعیت و صحیح بودن خود را نمایان و ثابت کرده، و به صورت امور قطعی و مسلم پذیرفته شده‌اند) و نمی‌توان بخشی را گرفت و بخشی دیگر را از زندگی انسان حذف کرده و ادعا نمود که زندگی انسان بدون نقص و کامل است! بدون وجود هر یک از این‌ها و حتی عدم تعادل در برابری، تقدم و تأخر، و اهمیت و تساوی بین آنها زندگی بشر کامل نخواهد بود! بلکه با کم‌رنگ کردن و یا نادیده گرفتن نقش و اهمیت آنها در برقراری یک **زندگی کامل انسانی** بشر گرفتار معضلات بی‌شماری خواهد گردید، که تعادل زندگی او را برهم زده و تنش‌ها و مشکلات عدیده‌ای را بدنبال خواهد آورد!

در زندگی انسان پنج حقیقت عمده و اصلی وجود دارد و هر یک از آنها خود زیرمجموعه‌های بی‌شماری را شامل می‌گردند، مانند حفظ صلح و امنیت جهانی که از زیرمجموعه‌های بخش سیاست است، و یا توریسم که از زیرمجموعه‌های بخش فرهنگ است، و یا بهداشت که از زیرمجموعه‌های بخش علم و دانش است، (بر اساس مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد).

این پنج حقیقت برتر زندگی انسان عبارتند از: ۱/ دین و عقیده و آیین‌ها و باورهای بشری. ۲/ سیاست و مدیریت و نظم جهانی. ۳/ فرهنگ و هنر و آداب و رسوم و تمام زیبایی‌های زندگی بشر. ۴/ علم و دانش بشر. و ۵/ اقتصاد و کار و تجارت جهان انسانی.

این پنج حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند، و زندگی صحیح و کامل انسانی تنها از جمع این پنج حقیقت و از حاصل همکاری و مشارکت هم‌زمان آنها در یک مجموعه منسجم انسانی امکان پذیر است.

طبیعی است که اگر هر یک از این پنج بخش اصلی از اصالت و شکل اصلی و ایده‌آل خود خارج شود منجرکننده و رنج‌آور و تاریخ‌سوز می‌گردد! اما تصور حذف و نادیده‌گرفتن هر یک از آنها نیز به صرف آلوده شدن به ضعف‌ها و تیرگی‌های شیطانی (قدرت‌طلبی و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی در آنها) اشتباه و ناشیانه است.

(انسان هر قدر حقایق حاکم بر زندگی‌اش را بهتر تشخیص دهد زندگی بهتری را برای خود رقم خواهد زد).

این پنج حقیقت برتر زندگی انسان هر کدام بخش عظیمی از زندگی بشر را شامل می‌گردند که در کنار هم و در هماهنگی و تعادل با هم هویت خود را می‌یابند؛ تصور کنید که نقاشی بخواهد منظره زندگی انسانی را ترسیم کند و بخواهد هر یک از این حقایق را از آن حذف کرده و نادیده بگیرد! این امری محال است، زیرا که:

۱/ **دین و عقیده**، آسمان منظره زندگی انسانی است، چگونه می‌توان زندگی کامل انسانی را بدون آسمان آن متصور شد!

۲/ **سیاست و مدیریت**، نظم جهان و نظم زندگی انسانی است، چگونه می‌توان زندگی انسانی را بدون نظم و مدیریت و سیاست آن متصور شد!

۳/ **فرهنگ و هنر**، زیبایی و شادی، و نقش و رنگ زندگی انسانی است، چگونه می‌توان زندگی انسانی را بدون در نظر گرفتن نقش و رنگ و طرح آن متصور شد!

۴/ علم و دانش، رشد و آگاهی، و دانش و پیشرفت زندگی انسانی است، چگونه می‌توان زندگی انسانی را بدون علم و دانش و پیشرفت آن متصور شد!

۵/ اقتصاد و تجارت، کار و رونق، و رفاه و آسایش زندگی انسانی است، چگونه می‌توان زندگی انسانی را بدون فعالیت یک سیستم اقتصادی پویا در جهت رفاه بشر متصور شد!

بنابراین این پنج بخش، پنج حقیقت برتر زندگی بشر هستند، که کمرنگ انگاشتن و یا نادیده گرفتن هر یک از آنها در زندگی بشر بسیار ناشیانه بوده و ریشه در تفرقه و دشمنی و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی به منظور رنج‌آور کردن زندگی بشر دارد! ۱۰ درصد شیطانی با تسلط بر این پنج حقیقت برتر زندگی بشر و آلوده کردن آنها با انواع دشمنی‌ها و تفرقه‌ها و تیرگی‌های جاهلانه، زندگی بشر را تیره و امکان بهره‌مندی از مواهب بی‌شمار این حقایق مسلم انسانی را از بشر گرفته و سلب کرده‌اند! ...

۱۰ درصد جاهل و متعصب، خودخواه و زیاده‌خواه، قدرت‌طلب و منفور شیطانی و ضدانسانی با تسلط بر این مواهب انسانی تا جایی‌که ممکن بوده بشر را در طول تاریخ رنج داده و زندگی او را تلخ و سیاه کرده‌اند؛ این پنج حقیقت برتر زندگی انسانی ابزاری بوده‌اند در دست ۱۰ درصد شیطانی تا بوسیله آنها بشر را به دشمنی و تفرقه بکشانند و او را تا ابد در رنج و تاریکی نگه دارند، چون ۱۰ درصد جاهل دشمن ۷۰ درصد عاقل هستند، چون شیطان دشمن انسان است، چون بدی دشمن خوبی است، چون دروغ دشمن راستی است، چون تیرگی دشمن روشنائی است؛ و این دشمنی تا ابد وجود دارد، و تا زمانی‌که بشر به اتحاد انسانی خود نرسد هرگز نخواهد توانست زندگی شایسته خود را در این کره خاکی آغاز کرده و به مراحل بالاتر زندگی خود صعود و عروج کند!

۱۰ درصد شیطانی (جاهلان و خودخواهان و قدرت طلبان) بر ادیان چنگ می اندازند و آنها را مال خود می کنند؛ بر مراکز قدرت سیاسی چنگ می اندازند و آنها را مال خود می کنند؛ بر فرهنگ ها چنگ می اندازند و آنها را مال خود می کنند؛ بر علم و دانش چنگ می اندازند و آنها را مال خود می کنند؛ بر ثروت و اقتصاد و تجارت جهان چنگ می اندازند و آنها را مال خود می کنند؛ تا با ایجاد تغییراتی در آنها سودمندی و خلوص آنها را از بین ببرند؛ آنها از طریق قدرت و سیاست، نفوذ و سلطه خود را بر جهان افزایش می دهند؛ از طریق نفوذ بر ادیان و عقاید آنها را به تفرقه کشانده و ضعیف می کنند تا اتحاد بشری را از بین برده و نیروی عظیم ۷۰ درصد را در مقابله با خود ضعیف گردانند؛ از طریق خرافه ها و آداب و رسوم دنیاپرستانه و پوچ گرایانه طرح و رنگ و نقش زیبای زندگی بشری را مخدوش می کنند؛ از طریق به روی کار گماشتن مدیران نالایق در رأس حکومت کشورهای عقب مانده به مقابله با گسترش علم و دانش پرداخته و بابتی سواد نگه داشتن ملت ها رشد علمی و اجتماعی افراد را کند و آنها را تحت استثمار خود نگه می دارند؛ و بالاخره از طریق چنگ انداختن بر ثروت جهان، بشر را فقیر و گرسنه و محتاج و حقیر نگه می دارند تا او را رنج دهند و در نهایت از بشر با تمامی این اسباب انتقام بگیرند؛ چون به ۷۰ درصد (انسان) رشک می ورزند و نمی خواهند و نمی توانند برتری بشر را ببینند! این پنج حقیقت، مهم ترین ابزاری است که جاهلان قدرت طلب با تصرف آنها و با وسیله قرار دادن آنها جهان انسان ها را مکان جولان و سیطره خود قرار می دهند؛

(۱۰ درصد شیطانی افراد متعصب و جاهل، خودخواه و زیاده خواهی هستند که با تصاحب و سلطه بر تمامی داشته های انسانی موجب رنج و فقر و عقب ماندگی بشر می شوند؛ گسترش علم و دانش و مدیریت قوی انسانی و همه جانبه جهان بشری از مهم ترین راه کارهای ریشه کنی سلطه و سیطره این جاهلان و زیاده خواهان است).

استانداردهیومنیزم، یک تفکر فرادینی و فراسیاسی و فرافرهنگی است که نقش پاک‌کننده، خالص‌کننده و هدایت‌کننده زندگی بشری را با هدف زندگی کامل و شایسته انسانی دنبال می‌کند؛ هدف انسان استاندارد و استانداردهیومنیزم پاک‌سازی پنج حقیقت برتر زندگی بشر از ناخالصی‌ها و ناپاکی‌های وارد شده به آن توسط ۱۰ درصد شیطانی، و در نتیجه هدایت زندگی بشر به سمت آنچه را که شایسته آن است و زندگی سالم او را رقم می‌زند می‌باشد.

اشکال منفی پنج حقیقت برتر:

۱/ دین و عقیده به سمت من حق هستم و دیگری ناحق است متمایل می‌شود! ۲/ سیاست و مدیریت به سمت قدرت‌طلبی کشیده می‌شود! ۳/ فرهنگ و هنر خرافی می‌شود! ۴/ ضعف علم و دانش بشر را به سمت بردگی می‌کشاند! ... ۵/ اقتصاد و تجارت به دنیاپرستی ختم می‌شود! (استانداردهیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد ۵ حقیقت برتر زندگی بشر را محافظت و پاک‌سازی می‌کنند).

فلسفه انسان استاندارد فلسفه عقل جمعی و اتحاد انسانی است!

چنین تفکری با در اختیار داشتن بهترین سیاست و مدیریت بین‌المللی، بهترین و صلح‌آمیزترین ادیان و عقاید انسانی، بهترین فرهنگ‌های زیبا، و همچنین داشتن علم و دانش و اقتصاد پربرکت و ثروتمند، بهتر خواهد توانست جهان انسانی خود را بسازد.

باغبانی را تصور کنید که می‌خواهد یک باغ گل را در ایده‌آل‌ترین شکل خود طراحی کند و زیباترین گل‌ها را در آن پرورش دهد، در چنین شرایطی انرژی مثبت و صداقت و انگیزه انسانی او، مدیریت و نظم و سیستم او، منابع مالی او، دانش و آگاهی و علم پرورش گل او، و بالاخره طراحی زیبای ساختمان باغ و گلخانه او ثابت می‌کند که او در مسیر صحیحی گام برمی‌دارد و باغ گل خود و جهان خود را به بهترین شکل خواهد ساخت؛

همه این‌ها ثابت می‌کند که او علم و دانش و شناخت کافی از محیط خود دارد و می‌تواند جهان خود را مدیریت و هدایت کند
 جامعه جهانی انسان استاندارد با ویژگی‌های مثبت فوق‌تنها آرگانی است که شایستگی مدیریت و در نتیجه بهبود زندگی شایسته جهانی را دارد؛ تراوشات علمی، دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و پاک‌سازی آنها از طریق این آرگان جهانی بهترین مسیری خواهد بود که کشورهای جهان از طریق حضور خود در آن، بتوانند راه‌کارهای بهبود و رشد و توسعه خود را بیابند.

علت اصرار عقاید و تفکرات جهان بشری بر یکپارچگی بشر این بوده است که با دوستی و همکاری و یکرنگی در تمامی زمینه‌های زندگی بتوان جهان بشری را ساخت؛ اما تفرقه حاصل از نفوذ ۱۰ درصد شیطنی در بین صفوف غیرمتحد عقاید جهان باعث گردیده که این امر هرگز محقق نشود؛ فلسفه انسان استاندارد این امکان را می‌دهد که با هدف قراردادن ریشه مشکل و با مجهز شدن به اصول استاندارد هیومنیزم و با حفظ استقلال ملت‌ها و فرهنگ‌ها و عقاید به اتحادی انسانی رسید که از طریق آن جهان بشری را به سمت ایده‌آل خود هدایت نمود.

شیوه متحد سازی انسان استاندارد برخلاف شیوه‌های سنتی گذشته شیوه‌ای جدید و مدرن است که بر اساس رعایت حقوق تمام مردم جهان شکل گرفته است و نه بر اساس رعایت حقوق بخشی از جهان؛ مدیریت جهانی انسان استاندارد از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد یک مدیریت جهان‌شمول و ریشه‌ای است، که همه جهان و همه امور زندگی انسانی را با شیوه مدیریت قوی، ریشه‌ای و انسانی خود در بر می‌گیرد، و دگرگون و اصلاح می‌کند

تشکیلات، اهداف و وظایف جامعه جهانی انسان استاندارد

اهداف و وظایف جامعه جهانی انسان استاندارد

جامعه جهانی انسان استاندارد یک تشکیلات و یک آرگان عظیم انسانی است؛ این آرگان بطور مطلق انسانی است، و از برجسته‌ترین، و فرهیخته‌ترین، و روشن‌بین‌ترین افراد بشر با توانایی‌های مدیریتی و سیاسی، و دانش علمی، فرهنگی، دینی و غیره تشکیل گردیده و موجودیت پیدامی‌کند؛ چنین تشکیلاتی از هویت و شخصیت انسانی عظیمی برخوردار خواهد بود که در آن هرگز اثری از تاریکی‌های تعصب، جهل، نادانی، خودخواهی و قدرت‌طلبی چیزی مشاهده نخواهد شد! این برترین‌های درستی و عقل به خوبی درک می‌کنند که مشکل بشر و نیاز بشر چیست، و در مسیر دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای زندگی شایسته و ایده‌آل بشری، خود و دنیای خود را بسیج می‌کنند؛ چنین آرگان برتر انسانی به خوبی به اهمیت پنج حقیقت برتر زندگی بشر آگاه و واقف است و در نتیجه دستیابی به آنها و زیرمجموعه‌های آنها را هدف برنامه‌ریزی و مدیریت خود قرار می‌دهد.

جامعه جهانی انسان استاندارد پنج آرگان تشکیلاتی خواهد داشت

که دستیابی به اهداف زیر را دستور کار خود قرار می‌دهند:

۱/ مدیریت شایسته جهان بشری و محو سلطه ۱۰ درصد شیطانی

۲/ حفظ صلح و امنیت و عدالت جهانی ...

۳/ برقراری شرایط سالم، پاک و متعالی زندگی انسانی ...

۴/ برقراری شرایط رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی ...

۵/ برقراری شرایط رشد و توسعه علمی ...

۶/ برقراری شرایط رشد و توسعه اقتصادی ...

۷/ محافظت از شرایط زندگی طبیعی و جغرافیایی زمینی (محافظت از کره زمین، و تمام طبیعت و جانداران و نباتات آن) و ایجاد شرایط زندگی فرازمینی (زندگی و تحقیقات در گرات دیگر منظومه شمسی)

منشور اخلاقی و ایمانی جامعه جهانی انسان استاندارد

جامعه بشر و جامعه انسان‌ها نیاز به درک و تدوین تعریفی از شخصیت اخلاقی فردی و اجتماعی خود دارد؛ استاندارد هیومنیزم با توجه به احترام به هویت و شخصیت انسان و جامعه انسانی به تعاریفی رسیده است که حرمت انسانی را در صحیح‌ترین شکل خود در نظر گرفته و از آن حمایت می‌کند؛ با توجه به این تعریف انسانی از شخصیت انسان، منشور اخلاقی و ایمانی جامعه جهانی انسان استاندارد به شرح زیر خواهد بود:

۱/ شخصیت و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه جهانی انسان استاندارد

۲/ عقیده معنوی و ایمانی انسان‌ها در جامعه جهانی انسان استاندارد

۳/ فرهنگ و عقیده معنوی و اخلاقی جامعه جهانی انسان استاندارد

۱/ شخصیت و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه جهانی انسان استاندارد

افراد در جامعه انسانی دارای هویت و شخصیت انسانی بوده، و همه از حقوق کامل و برابر انسانی برخوردار هستند.

انسان‌ها در جامعه انسانی از نظر دسته‌بندی و مورد توجه بودن و

رعایت حقوق اولویت‌هایی به شرح زیر دارند:

گروه و مرتبه اول انسان‌ها: فرزندان و کودکان و نوزادان، از بدو تولد تا ۱۴ سالگی.

گروه و مرتبه دوم انسان‌ها: دختران و پسران، از سن ۱۴ الی ۲۴ سالگی.
گروه و مرتبه سوم انسان‌ها: مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها و افراد سالخورده، از سن ۶۰ سال به بالا.

گروه و مرتبه چهارم انسان‌ها: مادران و پدران، از سن ۲۴ الی ۶۰ سال.
گروه و مرتبه پنجم انسان‌ها: زن‌ها
گروه و مرتبه ششم انسان‌ها: مردها

جایگاه انسانی تمامی انسان‌ها در جامعه انسانی به ترتیب اولویت‌های فوق است؛ بدین معنی که مهم‌ترین توجه از نظر مادی و معنوی و برنامه‌ریزی‌ها در مسیر انسان‌سازی و رعایت حقوق انسانی گروه کودک و نوجوان، و ایجاد زندگی شاد و سالم و موفق و آینده‌نگری برای این گروه، در اولویت اول می‌باشد؛ سپس به دنبال آن، جامعه انسانی مسایل و امور انسانی مربوط به گروه دوم - گروه جوان‌ها (دختران و پسران) - را مدنظر قرار خواهد داد؛ آینده‌نگری برای این گروه ارتباط مستقیم با آینده‌نگری جهان و استحکام هرچه بیشتر سالم‌سازی جامعه جهانی از خطرات بی‌توجهی به جوانان، و در نتیجه توسعه پایدار آتی را در پی خواهد داشت؛ در مرتبه سوم مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها و افراد سالمند قرار دارند، که نیاز به توجهی ویژه به دلیل مقام و منزلت سالمندی و ایجاد فرهنگ احترام به بزرگ‌تر در جامعه انسانی را دارا هستند؛ مرتبه بعدی مرتبه توجه به مقام مادر و پدر است؛ مقام مادر و پدر مقام اول سرپرستی خانوادگی و مقام دوم سرپرستی در جامعه انسان‌ها (بعد از سرپرستی فرهیختگان در مقام مدیریت جامعه) می‌باشد؛ بنابراین مادران

و پدران مهم‌ترین گروه انسان‌ساز می‌باشند، و احترام خاصی در حکومت انسانیت بر انسان را دارا هستند.

توجه به مقام زن در جامعه در مرتبه بعدی قرار دارد؛ نقش اساسی زن در سازندگی و مدیریت جامعه انسانی مورد توجه بسیار خاص است، چون این گروه زحمت‌کش‌ترین و سالم‌ترین گروه سازنده جهان می‌باشند، و وجود آنها در عرصه سازندگی سلامت و اعتبار اجتماعی به جامعه می‌دهد؛ همچنین وجود آنها در عرصه‌های اجتماعی و مدیریتی نفوذ و کنترل ۱۰ درصد شیطانی از تصاحب قدرت - و تاخت و تاز آنها که عمدتاً از نفس قدرت‌طلبی مردان برمی‌خیزد - را کم می‌کند؛ آخرین مرتبه، مرتبه و مقام مرد در جامعه است؛ مردها از این جهت در گروه آخر قرار دارند که معمولاً از نظر قدرت و مدیریت از سایر مرتبه‌ها مسؤولیت‌پذیرتر هستند (منظور مردان سالم است) و همه هم و غم این گروه (در کنار زن‌ها) توجه به سرپرستی و مدیریت جامعه انسانی است، بنابراین در گروه آخر و مسؤولیت‌پذیرتر قرار می‌گیرند.

زمانیکه احترام انسانی با در نظر گرفتن سن و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه مد نظر قرار گیرد، هویت و مقام انسان در حد ایده‌آل خود معنی خواهد گرفت؛ این بدان معنی است که قانون‌گذاری‌ها و اولویت‌بندی‌ها در رعایت حقوق انسانی بشر لازم است و می‌بایست طبق ارجحیت و ترتیب فوق انجام گیرد، و می‌بایست حقوق انسانی بشر با رعایت اولویت بالا برنامه‌ریزی شود؛ معنی آن این خواهد بود که هرگز زور و زیاده‌خواهی و قدرت‌طلبی بر جامعه و در نتیجه بی‌توجهی به حقوق اقشار مظلوم و آسیب‌پذیر اجتماع انسانی حاکم نخواهد شد، و جامعه انسانی - با تمرکز مستمر بر حقوق کودکان، و دختران و پسران، و سالمندان، و مادران و پدران، و زنان و مردان شریف و زحمت‌کش جامعه - سلامت روحی و روانی خود را پیدا و پایدار خواهد کرد.

۲/ عقیده معنوی و ایمانی انسان‌ها در جامعه جهانی انسان استاندارد

در جامعه استاندارد انسانی، همه مردم جهان به دلیل داشتن حق شخصیت و هویت انسانی شریف، محترم و بزرگ هستند؛ بنابراین هر کسی این حق را دارد که از بین عقاید والای انسانی و دینی با مطالعه و تشخیص صحیح، راهی به سوی سیر و تعالی خود بیابد، و مطمئناً رسیدن به این عقیده با روشن بینی و مطالعه (بدور از جهل و تقلید کورکورانه) و با هدف یافتن حقیقت برتر و متعالی، و در جهت رستگاری کامل همراه خواهد بود؛ در نتیجه هرکس به اندازه پژوهش و توان و تشخیص عقلی خود به نتیجه‌ای می‌رسد و به عقیده‌ای پایبند می‌شود که سعادت دنیا و آخرت خود را در آن می‌بیند، و با این تشخیص شخصیت اجتماعی و انسانی خود را کامل می‌کند، و مورد احترام همه قرار خواهد گرفت.

رسیدن به عقیده انسانی مطابق با روحیه و توان عقلی و ایمانی برای هر فردی دو جنبه مثبت در بر خواهد داشت: اول اینکه چون از طریق پژوهش سالم و بدون تعصب به عقیده خود رسیده است در نتیجه به دیگری هم که با مطالعه و در حد توان خود به عقیده‌ای رسیده‌اند احترام می‌گذارد، چون این احترام را بر خود (که همان سیر را طبق توانش برای پیدا کردن راه رستگاری و سعادت دنیایی و آخرتی خود پیموده) نیز واجب و لازم می‌بیند؛ دوم اینکه عقاید مختلف با الگو قرار دادن جنبه‌های برتر دین و آیین خود روشن بینی، برخوردار، و روابط سالم را در جامعه رواج خواهند داد بدون اینکه بخواهند عقیده خود را بر دیگری تحمیل کنند.

۱۳ فرهنگ و عقیده معنوی و اخلاقی جامعه جهانی انسان استاندارد

از آنجایی که فرهنگ جامعه انسانی، فرهنگ و عقیده انسان‌های تشکیل دهنده آن است، منشور انسانی ایجاد می‌کند که فرهنگ معنوی جامعه جهانی جمع برترین جلوه‌ها و جنبه‌های مثبت عقاید موجود در جامعه جهانی باشد.

در نتیجه قوانین جامعه استاندارد انسانی جمع قوانین انسانی تمامی عقاید حاکم بر جامعه جهانی خواهد بود، و سازمان‌های جهانی و مسؤول جامعه بشری حامی و مدافع بهترین جنبه‌های انسانی عقاید سالم موجود در جهان خواهند بود و اصول اساسی و قانون اساسی انسانی بدین صورت شکل خواهد گرفت، و سازمان‌های جهانی وسیله اجرای قوانین انسانی به نفع جامعه استاندارد انسانی خواهند شد، و شخصیت و هویت انسانی تک تک مردم بطور کامل مورد احترام قرار گرفته و مردم در تمامی نقاط جهان با انسانیت و آزادی عقیده کامل و همگام با برنامه‌های توسعه مادی و معنوی، راه سعادت و رستگاری انسانی خود را پیش خواهند گرفت.

بنابراین هیچگونه منفی‌گری و نفوذ عقاید متعصبانه، و اخلاق غیر انسانی پانگرفته و جامعه بشری از هر گزندی مصون خواهد ماند؛ و هرگز در چنین جامعه‌ای درگیری و تنش سیاسی برای به قدرت رسیدن بین هیچ گروهی پیش نخواهد آمد، و سیستمی پایه‌ریزی خواهد شد که ثبات کامل را برای همیشه در جامعه جهانی تضمین خواهد نمود، و با محو شدن حاکمیت گروه‌های فرصت طلب از زندگی بشری، حاکمیت انسانیت با مدیریت سازمان‌های جهانی برقرار، و جامعه استاندارد انسانی در جهان هویت و معنی پیدا خواهد کرد، و بشر به آنچه در شأن انسانیت اوست در هزاره سوم خواهد رسید، ...

تشکیلات و چارت سازمانی جامعه جهانی انسان استاندارد

جامعه جهانی انسان استاندارد، یک تشکیلات بسیار محکم و قوی و غول پیکر مدیریتی است، با هدف کنترل، هدایت و مدیریت زندگی بشر در پنج بخش اصلی زندگی، شامل: ۱/ مدیریت و سیاست، ۲/ ادیان و عقاید، ۳/ فرهنگ و هنر، ۴/ علم و دانش، ۵/ اقتصاد و تجارت؛ و همچنین تمامی زیرمجموعه‌های آن که شامل تمامی امور زندگی انسانی می‌گردد

انسان، پس از قبول پنج اصل انسان نمونه شدن و اتحاد انسانی و ورود به مرحله سوم زندگی‌اش و در نتیجه پاک شدن از ناخالصی‌های تفرقه‌انگیز شیطانی و جاهلانۀ سطح اول زندگی خود، به درجه‌ای از هویت و کنترل انسانی می‌رسد که قادر خواهد بود جهان خود را با حضور تمام شعور و توان انسانی خود و به ایده‌آل‌ترین و بهترین شکل ممکن هدایت و مدیریت کند!

مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد یک مدیریت ریشه‌ای و پرسپکتیوی است! طبق مدیریت ریشه‌ای، امور اساسی و ریشه‌ای زندگی مورد توجه قرار گرفته شده و با اصلاح آنها مرحله به مرحله امور تابع و زیرمجموعه‌ها نیز اصلاح گشته و مدیریت می‌گردند؛ مدیریت ریشه‌ای، نهادها و سازمان‌ها و بخش‌های مختلف زندگی بشر را طبق فلسفه و تفکر جدید، و جهان‌بینی جدید، و انتظارات جدید جهانی ترسیم و تعریف می‌کند!

مغز اصلی جامعه جهانی انسان استاندارد مجمع عمومی آن شامل نمایندگان تمامی کشورهای جهان است؛ همه تأییدها و موافقت‌ها و یا مخالفت‌ها با احکام و قوانین تصویب شده در کمیته‌ها و بخش‌های

پنج‌گانه و اصلی جامعه جهانی در اینجا مطرح و بررسی شده و رأی نهایی خود را می‌گیرند، و بودجه‌های اجرایی خود را تصویب و دریافت می‌کنند؛ **مجمع عمومی نقش یک آرگان با سیستم پارلمانی را ایفاء می‌کند که هسته اصلی آن بخش هیأت رئیسه آن می‌باشد؛** هیأت رئیسه مجمع عمومی جامعه جهانی انسان استاندارد متشکل از نمایندگان دوره‌ای کشورهای جهان است، که طبق دارا بودن ویژگی‌های خاصی هر دو سال یکبار و بصورت گردشی، جای‌شان را به نمایندگان کشورهای بعدی می‌دهند

مجمع عمومی جامعه جهانی انسان استاندارد اختیارات و مسؤولیت‌ها و اهداف و وظایف گسترده‌ای دارد، و مانند یک مجلس - اما از نوع عظیم و جهانی آن - تمامی امور زندگی بشر را کنترل و هدایت می‌کند؛ این مجمع (علاوه بر مجهز بودن به یک سیستم کامل اداری شامل تمامی بخش‌های مالی و پرسنلی و پشتیبانی و حمل و نقل و تشریفات و غیره) در چارت سازمانی خود پنج بخش و ابرآرگان: سیاست، دین و آیین، فرهنگ، علم و اقتصاد جهان را در زیرمجموعه خود دارد؛ این پنج بخش، پنج دفتر نمایندگی در خود مجمع دارند و پنج ابرآرگان تشکیلاتی و مدیریتی مستقل اما تحت نظارت و مدیریت و کنترل مجمع عمومی؛ پنج ابرآرگان جامعه جهانی هر یک خود تشکیلاتی گسترده و وسیع دارد، شامل (بخش‌های مالی و اداری و تشریفات و غیره) و کمیته‌هایی که هرکدام بصورت تخصصی امور مربوط به خود را کنترل و هدایت و نظارت می‌کنند؛ این کمیته‌ها متشکل از خبره‌ترین و دانشمندترین طراحان و نوابع و اندیشمندان جهان در امور مختلف زندگی بشر می‌باشند که وظیفه بررسی مستمر امور مربوط به بخش خود را داشته و بهترین راه‌حل‌ها و راه‌کارهای ممکن را ارائه می‌دهند،

تشکیلات اصلی جامعه جهانی ترجیحاً و به دلایل امنیتی و همچنین به دلیل دموکراسی قوی غرب در کشور ... خواهد بود! جامعه جهانی انسان استاندارد همچنین پنج نمایندگی اصلی و منطقه‌ای در پنج قاره و نقطه اصلی و استراتژیک جهان خواهد داشت، تا امور جهانی را با دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر خود نظارت و پی‌گیری نماید، و همچنین یک نمایندگی در قالب یک سفارتخانه مادر در هر یک از کشورهای جهان به منظور پی‌گیری، انتقال و انعکاس، و تبادل مستقیم کلیه امور جامعه جهانی با کشورها؛

مجمع عمومی جامعه جهانی در عین حال یک مجلس قانون‌گذار است؛ تمامی قوانین زندگی مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی بین‌المللی بشر از طریق کمیته‌های تخصصی پنج‌بخش اصلی جامعه جهانی مطالعه و بررسی شده و بالاخره در مجلس جهانی بازبینی و توسط تمامی نمایندگان کشورهای جهان به رأی گذاشته شده و تصویب می‌گردند؛

در زمینه امور داخلی کشورها، مجمع جهانی و بخش‌های اصلی آن بنا به درخواست کشورها و بطور مستقل عمل می‌کنند، بدین ترتیب که اگر مسئولان کشوری درخواست کردند که نسخه‌ای در مورد هر یک از امور اساسی کشورشان توسط متخصصان کمیته‌های تخصصی جامعه جهانی بررسی و ارائه گردد، می‌توانند در قالب یک درخواست، نیاز خود را مطرح و از همکاری ویژه و اختصاصی و مستقل از برنامه ریزی‌های جهانی در امور داخلی خود بهره‌برند؛ برخی کشورها صلاح می‌دانند که امور داخلی خود را خود مدیریت و کنترل کنند، در نتیجه میزان کمک‌های دریافتی و نوع و مقدار آن در مورد مسایل داخلی کشورها بستگی به تشخیص و اعلام نیاز خود کشورها دارد.

اعضای پنج بخش اصلی و کمیته‌های تخصصی آن نیز از نمایندگان و کارشناسان تمامی کشورهای جهان تشکیل می‌گردند؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که ابعاد پنج بخش و ارگان جامعه جهانی ابعادی غول-آسا است! وسعت تشکیلاتی پنج بخش اصلی از این جهت است که حوزه فعالیت آنها بسیار گسترده می‌باشد! هر کدام از این پنج بخش از نظر زیرمجموعه‌های وابسته به آن، شکل و ابعاد یک تشکیلات حکومتی را خواهند داشت! به عنوان مثال در بخش فرهنگ و هنر، معماری جهان (در تمامی بخش‌های آن شامل کمیته‌های تخصصی و طراحی معماری تمامی کشورهای جهان) قرار دارد که بطور مستمر بهترین و اصیل‌ترین جلوه‌های معماری مناطق مختلف و کشورهای مختلف را بررسی و در قالب طرح‌های اجرایی ارائه می‌کنند تا چهره معماری و شهرنشینی جهان را طبق نقشه معماری جهان جدید بشری ارائه دهند! در همین بخش فرهنگی، پروسه مشابهی در مورد لباس مردم جهان در حال فعالیت خواهد بود، تا لباس‌های زیبا و اصیل برای تمام فرهنگ‌ها و کشورهای جهان طراحی و در کارخانه‌های پوشاک در کشورهای جهان دوخته شده تا از این پس مردم هر منطقه از جهان پوشاک اصیل و جدید و زیبایی خود را که توسط برترین طراحان لباس طراحی شده‌اند را بپوشند، و هویت و اصالت خود را بیابند

این تنوع زیبای معماری و لباس و غذا و آداب و رسوم جهانی که توسط بخش فرهنگی جهان تصفیه و زنده و اجرا خواهد شد معنی پویایی و عدالت می‌دهد؛ از این جهت معنی عدالت می‌دهد که جهان بشری در عمل ثابت خواهد کرد که همه بشر مساوی هستند و فرهنگ

و شخصیت همه بشر محترم و مساوی است؛ پس راه نفوذ و تهاجم فرهنگی بخشی از جهان بر همه جهان بسته شده و مردم جهان با حمایت و پشتیبانی جامعه جهانی فرهنگ زیبای خود را پیدا و محفوظ خواهند داشت! ... جهان هر قدر متنوع تر شود زیباتر خواهد بود؛ زندگی شوم و خشک ماشینی و تک فرهنگی بودن، جهان بشری را افسرده و دچار بیماری‌های روحی و روانی بی‌شماری کرده است.

در هر بخش اصلی از بخش‌های پنج‌گانه جامعه جهانی علاوه بر کمیته‌های تخصصی، کمیته‌های مشترکی نیز وجود خواهند داشت که نقش مشورتی با کمیته اصلی را ایفاء می‌کنند؛ به عنوان مثال در همین بخش فرهنگی و در کنار کمیته‌های متنوع تخصصی در تمامی زیرمجموعه‌های معماری، لباس، غذا، آداب و رسوم، توریسم و غیره که همگی زیرمجموعه بخش فرهنگی جامعه جهانی هستند، تیم‌ها و کمیته‌های مشورتی از بخش‌های اصلی دیگر (سیاست، دین و آیین، علم و اقتصاد) نیز حضور دارند تا در روند انجام امور بخش فرهنگی نظارت و مشاوره‌های لازم و تخصصی خود را ارائه دهند، تا در نتیجه از دوباره کاری‌های احتمالی بعدی جلوگیری گردد! همانطور که می‌دانیم تمامی طرح‌های انجام شده در کمیته‌ها و بخش‌های پنج‌گانه جامعه جهانی جهت تصویب نهایی به مجمع عمومی جامعه جهانی ارسال می‌گردند و در آنجا توسط تمامی کشورها بازبینی نهایی و تأیید می‌شوند، در نتیجه در صورت نادیده گرفتن نگاه‌های متفاوت و موافق و مخالف، و عدم کسب رأی کافی بازگردانده خواهند شد، پس بهتر است که قبل از ارائه نهایی توسط کارشناسان و متخصصان بخش‌های دیگر و از زوایای متفاوت دیگر نیز بررسی گردند.

علاوه بر مدیریت و کنترل و قانون گذاری جامع در کلیه امور زندگی بشر و طراحی و اصلاح امور زندگی در تمامی پنج بخش اصلی و زیرمجموعه های بسیار وسیع و بی شمار آنها، جامعه جهانی مسؤلیت اجرای تمامی مصوبات و طرح های خود را در تمام جهان نیز دارد! جامعه جهانی انسان استاندارد مجهز به قوی ترین سیستم مدیریتی جهان، کنترل بر تمام ثروت جهان - از طریق عضویت کشورهای جهان و مشارکت مالی آنها - و در اختیار داشتن متخصصان و دانشمندان و اندیشمندان جهان و با مشروعیت و اعتبار جهانی خود، تنها تشکیلاتی است که می تواند جهان انسان ها را به بهترین و کامل ترین شکل ممکن بسازد و اداره و کنترل کند، در نتیجه بشر می تواند با فرهنگ انسان استاندارد و مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد امیدوار به محو سلطه ۱۰ درصد شیطانی، و گذر از مراحل ابتدایی اول و دوم زندگی خود و با رسیدن به مراحل سوم و چهارم، جهان خود را به شکلی کامل متحول کرده و بسازد.

جامعه جهانی انسان استاندارد همچنین به منظور کنترل سلامت جهانی از بروز هر گونه فساد و ضعف در کلیه امور مدیریتی خود مجهز به یک سیستم بازرسی بین المللی بسیار قوی خواهد بود که زیر نظر مستقیم مجمع عمومی جامعه جهانی وظایف بازرسی و نظارت خود را انجام خواهد داد؛

در نهایت بسیار ساده بگویم سیستم امروزی جهان در همه بخش های آن بسیار قدیمی و کوچک و کهنه است؛ ما بهترین انسان ها هستیم و نیاز به بهترین و قوی ترین سیستم جهانی داریم تا جهان ما را با شتاب به سمت پیشرفت های همه جانبه مادی و معنوی هدایت کند؛ ما دنیای کنونی را

مرحله و سطح چهارم: جامعه جهانی انسان استاندارد! ۱۳۹

نمی‌خواهیم؛ ما بهترین دنیای انسانی را می‌خواهیم که در آن مدیریت و سیاست انسانی، دین و آیین نورانی، فرهنگ‌های زیبا و متنوع، علمی که جهان ما را به سرعت به پیش ببرد، و اقتصادی که شکم همه را سیر کند، و کار و تجارت بشر را تضمین گرداند و رونق دهد می‌خواهیم؛ ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌ها هستیم.

دنیای ۱۰ درصد شیطانی دنیایی کوچک و گرفتار در یک چرخه هزاران ساله تکراری و ناکارآمد است، اما دنیای انسان استاندارد دنیای پیشرفته هزاره سوم با امید به جهش‌های عظیم مادی و معنوی است، که خروج از وضعیت زندگی بدوی و سستی فعلی و ورود به دنیا و دنیاهای برتر بعدی را محقق و عملی می‌کند.

در دنیای استاندارد هیومنیسم همه عقاید، فرهنگ‌ها، نژادها، ملت‌ها و انسان‌ها با حفظ تمامی داشته‌های متنوع و زیبا و رنگارنگ خود در حد ایده‌آل و استاندارد خود خواهند درخشید.

بشر اگر دنیای انسان استاندارد و استاندارد هیومنیسم را درک نکند، تا چند قرن دیگر در دنیای ۱۰ درصد شیطانی گرفتار خواهد ماند!

۱۰ درصد شیطانی بسیار قوی هستند، پیش از آن که دیر شود با پذیرش استاندارد هیومنیسم جهان خود را نجات دهیم.

تنها یک فلسفه قوی، یک سیستم علمی و یک اتحاد انسانی است که می‌تواند نفوذ ۱۰ درصد شیطانی را کمرنگ کرده و خنثی گرداند.

جامعه جهانی انسان استاندارد

جامعه جهانی انسان استاندارد، پنج نمایندگی مرکزی در پنج قاره جهان و یک نمایندگی (به عنوان سفارتخانه مادر) در هر کشور خواهد داشت که تمامی امور بین الملل کشورها را با حضور نمایندگان کشورهای جهان - در هر کشور - و از طریق جایگزینی با سفارتخانه های موجود به گونه ای پویاتر و متمرکزتر اداره خواهد نمود.



جامعه جهانی انسان استاندارد یک تشکیلات بسیار محکم، قوی و غول پیکر مدیریتی است، با هدف کنترل و هدایت و مدیریت زندگی بشر در پنج بخش اصلی زندگی، شامل: ۱/ مدیریت سیاست، ۲/ ادیان و عقاید، ۳/ فرهنگ و هنر، ۴/ علم و دانش، ۵/ اقتصاد و تجارت؛ و همچنین تمامی زیرمجموعه های آنها که شامل تمامی امور زندگی انسانی می گردند

پنج بخش مدیریتی جامعه جهانی انسان استاندارد

بخش اول/ مدیریت و سیاست و نظم جهانی
اشاره‌ای به تاریخ مدیریت و سیاست جهان بشری
اهداف و وظایف بخش مدیریت و سیاست
مدیریت و پاک‌سازی
 $۲+۲=۴$

سیستم پیشنهادی حکومتی انسان استاندارد
مدیریت و سیاست و زیرمجموعه‌های آن

بخش دوم/ افکار و عقاید و ادیان
اشاره‌ای به تاریخ ادیان و عقاید جهان بشری
فهرست ادیان و آیین‌ها و تفکرات جهان بشری
اهداف و وظایف بخش ادیان و عقاید
مدیریت و پاک‌سازی

ادیان و عقاید و زیرمجموعه‌های آن

بخش سوم/ فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی
اشاره‌ای به تاریخ فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جهان بشری
اهداف و وظایف بخش فرهنگ و هنر
مدیریت و پاک‌سازی

فرهنگ و هنر و زیرمجموعه‌های آن

بخش چهارم/ علم و دانش
اشاره‌ای به تاریخ علم و دانش جهان بشری
اهداف و وظایف بخش علم و دانش
مدیریت و پاک‌سازی

علم و دانش و زیرمجموعه‌های آن

بخش پنجم/ اقتصاد و تجارت و کار
اشاره‌ای به تاریخ اقتصاد و تجارت جهان بشری

...

اهداف و وظایف بخش اقتصاد و تجارت
مدیریت و پاک‌سازی

اقتصاد و تجارت و زیرمجموعه‌های آن

بخش اول / مدیریت و سیاست و نظم جهانی

سیاست و بکارگیری روش‌های سیاسی در ادارهٔ جوامع بشری، برای اولین بار به گونه‌ای روشمند و متمرکز توسط فلاسفهٔ یونان باستان (حدود ۲۵۰۰ سال پیش) مطالعه و کشف شده است؛ فلاسفهٔ یونان باستان در جستجوی یافتن راه و روش بهتر حکومت و ادارهٔ جامعهٔ انسانی، و در مسیر ایجاد جامعه‌ای بر پایهٔ توجه به اخلاق و عدالت تلاش بسیار زیادی نموده‌اند؛

از زمانی که بشر وارد بحث سیاسی و مطالعات سیاسی شده است مسیر تحول عظیمی را در جهت رشد و توسعهٔ علمی آن طی کرده است؛ در طی قرون متمادی تفکر و اندیشه و فلسفهٔ سیاسی در میدان وسیع زندگی بشر و در مواجهه با واقعیات زندگی بشر رشد و پیشرفت چشم‌گیری داشته است، و راه خود را در جهت هدایت بشر به سمت ایجاد علمی که بتواند با بهره‌گیری از اصول و قواعد و قوانین آن زندگی خود را نظمی سیستماتیک و انسانی (با هدف رعایت حقوق کامل انسانی بشر در تمامی زمینه‌های زندگی فردی و جمعی او) دهد پیش رفته است، امروزه سیاست از گسترهٔ وسیعی برخوردار است، و به عنوان یک علم فراگیر، جهان بشری را تحت کنترل و ادارهٔ خود گرفته است.

اشاره‌ای به تاریخ مدیریت و سیاست جهان بشری

انسان تنها موجودی است که با محیط خود - چه محیط طبیعی و چه محیط زندگی اجتماعی خود - رابطهٔ هوشمندانه و آگاهانه‌ای دارد! انسان می‌کوشد محیط و شرایط متفاوت زندگی خود را بشناسد و آن

را با توجه به اهداف و نیازهای فردی و اجتماعی خود هماهنگ کرده و نظم دهد؛ این شناخت و هماهنگ سازی و نظمی که انسان در زندگی خود دنبال می کند همان چیزی است که او را واداشته است تا در ارتباط با خود و وجود خود و شرایط زندگی خود به فکر و اندیشه فرورود! از همین نقطه طلایی زندگی بشر بوده که او مسیر اصلی زندگی اجتماعی خود را به شکلی سیستماتیک و هدفمند و پویا شروع و دنبال کرده است؛ انسان در این مسیر از مراحل بسیار ابتدایی زندگی جمعی خود گذشته و با گذشت زمان سیر عظیمی را طی نموده است.

دنیای سیاست عمدتاً از یونان و غرب آغاز گردیده است و آنها پس از گذشت از تفکرات و اندیشه های ماورایی و اسطوره ای، اندیشه سیاسی را به گونه عقلانی آن آغاز نموده اند؛ شرایط زندگی سیاسی در دولت شهرها سرچشمه اصلی پیدایش اندیشه و تفکرات سیاسی به شکل تکامل یافته و پویا و هدفمند آن بوده است؛ یونان باستان شامل شهرهایی بود که در دره ها و سواحل دریاها و جزایر متعددی پراکنده بودند؛ این شهرها از لحاظ سیاسی مستقل بوده اما در عین حال نهادهای اجتماعی و سیاسی مشترکی داشتند.

دولت شهرهای یونان باستان مراکز فعالیت های اجتماعی و سیاسی پویا و فعال و پُر جنب و جوشی بوده اند! کشمکش های سیاسی، تحولات اجتماعی و رونق کار و تجارت و بازرگانی و ... فضای مساعد تحرک اجتماعی و سیاسی زنده ای را برای آنها فراهم و ایجاد کرده بود؛ در این بین دو دولت شهر اسپارت و آتن بزرگ ترین دولت شهرهای یونان بودند؛ این دو دولت شهر دو نظام متفاوت حکومتی و اجتماعی داشتند: اسپارت بیشتر یک جامعه کشاورزی و دارای حکومتی منظم و محافظه کار

بود، اما آتن جامعه‌ای بود با زندگی بازرگانی و دریانوردی و پیشه‌وری؛ این دو دولت شهر هر یک الگوی اشکال متفاوتی از حکومت بوده و الهام بخش تفکرات و اندیشه‌های سیاسی متفاوتی بودند.

در هر حال در چنین شرایط مساعد سیاسی و اجتماعی و پرتحرکی، فلاسفه و اندیشمندان بزرگی زندگی و ظهور کردند که جهان سیاست را به شکل اصلی آن که امروزه می‌شناسیم بوجود آورده‌اند؛ در این بین سقراط و افلاطون و ارسطو دوره اصلی جهان سیاست را با افکار و اندیشه‌های خود آغاز نمودند؛ سقراط با تقابل اندیشه‌اش نسبت به دموکراسی ناکارآمد آتن و در نتیجه با فداکردن جان خود بخاطر اندیشه‌اش! افلاطون با اندیشه‌ها و تئوری‌هایی چون: عدالت، که هماهنگی کامل اجتماعی را با آن جستجو می‌کرد؛ حکومت ایده‌آل و حکومت فیلسوف‌شاه، که بتواند بهترین شکل حکومت را از طریق آن ارائه کند؛ همچنین به منظور تحقق شرایط لازم برای تربیت فیلسوف-شاه برنامه‌های تحصیلی ویژه‌ای با تأسیس آکادمی خود برنامه‌ریزی نمود، که می‌توانست با برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی بسیار کامل آن ایده‌آل‌ترین و تواناترین و فیلسوف‌ترین پادشاهان و رهبران را تربیت کند، که تربیت چنین پادشاهان و رهبرانی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های فکری افلاطون در جهت ایجاد یک حکومت ایده‌آل بوده است؛ همچنین به منظور تربیت بهترین و داناترین پادشاهان افلاطون طرح و تئوری کمونیست محدود خود (کمونیست خانواده و مالکیت) را ارائه نمود که شرایطی در زندگی فرماندهان و حکمرانان ایجاد می‌کرد که آنها بدون داشتن هرگونه دغدغه فکری - نسبت به مسایل روزمره و درگیر شدن با خانواده و یا مال‌اندوزی و ملک‌اندوزی و ... - تنها به

اداره جامعه خود فکر کنند! هر چند این بخش از برنامه افلاطون بیشتر ایده آلیستی بشمار می آمد و عملی نبود.

در کنار افلاطون و در ادامه تئوری پردازی ها و برنامه های او ارسطو از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ قرار دارد؛ از بزرگ ترین و ارزشمندترین نظریه های او اشاره و تأکید او به اهمیت و جایگاه قانون است؛ از نظر ارسطو در یک جامعه خوب و نمونه قانون می بایست اقتدار اصلی را داشته باشد و نه یک شخص؛ ارسطو همچنین شرایط یک حکومت خوب را بر می شمرد و اعتقاد دارد که یک حکومت خوب می بایست طبق شرایط واقعی خود بررسی شود، و بهترین حکومت آن حکومتی است که در عمل قابل دستیابی باشد؛ از نظر ارسطو حق مالکیت خصوصی نیز از اهمیت بسزایی در جامعه برخوردار است، به دلیل اینکه مشوق و انگیزه خوبی در افراد است تا کار خود در جامعه را جدی تر دنبال کنند، و همچنین به دلیل اینکه باعث حس رضایت و آزادی در افراد می گردد...؛ ارسطو در بحث انواع حکومت به عدم تعادل در حکومت ها اشاره می کند و نتیجه می گیرد که این عدم تعادل موجب می گردد که حکومت ها دگرگون گردند؛ به عنوان مثال دموکراسی سوق به سمت حکومت توده های بی سواد پیدا می کند، و یا حکومت اشراف اندیشمند به خودکامگی و قدرت طلبی آنها منجر می گردد؛ از دیگر علل فروپاشی حکومت ها عدم توجه به رعایت عدالت و برابری در حقوق مردم است که باعث ایجاد روحیه عدالت خواهی در توده های مردم گشته و در نهایت موجب بروز انقلاب می شود؛ در این راستا ارسطو هماهنگی و تعادل در بین نیروهای مقابل در داخل حکومت را پیشنهاد می کند، تا با حفظ تعادل در بین آنها احتمال فروپاشی حکومت ها کمتر

گردد؛ یک حکومت ترکیبی بهترین نمونه حکومت است، زیرا که در چنین حکومتی ثبات در بین ارکان حکومت بهتر حفظ می‌گردد؛ ارسطو حکومت‌ها را به سه دسته کلی تقسیم می‌کند: ۱/ حکومت پادشاهی. ۲/ حکومت اشراف. ۳/ حکومت طبقه متوسط

پس از این دوره آغازین و شکوفای عرصه سیاست، تاریخ شاهد مرحله دیگری است که با مرگ ارسطو آغاز می‌گردد؛ از آنجایی که نظریه‌های افلاطون و ارسطو در ارتباط با حقوق شهروندی خوشایند توده‌های مردم نبوده و در واقع بی‌توجه به حقوق آنان بود، مردم متوجه حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی خود گشته که در نتیجه اعتراضات گسترده‌ای را در پی آورد و مکاتب پس از آن دوره را شکل داده و ایجاد نمود؛ از جمله این مکاتب می‌توان به مکاتب اپیکورینز و ساینیکز اشاره کرد ...؛ مرحله بعدی و مهم تاریخ سیاست با امپراطوری روم و فلاسفه‌ای چون پولیبیوس و سیسرو آغاز می‌گردد؛ امپراطوری روم به زندگی اجتماعی دولت‌شهرها پایان داد و امپراطوری با شکوهی را بنیان گذارد که قرن‌ها به حیات خود ادامه داد، و در تنش خود با کلیسا در دوران اروپای میانه بخش عظیمی از تاریخ غرب را شکل داده و ایجاد نمود! از مهمترین نظریه‌های پولیبیوس می‌توان به نظریه چرخشی حکومت‌ها اشاره کرد که اعتقاد داشت هر نوع از انواع حکومت‌ها پس از مدتی خود شرایطی را ایجاد می‌کند که طی یک چرخه تکاملی باعث انحطاط خود و در نهایت برگشت به مرحله آغازین شکل‌گیری خود می‌کند! او همچنین نظریه حکومت‌های ترکیبی را ارائه داد، که اعتقاد به آمیختگی و جمع بهترین جنبه‌های حکومت‌های موجود (پادشاهی، اشرافی و دموکراسی) در یک حکومت واحد را داشت! او

بهترین نمونه این نوع حکومت را حکومت و امپراطوری روم می دانست که در سه بخش اصلی خود (کانسولیت، سنیت و اسمبلیز) بهترین ویژگی های حکومت های پادشاهی و اشرافی و دموکراسی را بکار گرفته بود؛ پس از پولیبیوس، سیسرو اولین فیلسوف و اندیشمند رومی، توجه خاصی به یکتا و برتر بودن قانون جهانی بشری داشت، به اعتقاد او قوانین متعددی در جهان بشری و در دوران های مختلف وجود ندارد بلکه تنها یک قانون جهانی و تغییرناپذیر وجود دارد که در تمامی دوران ها هدایت گر بشریت است؛ سیسرو همچنین به برابری و آزادی افراد در برابر قانون اعتقاد داشت و از آن حمایت می کرد

پس از ظهور مسیحیت و در دوره میانه تاریخ اروپا اندیشمندانی چون سنت آگوستین ظهور کردند که با اندیشه خود و آثار خود در شکل گیری دنیای قدرتمند پاپ (ها) و سلطه و نفوذ فراگیر سلطنت و حکمرانی کلیسا تأثیرات شگرفی گذاردند؛ سنت آگوستین با طرح نظریه هایی چون شهر و حکومت مسیحی و شهر و حکومت غیر مسیحی، و تأکید بر مقوله هایی چون عدالت و صلح توانست موازنه قدرت و حکومت را به نفع کلیسا و اقتدار پاپ (ها) بگرداند؛ با چنین تسلط همه جانبه ای بر قدرت از جانب پاپ، و در نتیجه سلطه جویی قدرت طلبان و زیاده خواهان و بالطبع ظلم و بی توجهی به حقوق مردم، حرکت هایی در جهت محدود کردن قدرت و سلطه پاپ (ها) و همچنین اصلاحات زیربنایی در مدیریت کلیساها از درون و بیرون کلیسا آغاز گردید؛ از درون کلیسا توسط کشیش هایی که خود را مسؤول اصلاحات و محدود کردن قدرت خداگونه پاپ (ها) می دیدند و از بیرون توسط اندیشمندان و متفکرانی چون دانته و مارسیلیو و در انتها اندیشمندانی

چون مارتین لوتر و ژان کالوین و غیره که مخالف حکومت و سلطه کلیسا بر مدیریت جامعه و دنیای خود بودند؛ این تلاش‌ها و اقدامات در جهت اصلاح کلیسا و قدرت‌طلبی آن هرچند بسیار پُراهمیت و حیاتی بودند، اما نتوانستند تغییرات لازم را در جهان اروپای میانه ایجاد کنند! تا اینکه دوره شکوفای دیگری با ظهور عصر روشنگری و علم آغاز گردید که دوران تاریک سلطه کلیسا را با نور خود شست و محو نمود؛ در این بین و زمانیکه کلیسا در اوج قدرت خود قرار گرفت امپراطوری هشتصد ساله روم فروریخت و جای خود را به سیستم بسته فئودالیزم داد! فقدان یک حکومت قدرتمند که بتواند جهان آن روزگار را پس از فروپاشی امپراطوری روم اداره کند اساس شکل‌گیری فئودالیزم بود؛ هرچند از دوران فئودالیزم به عنوان دوره‌ای تاریک از تاریخ بشر یاد می‌شود، اما تجربیات آن دوره دستاوردهای ارزشمندی در جهت شکل‌گیری و تقویت روابط اجتماعی بشر ایجاد کرده و تجربیات جدیدی در این عرصه را در پی داشته است که تحولات بسیار ارزشمند بعدی را در ایجاد سیستم شهرنشینی مدرن بدنبال آورده و ایجاد نموده است!

فئودالیزم بر پایه قراردادهایی استوار بود که انسجامی را ایجاد می‌نمود که توسط آن جامعه هویت اجتماعی خود را باز می‌یافت؛ اساس و زیربنای کار بر توافق مابین مالکان زمین و کشاورزان قرار داشت؛ مالکان زمین در برابر حمایت‌های همه‌جانبه و همچنین زمینی که جهت کشاورزی و بهره‌برداری سودمند در اختیار کشاورزان قرار می‌دادند، در مواقع ضروری از کمک نیروی انسانی آنها (به عنوان نیروی نظامی) بهره‌می‌بردند! به هر حال رشد شهرنشینی و رشد و توسعه علمی و

فرهنگی که منجر به رُنسانس اروپا گردید فضای دنیای مدرن را بدنبال آورد که موجب محو فتودالیزم از تاریخ زندگی بشر گردید.

رنسانس همچنین دوره جدید دیگری در عرصه سیاست را شاهد گردید که با ظهور نابغه‌ای چون ماکیاولی آغاز شد! ماکیاولی محصول رنسانس و فرزند زمان خود بود! او که از انحطاط امپراطوری روم و فقدان یک حکومت فراگیر و قدرتمند - که بتواند اتحاد اجتماعی و سیاسی شایسته‌ای را به همراه آورده و بر نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی آن دوران ایتالیا غلبه کند - رنج می‌برد، نظریه‌ها و تئوری‌های ارزشمندی را ارائه داد که کاربرد آن منحصر به شرایط حاکم بر روزگار خود است! هرچند نظریه‌های او که با نهایت شجاعت و صداقت ابراز شده‌اند مورد سوءاستفاده وسیعی از جانب سیاستمداران و حکمرانان (چه در زمان خود و چه در آینده) قرار گرفته است! ... او اعتقاد داشت که در شرایط بحرانی تنها یک مرد قوی می‌تواند نظم و انضباط و قانون را حاکم کند، و در مسیر و در جهت برقراری نظم و انضباط و انسجام اجتماعی، یک حکمران اجازه دارد که به هر وسیله اخلاقی و غیر اخلاقی متوسل شود تا به اهداف سیاسی خود برسد! با ظهور ماکیاولی و ابراز نظریه‌های او دوره تفکر سیاسی مدرن آغاز گردید

در ادامه با متفکران جدیدی آشنا می‌شویم که نقش عظیمی در مسیر شکل‌گیری دنیای مدرن کنونی - با نظریه‌ها و اندیشه‌های خود - ایفاء کرده‌اند؛ از جمله این اندیشمندان توماس هابز نظریه پرداز انگلیسی است؛ او بنیان‌گذار فلسفه اخلاقی و سیاسی انگلیس است؛ نظریه‌های او در مورد طبیعت بشر و زندگی او، و قرارداد اجتماعی، معروف‌ترین بحث‌های او در ارتباط با سیاست و تفکرات سیاسی اش است؛ ... جان لاک اندیشمند

دیگر انگلیسی است که بر حقوق طبیعی انسان مثل حق زندگی، آزادی و حق مالکیت و همچنین بر فردگرایی و رعایت حقوق فردی انسان در اجتماع تأکید داشت، ... مونتسکیو نظریه مهم تفکیک و نظارت سه قوه بر یکدیگر را مطرح کرد، ... ژان ژاک روسو نظریه بسیار مهم خواست عمومی را ارائه داد و به عنوان پایه و اساس شکل گیری قدرت جامعه، و مدافع آزادی، برابری و برادری مطرح نمود، ... جهرمی بتهام اندیشمند و متفکر دیگر انگلیسی نظریه سودمندی و رضایت را ارائه کرد، که بر رضایت مندی افراد اجتماع و دوری از هر عملی که موجب ناخرسندی آنها می گردد تأکید داشت؛ او رنج و رضایت را دو پدیده مهم حاکم بر زندگی انسان قلمداد می کرد و تأکید داشت که هدف باید رضایت مندی و شادی افراد و جامعه باشد؛ بتهام همچنین طرح ها و نظریه های بسیار ارزشمندی در ایجاد تحول در شکل و ساختمان زندان ها و همچنین نحوه نظارت بر زندگی زندانیان در زندان و از همه مهم تر ایجاد شرایط تحصیل و کار و مشغولیاتی برای زندانیان داشت، که از طریق آن بتوانند به احساس رضایت و سودمندی و مفید بودن برسند؛ این نظریه های روشن بینانه بتهام منشاء و موجب تحولات عظیم و مثبتی در شیوه های سستی و تاریک زندانبانی گردید

نفر بعدی که با اندیشه های خود پایه گذار تحولات عظیمی در قرون بعدی زندگی بشر گردید، جی. دبلیو. اف هگل است؛ فلسفه سیاسی هگل زمینه ساز شرایطی شد که سقوط ناپلئون را بدنبال داشت! نظریه میل و آرزو به عنوان عنصر غایی در سیاست توسط هگل ارائه و بیان شده است، همچنین در اهمیت نظریه های هگل باید ذکر نمود که اساس سوسیالیسم مارکس که دیالکتیک مادی گرایانه است بر مبنای اصول

بنیادین نظریه هگل بنا گردیده است؛ تئوری‌های سیاسی هگل تمامی عناصر اساسی فاشیسم، نژادپرستی، ملی‌گرایی و ... را در بر می‌گیرد!

در ادامه اندیشمند دیگر انگلیسی جی. اس. میل را پیش رو داریم با نظریه‌هایش درباره آزادی فکر و اندیشه فردی، که به اعتقاد او این آزادی فکر و اندیشه موجب رشد و توسعه شخصیت فردی و در نهایت رشد جامعه می‌گردد؛ میل حتی تأکید دارد که در برخورد بین اندیشه فرد و جامعه، این اندیشه فرد است که می‌بایست قضاوت نهایی را انجام دهد، مگر اینکه جامعه بتواند او را به شیوه‌ای صحیح متقاعد گرداند

در دوره متعاقب و تکاملی جهان سیاست غرب، شاهد ظهور کارل مارکس هستیم، مارکس با طرح این ادعا که تولید اساس تمام فعالیت‌های بشر است، چرخه سیاست را به سمت کار و تولید و در نهایت بحث استثمار جهان توسط سیستم سرمایه‌داری و جهان‌خواری غرب کشاند، و دنیایی را پیش رو قرارداد که به انقلاب کمونیستی/اتحاد جماهیر شوروی سابق انجامید و موجب تغییرات عظیمی در جهان بشری گشت که - علی‌رغم همه سختی‌ها و خطراتی که زندگی بشر را به خطر نابدی کشاند - دنیای بشر را با رقابت جنگ سرد خود (بین بلوک شرق و بلوک غرب) به پیشرفت‌های بسیار سریعی در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی و ... هدایت کرد؛ رقابت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و غیره بین آمریکا و شوروی سابق، درس‌ها و دستاوردهای عظیمی برای بشریت داشت، و راه را برای دموکراسی و صلح جهانی هموارتر نمود! اکنون بشر می‌داند که زندگی صلح‌آمیز توأم با تجارت و کار بهتر است از تنش‌های سیاسی و ایده‌ئولوژیکی.

بشر در طول ۲۵ قرن گذشته و از زمان سیاسی شدن خود تاکنون فراز و نشیب‌های بسیاری را گذرانده است؛ تاریخ سیاسی بشر شاهد واقعیات بیشماری است؛ زندگی سیاسی امروز بشر حاصل تمام تجربیات و حاصل علم و اندیشهٔ فلاسفه‌ای است که با افکار و نظریه‌های خود جهان ما را متأثر کرده و رشد داده‌اند؛ زندگی امروز بشر حاصل عقل و اندیشهٔ فلاسفه، و همچنین حمایت‌ها و مقاومت‌های مردمی است که به منظور احقاق حقوق انسانی خود تلخی‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند تا سرنوشت خود را اصلاح نموده و زندگی خود را به شکلی انسانی و در جهت خیر و منفعت عمومی تغییر دهند، و سلطهٔ جهل و قدرت‌طلبی ظالمان را محو کرده و پایان دهند؛ تاریخ سیاسی بشر تلاش او در جهت تحقق عدالت بوده است؛ همان چیزی که اولین بار توسط افلاطون به شکلی فلسفی مطرح گردید؛ این عدالت همان چیزی است که همهٔ خوبی‌ها و درستی‌ها را به دنبال دارد، عدالت به زندگی انسانی هویت و معنی می‌دهد، عدالت صلح به همراه می‌آورد و بشر را از زندگی خود راضی می‌گرداند؛ اما آیا پس از گذشت ۲۵ قرن و تحمل این همه پستی و بلندی‌ها عدالت در جهان امروز ما محقق و مشهود است؟! شاید در محدوده‌ای از جهان و برای بخشی از مردم جهان عدالت محسوس باشد، اما یقیناً برای تمام مردم جهان و در تمام بخش‌ها و محدوده‌های جهان محقق و مشهود نیست!

چند قرن دیگر باید بگذرد تا عدالت برای تمام مردم جهان محقق شود! بشر جهش‌های عظیمی را در طی قرون اخیر زندگی خود تجربه کرده است، و این توان را دارد تا اسباب جهش‌های بزرگ‌تر بعدی را نیز در زندگی خود فراهم آورد!

در بررسی مختصر تاریخ سیاست جهان بشری (غرب) متوجه شدیم که تاریخ سیاست بشر رشدی کند اما به هر حال مثبت به سمت برقراری جامعه‌ای بر پایه عقل، منطق و دانش را طی کرده است؛ بشر در تاریخ خود تجربیات ارزشمند و سختی را اندوخته تا درک کند که راه نهایی او راهی است که به حق همه انسان‌ها - در برخورداری از یک زندگی عادلانه به همراه صلح و امنیت جهانی - می‌بایست توجه شده و آن حق باید تأمین گردد؛ هرچند این حقیقت از ابتدای تاریخ بشر نیز روشن بود اما رسیدن به سیستم و فرهنگی جهانی که راه انسان را در مسیر دستیابی به این هدف هموار کند به دلیل نفوذهای جاهلانه بسیار سخت بوده است! در این مسیر پرتلاطم عقل و منطق و سیاست، تفکر و سیاست و فلسفه شرق کمتر رخ نموده است، به این دلیل که اساساً شرق بیشتر در آرامش روحانی به سر برده تا ماجراجویی‌های جهانی!

در هر حال بشر امروز در جایگاهی قرار دارد که امید پرش به سمت وضعیت بهتر را می‌توان از او انتظار و امید داشت؛ تکنولوژی امروز جهان، و دانش و آگاهی عمومی امروز بشر و تلاش‌های جهانی در جهت تفاهم بین‌المللی و مشارکت جهانی کشورها، این امید را قویاً ایجاد می‌کند که بتوانیم به سمت درک و انتخاب راه و شیوه صحیح‌تر و کامل‌تر زندگی - که حق همه انسان‌ها است - حرکت کنیم.

در دنیای انسان استاندارد نقش شرق بدلیل دارا بودن ویژگی‌های عمیق روحانی و معنوی فعال‌تر از نقش کم‌رنگ فعلی خواهد بود، و مکمل خوبی در جهت همکاری با توان قوی مدیریتی و تکنولوژیکی غرب به حساب خواهد آمد؛ بشر تاکنون و در طول تاریخ زندگی خود اقدامات بزرگی در بخش‌های مختلف جهان انجام داده است، و دستاوردهای مادی و معنوی بیشماری برای بشریت کسب کرده است، اما

تنها یک کار عظیم و اصلی دیگر مانده که هنوز از عهده آن برنیامده! و آن همکاری کامل مادی و معنوی است، یک همکاری همه‌جانبه و کامل، و نه فقط اقتصادی و یا سیاسی و یا فرهنگی یک‌سویه!

مراحل رشد و تحول زندگی اجتماعی بشر:

۱. زندگی بدوی و سنتی / شامل: بدوی؛ سنتی؛ برده‌داری، و فئودالیزم.
۲. رنسانس و دوره شکوفایی علمی و فرهنگی.
۳. سرمایه‌داری و رونق اقتصادی.
۴. دولت رفاه و مدرنیسم.
۵. استاندارد هیومنیزم / زندگی کامل مادی و معنوی هزاره سوم

اهداف و وظایف بخش مدیریت و سیاست

جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به هدف برقراری صلح و عدالت، و رشد و توسعه همه‌جانبه مادی و معنوی جهانی که منتهای آرزوی بشر است تشکیل شده است، و اهداف و وظایف بخش مدیریت و سیاست آن عبارتند از:

- ۱/ حفظ صلح، امنیت، قانون و عدالت جهانی.
- ۲/ تحکیم و تثبیت مرزهای سیاسی کشورهای جهان.
- ۳/ تلاش در تقویت روابط سیاسی و دوستانه بین ملل.
- ۴/ یافتن روش‌های مدیریتی مناسب برای کشورهای جهان.
- ۵/ کمک به کشورهای ضعیف جهان در اصلاح امور مدیریتی و سیاسی خود.
- ۶/ ایجاد دوره‌های آموزشی حکومتی و مدیریتی بین‌المللی.
- ۷/ تقویت و تجهیز مرزهای فیزیکی کشورهای جهان به منظور کنترل انواع قاچاق و نفوذهای تروریستی و
- ۸/ محافظت از کره زمین و طبیعت آن.
- ۹/

مدیریت و پاک‌سازی

بحث اصلی استاندارد هیومنیزم پاک‌سازی است! پاک‌سازی و قطع نفوذ ۱۰ درصد شیطانی از تمامی داشته‌های بشر! در همین راستا استاندارد هیومنیزم علاوه بر اراییه فرهنگ اخلاقی فردی، اجتماعی و انسانی بین‌المللی از طریق طراحی اصول انسان‌ساز پنج‌گانه خود (اصول استاندارد هیومنیزم)، از طریق مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد نیز سیستمی را پایه‌ریزی کرده است تا از طریق مدیریت قوی و پویای آن به هدف پاک‌سازی نهایی تفکر و سلطه جاهلان و خودخواهانۀ قدرت‌طلبان - و یا آنهایی که فکر می‌کنند مصلحان جهان هستند و در نتیجه با اعمال خود جهان را به سمت اغتشاش می‌برند - پایان دهد! این پاک‌سازی به شکلی وسیع انجام می‌گردد و راه‌کارهای بسیار علمی و کارآمدی را بدنبال دارد.

در بخش سیاست، وضعیت به اینگونه اصلاح خواهد گردید که ابتدا و پس از تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد با مشارکت تمامی کشورهای جهان (و یا غریب به اتفاق کشورهای جهان) کنترل امنیت جهان بشری به بخش سیاست جامعه جهانی سپرده خواهد شد! بخش سیاست از نمایندگان تمامی کشورهای جهان تشکیل می‌گردد و کنترل و مسؤولیت حفظ امنیت جهان بشری و همچنین مسؤولیت دستیابی به اهداف تعریف شده بخش خود را دارد.

در یک جهان انسانی حفظ امنیت از مهم‌ترین مسایل است؛ تنها در سایه امنیت است که امور انسانی شکل متعادل و صحیح خود را پیدا می‌کنند؛ امنیت به انسان آسایش و آرامش می‌دهد؛ امنیت موجب می‌گردد امور انسانی در تمامی بخش‌های آن (سیاست، دین و عقیده، فرهنگ،

علم، اقتصاد و بالاخره در اجرای تمامی زیرمجموعه‌های آن) با تمام نیرو - و بدون نگرانی و اتلاف انرژی‌های مادی و معنوی انسانی - مسیر طبیعی خود را طی کرده و به اهداف خود برسد.

حفظ امنیت میسر نمی‌شود مگر از طریق یک اُرگان مسؤول و مشروع بین‌المللی، که موجه بودن آن و مشروعیت آن از طریق قدرت طلبی و یا بلوک‌بندی و ... بوجود نیامده باشد؛ بشر در طول تاریخ زندگی خود - به استثنای مواردی خاص - بدنبال سیستمی تک‌قطبی و یا تک‌عقیدتی برای اداره جهان خود بوده است؛ این انگیزه در مواردی نشان از این داشته که قدرت حاکم در عمل بهترین و عادل‌ترین سیستم زمان خود بوده و در نتیجه با تجهیز قدرت خود نهایت تلاش خود را در جهت مقابله با نیروهای مشکل‌ساز و تهدیدکننده صلح بشری مصروف نموده، و به اهداف خود نیز دست یافته است؛ و یا اینکه قدرت حاکم در جهت تسخیر جهان به نفع سیاست و تحمیل ایده‌ئولوژی خود سعی در کنترل و تسلط جهانی داشته است؛ در هیچ‌کدام از این دو حالت موفقیت بشر کامل و فراگیر نبوده و نتیجه این شده که نیروهای مخالف (چه خوب و چه بد) در اولین فرصت ممکن و در جهت احقاق حقوق خود با راه‌اندازی جنگ و درگیری، امنیت جهان را به خطر انداخته و بار سنگین خسارت‌های مادی و معنوی جهان‌سوزی را بر بشریت (ناخواسته و به اجبار) تحمیل کنند؛ و عجیب اینجاست که در جهان امروزی نیز این مشکل برقراری امنیت یک‌جانبه همچنان وجود دارد؛ و در نتیجه صلح و امنیت بشر را به خطر انداخته و در تهدید نگه داشته است! این سرنوشت ازلی و ابدی بشر طبق فرهنگ سیاسی موجود جهانی اوست؛ اما بر طبق اصول روشنگر، متحد‌کننده، آگاهی‌دهنده و

هشدار دهنده استاندارد دهیومینزم، و در ادامه طبق مدیریت انسانی آن، این وضعیت ابتدایی دگرگون و اصلاح خواهد شد.

نقش و اهمیت امنیتی که جامعه جهانی در جهان، و به کمک کشورهای جهان، و به شکلی انسانی و فراگیر برقرار می‌کند، بسیار فراتر از صرف ایجاد صلح و امنیت است! صلح و امنیت توأم با اصلاحات و کنترل بسیار قوی و همه‌جانبه جهانی، موجب می‌گردد تمامی ایده‌نولوژی‌های مدعی برقراری صلح و عدالت، پس از مشاهده این دگرگونی صحیح و انسانی بین‌المللی، توان یک‌سویه ایده‌نولوژی و تفکر خود را در مقابل آن بسیار حقیر و کوچک و ناتوان دیده، و در نتیجه تفکر شیطانی موقعیت‌سازی خود را که تا به حال تلاش می‌کرد با به کرسی نشاندن ایده‌نولوژی خود بر جهان حاکم شود، و کنترل جهان را در قبضه خود بگیرد، بی‌اثر دیده، و بنابراین آرامش و سکون بر تمامی تفکرات مدعی جهان حاکم خواهد گردید!

در وضعیت کنونی جهان، طبیعی و بدیهی است که هر گروه و عقیده و سیاستی (چه صادقانه و چه با اهداف تسلط جهانی) مدعی شود که می‌تواند بهترین راه‌کار صلح و امنیت جهانی را ارائه دهد! اما آنچه از حاصل جمع برترین‌های جهان در مسیر برآورده شدن نیازهای همه جهان انجام می‌شود و بدست می‌آید، فراتر و مشروع‌تر و قابل قبول‌تر از آن است که **یک تفکر مدعی آن می‌شود!** یک تفکر نمی‌تواند صلح و عدالت را برای همه جهانیان رقم بزند، اما **یک جامعه جهانی** بر مبنای رعایت حقوق همه بشر، می‌تواند.

از آنجایی که انسان استاندارد شخصیت و هویتی منطقی و واقع‌بین دارد، در نتیجه در تبیین سیستم مدیریتی هر یک از بخش‌های اصلی خود

(پنج بخش: سیاست، دین و عقیده، فرهنگ، علم، اقتصاد) با واقع بینی و منطقی می‌اندیشد؛ بنابراین در تشکیلات هر بخش - که از نمایندگان تمامی کشورهای جهان تشکیل می‌گردند - یک مدیریت و مغز و هسته مرکزی قرار می‌دهد که از برترین‌های بخش خود تشکیل می‌شوند! به عنوان مثال هسته مرکزی مدیریتی بخش سیاست، متشکل از کشورهایایی است که در عمل قوی‌ترین و بهترین سیاست‌های پویا و موفق جهان (با توجه به در نظر گرفتن موقعیت‌های استراتژیکی کشورها و همچنین توجه به پراکندگی مدیریتی جهان) را دارند؛ بدین ترتیب، ۱۰ کشور برتر از نظر قدرت سیاسی و نظامی و استراتژیکی و منطقه‌ای از میان کشورهای جهان انتخاب می‌گردند! این کشورها به عنوان مثال: کشورهای آمریکا و روسیه، چین، هندوستان، برزیل، استرالیا و سه کشور از اتحادیه اروپا و یک کشور از قاره آفریقا ... خواهند بود! همچنین ۱۰ کشور دیگر که بصورت دوره‌ای از میان تمام کشورهای عضو - و بدون هیچ نوع تبعیضی - انتخاب می‌گردند، که در مجموع ۲۰ کشور منتخب جهان مسؤولیت مدیریت و سیاست و حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده خواهند داشت؛ بودجه‌های لازم این بخش - در مسیر حفظ صلح و امنیت جهانی - توسط تمامی کشورهای عضو تأمین می‌گردد.

با چنین سیستم فراگیر و مطمئنی، امنیت جهان بطور مطلق حفظ گردیده و بشر به چشم اندازه‌ها و اهداف بهتری فکر خواهد کرد؛ کشورهای قدرت طلبی هم که دوست دارند جهان را در اغتشاش نگه دارند تا با فروش اسلحه سودهای نجومی کسب کنند، از این پس نبوغ خود را مصروف اهداف انسانی‌تر و سودهای نتیجه بخش‌تری خواهند نمود.

تا اصرار بر ایجاد تنش و در رنج نگه داشتن بشر؛ و همچنین تصورات خام و ابتدایی گروهک‌های جاهلی هم که تصور می‌کنند می‌توانند با اقدامات تروریستی و کشتار مردم بی‌گناه کنترل جهان را بدست بگیرند از ذهن‌شان بخار و محو گردیده و آنها نیز به آرامش خواهند رسید، و به کار و فعالیت‌های انسانی شایسته و در شأن خود خواهند پرداخت.

سیستم قوی مدیریتی بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی انسان استاندارد که هم‌زمان با چهار بخش دیگر جامعه جهانی در تعامل و ارتباط رسمی و تنگاتنگی خواهد بود جهان را در کنترل مطلق خود خواهد داشت، و راه هر منفذ قابل تصویری برای نفوذ ۱۰ درصد شیطانی برای ابد بسته خواهد شد، و بشر زندگی واقعی خود را پس از هزاران سال تجربه آغاز خواهد کرد!!!

سیستم مدیریتی بخش سیاست و مدیریت، در مسیر پاک‌سازی مدیریت و سیاست جهان اقدامات اصلاحی ویژه‌ای در دستور کار خود دارد که از جمله پاک‌سازی سیستم‌های سیاسی و حکومتی کشورهای جهان است؛ در این مسیر ابتدا بخش مدیریتی و سیاسی جهان به مطالعه و تحکیم مرزهای موجود کشورهای جهان می‌پردازد...؛ پس از تدوین نقشه جامع و مورد تأیید کشورهای جهان که مرزهای سیاسی و جغرافیایی کشورها را به امضای مجدد همه کشورها (به منظور حل اختلافات مرزی و تفاهم و حل همیشگی مشکلات بین مرزی کشورهای جهان) می‌رساند، مدیریت سیاسی جهان بشری به اصلاح ساختار سیاسی و مدیریتی و حکومتی کشورها می‌پردازد!

لازم به ذکر مجدد است که جامعه جهانی چیزی نیست جز ارگان و تشکیلاتی متشکل از همه کشورهای جهان، و بدیهی است که در

تصمیم‌گیری‌های آن همه کشورهای جهان شرکت می‌کنند، و طبیعی است تصمیم‌گیرنده نهایی در امور داخلی کشورها و یا هر امری که به نوعی با مسایل داخلی آنها مرتبط است، رضایت کشور مورد نظر شرط تأیید تصمیم و تأیید نهایی جهانی خواهد بود، و البته هر کشوری به خوبی درک خواهد نمود که در فضای پویای جامعه جهانی که همه چیز مسیری انسانی و توأم با صلح و تفاهم را مدنظر دارد، بدون شک تصمیمات آن بر پایه عقل جمعی است؛ به هر حال از وظایف اصلاح‌کننده بخش سیاسی جهان که اثرات مثبت جهانی در پی خواهد داشت این است که سیستم‌های مناسب سیاسی کشورها بر طبق ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، قومی و غیره آنها بررسی و بهترین سیستم سیاسی که می‌تواند کشوری را از ضعف‌های مدیریتی و تنش‌های سیاسی داخلی آن نجات دهد به آن کشور ارائه می‌گردد؛ از آنجایی که بخش سیاست جامعه جهانی متشکل از دانشمندترین و برترین سیاستمداران و فلاسفه سیاسی جهان تشکیل شده است، در نتیجه راه‌کارهای سیاسی ارائه شده توسط آن بخش بزرگ‌ترین کمک سیاسی به کشورهای جهان خواهد بود تا با انتخاب سیستم مناسب و انتخاب راه‌حل منطقی رفع مشکلات سیاسی‌شان، کشور خود را از بن‌بست‌های موجود رهایی داده و به سمت توسعه پایدارتر خود هدایت کنند؛ یادآور می‌شوم که بشر در دنیای چهارم زندگی خود و پس از درک اینکه باید از تسلط ۱۰ درصد شیطانی رها شود، دیگر آن بشری نخواهد بود که با اخلاق فعلی بخواهد امور خود را بگذراند، در نتیجه زمانیکه پیشنهاد و طرحی از طرف جامعه جهانی به کشوری ارائه می‌گردد، برخورد کشورها با آن طرح و پیشنهاد با منطق و اخلاق انسان استاندارد همراه خواهد بود، و نه

به شکلی جاهلانه، و خودخواهانه، و قدرت طلبانه! در نتیجه کشورها در مسیر دستیابی به رشد سریع تر خود از هر پیشنهاد سازنده‌ای استقبال خواهند کرد.

از آنجایی که دنیای پویا و انسانی انسان استاندارد دنیای کاملاً متفاوتی نسبت به دنیای جاهلانه تسلط ۱۰ درصد شیطانی است، در نتیجه ماهیت و شکل و اهداف سیاست در آن بسیار متفاوت است؛ در دنیای انسان استاندارد جایی برای رقابت‌های جاهلانه و قدرت طلبانه وجود ندارد و سیستم مدیریتی کاملاً متفاوت خواهد بود؛ در جامعه جهانی انسان استاندارد از یک سو کل جهان مدیریت می‌شود، و از سوی دیگر کشورها تحت نظارت جهانی در امور داخلی خود رشد می‌کنند، و در نتیجه کل جهان هم‌زمان و به بهترین شکل ممکن مسیر رشد کامل و همه‌جانبه انسانی را در جهت زندگی صلح‌آمیز و کامل انسانی، و به نفع انسان‌ها (۷۰+۲۰...) درصد) می‌پیماید!

به منظور درک وضعیت فعلی سیاسی و مدیریتی کشورهای جهان، و همچنین معضلات و موانع عظیم و بی‌شماری که کشورهای عقب مانده در مسیر رشد مادی و معنوی جهانی ایجاد می‌کنند، و همچنین تأثیر شگفت‌انگیز اصلاحی که مدیریت فراگیر جامعه جهانی انسان استاندارد می‌تواند بر رشد و توسعه جامعه جهانی بگذارد، توجه شما را به مثال زیر جلب می‌نمایم:

$$۲+۲=۴$$

کلاس درسی را فرض بگیرید که تعدادی شاگرد در آن نشسته‌اند و معلم برای اولین بار می‌خواهد به آنها آموزش دهد که دو بعلاوه دو می‌شود

چهار؛ در همان بار و لحظه اول که معلم مسأله را طرح و جواب آن را می‌گوید چند دانش‌آموز باهوش‌تر کلاس متوجه مسأله و جواب آن می‌شوند، و به محض تکرار سؤال جواب را بدون تأمل به معلم می‌گویند و تشویق می‌شوند؛ چند دانش‌آموز بعدی کمی کند هستند، اما پس از کمی فکر جواب را می‌گویند؛ چند دانش‌آموز دیگر کمی راهنمایی می‌شوند تا جواب را بخاطر آورده و پاسخ دهند؛ اما با کمال تعجب متوجه می‌شویم که عده‌ای بازیگوش و تنبل نیز هستند که نمی‌توانند پاسخ صحیح را بدهند و اساساً نمی‌خواهند درس بخوانند و فقط بدنبال شرارت و بازی‌گوشی و تنبلی هستند، و در نتیجه از بقیه هم‌کلاسی‌های خود عقب مانده و همیشه درجا می‌زنند! ... در عرصه سیاست و حکومت کشورها، شاگرد اول‌ها کشورهایی مثل ژاپن هستند، و برخی دیگر مثل کره جنوبی و یا مالزی و ... و یا برخی کند هستند اما بالاخره راه خود را پیدا می‌کنند و به رشد و توسعه می‌رسند، مثل ...؛ اما مدیران و سیاستمداران کُندذهنی هم هستند که نیاز به کمک دارند تا راه خود را بیابند؛ و البته و متأسفانه برخی دانش‌آموزان شرور و خطرناکی نیز وجود دارند که لازم است عزل و اخراج شوند!

این مثال وضعیت فعلی، و توان حکومتی و سیاسی کشورهای جهان را نشان می‌دهد که برخی به سرعت راه‌حل‌ها را می‌یابند و راه توسعه خود را پیدا می‌کنند، و برخی کُند هستند، و برخی جاهل قدرت طلب نیز هستند که کشور خود را در فقر نگه داشته‌اند، و مردم بیچاره و رنج دیده خود را محروم و فقیر و عقب مانده!

کشورهای ضعیف مُعضل حل‌نشده‌ی جهان بشری هستند! آنها با سیاست و مدیریت ضعیف خود به رقابت‌ها و تنش‌های داخلی خود دامن می‌زنند؛ آنها با ضعف در کنترل سیاسی و مدیریتی خود امنیت کشورشان را دست‌نیافتنی می‌کنند؛ آنها با عدم درک صحیح ایده‌نولوژیکی انسانی و در نتیجه عدم درک مسأله تفاهم بین‌المللی، معضلی می‌شوند در مسیر صلح و آرامش بین‌المللی؛ کشورهای ضعیف از نظر مدیریتی دچار معضلات عظیم‌تری نیز در امور داخلی خود می‌شوند، از جمله اینکه آنها بدلیل ناتوانی‌های سیاسی و مدیریتی دچار ناتوانی‌های اقتصادی نیز می‌گردند؛ در ادامه دچار معضلات فرهنگی نیز می‌شوند، و همچنین گرفتار مشکلات علمی و عقیدتی و بسیاری مشکلات دیگر ... و در نهایت معضلی خواهند بود در مسیر **پیشرفت همه‌جانبه بشر!** این کشورهای ضعیف (چه ضعیف از نظر مدیریتی و سیاسی، و چه از نظر ضعف در درک انسانیت و عدالت) بشریت را عقب مانده نگه می‌دارند.

زمانیکه مدیریت جهانی انسان استاندارد حاکم شود، اول: کشورهای فقیر تا جایی که ممکن است از کمک‌های جهانی در تمامی عرصه‌های زندگی انسانی - که جزو وظایف و اهداف جامعه جهانی و حق انسانی کشورهای جهان است - برخوردار شده، و دوم اینکه سلطه افراد جاهل و قدرت‌طلب به دلیل شعور و آگاهی ملت‌ها در آن کشورها پایان یافته، و در نتیجه هرگز به قدرت نخواهند رسید؛ و اگر هم به قدرت برسند **انسجام جهانی بشر و مدیریت جامعه جهانی** آنان را به سرعت عزل و طرد خواهد کرد! ریشه عقب‌ماندگی کشورهای جهان این است که قدرت در این کشورها در دست سیاستمداران و حاکمان نالایق و قدرت‌طلب افتاده و آنها تنها به حفظ سلطه و حکومت خود می‌اندیشند؛

طبیعتاً چنین افرادی مدیران شایسته‌ای نخواهند بود، بنابراین شاهد عقب ماندگی و رنج مردم آنها می‌باشیم!

به این ترتیب، به روشنی ثابت می‌گردد که استاندارد هیومنیزم و مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد چقدر می‌تواند گره‌گشا و نجات بخش باشد؛ در درجه اول زمانیکه تفکر و اخلاق انسان استاندارد جهانی شد و بشر مجهز به پنج اصل انسانی آن گردید از خودخواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها و تنبلی‌ها رها می‌شود، و با تلاش صادقانه به امور سیاسی و حکومتی خود می‌پردازد، و در درجه دوم این آمادگی را پیدا می‌کند که هر طرح و پیشنهاد و راه و روش مثبت انسانی را که می‌تواند رشد او را سرعت دهد بپذیرد؛ بنابراین اهمیت بخش سیاست جامعه جهانی و تأثیر شگرفی که می‌تواند بر حفظ امنیت جهان و همچنین مدیریت کشورها داشته باشد به خوبی روشن می‌گردد.

لازم به ذکر است که شیوه‌های کمک‌رسانی بخش‌های مختلف جامعه جهانی در چند شکل و صورت متفاوت و متنوع انجام می‌گردد: در برخی موارد پیشنهادها صرفاً نظری هستند؛ در برخی موارد با کمک‌های مالی همراه است؛ و در برخی موارد نیز با کمک‌های انسانی و حضور در محل همراه می‌باشد؛ به هر صورت در مدیریت جامعه جهانی علم جهان، تخصص جهان، ثروت جهان، سیاست و مدیریت جهان، در خدمت کل جهان است، و اینطور نخواهد بود که کشوری و مردمی در اوج ثروت و موفقیت باشند و همسایه آنها مردمی فقیر و تحت حکومت عده‌ای تنبل و یا جاهل و یا ظالم!

از سودمندی‌های بسیار ارزشمند دیگر مدیریت جهانی جامعه جهانی انسان استاندارد، این است که پایداری و ثبات توسعه کشورهای را تضمین

می گرداند! در وضعیت فعلی جهان این امکان و تهدید وجود دارد که کشوری که در حال پیمودن مسیر توسعه خود است، دچار دگرگونی های سیاسی گشته و تمامی دستاوردهای خود را - به دلیل بروز هر رخدادی که به سادگی می تواند امنیت او را از بین ببرد - از دست داده و رنج و فقر مجددی را بر مردم خود تحمیل کند، تا مجبور شوند بخاطر گروهی که قدرت را از رقیب قبلی گرفته اند سختی های جدیدی را تحمل کنند! در حالی که در سیستم انسان استاندارد بهترین مسیر رشد و توسعه مادی و معنوی کشورها از طریق مطالعات وسیع جهانی مشخص گردیده، و راه روشن رشد همه جانبه کشورها مشخص و برنامه ریزی شده است، و دیگر نیازی نخواهد بود تا هیچ گروه و حزبی ثبات یک کشور را به بهانه ارایه روش و برنامه های بهتر خود متزلزل کرده و از بین ببرد! بدین ترتیب وقت و انرژی، آسایش و ثبات، و رشد و ترقی جهان دستخوش بوالهوسی ها و قدرت طلبی های خانمان برانداز گروهی جاهل کوچک، و یا صادق اما کم سواد نخواهد شد، و ملت های جهان با سرعت و دقت کامل انسانی، رشد همه جانبه جهان خود را شاهد خواهند بود.

بدنه جامعه بشری رشد کرده و به ابزار نظارت جهانی دست یافته است، در نتیجه این وظیفه جهان بشری است که نسبت به بخش های کهنه و قدیمی آن حساس باشد و دست به نوسازی آنها بزند، در نتیجه در بخش مدیریتی و سیاسی، جهان بشری می بایست با روش و سیستمی قوی و مدرن و فراگیر به کمک کشورهای فقیر از نظر مدیریتی بشتابد و سیستم آنها را نو و به آنها کمک کند تا در مسیر پیشرفت صحیح و سالم انسانی خود گام بردارند؛ جهان امروز بشر باید به سرعت از افکار

مدیریتی کهنه پاک شود، و این وظیفهٔ ارگانی جهانی متشکل از نمایندگان تمامی کشورهای جهان است.

نوسازی سالم و قدرتمند جامعهٔ جهانی انسان استاندارد با شیوهٔ یکجانبهٔ تک قدرتی فعلی جهان بسیار متفاوت خواهد بود، که با لشکرکشی و کشتار سعی داشته - و ممکن است در آینده نیز داشته باشد - که جهان را به شیوهٔ خود اصلاح کند.

اقدامات یکجانبهٔ کنونی در مسیر ایجاد ثبات سیاسی جهان هر چند لازم و شایستهٔ تقدیر است، اما از آنجایی که بیشتر اهداف یک سویه‌ای را دنبال می‌کند، و همچنین از طرف ارگان مشروعی که همهٔ جهان آن را پذیرفته و باور داشته باشند انجام نمی‌شود، در نتیجه تنش‌ها و مخالفت‌های بسیاری را در جهان ایجاد کرده است

بخش مدیریت و سیاست جامعهٔ جهانی یک ارگان مشروع بین‌المللی خواهد بود که با رأی مردم جهان و رأی تمامی کشورهای جهان مشروعیت پیدا می‌کند، چنین ارگانی با مشروعیتی جهانی عملکردی بسیار صحیح‌تر از عملکرد کشورهای قدرتمند جهان خواهد داشت، که همچون شیری به میدان می‌آیند که روباهی و یا گرگی و یا گوسفندی را بدرند! و در نتیجه بی‌گناه و با گناه را می‌کشند و جهان خود را به جنگ و تنش و ناامنی گرفتار می‌سازند؛ هر چند این تنها شیوهٔ فعلی و موجود جهان است اما شکل صحیح و انسانی آن تنها با مدیریت جهانی و از طریق جامعهٔ جهانی و بخش مدیریت و سیاست آن امکان‌پذیر خواهد بود.

تفکر انسان استاندارد از آنجایی که بر پایه احترام به عقاید و تفکرات جهان پایه ریزی شده است می تواند از مشروعیت لازم و مدیریتی فراگیر و جهانی برخوردار گردد.

بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی همچنین وظیفه عظیم و خطیر محافظت از کره زمین را برعهده دارد! طبق تفکر انسان استاندارد کره زمین و طبیعت و دشت و دریا و بیابان و آسمان آن می بایست پذیرای میلیاردها انسانی باشد که زندگی جدید خود را قرار است در هزاره سوم در آن آغاز کنند، در نتیجه کره زمین و طبیعت شگفت انگیز آن می بایست به بهترین شکل ممکن و توسط همه جهان از طریق قوی ترین تشکیلات قانونی و مشروع بشری محافظت گردد؛ محافظت از کره زمین و طبیعت آن نیازمند اقداماتی جدی و فراگیر در این عرصه است؛ از جمله و از مهم ترین اقدامات اصلاحی و امنیتی و محافظتی از کره زمین مصون نگه داشتن آن از هرگونه آلودگی های شیمیایی و اتمی است! این وظیفه و تعهد بشری در ادامه اقدامات تنش زدایانه جامعه جهانی و بخش مدیریت و سیاست آن، اقدامات زنجیره واری را در پی خواهد داشت که اساساً صلح و امنیت جهان را با تضمین بیشتری همراه خواهد نمود؛ زمانیکه قدرت طلبی های عقیدتی و سیاسی تنش زا با اقدامات اصلاح گرایانه سیستم و تفکر انسان استاندارد به حداقل خود برسد، اقدامات دیگری چون ضرورت محافظت از کره زمین، به عنوان مکانی کاملاً امن موجب می گردد تا مسابقات تسلیحاتی و اتمی ۱۰ درصد شیطانی نیز به حداقل خود رسیده، و با کنترل و مهار آن توسط بخش مدیریت و سیاست جهانی، شاهد برچیده شدن آن و بالاخره از بین رفتن آن گردیم!

آنچه گفته شد مختصری از روش مدیریت ریشه‌ای استاندارد هیومنیزم در هدایت شایسته جهان بشری می‌باشد؛ این گوشه و مختصری بود از آنچه بشر می‌تواند و می‌باید در جهت اصلاح دنیای خود انجام دهد؛ این اصلاحات عظیم از اصلاح فردی شروع می‌شود و پس از باور به اینکه ما شایسته یک زندگی پویای انسانی هستیم به برقراری جامعه جهانی انسان استاندارد ختم می‌گردد!

در طول چندین هزار سال گذشته، هم شیطان جهل و خودخواهی و قدرت طلبی از بشر خسته شده است و هم خودخواهان و قدرت طلبان خسته‌اند! تا کی همدیگر را بکشند و مال یکدیگر را بخورند و بر جهان حاکم شوند و ظلم کنند و جنگ راه بیندازند! آنها خسته‌اند و انتظار روزی را می‌کشند که بشر ذی‌شعور همت کند و بالاخره زندگی صحیح و انسانی خود را بر روی این کره خاکی آغاز کند، تا آنها نیز کمی استراحت کنند و به خود پردازند و اصلاح شوند!

سیستم پیشنهادی حکومتی انسان استاندارد

استاندارد هیومنیزم یک سیستم حکومتی ایده‌آل انسانی را به شرح زیر تعریف می‌کند:

نوع حکومت استاندارد انسانی از نگاه استاندارد هیومنیزم یک سیستم لیبرال دموکراسی است که حقوق منطقی و انسانی همه افراد و گروه‌ها در آن از طرف قانون اساسی کشور محفوظ و در نظر گرفته شده است؛
 در سیستم دموکراسی استاندارد هیومنیزم رکن اصلی و مدیریت اصلی در دست مجلس مردمی است و رئیس مجلس همان رئیس جمهور و رهبر کشور می‌باشد! ... نمایندگان مجلس هر چهار سال یکبار ۱۰ نفر از برگزیدگان خود که جزو شایسته‌ترین و فرهیخته‌ترین نمایندگان

مردمی هستند را به مردم معرفی و طی انتخاباتی آزاد و با حق رأی عمومی، فرد صالح تر را به سِمَت ریاست جمهوری (مدیریت کشور از طریق مجلس) انتخاب می کنند؛ ... مردم از میان برگزیدگان، آن فردی که دارای ویژگی های شخصیتی، مدیریتی و علمی برتری است را انتخاب و در نتیجه با الهام گرفتن از شخصیت والای او با حس تازگی و امید بیشتری نسبت به رشد و توسعه کشورشان زندگی خود را ادامه می دهند؛ در سیستم پیشنهادی استاندارد دهیومنیزم رئیس کشور نماینده و مسئول مستقیم ملت به شمار می آید و نه حاکم مطلق کشور! (رئیس جمهور وظایف اجرایی را با کمک معاونان خود انجام می دهد ...).

در حکومت انسانیت بر انسان جامعه شاهد رقابت های حزبی در جهت تصاحب قدرت و اعمال نظرات حزبی نیست، در نتیجه مجلس یک تشکیلات فرا حزبی می باشد؛ اعضای چنین مجلسی در نتیجه نمایندگانی فراسیاسی دارد که از بین اساتید دانشگاه های کشور که فرهیخته ترین و دانشمندترین اعضای جامعه انسانی خود هستند، از طریق رأی گیری و انتخابات آزاد، و تنها بر اساس لیاقت ها، و سوابق تحصیلی، علمی و شغلی خود انتخاب می شوند؛ چنین اعضای شایسته ترین، عالم ترین و سالم ترین افراد جامعه خود خواهند بود که بهتر از هر فرد و گروه دیگری توانایی علمی، و درک مدیریت و قانون گذاری صحیح انسانی را خواهند داشت؛ در نتیجه ملاک های گزینش در چنین حکومتی تنها بر محور لیاقت، شایستگی، انسانیت و اجرای قانون قرار دارد و استوار است.

رکن اصلی حکومت، مجلس مردمی است؛ که - با توجه به محوریت پنج دپارتمان اصلی: مدیریت و سیاست؛ ادیان و عقاید؛ فرهنگ و هنر...؛ علم و دانش، و اقتصاد و تجارت؛ که کانال های اصلی ارتباطی (از طریق سفارتخانه های مادر) با پنج بخش جامعه جهانی در هر کشوری هستند - خود پنج بخش و وظیفه اصلی دارد، شامل: ۱/ قانون گذاری. ۲/ طراحی و برنامه ریزی توسعه

همه‌جانبه کشور، و نظارت بر اجرای برنامه‌های مصوب توسعه. ۳/ بانک مرکزی و خزانه‌داری کل. ۴/ حفظ امنیت ملی. ۵/ امور بین‌الملل.

(نقش کلیدی پنج بخش محوری در اینجا بسیار مهم است چون حتی قبل از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد کشورهای جهان خواهند توانست از طریق پاک‌سازی پنج حقیقت برتر در کشور خود، مسیر رشد و توسعه فراگیر خود را بسیار سریع‌تر و زودتر از موقع پیمایند؛ سیستم سیاسی استاندارددهیومنیزم نجات بخش کشورهای عقب مانده و رشد دهنده کشورهای پیشرفته است)

در سیستم استاندارددهیومنیزم بخش سازندگی برعهده یک شبه‌دولت (باریاست نخست وزیر) است که تنها وظیفه اجرای مصوبات و برنامه‌های توسعه کشور که بخش برنامه‌ریزی مجلس ارائه می‌دهد را دارد، در نتیجه این بخش فقط یک بازوی اجرایی است؛ این شبه‌دولت یک تشکیلات سبک دولتی است که با کمک بخش خصوصی تمامی برنامه‌های توسعه کشور در تمامی زمینه‌های زندگی اجتماعی شامل امور دینی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و پرورشی، بهداشتی و ... را مدیریت و اجرا می‌کند؛ این بخش اجرایی زیر نظر بخش‌های اصلی مجلس، امور اجرایی کشور را مدیریت کرده و به انجام می‌رساند! امور بین‌الملل کشورها از مسیر نمایندگی‌های جامعه جهانی (سفارتخانه‌های مادر) انجام می‌گردد؛

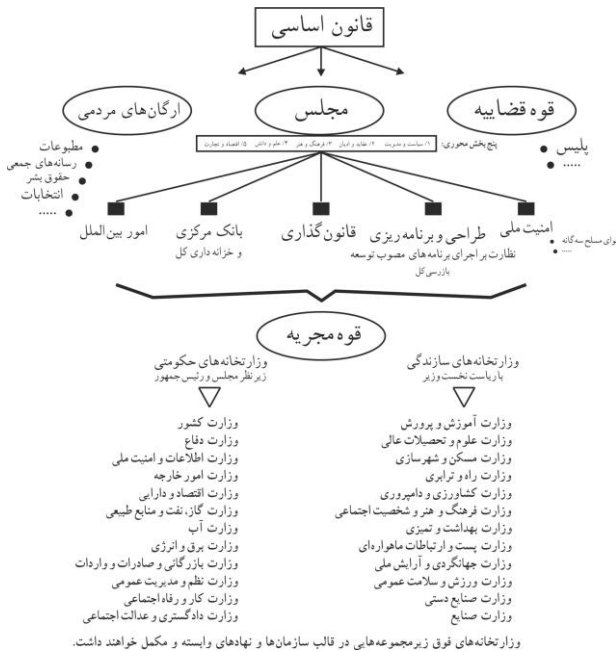
محو کردن رقابت‌های سیاسی و حزبی از کشور و از مجلس قانون‌گذار و همچنین جدا کردن اختیار و مسئولیت برنامه‌ریزی از دولت و سبک کردن آن موجب پاک‌سازی حکومت از کنترل و تسلط مراکز قدرت شده و انرژی‌های کشور را در جهت فعالیت مثبت و برنامه‌ریزی سالم به نفع کشور و ملت متمرکز خواهد کرد؛ ... رقابت‌های حزبی در دنیای ۱۰ درصد شیطنانی تنها به این منظور انجام می‌گردد که هر گروه و حزب و تفکری مدعی ارایه بهترین راه کار رشد و توسعه کشورها است! اما در دنیایی که برترین و صحیح‌ترین راه کارها توسط عقل و دانش جمعی ارائه می‌گردد، حزب یک بحث سنتی و تاریخی است.

در سیستم پیشنهادی استاندارد هیومنیزم **دیوان عالی** وظیفه کنترل قضایی را داشته و مسؤول و حافظ مستقیم اجرای قانون در کشور می باشد، ... دیوان عالی مجری و حافظ قانون است و کنترل سلامت قانونی جامعه را از هرگونه قانون شکنی و فساد دولتی و اجتماعی برعهده دارد؛ پلیس در این ارتباط زیر نظر دیوان عالی فعالیت دارد؛ ... علاوه بر این در جامعه انسانی بازرسی کل کشور و مطبوعات و رسانه های جمعی نقش چشم و گوش و وجدان کشور را برعهده داشته و با اختیار تام قانونی و با استقلال مطلق در تعامل با مجلس مردمی و دیوان عالی کشور، فعالیت قانونی و اجتماعی و انسانی خود را انجام می دهند؛ همچنین به عنوان تضمینی قانونی و مشروع در جهت رعایت قانون جامعه توسط حکومت و ارگان های آن، مردم حق قانونی و رسمی دارند تا نظرات و شکایات خود را مستقیماً در دیوان عالی نسبت به هر ارگان و تشکیلات حکومتی ارجاع داده و در صورت رسیدگی نشدن (در زمان مناسب و مقرر) این حق را خواهند داشت تا شکایات خود را مستقیماً به بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی و بخش دادگاه بین المللی حقوق بشر آن اعلام و آن را به شکلی فراگیر و مؤثر پی گیری کنند

نیروهای مسلح زمینی و هوایی و دریایی کشورها در ارتباط و همکاری و پیمان مشترک و مستقیم با بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی قرار دارند، و علاوه بر همکاری در کنترل مرزها و جلوگیری از نفوذهای خصمانه و یا تروریستی، آمادگی کامل خواهند داشت تا به عنوان نیرویی کمکی در شرایط اضطراری و تحت مدیریت و هماهنگی و نظارت بخش مدیریت و سیاست جهانی به هر نوع کمک لازم بشتابند؛ نیروهای مسلح زیر نظر بخش امنیت ملی مجلس فعالیت می کنند

تأکید بر اختلاف و تنوع عقیده حزبی در دموکراسی که مهمترین تضمین دولت ها از سقوط به ورطه دیکتاتوری و خودکامگی است، در استاندارد هیومنیزم از طریق سیستم مدرن حکومتی آن و با محوریت پنج

بخش اصلی: سیاست، عقاید و تفکرات، فرهنگ، علم و اقتصاد - متشکل از نمایندگان تمامی اندیشه‌های مطرح و موجه جامعه - انجام می‌گردد! بنابراین بحث چک و بالانس در شکل نظارتی خود از طریق حضور و مشارکت جمعی تمامی بخش‌های فرهیخته و آگاه جامعه تضمین شده، و سیستم مدیریتی جامعه با حذف شکل کهنه شده **قدرت طلبی حزبی** کنونی - که پس از سیر یک دوره تاریخی **تسخیر قدرت** از تسلط و کنترل پادشاهان و ادیان و عقاید به دست احزاب افتاده است - به شکل کامل تر و هماهنگ تر (با نظارت افکار عمومی، مطبوعات و رسانه‌های جمعی و دیوانعالی) **حکومت انسانیت بر انسان** را از هر سقوطی حفظ و ثبات حکومت و رشد و پیشرفت جامعه را تضمین می‌گرداند.



در سیستم فوق هدف این است تا یک نظم دقیق با هماهنگی ساعت-گونه‌ای بین بخش‌های مختلف حکومت برقرار گردد تا امور کشور به بهترین شکل خود پیش رود. در استاندارد هیومنیزم حکومت بر مردم به شیوه‌های مرسوم نداریم، بلکه یک سیستم مدیریتی داریم شامل چهار بخش اصلی که با حمایت قانون اساسی کار می‌کنند.

سیستم داخلی مدیریتی و حکومتی کشورها ... هماهنگ با نیازهای سیاسی، عقیدتی، فرهنگی، علمی و اقتصادی هر کشور، و با مشاوره و طراحی و هماهنگی بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی شکل می گیرد، در نتیجه یک اشل کوچک شده مدیریتی با الگوبرداری از سیستم جامعه جهانی انسان استاندارد، به علاوه شرایط خاص سیستم خود از نظر ترکیب حکومتی و سیاسی و اجتماعی خواهد بود.

از آنجایی که تفکر و اندیشه استاندارد هیومنیزم بر پایه سیستمی انسانی تأکید دارد، و اساساً ریشه پیدایش مشکلات را در نفس تفکر و قدرت طلبی ۱۰ درصد شیطانی می بیند، در نتیجه با قطع دست نیروهای منفی، یک سیستم مدیریتی سالم و قوی انسانی ایجاد می کند که بر پایه تفاهم و همکاری بین المللی استوار است، بنابراین در چنین سیستمی و تحت نظارت و هماهنگی چنین مدیریتی امور جامعه بشری بسیار روان و هماهنگ پیش خواهد رفت.

استاندارد هیومنیزم تمرکز قدرت و حزب گرایی و فرد گرایی را ذوب نموده و حکومت قانون انسانی را در دستان انسان ها استوار و پایدار می گرداند.

مدیریت و سیاست و زیرمجموعه های آن

زیرمجموعه های بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی از گستردگی خاصی برخوردار است؛ از آنجایی که اهداف بخش مدیریت و سیاست وسیع و فراگیر است، در نتیجه زیرمجموعه های آن تمام مدیریت و سیاست جهان را شامل می شود!

زیرمجموعه های بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی عبارتند از:

- ۱/ شورای محافظت از صلح و امنیت جهانی.
- ۲/ شورای دوستی و اتحاد و همکاری بین‌المللی.
- ۳/ شورای مطالعاتی مدیریتی و حکومتی.
- ۴/ شورای کمک و همکاری‌های اصلاحی سیاسی.
- ۵/ شورای اصلاح و بازنگری مرزهای سیاسی کشورهای جهان.
- ۶/ شورای تقویت و تجهیز مرزهای فیزیکی کشورهای جهان.
- ۷/ شورای مطالعه طبیعت و حفظ کره زمین از خطرات زیست‌محیطی در بخش‌های زمین، دریا و آسمان
- ۸/ شورای پاک‌سازی و محافظت کره زمین از احتمال آلودگی‌ها و خطرات شیمیایی و اتمی و غیره.
- ۹/ شورای حوادث غیرمترقبه و طبیعی مانند سیل، زلزله، آتشفشان و غیره.
- ۱۰/ دادگاه رسیدگی به اجرای قانون در کشورهای جهان.
- ۱۱/ کمیته تخصصی شناسایی و جلوگیری از نفوذ جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان به عرصه سیاست و مدیریت جهان.
- ۱۲/

این کمیته‌ها و شوراهای وظایف قانون‌گذاری و اجرایی خواهند داشت، و مسؤول مستقیم انجام وظایف تعریف شده خود بوده، و بطور فعال و مشروع توسط بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی انسان استاندارد، متشکل از نمایندگان تمامی کشورهای جهان، کار خود را آغاز و به انجام می‌رسانند.

جامعه جهانی از نمایندگان تمامی کشورهای جهان تشکیل می‌گردد و تمامی آنها در مدیریت و اجرا و سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های آن سهیم می‌باشند؛ در نتیجه تفاهم و همکاری و مشارکت در اوج خود بوده، و مانعی در جهت مدیریت جهانی، و در برابر جامعه جهانی، و در مسیر انجام تعهدات و وظایف جهانی وجود نخواهد داشت!

مدیریت ریشه‌ای و پرسپکتیوی، و نظم هر می و پلکانی مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد، ساختمان مدیریتی جهان را از هر گونه سازمان و تشکیلات موازی و هزینه‌بر پاک کرده و یک نوع یکدستی سازمانی را حاکم می‌کند، و همان خواهد بود که از آن به عنوان حکومت انسانیت بر انسان یاد می‌کنیم، که توسط همه عقل و شعور و علم جهان و به نفع همه جهان مدیریت خواهد شد، و همه جهان را یکدست و هماهنگ به سمت پیشرفت و توسعه هدایت خواهد نمود؛ چنین سیستمی ساختمان سنگین و فرسوده مدیریتی کشورهای جهان را تخریب و یک سیستم فراج جهانی و هماهنگ و مؤثر را جایگزین خواهد کرد، که علاوه بر آنکه باعث نوسازی ساختارهای درونی مدیریتی و حکومتی کشورهای جهان می‌گردد، کشورهای جهان را دست در دست هم و با نظارت و کنترلی جهانی - به عنوان واحدهای مکمل همدیگر - و در مسیر توسعه هماهنگ جهانی به پیش خواهد برد. اصلاحات و اقداماتی که توسط یک تشکیلات عظیم مدیریتی و جهانی می‌تواند انجام شود، و شگفتی‌ها و اثرات مثبت و همه‌جانبه‌ای که می‌تواند بر زندگی بشر بگذارد، برای همه بشر قابل تصور و قابل قبول است؛ بخصوص اینکه چنین اقداماتی توسط جامعه جهانی انسان استاندارد، به شکلی فراگیر و در همه بخش‌ها و امور زندگی بشر، و هم‌زمان و هماهنگ انجام گردد! بنابراین از توضیحات اضافه و ارایه سودمندی‌های بیشتر آن می‌کاهم؛ همین نیز کافی است اضافه گردد که به عنوان مثال در ارتباط با بروز حوادث غیرمترقبه و کمک‌هایی که کشورهای جهان و جامعه جهانی می‌توانند انجام دهند، به سیل اخیر پاکستان و زلزله هائیتی اشاره کنیم، اگر مدیریت جامعه جهانی بر جهان حاکم باشد، ارسال کمک‌های مادی و غذایی و امداد رسانی و غیره در چنین مواقعی در یک لحظه و با یک مدیریت واحد انجام می‌گردد، و کشور آسیب دیده هر لحظه منتظر رسیدن کمک‌های پراکنده از اینطرف

و آنطرف جهان و به شکل صدقه‌ای و ضعیف نمی‌نشیند، و نیازی نخواهد بود تا مرتب به جهان اعلام کند که وضعیت ما وضعیت حاوی است و نیاز به کمک داریم؛ ... اما در چنین وضعیتی و تحت مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد، بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی و بخش و زیرمجموعه حوادث غیرمترقبه آن، جلسه‌ای اضطراری تشکیل می‌دهد، و با در اختیار داشتن تمام ثروت جهان و امکانات جهان از همان ساعت اول به کمک می‌شتابد، و در اسرع وقت آنچه را باید و در دستور کار خود دارد به شایسته‌ترین شکل ممکن انجام خواهد داد؛ در حالی که اکنون پس از گذشت ماه‌ها (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰) همچنان زلزله‌زدگان هائیتی منتظر کمک‌های بشر دوستانه جهانی هستند، و مردم غرق شده پاکستان نیز در انتظار کمک و نجات از سیل، ... و این نگرانی نیز وجود دارد که به دلیل فساد مالی! ... کمک‌های جهانی به شکل صحیح و مناسب به مردم محروم نرسد! ... بخشی از جهان در پیش چشم بخشی دیگر از جهان به زیر آب رفت و شسته شد، اما کمک‌های نجات بخش بسیار پراکنده و ضعیف بود!

جامعه جهانی انسان استاندارد این توان و مسؤلیت مدیریتی را دارد که همه جهان را با حمایت همه جهان مدیریت و کنترل کند، جامعه جهانی انسان استاندارد یک فراحکومت و یک ابرتشکیلات مشروع و قانونی و توانمند انسانی است، که به عقل جهان، و ثروت و مدیریت جهان مجهز است، در نتیجه آنچه را که صحیح است به بهترین شکل ممکن انجام خواهد داد.

تفکر انسان استاندارد و حکومت و مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد، حکومت قدرتمند و مدرن انسانیت بر انسان است، که حفظ جان انسان‌ها و برقراری شرایط مناسب زندگی مادی و معنوی برای تمام مردم جهان و بطور برابر از عظیم‌ترین اهداف آن است.

بخش دوم / افکار و عقاید و ادیان

افکار و عقاید و ادیان، مجموعه‌ای را می‌سازند که ده‌ها و صدها باور الهی و غیرالهی، و تفکرات سیاسی و فلسفی و ایده‌ئولوژیکی متفاوتی را دربرمی‌گیرد! همه اینها بوجود آمده‌اند تا بشر را به سمت یک زندگی برتر راهنمایی کنند! همه اینها شکل گرفته و بوجود آمده و ظهور کرده‌اند، تا بشر را در مسیر گذران یک زندگی بهتر و به شیوه خود راهنمایی و هدایت کنند، و از گرفتاری‌هایش نجات دهند! بخشی از اینها با تأکید بر معنویات و تفکرات ماورایی انسان‌سازی و جامعه‌سازی می‌کنند، و برخی با تأکید بر اصول و قواعد معنوی و برپایه درون‌گرایی و خودسازی، و برخی دیگر نیز از زاویه نگاهی اجتماعی و برپایه اصولی علمی سعادت بشر را می‌جویند! ... ادیان و آیین‌ها و تفکرات بشر حاصل و دست‌آورد معنوی، و علمی و اجتماعی او به منظور رسیدن به صلح و سعادت همیشگی و ابدی‌اش هستند!

ادیان و عقاید بشری به همان نسبت که انسان‌ساز و جامعه‌ساز هستند، مهم‌ترین بسترهای نفوذ ۱۰ درصد شیطانی - به منظور کنترل جهان بشری به نفع خود - نیز می‌باشند، و این خود برترین گواه آن است که شاهد هستیم که در طول تاریخ آیین‌هایی انسانی و متعالی نمایان شده‌اند، اما پس از گذشت مدت زمانی از ظهور آنها تفرقه و دشمنی در بین طرفداران و پیروان آنها آشکار گردیده که منجر به پاره پاره شدن آن تفکر - واحد و خالص اولیه - در جرگه شیران درنده گردیده که هر کدام سهم بیشتری را طلبیده‌اند تا قدرت و سلطه بیشتری را بر جهان انسان‌ها بدست آورند! و خود را از همه به حق‌تر معرفی کنند! ...

ادیان و آیین‌های انسانی (مذهبی، سیاسی، فرهنگی ...) در برگیرنده نگاه و جهان‌بینی بشر به جواب سؤال‌هایی چون حقیقت جهان، هدف و علت پیدایش انسان در این دنیا، و اینکه بهترین شکل و شیوه زندگی انسانی در این جهان چگونه باید باشد، و در مجموع با فلسفه پیدایش انسان و هدف او در این جهان سر و کار دارند ...؛ تمامی ادیان و عقاید دینی و سیاسی بشر از بدو پیدایش خود تاکنون بدنبال یافتن جواب سؤال‌های فوق مشغول و در جستجو هستند، هر کدام در زمان و مکان محدود و خاص خود سعی کرده‌اند حقیقت مطلق جهان را کشف کنند و نظر خود را به همه جهان توسعه و بسط بدهند!

تمامی ادیان و مذاهب، و گروه‌های دینی، سیاسی، انسانی و غیره دو هدف عمده و مکمل یکدیگر را دنبال می‌کنند: یک بخش ترویج تعالیم و باورهای معنوی و اجتماعی است که به خودسازی و جامعه سازی می‌انجامد و در فرهنگ‌های اعتقادی اشکال گوناگونی از عبادات و رفتار فردی و جمعی را شامل می‌شود، و بخش دیگر تلاش صادقانه‌ای است برای متقاعد کردن دیگران که آنها هم حقیقت برتری را که ایشان درک کرده‌اند درک کنند، تا بتوانند با جذب پیروان بیشتر به آرمان خود که از دید ایشان تنها راه رستگاری بشر است برسند؛ بخش اول کاملاً شخصی و انتخابی است، به این معنا که افراد و گروه‌ها می‌توانند با انتخاب دین و آیین و تفکر برتری که خود آن را تشخیص داده و انتخاب کرده‌اند به زندگی ایده‌آل خود برسند، اما در بخش دوم تاریخ هرگز ثابت نکرده است که هیچ دین و آیین متعالی و برتری بتواند در عمل کل بشر را متقاعد کرده و یکپارچه زیر چتر باورهای خود گرد آورد، این امر در اجتماع بشر هرگز محقق نشده است و بشر همیشه در

تاریخ زندگی خود درگیر برتری جویی‌ها و تنش‌های عقیدتی و سیاسی بوده است، چرا که رسیدن به آیین و تفکر برتر و مشترک همیشه با تحمیل نظر و تعصب همراه بوده، و پیروان هیچ گروهی هرگز حاضر نشده‌اند و نمی‌شوند دست از عقیده خود بردارند و عقیده دیگری را درست قبول کنند.

بحث عقیده برتر و تشخیص حقیقت برتر، و راه برتر زندگی انسان‌ها بحث اصلی و همیشگی بشر از ابتدای پیدایش تاکنون بوده است! انسان‌ها ده‌ها و صدها دین و آیین بوجود آورده‌اند تا به گروه دیگر اثبات کنند که حقیقت را بهتر درک می‌کنند، تا با این منطق حکومت جهان را در دست گیرند و آن را به شیوه خود اداره کنند! ...

اشاره‌ای به تاریخ ادیان و عقاید جهان بشری

شواهد و مدارک، مبنی بر وجود عقاید دینی به چند صد هزار سال پیش یعنی دوران انتهایی و میانه پارینه‌سنگی بازمی‌گردد، باستان‌شناسان بر این باورند که هسته نخستین اعتقاد و تفکر دینی از آن هنگام تشکیل شد که انسان‌ها ۳۰۰ هزار سال پیش مردگان خود را طبق رسوم و تفکراتشان خاکسپاری می‌کردند؛ تاریخ پیدایش ادیان و عقاید به روشنی بر بشر آشکار نیست، اما آنچه مورد قبول و تأیید است این است که اعتقاد و باور همیشه با بشر همراه بوده است، اعتقاد و باور به روش صحیح زندگی که او را از گمراهی‌ها و اشتباهاتش نجات دهد تا با رعایت اصول برتر آیین دریافتی و یا ابداعی خود زندگی بهتری را برای خود رقم بزند.

قدیمی ترین ادیان و آیین های معتبر و شناخته شده بشری آیین های موسوم به ادیان ابراهیمی که ریشه در باور به خدا و خالق جهان دارند و همچنین ادیان و آیین های غیر ابراهیمی یا هندی و شرقی، ایرانی، قومی و قبیله ای و ... که آنها نیز به اشکال متفاوتی ریشه هایی ماورایی و معتقدات عمیق معنوی به حقیقت برتر و بالاتری دارند می باشند، در این بین ادیان و عقاید صلح جو و عدالت محور دیگری نیز در دوران معاصر شکل گرفته اند که جزو دسته های ذکر شده به حساب نمی آیند

معروف ترین و قدیمی ترین ادیان و آیین های بشری عبارتند از:

- ۱/ آیین و شریعت ابراهیمی - حدود ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ ق.م.
- ۲/ دین هندو - حدود ۱۵۰۰ ق.م.
- ۳/ دین یهود - حدود ۱۲۵۰ ق.م.
- ۴/ آیین شیتتو - حدود ۶۶۰ ق.م.
- ۵/ دین زرتشتی - حدود ۶۶۰ ق.م. (۱۷۴۰ ق.م. ...)
- ۶/ تائوئیسم - حدود ۶۰۴ ق.م.
- ۷/ جابین گرایی - حدود ۵۹۹ ق.م.
- ۸/ آیین بودایی - حدود ۵۶۰ ق.م.
- ۹/ آیین کنفوسیوسی - حدود ۵۵۱ ق.م.
- ۱۰/ دین مسیحیت - ۳۰ ب.م.
- ۱۱/ دین اسلام - ۶۲۲ ب.م.
- ۱۲/ سیک گرایی - ۱۴۹۶ ب.م.

در قرون و دوره معاصر زندگی بشر، آیین‌ها و تفکرات دینی و غیردینی، با ماهیت‌های متفاوت و متنوعی نیز شکل گرفته‌اند که لیست کامل و تاریخیچه و فلسفه و تفکر آنها با مراجعه به منابع زیر قابل دسترسی است.

ادیان و آیین‌ها، و عقاید پاک و سالم بشری نهایت سعی خود را بکار برده‌اند تا هر کدام در مقطعی از زمان و در شرایط مکانی و فرهنگی خاص حاکم بر آن زمان، و با زبان حال مردم همان دوره آنها را هدایت کنند و بهترین راه رستگاری و سعادت دنیایی و آخرتی را بر طبق شرایط و ظرفیت‌هایشان به آنان نشان دهند؛ ...

فهرست ادیان و آیین‌ها و تفکرات جهان بشری

به دلیل وجود اطلاعات و آمارهای کامل، در مورد تمامی ادیان و باورهای شناخته شده بشری، که توسط دانشنامه ویکی‌پدیا و یا سایت‌های مطالعاتی و اطلاع‌رسانی دیگر، و از طریق شبکه مجازی اینترنتی ارائه گردیده است، و عدم نیاز به ارایه لیست و مشخصات کامل آنها در این کتاب، نظر خوانندگان مشتاق را به جستجوی اینترنتی از طریق آدرس‌های زیر جلب می‌نمایم:

- 1/ <http://en.wikipedia.org/wiki/Religion>
- 2/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religions
- 3/ http://en.wikipedia.org/wiki/Major_religious_groups
- 4/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_belief_systems
- 5/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_people_by_belief
- 6/ http://en.wikipedia.org/wiki/Religions_of_the_world
- 7/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_new_religious_movements
- 8/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religious_organizations
- 9/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religious_populations
- 10/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_political_ideologies
- 11/ http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion_by_country
- 12/ <http://www.xenos.org/classes/papers/5wldview.htm>
- 13/ http://en.wikipedia.org/wiki/philosophy_of_religion
- 14/ http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_humanism
- 15/ <http://en.wikipedia.org/wiki/Humanism>
- 16/ <http://www.religionfacts.com>

جستجو در آدرس‌های فوق وسعت اندیشه و همچنین تلاش بشر به منظور یافتن راه و روش برتر زندگی بر طبق روحیه و دانش و فرهنگ ملت‌های جهان را به خوبی نشان می‌دهد، و آشکار می‌کند که بشر از هزاران سال پیش تاکنون همچنان بدنبال یافتن راه مناسب‌تر جهت رشد و تعالی خود می‌گردد! البته گروهی راه خود را یافته‌اند، و گروهی دیگر همچنان در جستجوی راه و عقیده هماهنگ با روحیه و توان معنوی خود در جستجو و مطالعه می‌باشند.

آنچه در بالا ذکر شده است تنها اشاره‌ای است اجمالی به دستاوردهای بشر در زمینه ادیان و عقاید و آیین‌های انسانی در طول تاریخ زندگی خود؛ ذکر این گزیده تنها از این جهت اهمیت دارد که با نگاهی ساده متوجه گردیم که انسان چه درک جهانی از مفاهیم دینی و آیینی داشته، و از ادیان و عقاید خود به چه اندازه مثبت و یا منفی در زندگی‌اش استفاده نموده است! بشر امروز با نگاهی ساده به تاریخ زندگی پدران خود متوجه خواهد گشت که آنها از دین و آیین‌های خود هرچند درک معنوی و روحی بسیار بالایی داشته‌اند، اما هرگز نتوانسته‌اند به شکلی صحیح و صلح‌آمیز و جامعه‌ساز، از دستاوردهای خود در زمینه‌های معنوی و روحانی بهره برده، و جهان خود را از زاویه اجتماعی و تعاملات جهانی به سمت تفاهم و دوستی و زندگی متعالی انسانی پیش برند، بلکه همچنان و هم‌اکنون نیز با تنش و درگیری روزگار خود را می‌گذرانند! (منظور از «بشر» در اینجا تمام پیکره بشریت با تمام دین و فرهنگ دینی خود است، و نه بخشی از جهان بشری، بدون شک همیشه و در طول تاریخ بخش‌هایی از جهان شاهد یک زندگی پویای دینی با درک و شعور بالای انسانی و روحانی بوده است).

توجه به این نکته نیز بسیار مهم است که در طول تاریخ بشر چه جنایات کوچک و بزرگی نیز توسط پیروان جاهل ادیان و عقاید انجام گرفته شده، و در مقابل چه هزینه‌های گزافی نیز صرف شده است تا از تنش‌های متقابل گروه‌های عقیدتی کاسته شود؛ همگی اینها جزو دستاوردهای خوب و بد دنیای دین و عقیده بشر می‌باشد، که هزینه‌های مادی و معنوی بی‌شماری را بر بشریت تحمیل کرده است! تنش‌های عقیدتی بشر موجب می‌گردد تا فکر بشر و سرمایه‌های مادی و معنوی او به شکل وسیعی صرف جبران خسارات حاصله از این درگیری‌هایش شود؛ هر زمان در گوشه‌ای از جهان شاهد درگیری‌های عقیدتی باشیم فکر و وقت و هزینه‌های بسیاری در نقاط دیگر جهان صرف می‌شود تا راه‌کارهای مناسبی برای حل آن درگیری‌ها یافت شود؛ این چاره‌جویی‌ها یعنی هدررفتن وقت و هزینه‌های بشری، در مسیری که با درک و تفاهم متقابل می‌توانست اساساً بوجود نیاید و شکل نگیرد؛ علاوه بر آن، این تنش‌های عقیدتی دنیای زندگی آرام بشری در نقاط دیگر دنیا را نیز مُلتهب و ناراحت می‌گردانند.

این بحث تنها به منظور یک اشاره مورد توجه قرار می‌گیرد، تا بدانیم که بشر در تاریخ دینی و اجتماعی خود نقش پیروز و موفقی از خود نشان نداده است! و دستاوردهای مثبت او در این زمینه بسیار ناچیز و ضعیف بوده، بطوریکه پس از گذشت هزاران سال از زندگی معنوی، روحانی و اجتماعی خود رشدی اساسی در جهت برقراری صلح و درک و احترام متقابل انسانی با ابزار دین و عقیده بدست نیاورده است؛ ...

یک سدّ آب را در نظر بگیرید که از لحظه بهره‌برداری خود حجم آبی را در پشت خود جمع می‌کند، و پس از مدتی ثابت می‌کند که از

چه پشتوانه و ذخیره فراوان و مثبتی برخوردار است، و زمانیکه انسانها در طرف مقابل آن سدّ بایستند و با بازکردن دریچه‌های آن بخواهند حجم و ذخیره آن را ارزیابی کرده و از آن بهره‌مند گردند، بدون شک در یک وضعیت مناسب با بازکردن دریچه‌های آن شاهد فوران حیات بخش حجم عظیم داشته‌های آن خواهند شد؛ اما آیا با باز کردن سدّ تاریخی ادیان و عقاید بشری هم بشر از داشته‌ها و دستاوردهای مثبت خود شگفت‌زده خواهد گردید، یا در لابلای آب زلال عقاید و ادیان خود، آلودگی، و چرک و لجنِ تنش و تفرقه، و برتری‌جویی و قدرت‌طلبی را مشاهده خواهد کرد!

اهداف و وظایف بخش ادیان و عقاید

جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به هدف برقراری صلح و عدالت، و رشد و توسعه همه‌جانبه مادی و معنوی جهانی که منتهای آرزوی بشر است تشکیل شده است، و اهداف و وظایف بخش ادیان و عقاید آن عبارتند از:

- ۱/ پاک‌سازی عقاید بشری از آلودگی‌های تاریخی وارد شده به آن.
- ۲/ رایه صحیح‌ترین و خالص‌ترین شکل تمامی ادیان و عقاید و افکار انسانی و مشروع جهان بشری.
- ۳/ تشکیل سازمان‌های آموزشی ادیان و عقاید بشری در سطح عمومی در کشورهای جهان، به منظور ارتقاء سطح سواد مردم جهان نسبت به هم‌زیستی و تفاهم صلح‌آمیز دینی و آیینی.
- ۴/ ایجاد شرایط مناسب رشد و تعالی اجتماعی و معنوی انسانی.

مدیریت و پاک‌سازی

بحث اصلی استاندارد هیومنیزم پاک‌سازی است! پاک‌سازی و قطع نفوذ ۱۰ درصد شیطانی از تمامی داشته‌های بشر! در همین راستا استاندارد هیومنیزم علاوه بر رایۀ فرهنگ اخلاقی فردی، اجتماعی و انسانی بین‌المللی از طریق طراحی اصول انسان‌ساز پنج‌گانه خود (اصول استاندارد هیومنیزم)، تلاشی فراگیر دارد تا از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد، ناخالصی‌های تفرقه‌افکنانه وارد شده به ادیان و عقاید بشری را نیز پاک، و در نتیجه راه را در جهت همکاری و تعامل بیشتر بشر از طریق ادیان و عقاید انسانی فراهم آورد،

با نگاهی فرازمینی متوجه می‌گردیم که جهان بی‌نهایتی وجود دارد که کرۀ زمینی را در درون خود گرفته است، بر روی این کرۀ زمین موجوداتی زندگی می‌کنند که برترین آنها و ذی‌شعورترین و مؤثرترین آنها در تعیین سرنوشت خود انسان نام دارد، در این بین ده‌ها و صدها دین و قانون و آیین ظهور کرده و ابداع شده‌اند تا راه صحیح و برتر زندگی را به این بشر ارائه کنند، و او را از سردرگمی و بلا تکلیفی‌اش نجات دهند، و به سمت آنچه که لیاقتش را دارد برسانند، و حقیقت مطلق و راه برتر گذران زندگی را نشان دهند!

حقیقت مطلق، ثابت و واحد است اما در شرایط متفاوت و در زمان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، شکل و رنگی متفاوت از خود نشان می‌دهد! حقیقت یکی است اما هر دین و آیین سعی دارد برداشت خود از حقیقت را صحیح‌ترین نشان دهد، و البته هر دین برای مردم تحت پوشش خود و فرهنگ حاکم بر خود بهترین است، اما لزوماً بهترین برای همه بشر نیست، در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت که عقیده واحدی

را هر چند که خوب و یکی از بهترین باشد به دیگران قبولاند، مگر برخی با میل خود آن را بپذیرند، که این روند نیز همیشه و در طول تاریخ بصورت امری عادی وجود داشته است.

ادیان و عقاید دومین بستر وسیع و جولانگاه پهناور ۱۰ درصد شیطانی هستند (...). که آنها را قادر می‌سازند تا با کنترل و در اختیار گرفتن مراکز تفکر و فلسفه دینی و عقیدتی، سلطه خود را تا جزیی‌ترین امور داخلی زندگی بشر بگسترانند، و کنترل زندگی او را در دست گیرند، تا هر طور خواستند و اراده کردند انسان‌ها را به تفرقه و دشمنی با یکدیگر بکشانند و زندگی آنها را تیره و تار گردانند.

تمامی ادیان و عقاید بشری از هر نوع متعالی و یا دنیایی آن در شکل اصلی و اولی خود اصیل و صحیح و درست هستند، و بهترین راهنمای بشر در محدوده فرهنگ و بستر پیدایش خود؛ آنها ضرورت زمان خود بوده‌اند، و با ریشه‌هایی فلسفی و تاریخی و به شکلی صحیح ظهور و بروز پیدا کرده‌اند؛ ادیان و عقاید بشر از هر نوع الهی و انسانی خود روح جهان بشری هستند، و می‌بایست عمیقاً مورد احترام بشر قرار گیرند؛ آلودگی‌هایی که ۱۰ درصد شیطانی در ادیان و عقاید بشری وارد نموده‌اند موجب گردیده که این احترام در برخی موارد و در برخی دوره‌های تاریخی و توسط بخشی از بشر نادیده گرفته شده، و از همه بدتر اینکه ناخالصی‌های وارد شده در ادیان و عقاید بشری در طول تاریخ موجب گردیده که برخی از روی حسن نیت اما به اشتباه اشکال و تعبیرهای دیگری از یک آیین واحد ارائه دهند! که اساس کار را بغرنج‌تر کرده و موجب شده که یک دین خالص تبدیل گردد به چند دین ناخالص! بعضی از آنها به دلیل نفوذ ۱۰ درصد شیطانی شکل

گرفته‌اند تا چهره آن دین خالص و پاک را مخدوش کنند، و برخی دیگر از طریق صداقت افرادی بوجود آمده و منشعب شده‌اند که به تصور خود خواسته‌اند شکل صحیح‌تر آن را ارائه کنند، اما چیز دیگری ابداع کرده و ساخته‌اند! این شاهکارهای مغرضانه و یا ساده‌لوحانه در نهایت موجب شده تا اول: سودمندی‌های ادیان و عقاید بشری خنثی و بی‌اثر شده، و دوم اینکه باعث گردیده که عده‌ای انسان‌های پاک‌نیت و منطقی و عاقل اساساً به دین و آیین به عنوان راهی مؤثر در سازندگی مادی و معنوی زندگی شک کرده و بطورکلی از ادیان و آیین‌ها و تفکرات خالص انسانی روگردان و منزجر گردند!

از آنجایی که استاندارد هیومنیسم به شیوه‌ای اصیل و عمیقاً واقع‌بینانه و انسانی و به نیت یافتن حقیقت مطلق زندگی بشر اصول خود را پایه‌ریزی نموده است، در نتیجه با ریشه‌یابی مشکل نتیجه‌گیری می‌کند که با مراجعه به اصل ادیان و عقاید و افکار بشری می‌بایست عقاید را به شکل خالص و اولیه آنان بررسی و ارائه نمود؛ کمیته‌های تخصصی بخش ادیان و عقاید جامعه جهانی متشکل از نمایندگان تمامی ادیان و آیین‌های بشری و همچنین نمایندگان تمامی کشورهای جهان وظیفه بررسی مستمر و پاک‌سازی تمامی عقاید بشری را برعهده داشته، و ارگان اصلی و مشروع جهانی و حافظ صحت و سلامت عقاید بشری از نفوذ ۱۰ درصد شیطانی می‌باشند؛ **دین و آیین متعلق به تمامی بشر است و نه تنها گروهی که به آن معتقد هستند!** در نتیجه می‌بایست از نفوذ و سلطه ۱۰ درصد شیطانی رها شده و توسط نمایندگان تمامی ملت‌های جهان به شکل خالص خود ارائه و توسط جهان بشری محافظت گردند، تا وسیله‌ای نباشند برای رنج و ظلم به مردم، و کوته‌فکر و بی‌سواد ننگ داشتن آنها، ... **پاک‌سازی ادیان و عقاید به شکل خالص و اولیه آنها موجب**

محو شدن و کنده شدن زالوهای شیطانی چسبیده به آنان می‌گردد که هر یک به شیوه خود چهرهٔ ادیان و عقاید را دگرگون، و به شکلی متعصبانه و جاهلانه معرفی می‌کنند؛ این زالوها خشونت و تعصب و برتری‌جویی را فرهنگ خود در تعاملات جهانی‌شان قرار می‌دهند.

عقاید بشری از اهمیت عظیمی برخوردار هستند، عقاید آسمان زندگی انسان‌ها هستند، پس این آسمان را می‌بایست از هر نوع تیرگی جهل و تعصب و خشونت و نادانی پاک نمود، و این میسر نمی‌شود مگر از طریق یک ارگان جهانی عظیم و حقیقت‌جوی بشری که با کنترل و محافظت قوی خود شیطان جهل و تیرگی را از ادیان و عقاید بشری کنده و دور کند.

خارج کردن ادیان و عقاید بشری از کنترل و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی و مدیریت جدید آن توسط نمایندگان تمامی آیین‌های بشری در یک ارگان بین‌المللی و مشروع راه را در جهت پاک‌سازی و خلوص آنها هموار می‌گرداند.

هر گروهی که خود را پیرو یک دین و تفکر پاک و خالص معرفی کند، لزوماً نمی‌تواند با ادعای حقانیت خود را به اثبات برساند، چه بسا گروهی جزو ۱۰ درصد شیطانی باشند، که با تصاحب بخشی از آن دین و عقیده می‌خواهند نظرات شیطانی و تفرقه‌افکنانه و خودخواهانهٔ خود را به دیگران تحمیل کنند، و در نتیجه آشوب و ناامنی ایجاد کنند؛ کنترل و محافظت دین و عقیدهٔ بشری در جامعهٔ جهانی توسط پاک‌ترین و معتبرترین پیروان شناخته شدهٔ آنها که صلح و سعادت مادی و معنوی بشر را در دستور کار خود دارند، تنها تضمین مشروع و قانونی دینی و عقیدتی است، و غیر از آن هر چه باشد نفوذ و دست و پا زدن‌های شیطانی به منظور تحت کنترل گرفتن و سلطه بر عقاید است.

پاک‌سازی عقیدتی و اصلاح آنها مجموعه‌ای زیبا و رنگارنگ را پدید می‌آورد که چشم همه بشر و معتقدان ادیان و آیین‌های انسانی را به نور خود روشن نموده و موجب سلامت روحی، روانی، معنوی و اجتماعی جهان بشری می‌گردد؛ مدیریت و محافظت قوی و فراگیر جامعه جهانی انسان استاندارد قوی‌ترین تضمین عقیدتی خواهد بود که کنترل و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی را برای ابد قطع کرده و موجب خواهد شد که پیروان جاهل آنها و تفکرات جاهلانه آنها به مرور از زندگی بشر پاک شده و تنها نور و روشنی ادیان و عقاید باقی و محفوظ بماند.

ادیان و عقاید و زیرمجموعه‌های آن

زیرمجموعه‌های بخش ادیان و عقاید جامعه جهانی از گستردگی خاصی برخوردار است؛ از آنجایی که اهداف بخش ادیان و عقاید وسیع و فراگیر است، زیرمجموعه‌های آن تمام ادیان و عقاید جهان را شامل می‌شود!

زیرمجموعه‌های بخش ادیان و عقاید جامعه جهانی عبارتند از:

- ۱/ کمیته بررسی، ریشه‌یابی و پاک‌سازی ادیان، عقاید و آیین‌های بشری.
- ۲/ کمیته‌های مستقل تدوین اشکال صحیح و اصیل عقاید بشری.
- ۳/ کمیته نزدیک‌سازی و یکسان‌سازی ادیان و عقاید.
- ۴/ کمیته تدوین مشترکات ادیان و عقاید.
- ۵/ کمیته حقیقت‌یابی جهان بشری.
- ۶/ کمیته سیاست‌گذاری آموزشی و تبلیغی ادیان و عقاید.
- ۷/ کمیته مطالعه رفتار دینی و اجتماعی بشر.
- ۸/ کمیته کنترل و نظارت و محافظت از ادیان و عقاید.
- ۹/ کمیته تشخیص عقاید و افکار و فلسفه‌های آیینی جدید.
- ۱۰/ کمیته تخصصی شناسایی و جلوگیری از نفوذ جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان به عرصه ادیان و عقاید.
- ۱۱/

بخش سوم / فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی

هر فرد و اجتماع انسانی، و هر ملت و فرهنگی دارای شخصیت و اصالت خاص خود است، و تنها زمانی می‌تواند به ارزش واقعی خود پی برده و به حد کمال پیشرفت و ترقی همه‌جانبه خود دست یابد، که با خودشناسی و خودیابی طبق ذات، استعداد و توانایی‌های خود رشد کرده، و به اصالتی برسد که مانند گوهری درخشان در میان جوامع و فرهنگ‌های دیگر درخشیده و پرتوافشانی کند؛ مطمئناً این رشد سبب خواهد شد که بتوانیم جوامع گوناگون را با زیبایی‌های خاص خود در کنار هم دیده، و بجای تقلید کورکورانه از یکدیگر، در کنار هم باعث رشد و تعالی همدیگر شویم.

یقیناً تصفیة فرهنگی و خالص شدن هر فرهنگی باعث رشد و پیشرفت همه‌جانبه و تصاعدی آن خواهد شد؛ تأثیراتی که با اصیل شدن در ذهن و روح انسان‌ها به وجود می‌آید همان معنی زنده شدن را می‌دهد؛ شادابی و طراوتی که در اثر توجه به ارزش‌های اصیل زندگی انسانی نصیب مردم جهان می‌شود آنقدر عمیق خواهد بود که اثرات روحی و روانی، و مادی و معنوی عظیمی در همه جنبه‌های زندگی انسانی از خود برجای خواهد گذارد.

جامعه انسانی باید به بهترین شکل ممکن اصیل و زیبا و تمیز باشد؛ زیبا در فرهنگ و آداب و رسوم، و معماری و لباس، و ظاهر و باطن همه چیز آن؛ جامعه انسانی در آفریقا، اروپا، آسیا، آمریکا، اقیانوسیه و هر نقطه از جهان باید و قویاً می‌بایست زیبا و تمیز و شاد باشد؛ انسان باید شاد باشد؛ یک شادی انسانی، و نه یک شادی شیطانی و کاذب! و نه غمگین و افسرده.

در جهانی که کودکان و دختران و پسران و زنان و مردان خوب و انسان و مثبت اندیش زندگی می کنند، جهان باید در خدمت آنها و تمیز و رنگارنگ و شاد باشد؛ **آن جهان شوم های شیطانی است که کثیف و آلوده و غمگین و تیره است؛ جهان انسان ها باید شاد و نورانی باشد تا نور آن تاریکی های جهل و خرافه را محو کرده و از بین ببرد؛** این حق ذاتی، طبیعی، قانونی و الهی همه بشر است که از زندگی در تمیزترین، زیباترین، پاک ترین و شادترین جهان برخوردار باشند.

اشاره ای به تاریخ فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جهان بشری

زندگی بشر با فرهنگ و هنر، و آداب و رسوم آن شکل می گیرد و هویت و معنی پیدا می کند؛ فرهنگ و آداب و رسوم همان رفتار و اشکال متنوع زندگی اوست که زیبایی و طرح و رنگ آن را می سازد؛ بشر در هر نقطه از کره خاکی و تحت تأثیر موقعیت ها و شرایط متفاوت جغرافیایی و اقلیمی زندگی خود، به تنوع بی شماری در شیوه زندگی، رسم و رسوم، معماری و پوشش، نوع غذا، زبان، و نژاد و ملیت خود رسیده است؛ این تنوع زیبا که حاصل پراکندگی او در نقاط مختلف کره زمین بوده است، زیبایی های بسیار زیادی را خلق کرده که خود بشر با دیدن آن بسیار ذوق می کند و شگفت زده می شود!

فرهنگ و هنر، و آداب و رسوم بشر، در شکل گیری و غنای تمدن او نقش بسزایی داشته است؛ تمدن به طور کلی عبارت است از نظامی اجتماعی، که در نتیجه آن نظم فرهنگ / انسانی شکل می گیرد؛ تنها در یک بستر سالم و آرام انسانی است که ذوق بشر شکوفا شده و فرهنگ های زیبای انسانی را خلق می کند.

فرهنگ جامعه بشر و تمدن آن از ابتدای تاریخ پیدایش خود ارتباط و رشدی تنگاتنگ و جدایی ناپذیر با هم داشته، و آنچه که امروزه قابل تفکیک است در اصل از ابتدا با تمدن بشر - شامل تمامی دستاوردهای زندگی او در زمینه سیاست و حکومت و اقتصاد و علم و دین - همراه و آمیخته بوده است؛ در بررسی تاریخ تمدن و شکل گیری فرهنگ بشر می توان به تمدن های عیلام، سومر، مصر، بابل، آشور، پارس، هند، چین، ژاپن، یونان و روم، و تمدن ها و فرهنگ های زیبای آفریقا و آمریکای لاتین و ... و در مجموع تمامی فرهنگ ها و جلوه های متنوع و پُر بار تاریخ بشر اشاره نمود، که یکی پس از دیگری اشکال گوناگونی از رفتار و اصول و قواعد و آداب و رسوم رنگارنگ و متفاوت بشری را ارائه کرده اند،

فرهنگ بشر زیباترین دستاورد زندگی اوست که زندگی اش را آمیخته به شادی، فراغت، سرگرمی و تنوع می کند

اهداف و وظایف بخش فرهنگ و هنر

جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به هدف برقراری صلح و عدالت، و رشد و توسعه همه جانبه مادی و معنوی جهانی که منتهای آرزوی بشر است تشکیل شده است، و اهداف و وظایف بخش فرهنگ و هنر و آداب و رسوم آن عبارتند از:

۱/ حمایت از سازمان خانواده به عنوان یک ارگان طبیعی و انسان ساز اجتماعی.

۲/ مطالعه و ریشه یابی فرهنگ و آداب و رسوم ملت ها و کشورهای جهان.

۳/ پاک‌سازی فرهنگ و آداب و رسوم بشری از خرافات وارده به آن.
۴/ حمایت و اراییه زیباترین جلوه‌های موجود فرهنگ و آداب و رسوم بشر در تمامی زمینه‌های رفتار و آداب و رسوم اجتماعی، معماری، لباس، غذا، جشن‌ها و

۵/ طراحی شهرنشینی جدید انسانی و جهانی با توجه به روح و لطافت‌های انسانی؛ و پرهیز از طراحی فضاهاى نازيبا، دخمه‌مانند و متروکه‌ای که موجب خفا و یا رشد روحیه و فرهنگ ۱۰ درصد شیطانی می‌گردد.

۶/ طراحی شهرنشینی جدید انسانی و جهانی با توجه به توزیع مناسب جمعیت بین شهر و روستا.

۷/ طراحی شهرنشینی جدید انسانی و جهانی مطابق با موقعیت سنجی جغرافیایی.

۸/ طراحی و زیباسازی محیطی جهان، با هدف زندگی در جهانی زیبا و تمیز و پاک.

۹/ توجه به اوقات فراغت و ایجاد زیرساخت‌های فیلم و سرگرمی و تفریحات سالم.

۱۰/ حمایت از زبان و گویش‌های متنوع بشری.

۱۱/ توسعه توریسم و گردشگری جهانی؛ (هتلداری و ...)

۱۲/ مدیریت و حمایت از ورزش جهان.

۱۳/ کنترل جمعیت جهان.

۱۴/

مدیریت و پاک‌سازی

بحث اصلی استاندارد هیومنیزم پاک‌سازی است! پاک‌سازی و قطع نفوذ ۱۰ درصد شیطانی از تمامی داشته‌های بشر! در همین راستا استاندارد هیومنیزم علاوه بر رایۀ فرهنگ اخلاقی فردی، اجتماعی و انسانی بین‌المللی، از طریق طراحی اصول انسان‌ساز پنج‌گانه خود (اصول استاندارد هیومنیزم)، تلاشی فراگیر دارد تا از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد، ناخالصی‌های وارد شده به فرهنگ و هنر و آداب و رسوم بشری را نیز پاک، و در نتیجه راه را در جهت همکاری و تعامل بیشتر بشر از طریق فرهنگ و هنر و آداب و رسوم انسانی فراهم آورد.

استاندارد هیومنیزم اعتقاد عمیقی به حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های انسانی در تمامی بخش‌ها و زمینه‌های زندگی او دارد؛ تفاوت بین یک گل مصنوعی و یک گل معطر و زیبا و طبیعی را در نظر بگیرید؛ همگان این تفاوت را به خوبی درک می‌کنند و تشخیص می‌دهند؛ گل مصنوعی فاقد زیبایی‌های اصیل و روح‌نواز طبیعی است، اما گل طبیعی از هر نوع و شکل و رنگ و طرح آن اصیل و زیبا و شادی‌آور است؛ زندگی کنونی بشر یک زندگی کسپل‌کننده و با اهداف فرهنگی غیرپویا و مصنوعی است! در نتیجه انسان باید از این زندگی مصنوعی نجات یافته و زندگی طبیعی انسانی خود را آغاز کند؛ منظور از زندگی طبیعی این نیست که همه بشر به کوه و دشت و صحرا بروند و زندگی شهری خود را رها کنند! بلکه منظور این است که زندگی خود را به شکلی شایسته و زیبا و با رعایت همه نیازهای یک زندگی کامل انسانی شکل دهند.

در یک زندگی کامل انسانی همه چیز در شکل صحیح، زیبا، مفید و سودمند خود و بدون تراکم و گره‌خوردگی قرار دارد؛ انسان باید به

اصالت خود برسد و با خودشناسی و فرهنگ‌شناسی به پی‌ریزی اصول و قوانین، و ساختن جامعه زیبا و تمیز و بر پایه نیازهای کامل زندگی انسانی خود پردازد؛ چنین زندگی زیبای انسانی در جهانی محقق می‌شود که در آن جهان جمعیت بشر کنترل گردد؛ پراکندگی جمعیت و ساخت شهرها و روستاها، و راه‌ها و بزرگراه‌های عریض و امن، با مطالعه و کارشناسی بین‌المللی انجام گردد؛ معماری کشورهای مختلف و شهرها و روستاهای آن طبق نقشه جدید و مهندسی برتر جهانی طراحی و اجرا گردد؛ در هر منطقه و شهر و روستا در جهان کارخانه‌های تولید پوشاک همان منطقه تأسیس شده، تا علاوه بر ایجاد اشتغال مناسب، پوشاک اصیل و زیبای هر منطقه در همان منطقه تولید و عرضه گردد؛ تغذیه مردم جهان زیر نظر یک ارگان عظیم جهانی کنترل شده، و گرسنگی در تمام مناطق جهان ریشه‌کن گردد؛ جشن‌ها و آداب و رسوم خرافی و جاهلانه شیطانی برخی از مناطق دنیا ریشه‌کن شده، و با مطالعات وسیع بخش فرهنگ جامعه جهانی، آداب و رسوم و جشن‌ها و مراسم دینی و غیردینی مناسب طراحی و جایگزین شده و در نتیجه هویت ملی کشورهای مختلف دنیا و اسباب شادی و تنوع زندگی آنها از طریق سرگرم بودن با آیین‌های فرهنگی خود فراهم گردد

به این ترتیب شادابی و طراوتی که در اثر توجه به ارزش‌های اصیل زندگی انسانی نصیب مردم جهان می‌شود آنقدر عمیق خواهد بود که اثرات روحی و روانی و مادی و معنوی عظیمی در همه جنبه‌های زندگی انسانی از خود برجای خواهد گذارد، و این یعنی *اصالت انسانی*، و رسیدن به هویت انسانی از دست رفته و مورد تهاجم قرار گرفته جهل و نادانی و خرافه و برتری‌جویی فرهنگی،

بخش فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جامعه جهانی انسان استاندارد حافظ فرهنگ‌های اصیل انسانی است، که شکوفایی آنها را در محدوده‌های خود پی‌گیری می‌کند؛ طبق تفکر انسان استاندارد هر ملت و کشوری می‌بایست و شایسته است معماری و لباس و آداب و رسوم و فرهنگ خود را به شکلی اصیل و پویا و نو ارج نهد، و مدافع اجرای فرهنگ خود در برابر هر نوع هجوم فرهنگی ۱۰ درصد شیطانی باشد! ۱۰ درصد شیطانی از طریق شیوع فرهنگی با انواع روش‌های تبلیغی و تخریبی، دیگر فرهنگ‌ها را تضعیف و سعی در گسترش فرهنگ و شیوه زندگی خود دارند؛ در نتیجه ملت‌ها باید هوشیار بوده و در پوشش لباس‌های زیبا با طراحی‌های اصیل و در عین حال مدرن طراحان کشور و فرهنگ خود، و همچنین با معماری‌های شگفت‌انگیز خود، و غذا و خوراک خود و آداب و رسوم ملی و میهنی خود، اولویت را به فرهنگ خود داده و از اصالت‌های خود پاسداری کنند؛ فرهنگ هر ملت - به شرطی که توسط یک ارگان جهانی محافظ و حامی تمامی فرهنگ‌ها پشتیبانی شود - به قامت همان ملت برانده است؛ بیگانگی فرهنگی جز شکست روحی و روانی ملت مغبون چیز دیگری را بدنبال نخواهد داشت؛ بیگانگی فرهنگی و شکست روحی و شخصیتی حاصل از آن، روح بشر را افسرده و خسته و بلا تکلیف می‌کند، و در نتیجه شادابی زندگی بشر را از بین می‌برد.

بخش فرهنگ جامعه جهانی به شکلی برابر و اصیل از فرهنگ ملت‌ها حمایت خواهد کرد، که اعتماد به نفس و افتخار استفاده از فرهنگ زیبای خودی در میان مردم هر بخش از جهان به اوج خود رسیده، و هر ملتی با شخصیتی که تفکر انسان استاندارد از آن حمایت می‌کند - علاوه بر حفظ هویت فرهنگی خود - نسبت به فرهنگ‌های

دیگر نیز احترام و ارزش برابر با فرهنگ خود قایل شده، و ارزش جهان بشری را در تنوع فرهنگی آن ببیند.

روح بشر سرچشمه در تمام خوبی‌ها و درستی‌ها و ریشه در نظم و زیبایی بیکران و بی‌نهایت جهان هستی دارد، به همین دلیل است که هر گونه بی‌نظمی و ناخالصی او را می‌رنجاند، در نتیجه اصلاح فرهنگی توسط جامعه جهانی متشکل از نمایندگان تمامی فرهنگ‌ها و کشورهای جهان به منظور *احیای زندگی بشر* بر روی این کره خاکی از نیازهای عظیم انسانی در هزاره سوم می‌باشد.

فرهنگ و هنر و زیرمجموعه‌های آن

زیرمجموعه‌های بخش فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جامعه جهانی از گستردگی خاصی برخوردار است؛ از آنجایی که اهداف بخش فرهنگ و آداب و رسوم وسیع و فراگیر است، در نتیجه زیرمجموعه‌های آن تمام فرهنگ و هنر، و آداب و رسوم جهان را شامل می‌شود!

زیرمجموعه‌های بخش فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جامعه جهانی عبارتند از:

- ۱/ کمیته حمایت از سازمان خانواده به عنوان مهم‌ترین سازمان امن انسانی.
- ۲/ کمیته‌های حمایت از برگزاری آداب و رسوم ملل جهان.
- ۳/ کمیته‌های طراحی و ارایه زیباترین جلوه‌های اصیل و مدرن معماری و شهرسازی جهان، با هدف حفظ معماری متنوع بخش‌ها و فرهنگ‌های مختلف، و با هدف نوسازی معماری مناطق مختلف جهان بر پایه اصالت‌های خود، و همچنین تلفیق آن با بهترین جنبه‌های معماری و سازه‌های مقاوم و مدرن بین‌المللی.

۴/ کمیته نظارت بر معماری و شهرسازی جهان، به منظور کنترل و رعایت اصول طراحی و زیبایی‌شناسی معماری مناطق مختلف جهان، و محافظت از شیوع بیگانگی معماری.

۵/ کمیته‌های طراحی و آرایه زیباترین جلوه‌های اصیل و نیز مدرن پوشش و لباس مردم جهان، با هدف حفظ پوشش‌های اصیل و زیبا و متنوع نواحی و مناطق مختلف جهان، و تشویق به پوشیدن لباس ملی و میهنی توسط ملل مختلف.

۶/ کمیته نظارت بر لباس و پوشش مردم جهان، و جلوگیری از بیگانگی فرهنگی نسبت به پوشش ملی و فرهنگ زندگی پوشش.

۷/ کمیته طراحی و مطالعاتی جاده‌ها و بزرگراه‌های جهان بر طبق موقعیت جدید طراحی شهری جهان.

۸/ کمیته‌های مطالعاتی تغذیه ملل مختلف جهان و غنی‌سازی تغذیه ملل فقیر.

۹/ کمیته ایجاد زیرساخت‌های اوقات فراغت و سرگرمی.

۱۰/ کمیته زبان و گویش‌های محلی.

۱۱/ کمیته کنترل جمعیت جهان.

۱۲/ توریسم و گردشگری.

۱۳/ کمیته ورزش جهانی.

۱۴/ کمیته تخصصی شناسایی و جلوگیری از نفوذ جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان به عرصه فرهنگ و هنر و آداب و رسوم جهان.

۱۵/

بخش چهارم / علم و دانش

برای مقابله با جهل و تعصب و گمراهی، و مقابله با غلبه و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی بر زندگی بشر، علم‌آموزی و دانش‌اندوزی می‌بایست در رأس همهٔ امور انسانی قرار گیرد؛ این علم‌آموزی می‌بایست بطور مستمر انجام گشته تا فرصت نفوذ نادانی و گمراهی را بطور مطلق بسته نگه دارد؛ آگاهی و ایمان به اصول پنج‌گانهٔ استاندارد هیومنیزم و کنترل و مدیریت فراگیر و قدرتمند جامعهٔ جهانی انسان استاندارد، تنها با هوشیاری و آگاهی علمی مردم جهان به اوج خود می‌رسد، و در نتیجه صلح و سعادت جهان بشری را برای همیشه تضمین می‌گرداند؛ این تلاش، مبارزه‌ای دائمی و مستمر است و لحظه‌ای غرور و غفلت می‌تواند راه را بر نفوذ ۱۰ درصد شیطانی باز کرده و صلح و سعادت بشر را به خطر بیندازد.

اشاره‌ای به تاریخ علم و دانش جهان بشری

علم و دانش، حاصل تلاش بشر به منظور یافتن جواب‌ها و راه‌حلهایی است که در مسیر زندگی خود با آنها روبرو می‌گردد؛ علم مجموعه‌ای است از تئوری‌ها و فعالیت‌های تجربی، عملی و آزمایشی که در تلاش است تا راز و رمزهای دنیای طبیعی را کشف کند؛ علم و دانش توسط محققان و دانشمندان، و توسط متدها و روش‌های علمی - با تأکید بر مشاهده، تجربه و تشریح جهان - گسترش یافته و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ دامنهٔ تحقیقات، مطالعات و یافته‌های علمی بشر بسیار فراوان بوده و موضوعات و سرفصل‌های بی‌شماری را شامل می‌شود؛ از جملهٔ این علوم می‌توان به زیست‌شناسی، ستاره‌شناسی، گیاه‌شناسی، شیمی،

زمین شناسی، دیرین شناسی، فیزیک، ریاضیات، جبر، حساب، هندسه، منطق، آمار، مثلثات، اقتصاد، انسان شناسی، تغذیه، جغرافی، زبان شناسی، علوم سیاسی، جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی، کشاورزی، کامپیوتر، داروسازی، و ... اشاره کرد؛ این علوم در دسته های اصلی علوم طبیعی، علوم ریاضی، علوم اجتماعی، و تکنولوژی و پزشکی قرار می گیرند؛

در دوره های ماقبل تاریخی، علم و دانش نسل به نسل و به شکل شفاهی منتقل می شد؛ سپس کشف خط و نگارش موجب گردید تا بشر بتواند یافته های علمی خود را ثبت و از فراموشی و نابودی مصون نگه دارد؛ تاریخ علمی بشر رشد و توسعه وسیع و گسترده ای را تجربه کرده است؛ این یافته های علمی با ضبط و ثبت دقیق از ۳۵۰۰ سال پیش و از سومر قدیم در بین النهرین آغاز گردید؛ دامنه رشد و توسعه و یافته های علمی بشر از بین النهرین به مصر و یونان و هند و چین رسید؛ ... رشد و توسعه علمی بشر با گذر از دوره کهن به دوره رشد علمی اسلامی و سپس به دوره علمی اروپای میانه وارد شده است؛ از آن پس و در طول قرون بعدی علم وارد دوره شکوفایی خود گردیده و راه رشد برق آسایی را طی نموده است؛ یافته های علمی بشر در طول یکی دو قرن اخیر به شکل و گونه ای وسیع زندگی بشر را متحول و به شکلی اعجاب آور دگرگون ساخته است.

فلسفه ابزار درک حقیقت است، و علم کشف دنیای مادی

(واقعیت) است؛ و دانش هر دو را در بر می گیرد

*- راه سوم کشف و شهود قلبی است

اهداف و وظایف بخش علم و دانش

جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به هدف برقراری صلح و عدالت، و رشد و توسعه همه جانبه مادی و معنوی جهانی که منتهای آرزوی بشر است تشکیل شده است، و اهداف و وظایف بخش علم و دانش آن عبارتند از:

- ۱/ آموزش همگانی و ریشه کنی بی سوادی، جهل، تعصب و شرارت در تمامی زمینه های علمی و اجتماعی
- ۲/ حفظ و کنترل بهداشت و سلامت جسمی و روحی جهانی.
- ۳/ حمایت از تأسیس سازمان های آموزشی در تمامی سطوح ابتدایی تا مقاطع عالی دانشگاهی.
- ۴/ تأسیس سازمان ها و مراکز تحقیقاتی بین المللی.
- ۵/ حمایت مادی و معنوی از دانشمندان، محققان، نوابع و مخترعان در تمامی زمینه های علمی و تحقیقی.
- ۶/

مدیریت و پاک سازی

بحث اصلی استاندارد هیومینیزم پاک سازی است! پاک سازی و قطع نفوذ ۱۰ درصد شیطانی از تمامی داشته های بشر! در همین راستا استاندارد هیومینیزم علاوه بر رایه فرهنگ اخلاقی فردی، اجتماعی و انسانی بین المللی، از طریق طراحی اصول انسان ساز پنج گانه خود (اصول استاندارد هیومینیزم)، تلاشی فراگیر دارد تا از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد، ناخالصی های وارد شده به علم و دانش بشری را نیز پاک، و در نتیجه راه را در جهت همکاری و تعامل بیشتر بشر از طریق علم و دانش انسانی فراهم آورد.

از نقطه نظر کلی، رشد علم در طول تاریخ و بخصوص در یکی دو قرن اخیر بسیار سریع و فراگیر بوده است؛ اما رشد سطح زندگی بشر از نظر اجتماعی و سطح زندگی و رفاه و سواد عمومی او بسیار ضعیف مانده است! بحث تحقیقات علمی یک بحث اساسی است، که لازم است بشر بطور مستمر آن را پی گیری کند و به یافته های بیشتری دسترسی پیدا کند، اما این نکته را نباید فراموش کرد که این یافته ها مربوط به بشریت است و می بایست مورد استفاده و فهم و درک همه بشر قرار گیرد تا سطح دانش انسانی را همگام و هماهنگ در تمام نقاط جهان بالا ببرد؛ در صورتی که در بخش های فقیر جهان به دلیل پایین بودن سطح سواد عمومی، بخشی از علم و رفتار علمی بدون استفاده بماند، نمی توان ادعا کرد که بشر از سطح علمی خوبی برخوردار است؛ علم عمومی هم زمان و هماهنگ با رشد علم تخصصی در همه ابعاد و زیرمجموعه های آن می بایست ارتقاء یافته تا درک علمی بشر در مجموع و بطور هماهنگ بالا رود؛ بی سواد ماندن مردم جهان در کشورهای جهان سوم و بخصوص در کشورهای فقیر رشد علمی بشر را سنگین و کند می کند؛ کافی است تصور کنید که تنها در بخش پزشکی و بهداشت، سواد عمومی بالا رود و مردم جهان مراقب بهداشت و سلامت جسمانی خود در اثر آموزش های صحیح بوده و بهداشت خود را رعایت کنند؛ به سادگی قابل درک است که بدین ترتیب بار سنگین مراقبت ها و معالجات بعدی سبک تر شده و علاوه بر صرفه جویی های مادی فرصت پرداختن به ارتقاء علمی بشر نیز بیشتر می گردد، و در نتیجه وقت و هزینه مالی بشر بطور مستمر صرف بهداشت عمومی جهان نخواهد شد؛ در این راستا و به عنوان اولین راه کار عاجل می بایست با طراحی دوره های آموزشی

ساده و مدون، مرحله به مرحله با شیوه‌های سرپایی و کوتاه‌مدت مطالبی ساده و علمی را به مردم مناطق محروم آموزش داد، تا بتدریج به آگاهی‌های عمومی دست یافته و در مورد مسایل مختلف فردی، بهداشتی و اجتماعی خود به سواد لازم برسند؛ این شیوهٔ عاجل در اسرع وقت و با صرف هزینهٔ بسیار کمتر و عملی‌تر و بدون درگیر کردن افراد فقیر در مناطق محروم - با سیستم‌های وقت‌گیر، و دست و پاگیر آموزشی کلاسیک - موجب ارتقاء سطح سواد و آگاهی عمومی اقشار محروم گشته، و در مجموع سطح سواد بشر را افزایش می‌دهد؛ افزایش سطح سواد عمومی جهان نسبت به مسایل بهداشتی و فردی و ارتباطات اجتماعی، و سواد و آگاهی‌های عمومی یک گام بشر را به سمت تفاهم بیشتر انسانی نیز سوق می‌دهد

ساده بودن مطالب درسی به همراه شیوه‌های اطلاع‌رسانی سریع و عاجل در مناطق محروم موجب می‌گردد که پروسهٔ علم‌آموزی با سرعت بیشتری همراه شده و خود را با حمایت بخش علم و دانش جامعهٔ جهانی انسان استاندارد به سطح مناسب و برابر جهانی برساند؛ این دوره‌های آموزشی کوتاه مدت می‌بایست شامل ترویج تمامی موضوعات آموزشی با هدف سوادآموزی، بهداشت، اطلاعات و آگاهی‌های دینی و اعتقادی سالم و ضد خرافه، فرهنگ و اخلاق فردی و صلح‌آمیز انسانی، اطلاعات عمومی، جغرافیا و تاریخ و ... همراه باشند؛ افزایش سطح آگاهی عمومی تضمینی است در جهت عدم استثمار و استعمار بشر.

رشد علمی بشر هماهنگ با رشد نظری و جهانی علم و بطور یکسان و برابر همراه نبوده است؛ بخش علم و دانش جامعهٔ جهانی انسان استاندارد با مدیریت ریشه‌ای و فراگیر خود این خلأ را پُر خواهد کرد، و با ارتقاء

سطح سواد عمومی و نیز تخصصی جهان به شکلی یکسان و برابر، سطح علمی دانش بشر را به سطح شایسته خود خواهد رساند،

از آنجایی که طبق سیستم پیشنهادی حکومتی انسان استاندارد مجلس‌های مردمی کشورهای جهان متشکل از نمایندگان از میان اساتید دانشگاهی تشکیل می‌گردند، و این گروه‌ها تأثیر بسیار زیادی بر ارائه و تصویب و قانون‌گذاری کشورهای متبوع خود دارند، در نتیجه توسعه آموزش عالی و سیستم‌های پیشرفته دانشگاهی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است

علم و دانش و زیرمجموعه‌های آن

زیرمجموعه‌های بخش علم و دانش جامعه جهانی از گستردگی خاصی برخوردار است؛ از آنجایی که اهداف بخش علم و دانش وسیع و فراگیر است، در نتیجه زیرمجموعه‌های آن تمام علم و دانش جهان را در بر می‌گیرد!

زیرمجموعه‌های بخش علم و دانش جامعه جهانی عبارتند از:

- ۱/ کمیته حمایت از سوادآموزی و فقر زدایی علمی و اجتماعی بین‌المللی.
- ۲/ کمیته آموزشی و اطلاع‌رسانی دفاع از حقوق اجتماعی بشر.
- ۳/ کمیته بهداشت و حفظ سلامت جسمی و روحی جهانی.
- ۴/ کمیته آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی.
- ۵/ کمیته ترویج و حمایت از مهارت‌های تکمیلی.
- ۶/ کمیته حمایت از اندیشمندان و مخترعان و نوابغ.
- ۷/ کمیته تخصصی شناسایی و جلوگیری از نفوذ جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان به عرصه علم و دانش.
- ۸/

بخش پنجم / اقتصاد و تجارت و کار

یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌های زندگی بشر - در کنار سعی و تلاش او در جهت برقراری یک حکومت عادل در طول تاریخ خود، و همچنین رسیدن به حقیقت و شناخت جهان، و یافتن راه و روش و شیوه برتر زندگی اجتماعی و معنوی - تلاش انسان در جهت ایجاد کار و معیشت زندگی‌اش بوده است؛ کار و کسب و معیشت و به دنبال آن کسب سود و گذران یک زندگی بدون فقر و درماندگی مهم‌ترین دغدغه انسان در طول تاریخ خود بوده، و البته همچون موارد دیگر زندگی‌اش در راه آن سختی‌های بسیار نیز کشیده، و به شکل‌های وسیعی مورد استثمار و ظلم قرار گرفته است.

تاریخ بشر شاهد تلاش مستمر او به منظور دستیابی به حداقل معیشت، که بتواند با آن زندگی خود را بگذراند بوده تا جایی که بخاطر فرار از فقر و دسترسی به غذا جنگ‌های بسیاری نیز به راه انداخته است! تا با تصرف دارایی‌های دیگران خود را از فقر و گرسنگی نجات دهد؛ بشر هرگز - حتی در دوران کنونی و با اینهمه امکانات و ثروت و تولیدات فراوان مواد غذایی - نتوانسته از گرسنگی و فقر نجات پیدا کند!

اشاره‌ای به تاریخ اقتصاد و تجارت جهان بشری

دنیای کار و کسب روزی و معاش، و در نهایت دنیای اقتصاد و تجارت بشر شاهد اُفت و خیزها و بالا و پایین‌های بسیاری بوده است؛ اختلاف طبقاتی، فقر و گرسنگی، ظلم و استثمار، بی‌سوادی و عقب‌ماندگی اجتماعی ریشه همه بدبختی‌های بشر بوده و می‌باشد؛ بشر هرگز

توانسته بر فقر خود غلبه کند، زیرا یا دانش لازم و مدیریت و علم کافی را در اختیار نداشته، و یا گرفتار زیاده‌خواهی‌ها و حرص و طمع‌هایی بوده که هرگز فرصت برقراری عدالت اقتصادی را برای او ایجاد و فراهم نکرده است.

بشر از طریق دستیابی به دانش اقتصاد و تولید و توزیع سعی نموده به نظامی عادلانه برسد تا بتواند با مدیریت صحیح منابع و دارایی‌های تولیدی خود بر مشکلات بیکاری و فقر خود غلبه کند؛ ...

اقتصاد دانشی است که با توجه به کمبود کالا و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالاها و تولیدات می‌پردازد؛ پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد مسأله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسان‌هاست؛ این دانش به دو بخش اصلی اقتصاد خرد و کلان تقسیم می‌گردد؛ از *آدم/سمیت* به عنوان پیشرو اقتصاد مدرن نام برده می‌شود؛ امروزه این علم با استفاده از مدل‌های ریاضی از سایر علوم انسانی فاصله گرفته است؛ برای نمونه: نظریه بازی‌ها که با استفاده از توپولوژی در حال گسترش است...؛ در زمینه اقتصاد کلان نیز معادلات دیفرانسیل و بهینه‌سازی توابع، مطلوبیت انتگرال با محدودیت معادلات دیفرانسیل معروف به معادلات هامیلتونی رواج دارد

اقتصاد خرد

اقتصاد خرد به بررسی رفتار اقتصادی انسان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نحوه توزیع تولیدات و درآمد در بین آنها می‌پردازد؛ اقتصاد خرد به اشخاص به عنوان کارگران و تولیدکنندگان سرمایه، و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی نگاه می‌کند؛ به صورت مشابهی به شرکت‌های اقتصادی به

عنوان مصرف کنندگان سرمایه و کار، و تولیدکنندگان محصول نگاه می کند؛ اقتصاد خرد در صدد است تا پیامد رفتار عقلایی در انسان ها را شناسایی کند؛ با توجه به محدودیت منابع (مثلاً نیروی کار، سرمایه، زمین، توانایی مدیریت و ...) انسان ها و بنگاه های اقتصادی مایل هستند که بیشترین استفاده را از منابع موجود ببرند؛ توابع عرضه، تقاضا، تولید، هزینه، بازارها، تعادل عمومی و اقتصاد رفاه در این بخش جای می گیرند.

اقتصاد کلان

اقتصاد کلان به بررسی مسایل اقتصادی در سطح کلان ملی یک کشور می پردازد؛ حیطه بررسی اقتصاد جهانی را اقتصاد بین الملل برعهده دارد؛ مسایلی از قبیل ثبات اقتصادی، توازن تراز بازرگانی خارجی، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، مخارج و درآمدهای دولت، رکود اقتصادی، بحران اقتصادی، بیکاری، فقر و اقتصاد توسعه، در این بخش مورد بررسی قرار می گیرند.

برخلاف اقتصاد خرد رفتارهای فردی شکل دهنده اقتصاد کلان نیست، هر چند که از جمع رفتارهای فردی شکل گرفته اند؛ کینز پدر علم اقتصاد نوین نمونه بارزی از آثار رفتار واحدی را در عرصه کلان و خرد ارائه داده است، که به تناقض پس انداز مشهور است؛ اگر افراد به صورت انفرادی پس انداز کنند در سال های بعد دارای امکانات و قدرت مالی بیشتری خواهند بود و خواهند توانست که از سرمایه جمع شده خود استفاده کنند، ولی اگر تمامی افراد جامعه هم زمان پس انداز خود را افزایش دهند و بخش بیشتری از درآمد خود را پس انداز نمایند مصرف کل اقتصاد پایین می آید، و این امر موجب کاهش تولید نیز خواهد شد،

که این امر به کاهش درآمد افراد در آینده منجر می‌شود؛ از اینرو افزایش پس‌انداز برای اشخاص مفید می‌تواند باشد، ولی برای جامعه به صورت کلی تأثیرات متفاوتی نسبت به تأثیرات فردی آن دارد.

نمونه دیگر: اگر شرکتی یک یا چند تن از پرسنل خود را با ماشین‌آلات جدید جایگزین نماید بی‌شک سود خواهد کرد و به نفع آن شرکت خواهد بود، ولی اگر تمامی شرکت‌ها به یکباره به این کار مبادرت ورزند بیکاری افزایش می‌یابد و موجب کاهش درآمد ملی و در نتیجه کاهش تقاضا برای تولیدات شرکت‌ها شده و سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد؛ از اینرو تأثیرات سطح کلان می‌تواند با تأثیرات در سطح خرد متضاد باشد؛ ...

زیرشاخه‌های علم اقتصاد

اقتصاد رسانه، اقتصاد سیاسی، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد رفاه، اقتصاد صنعتی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد عمومی، اقتصاد منابع طبیعی، اقتصاد محیط‌زیست، اقتصاد انرژی، اقتصاد توسعه، اقتصاد شهری، اقتصاد منطقه‌ای، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد مدیریت، اقتصاد منابع پایان‌پذیر، اقتصاد حمل‌ونقل، اقتصاد نظری، اقتصاد منابع تجدیدپذیر، اقتصاد ریاضی، اقتصاد مهندسی، اقتصاد ورزش، اقتصاد سلامت، اقتصاد آموزش و پرورش، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد جمعیت، اقتصاد جنگل، ...

مکاتب اقتصادی

اخلاق‌گرایی اقتصادی (مکتب اسکولاستیک)، مکتب سوداگری (مرکانتی‌لیسم)، مکتب اصالت طبیعت (فیزیوکراسی)، مکتب اقتصادی

کلاسیک (سنت گرایی اقتصادی)، مکتب نهاد گرایی، مکتب تاریخی قدیم، سوسیالیسم اقتصادی، نیوکلاسیسم (مارژینالیسم یا نهایی گرایی)، مکتب کینز، نیولیبرالیسم، نیوکینزیسم، مکتب شیکاگو (مانیتاریسم یا پول محوری)، کلاسیک های جدید، کینزگرایان جدید، ساختارگرایان، مکتب اتریش، مکتب طرفداران طرف عرضه، مکتب دوره های تجاری حقیقی، نظریه های اقتصادی حکیمان یونان باستان،

نظام های اقتصادی

برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری، امپریالیسم، سوسیالیسم، و

اهداف و وظایف بخش اقتصاد و تجارت

جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به هدف برقراری صلح و عدالت، و رشد و توسعه همه جانبه مادی و معنوی جهانی که منتهای آرزوی بشر است تشکیل شده است، و اهداف و وظایف بخش اقتصاد و تجارت آن عبارتند از:

- ۱/ ایجاد زمینه های همکاری در بخش های اقتصادی و تجارت بین الملل.
- ۲/ مطالعه و بالانس تولید جهانی در بین کشورهای جهان.
- ۳/ تقویت و توسعه صنعت و همکاری های صنعتی بین المللی.
- ۴/ پشتیبانی و تولید محصولات استراتژیک و توزیع آن به همه جهان.
- ۵/ ایجاد زمینه های اشتغال و امنیت شغلی بین المللی.
- ۶/ حمایت از بخش های ضعیف جهان و کمک به تأمین عدالت اجتماعی، و برخورداری از حداقل نیازهای زندگی انسانی.
- ۷/ کنترل و محو فقر جهانی.

۸/ ترویج و توسعه کشاورزی در ابعاد وسیع جهانی.

۹/ توسعه صنعت و تکنولوژی.

۱۰/ تأمین انرژی و توسعه انرژی‌های پاک.

۱۱/

مدیریت و پاک‌سازی

بحث اصلی استاندارد هیومنیزم پاک‌سازی است! پاک‌سازی و قطع نفوذ ۱۰ درصد شیطانی از تمامی داشته‌های بشر! در همین راستا استاندارد هیومنیزم علاوه بر رایه فرهنگ اخلاقی فردی، اجتماعی و انسانی بین‌المللی، از طریق طراحی اصول انسان‌ساز پنج‌گانه خود (اصول استاندارد هیومنیزم)، تلاشی فراگیر دارد تا از طریق جامعه جهانی انسان استاندارد، ناخالصی‌های وارد شده به اقتصاد و تجارت بشری را نیز پاک، و در نتیجه راه را در جهت همکاری و تعامل بیشتر بشر از طریق اقتصاد و تجارت انسانی فراهم آورد.

همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای جهان، نظام عادلانه تولید و توزیع، ایجاد امنیت و امکانات شغلی و کسب درآمد و غیره، مشکل فقر و بیکاری را تا حد زیادی در جوامع بشری و در دنیای مدرن کنونی از بین برده است؛ اما آیا مردم جهان از عدالت اقتصادی و حق بهره‌مندی از منابع جهان بشری به شکلی مناسب و صحیح برخوردار هستند؟ آیا در ثروتمندترین کشورهای جهان فقر و بیکاری ریشه‌کن شده است؟! آیا تجارت و همکاری‌های بین‌المللی توانسته است کشورهای فقیر را نیز تحت پوشش قرار داده، و آنها را از امکان

برخورداری از یک زندگی امن انسانی - بدون نگرانی از بیکارشدن و گرسنگی - بهره‌مند سازد؟

تا کی و چه وقت بشر می‌بایست شاهد فقر و بیکاری و در نتیجه شاهد پیامدهای شوم آن مثل دزدی، آدم‌کشی، روکردن به مواد مخدر، رشد قاچاق مواد مخدر و اسلحه (به اشکال مختلف) و از همه عجیب‌تر و فراگیرتر تروریسم باشد؟! شاید عجیب به نظر برسد اما شاید نیمی از شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در انواع شکل‌های آن به دلیل بیکاری است! بیکاری در مناطق محروم جهان ذهنیت‌های منفی و شوم را تحریک و به سمت ایجاد و شکل‌گیری انواع جرم‌ها و جنایات، و شکل‌گیری باندهای قاچاق، و در نهایت شکل‌گیری و ایجاد گروه‌های تروریستی می‌کشاند، که در نتیجه جهان بشری را با انواع رنج‌ها و خطرهای پی‌آمدهای فجیع و تلخ و شوم آن روبرو و درگیر می‌گرداند.

ظلم جهانی و قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی - توأم با استثمار کشورهای فقیر - و در نتیجه بروز بی‌عدالتی در زندگی بشر موجب می‌گردد تا کشورهای فقیر گشته و نیروهای شایسته و توانای آنها فقیر و بیکار گردند! این بیکاری ذهن انسان دردمند و ظلم‌دیده را به هزار کار غیرقانونی و غیرانسانی می‌کشاند، که یکی از آنها قاچاق (به انواع و اشکال مختلف آن) است، و دیگری شکل‌گیری تفکرات اصلاح‌طلبانه جهانی در بین گروه‌های رنج‌دیده؛ این گروه‌ها که از افراد مستعد و بیکار تشکیل می‌شوند به گونه‌ای شکل می‌گیرند که منطقه خود را ناامن کرده، و بتدریج با نفوذ به مناطق دیگر - از طریق نفوذ ایده‌ئولوژیکی - تبدیل به تهدید و خطری جهانی می‌شوند که بشریت را هدف خود قرار می‌دهند؛ از یک طرف صلح و ثبات جهانی را به خطر می‌اندازند، و از طرف دیگر ادعای اصلاح

جهانی به شیوه و روش خود می‌کنند! یقیناً ایده‌نولوژی آنها و تفکر آنها یک تفکر جهان‌شمول نخواهد بود، زیرا که برخاسته از حس انتقام‌جویی و تصورات برتری‌جویانه است؛ اما به هر صورت تبدیل به گروهی مدعی می‌شوند که جهان را با ایجاد ناامنی به آشوب و هرج و مرج می‌کشانند.

در یک دنیای سالم چنین افکار اصلاحی و چنین گروه‌های مدعی هرگز شکل نمی‌گیرند و ایجاد نمی‌شوند؛ اگر دنیا به روالی عادی و صحیح به پیش رود و مدیریت جهان ظرفیت بالایی از خود نشان دهد، هرگز چند نفر از روی بیکاری به فکر اصلاح جهان نخواهند افتاد! و در نتیجه همچون افراد و یا متفکران دیگر به کار خود مشغول خواهند بود؛ در یک وضعیت آرام، و در شرایط برقراری و وجود یک زندگی سالم انسانی، هرگز در ذهن اینگونه افراد تصویری که بالاتر از ظرفیت‌های ذهنی آنها باشد، شکل نخواهد گرفت؛ زمانیکه مدیران جوامع انسانی نتوانند حداقل عدالت انسانی را در تمامی بخش‌های زندگی انسانی و در جامعه جهانی برقرار کنند، طبیعی است که هر گروه کوچک و بزرگی مدعی شود که می‌تواند با ایده‌نولوژی خود جهان بشری را اصلاح کند! از همه بدتر اینکه در دنیایی که گرفتار ضعف‌های مدیریتی است، فکر و وقت همه بشر درگیر اصلاح و سازندگی می‌گردد؛ و در نهایت کل دنیا به سمت ناآرامی و تنش وسیع سوق پیدا می‌کند، ...

توزیع عادلانه ثروت، ایجاد کار و امنیت شغلی، عدالت اجتماعی و ... امنیت و آرامشی را در جهان برقرار خواهد کرد، که علاوه بر عدم شکل‌گیری گروه‌های مدعی بر اصلاح جهانی، حتی ادیان و تمامی تفکرات موجه جهانی را نیز به آرامش خواهد رساند! در جامعه‌ای که قانونی فراگیر و انسانی که حق همه را محفوظ بدارد حاکم باشد، در واقع بخش عظیمی

از تنش‌های عقیدتی، و برتری‌جویی‌ها، ادعاها، بحث‌ها و نظریه‌ها محو و خنثی شده و بشر آرام می‌شود، و می‌تواند زندگی برتر خود را شروع و تجربه کند!

گروهی دانشمند و متخصص و انسان‌های سالم و شریف را در نظر بگیرید که مشکلی همه آنها را از کار بازداشته و اسیر خود کرده است، بازده کاری این افراد تا زمانیکه درگیر حل آن مشکل هستند بسیار کم خواهد بود، اما زمانیکه مشکل حل شد و آنها با تمرکز به کار و زندگی خود پرداختند، خواهند توانست با آرامش و تمرکز به پیشرفت‌های عظیمی نایل شوند؛ بشر در طول تاریخ زندگی خود همیشه با مشکلات دست و پاگیر بی‌شماری درگیر بوده که فرصت زندگی انسانی را از او گرفته است؛ پس در نتیجه با حل مشکل خود از طریق تفکر و مدیریتی فراگیر و انسانی خواهد توانست به آرامش و رضایت واقعی خود رسیده، و مشغول به زندگی سالم انسانی خود، توأم با توجه و تلاش به منظور رسیدن به افق‌های عظیم‌تر مادی و معنوی گردد.

مدیریت صحیح، آیین‌های سالم و بدور از تفرقه و برتری‌جویی، فرهنگ‌های زیبا، علم و دانش، و اقتصاد و تجارت پویا، جهان بشری را به سعادت همه‌جانبه و شایسته انسانی خواهد رساند.

اقتصاد و تجارت و زیرمجموعه‌های آن

زیرمجموعه‌های بخش اقتصاد و تجارت جامعه جهانی از گستردگی خاصی برخوردار است؛ از آنجایی که اهداف بخش اقتصاد و تجارت وسیع و فراگیر است، در نتیجه زیرمجموعه‌های آن تمام اقتصاد و تجارت جهان را شامل می‌شود!

زیر مجموعه‌های بخش اقتصاد و تجارت جامعه جهانی عبارتند از:

- ۱/ کمیته مطالعاتی اقتصاد و تجارت و همکاری‌های تجاری جهانی.
- ۲/ کمیته تعیین و تشخیص ظرفیت‌های تخصیص و تولید جهانی.
- ۳/ کمیته تأمین اشتغال و کاریابی جهانی.
- ۴/ صندوق ثروت جهانی و حمایت مالی از نوسازی کره زمین.
- ۵/ صندوق بین‌المللی حفظ امنیت جهانی.
- ۶/ صندوق بین‌المللی مطالعات و تحقیقات زندگی انسانی در کره زمین و کرات دیگر.
- ۷/ صندوق بین‌المللی حوادث غیر مترقبه و فقر زدایی.
- ۸/ کمیته حمایت و تأمین منابع مالی ساخت جاده‌ها و خطوط حمل و نقل بین‌المللی.
- ۹/ کمیته حمایت و تأمین انرژی‌های پاک.
- ۱۰/ بورس جهانی.
- ۱۱/ کمیته تخصصی شناسایی و جلوگیری از نفوذ جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان به عرصه اقتصاد و تجارت.
- ۱۲/

اهداف و وظایف پنج بخش مدیریتی جامعه جهانی و زیر مجموعه‌های آنها بسیار گسترده‌تر و کامل‌تر از آنچه که در این بخش بطور مختصر ذکر گردیده می‌باشد؛ در نتیجه امید است پس از تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد و بررسی‌های کارشناسانه جهانی، سیستم جامع جامعه جهانی انسان استاندارد تدوین شده و حرکت جهانی خود را به سمت ایجاد یک جهان عظیم و کامل انسانی آغاز کند.

نتیجه گیری نهایی

بخش سوم نتیجه‌گیری نهایی

مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته

اولین تلاش‌های بشر در زمینه تفاهم و دوستی بین‌المللی میان کشورهای جهان، و در نتیجه حرکت بشر به سمت ایجاد سازمان‌های مشروع بین‌المللی، حفظ صلح جهانی، توسعه همکاری‌های تجاری، اقتصادی، بهداشتی و غیره، از قرن نوزدهم میلادی به شکلی جدی آغاز، و از سال ۱۹۱۹ بطور رسمی و با تأسیس جامعه ملل وارد مرحله اصلی و بین‌المللی خود گردید؛ این حرکت جهانی اولین نقطه عطف رسمی بین‌المللی در جهت تفاهم و اتحاد بشر بود، و از زمانی شروع شد که بشر به منظور نجات خود از وقوع جنگ‌های نابودگر بین‌المللی به درک تشکیل مجامع محافظ امنیت و صلح جهانی رسید؛ جامعه ملل دستاوردهای ارزشمندی برای بشریت داشت، و مهمترین آن این بود که توانست این تفکر را در ذهن کشورها و ملت‌های جهان ایجاد کند که در مسیر حل مشکلات بزرگ بشری و همچنین حفظ صلح جهانی لازم است تا با هم متحد باشند؛ در مرحله و قدم دوم بشر تشکیلات

گسترده‌تری را ایجاد کرد (سازمان ملل متحد) تا بتواند به دستاوردهای بزرگ‌تر و پایدارتری در حل مسایل جهانی و جلوگیری از وقوع جنگ‌های فراگیر دست یابد؛ جامعه ملل اولین ارگان رسمی جهان بشری بود و طبیعتاً در کنار دستاوردهای ارزشمند خود کاستی‌هایی هم داشت؛ در نتیجه سازمان ملل متحد با چهره‌ای جدیدتر و ابعادی وسیع‌تر پس از انحلال جامعه ملل تأسیس گردید؛ سازمان ملل متحد پوشش جهانی کامل‌تری به خود گرفت و به دستاوردهای بسیار ارزشمندی در زمینه‌های حفظ صلح جهانی، توسعه روابط دوستانه بین ملل جهان، توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری، حمایت از حقوق بشر، توسعه بهداشت جهانی، توسعه همکاری‌های فرهنگی هنری و آموزشی، حمایت از حقوق کارگران و بنگاه‌های کارگری، تأسیس صندوق بین‌المللی پول، و بسیاری دستاوردها و اهداف دیگر، در جهت حمایت از جامعه بشری و از طریق کمیته‌های مختلف خود رسید.

جامعه ملل که در سال ۱۹۱۹ تأسیس شده بود به دلیل ضعف‌هایی که در کنترل و مهار مشکلات بین‌المللی داشت پس از ۲۷ سال فعالیت و تلاش ارزشمند منحل گردید (۱۹۴۶)؛ در این بین سازمان ملل متحد با چهره جدیدتر و اختیارات و توانایی‌های وسیع‌تر، از سال ۱۹۴۵ و پس از جنگ دوم جهانی بطور رسمی تأسیس شد؛ اما سازمان ملل متحد نیز هر چند از ابعاد و تشکیلات وسیعی برخوردار است، همچنان بنظر می‌رسد برای کنترل و مدیریت جهان بشری، سیستم و توانایی‌های تشکیلاتی لازم را دارا نیست؛ در نتیجه در طول یکی دو دهه اخیر از طرف کشورها و مراکز بین‌المللی جهان پیشنهادهاتی در جهت اصلاح ساختار آن ارائه گردیده و پی‌گیری می‌شود.

بشر با درک صحیح خود از تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، و در نتیجه کنترل و مدیریت جهان خود، از طریق تفاهم و گفتگو و رعایت حقوق همهٔ بشر - از حق برخورداری از یک زندگی صلح‌آمیز بدون جنگ و تنش - وارد دنیایی انسانی شده است، که راه رشد همه‌جانبهٔ او از طریق همکاری‌های بین‌المللی را تضمین و فراهم کرده است؛ این درک و دست‌آورد بشری از زمانی آغاز شد که بشر متوجه گردید که به هیچ شکل و روشی نمی‌توان همهٔ بشر را تحت کنترل خود، و عقیده و سیاست خود درآورد؛ همان چیزی که در طول قرن‌ها بدنالش بود و هرگز و به هیچ شکل و طریقی به آن دست نیافت، و جز جنایت و ظلم بر سابقهٔ خود نیفزود! به هر حال این درک ارزش‌های عظیم انسانی دارد و بشر می‌بایست با اصلاح و تقویت مدیریت جهانی، راه نفوذ قدرت‌طلبان جاهل را برای ابد از زندگی بشر قطع کرده و صلح و آرامش توأم با پیشرفت‌های عظیم مادی و معنوی خود را تضمین و جاودانی کند، هر چند که هنوز در این امر بسیار ضعیف است، زیرا که:

اشاره‌ای به جنگ‌ها و قدرت‌طلبی‌های اخیر تاریخ بشری، با هدف برتری‌جویی‌های سیاسی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و علمی ...















تاریخ بشر شاهد جنگ‌ها، قدرت‌طلبی‌ها و سلطه‌جویی‌های بسیار وسیع و بی‌شماری، به منظور تسلط بر زندگی دیگران، و در نتیجه اعمال نظرات و عقاید خود، و در نهایت حکومت بر جهان بشری بوده است؛ موارد زیر تنها اشاره‌ای است اجمالی از طریق معرفی سایت‌های اینترنتی به ذکر برخی از آنها در دوران معاصر کنونی:

- 1/ http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Wars_by_type
- 2/ http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_war
- 3/ http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion_and_violence
- 4/ http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion-based_wars
- 5/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars
- 6/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_invasions
- 7/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_treaties
- 8/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars_and_disasters_by_death_toll
- 9/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_ongoing_conflicts
- 10/ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars_2003current:


لیست جنگ‌هایی که از سال ۲۰۰۳ به اینطرف به وقوع پیوسته‌اند






























This is a list of wars launched from 2003 onwards

(Other wars can be found in the historical lists of wars and the list of wars extended by diplomatic irregularity.)



Start	Finish	Name of Conflict	Belligerents	
			Victorious party (if applicable)	Defeated party (if applicable)
2003	2009	<u>War in Darfur</u>		
2003	2003	<u>2003 invasion of Iraq</u>	 United States  United Kingdom  Australia  Poland  KDP  PUK  INC	 Iraq  Syrian volunteers  Arab volunteers  Ansar al-Islam  Foreign Volunteers
2003	2010	<u>Iraq War</u>		
2004	Ongoing	<u>Baluchistan conflict</u>		
2004	Ongoing	<u>War in North-West Pakistan</u>		
2004	Ongoing	<u>Iran–Party for a Free Life in Kurdistan conflict</u>		
2004	2004	<u>2004 Haitian rebellion</u>	 United States	 Haiti










نتیجه‌گیری نهایی: مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته ۲۲۱

			 <u>United Nations Stabilization Mission in Haiti</u> <u>National Revolutionary Front for the Liberation of Haiti</u>	
2004	2007	<u>Central African Republic Bush War</u>	   <u>MINURCAT</u> <u>MICOPAX (CEEAC)</u>	<u>UFDR rebels</u> <u>APRD rebels</u> <u>CPJP rebels</u> <u>FDPC rebels</u> <u>MLCJ rebels</u>
2004	2004	<u>Operation Rainbow</u>	 <u>Israel</u>	 <u>Hamas</u> <u>Islamic Jihad</u> <u>PRC</u>
2004	2010	<u>Sa'dah insurgency</u>		
2004	2009	<u>Conflict in the Niger Delta</u>		
2004	Ongoing	<u>South Thailand insurgency</u>		
2004	2004	<u>Operation Days of Penitence</u>	 <u>Israel</u>	 <u>Hamas</u>
2004	2004	<u>2004 French-Ivorian clashes</u>	 <u>France</u>	 <u>Côte d'Ivoire</u>
2004	2009	<u>Kivu conflict</u>		
2005	Ongoing	<u>Civil war in Chad (2005–present)</u>		
2005	2008	<u>Mount Elgon insurgency</u>	 <u>Kenya</u>	<u>Sabaot Land Defense Force</u>
2006	Ongoing	<u>Mexican Drug War</u>		
2006	2006	<u>Operation Summer Rains</u>	 <u>Israel</u>	 <u>Hamas</u> <u>Fatah (Al-Aqsa Martyrs' Brigades & Tanzim)</u> <u>PRC</u> <u>Islamic Jihad</u> <u>Palestinian Army of Islam</u>
2006	2006	<u>2006 Lebanon War</u>	Both sides claim victory	
2006	2006	<u>Operation Astute</u>	     <u>East Timor (Government Troops)</u>  <u>UNMIT soldiers</u>	<u>Renegade elements of the FDTL</u>

2006	2009	<u>War in Somalia (2006–2009)</u>	<p>2006-2008 Invasion and Insurgency</p>  Ethiopia  Transitional Federal Government  Punt land  Galmudug  pro-Ethiopian warlords  United States  United Kingdom <p>AMISOM:</p> <ul style="list-style-type: none"> ●  Uganda ●  Burundi ●  Kenya <p>After 2009 Ethiopian withdrawal</p>  Alliance for the Re-liberation of Somalia  al-Shabaab  Ras Kamboni Brigades  Jabhatul Islamiya  Muaskar Anole  Eritrea (alleged)	 Islamic Courts Union
2006	2009	<u>Fatah– Hamas conflict</u>	 Hamas	Fatah
2007	Ongoing	<u>Operation Enduring Freedom – Trans Sahara</u>		
2007	2009	<u>Tuareg Rebellion (2007–2009)</u>		
2007	2007	<u>2007 Lebanon conflict</u>	 Lebanon	 Fatah al-Islam  Jund al-Sham
2007	Ongoing	<u>Civil war in Ingushetia</u>		
2007	2008	<u>2007–2008 Kenyan crisis</u>	 Kenya	
2008	2008	<u>Operation Hot Winter</u>	 Israel	 Hamas
2008	2008	<u>2008 Mardakert skirmishes</u>		
2008	2008	<u>2008 invasion of Anjouan</u>	<p> Comoros</p> <p>African Union:</p> <ul style="list-style-type: none"> ●  Sudan ●  Tanzania ●  Senegal 	 Anjouan

نتیجه‌گیری نهایی: مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته ۲۲۳

			 Libya  France ^[1]	
2008	2008	<u>2008 conflict in Lebanon</u>	 Hezbollah  Amal Movement  Syrian Social Nationalist Party  Free Patriotic Movement  Lebanese Democratic Party	 Future Movement  Progressive Socialist Party
2008	Ongoing	<u>Cambodian–Thai border stand-off</u>		
2008	2008	<u>Djiboutian–Eritrean border conflict</u>	 Djibouti	 Eritrea
2008	2008	<u>2008 South Ossetia war</u>	 Russia  South Ossetia  Abkhazia	 Georgia
2008	2009	<u>Gaza War</u>	 Israel	 Hamas Al-Qassam Brigades Al-Aqsa Martyrs' Brigades Abu Ali Mustapha Brigades Islamic Jihad Al-Quds Brigades PRC Other
2009	Ongoing	<u>Sudanese nomadic conflicts</u>		
2009	Ongoing	<u>Insurgency in the North Caucasus</u>		
2009	Ongoing	<u>War in Somalia (2009–)</u>		
2009	2009	<u>2009 Nigerian sectarian violence</u>	 Nigeria	 Boko Haram
2009	Ongoing	<u>South Yemen insurgency (2009–present)</u>		
2010	Ongoing	<u>Yemeni al-Qaeda crackdown</u>		
2010	2010	<u>2010 Eritrea–Ethiopia border skirmish</u>	 Eritrea	 Ethiopia

2010	2010	<u>2010 South Darfur clash</u>		
2010	2010	<u>2010 South Kyrgyzstan riots</u>	 Kyrgyzstan	<p>Kyrgyzstani Kyrgyz gangs</p> <ul style="list-style-type: none"> ● Pro-Bakiyev Kyrgyz <p>Other pro- Bakiyev forces</p> <ul style="list-style-type: none"> ● <u>Tajik contractors</u> ● <u>Tajikistani Tajiks</u> ● <u>Russian Tajiks</u> ● <u>Other mercenaries</u> <p><u>Uzbekistani Kyrgyz</u></p> <ul style="list-style-type: none"> ● <u>Sokh Uzbekistani Kyrgyz</u>¹ ● <u>Sogment Uzbekistani Kyrgyz</u> <p> <u>Islamic Movement of Uzbekistan</u> (alleged)</p> <hr/> <p>Kyrgyzstani Uzbeks</p> <ul style="list-style-type: none"> ● Pro-provisional <u>government</u> civilians <p><u>Uzbekistani Uzbek</u> civilians</p> <ul style="list-style-type: none"> ● <u>Sokh Uzbekistani Uzbeks</u> <p> <u>Uzbekistan</u> (limited involve.)</p>
2010	2010	<u>2010 Kingston conflict</u>	 Jamaica	<u>Shower Posse</u> drug cartel
2010	2010	<u>2010 Mardakert skirmish</u>	 Nagorno-Karabakh  Armenia	 Azerbaijan
2010	2010	<u>2010 Israel-Lebanon border clash</u>	 Israel	 Lebanon

References (From Wikipedia, the free encyclopedia. 03/09/2010):

1. [^] AFP (2008-03-25). "African forces invade rebel Comoros island". Relief Web. <http://reliefweb.int/rw/rwb.nsf/db900sid/MMAH-7D39UC?OpenDocument>. Retrieved 2008-10-01.

در اثر جنگ‌ها و درگیری‌های کوچک و بزرگ یکی دو قرن اخیر، ده‌ها و صدها میلیون نفر از مردم بی‌گناه جهان کشته، و یا بی‌خانمان و آواره شده‌اند؛ ظلم و جنایاتی که از این طریق بر بشریت تحمیل شده است باور کردنی و قابل تصور نیست؛ و این همان چیزی است که در

نتیجه‌گیری نهایی: مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته ۲۲۵

اثر خودخواهی و قدرت‌طلبی ۱۰ درصد شیطانی به منظور کسب قدرت و تسلط بر زندگی بشر مظلوم رخ داده و انجام شده است! ...

*اشاره‌ای به اقدامات و تلاش‌های انسانی بشر، به منظور
تنش‌زدایی و برقراری صلح و آرامش فراگیر، از طریق تأسیس
سازمان‌های بین‌المللی و اقدامات جهانی و ...*

بشر در طول تاریخ خود، و از طریق فراخوانی‌های صلح‌آمیز دینی و یا سیاسی و فرهنگی، تلاش نموده تا آرامش و رشد انسانی را در زندگی خود ایجاد و برقرار کند، اما در طی یکی دو قرن اخیر این تلاش‌ها گسترده‌تر شده است؛ در ذیل مطلب اشاره‌ای - فهرست‌وار و از طریق رایه‌آدرس‌های اینترنتی - به اقدامات اخیر بشر در جهت برقراری صلح و همکاری‌های بین‌المللی ارائه می‌گردد:

- 1/ http://en.wikipedia.org/wiki/League_of_Nations
- 2/ http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations
- 3/ http://en.wikipedia.org/wiki/World_Federalist_Movement
- 4/ http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Global_Compact
- 5/ http://en.wikipedia.org/wiki/Dialogue_Among_Civilizations
- 6/ http://en.wikipedia.org/wiki/Interfaith_dialog
- 7/ http://en.wikipedia.org/wiki/Institute_for_Interreligious_Dialogue
- 8/ http://en.wikipedia.org/wiki/Peace_movement
- 9/ http://en.wikipedia.org/wiki/Global_citizenship
- 10/ http://en.wikipedia.org/wiki/Parliament_of_the_World's_Religions
- 11/ http://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_World_Federalists
- 12/ http://en.wikipedia.org/wiki/World_government
- 13/ http://en.wikipedia.org/wiki/World_Social_Forum
- 14/ http://en.wikipedia.org/wiki/Earth_Charter
- 15/ http://en.wikipedia.org/wiki/University_for_Peace
- 16/ <http://en.wikipedia.org/wiki/Alter-globalization>
- 17/ http://en.wikipedia.org/wiki/Global_governance
- 18/ http://en.wikipedia.org/wiki/World_Peace
- 19/ http://en.wikipedia.org/wiki/Global_Peace_Index

20/ [http://en.wikipedia.org/wiki/1973 World Congress of Peace Forces](http://en.wikipedia.org/wiki/1973_World_Congress_of_Peace_Forces)

21/ <http://worldparliament-gov.org>

...

همچنین در زمینه حفظ حقوق بشر اقدامات زیر انجام شده است:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Universal Declaration of Human Rights](http://en.wikipedia.org/wiki/Universal_Declaration_of_Human_Rights)

- [History of human rights](#)
- [Human Rights](#)
- [Humphrey Draft of the Universal Declaration of Human Rights](#)
- [Portal: Human rights](#)
- [Timeline of young people's rights in the United Kingdom](#)
- [Timeline of young people's rights in the United States](#)
- [Declaration of Human Duties and Responsibilities](#)

Celebration of the 60th Anniversary of UDHR

- [Maryland Law UDHR 60 Conference](#) – 23–25 October 2008
- [UDHR 60 Connecticut Conference](#) – December 2008
- [Know Your Rights 2008](#)
- [Youth Celebrate the 60th Anniversary of the UDHR](#) CASHRA, the John Humphrey Centre and TakingITGlobal join forces
- [Interfaith Cooperation and the Protection of Human Rights and Dignity](#). Event celebrating the 60th anniversary of the UN-UDHR

Non-binding agreements

- [Cairo Declaration on Human Rights in Islam](#), 1990
- [Vienna Declaration and Program of Action](#), 1993
- [United Nations Millennium Declaration](#), 2000
- [Declaration on the Rights of Indigenous Peoples](#), 2007

National human rights law

- [Golden Bull](#), Hungary, 1222
- [English Bill of Rights](#) and [Scottish Claim of Right](#), 1689
- [Virginia Declaration of Rights](#), June 1776
- [United States Bill of Rights](#), completed in 1789, approved in 1791
- [Declaration of the Rights of Man and of the Citizen](#), France 1789
- [Canadian Charter of Rights and Freedoms](#), 1982

نتیجه‌گیری نهایی: مختصری در مورد جهانی شدن بشر در یکصد سال گذشته ۲۲۷

International human rights law

- European Convention on Human Rights, 1950
- Convention Relating to the Status of Refugees, 1954
- Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1969
- International Covenant on Civil and Political Rights, 1976
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1976
- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, 1981
- Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989
- Convention on the Rights of the Child, 1990
- Charter of Fundamental Rights of the European Union, 2000

Rights of peoples

- African Charter on Human and Peoples' Rights
- African Commission on Human and Peoples' Rights
- African Court on Human and Peoples' Rights
- Declaration of the Rights of the Negro Peoples of the World
- Declaration of Rights of Peoples of Russia
- Declaration on the Rights of Indigenous Peoples
- Judges of the African Court on Human and Peoples' Rights
- Universal Declaration of the Rights of Peoples
- Universal Declaration on the Rights of Peoples

Rights of future generations

- Foundation for the Rights of Future Generations

Linguistic rights

Universal Declaration of Linguistic Rights

در طول یک قرن اخیر هر قدر جنگ‌ها و درگیری‌ها بیشتر گردیده
تلاش‌های بشر در حل آنها نیز بیشتر شده است، اما به نظر می‌آید این
تلاش‌ها و اقدامات هرگز پایان‌پذیر نمی‌باشند! ...

ضرورت تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد

استانداردهیومنیزم تفکر جدیدی بر مبنای احترام به عقاید یکدیگر است، با هدف زندگی بین المللی بر مبنای صلح و اتحاد بین المللی انسانی؛ استاندارد هیومنیزم عمیقاً اعتقاد دارد که ما بهترین انسان ها هستیم و شایسته گذران بهترین زندگی کامل انسانی؛ در نتیجه می بایست به منظور رسیدن به جهان شایسته انسانی خود در درجه اول به کامل ترین شکل ممکن به یکدیگر احترام گذاشته و حق همدیگر را محترم شمیریم؛ از نظر استاندارد هیومنیزم تمامی داشته های مثبت جهان بشری حقایقی هستند مخلوق پروردگار جهان و محترم، در نتیجه خود احترام گذاشتن نیز مخلوق است و مورد احترام! یک انسان نمونه و شایسته که حق خود و حد خود را می داند، و در جهان انسانی آن را رعایت می کند، در نتیجه به شکل برابر به حق دیگران و حد دیگران نیز احترام می گذارد و حقوق انسانی همه بشر در برخورداری از یک زندگی شایسته انسانی را قانونی و قابل قبول دانسته و رعایت می کند.

از نظر استاندارد هیومنیزم تمامی داشته های مثبت جهان بشری حقیقت هستند و مشروع، و برخورداری از آنها حق همه بشر است، در نتیجه به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد به منظور دستیابی به تمامی داشته های بشری به نفع تمام بشر ایمان و اعتقاد دارد؛ زیرا تنها از طریق یک جامعه فراگیر انسانی است که حق همه مردم جهان در برخورداری از حقوق خود میسر می گردد.

طبق تفکر انسان استاندارد:

۱/ مدیریت و سیاست جهان حقیقت است، در نتیجه همه مردم جهان می‌بایست از یک حکومت و مدیریت انسانی و بدور از نفوذ ۱۰ درصد شیطانی برخوردار گردند؛ حکومتی که بهترین و موفق‌ترین جامعه انسانی را با هدایت و کنترل خود بسازد، و شرایط رشد و توسعه مادی و معنوی منطقه‌ای و جهانی را فراهم آورد.

۲/ ادیان و عقاید، و افکار و آیین‌های بشری حقیقت است، در نتیجه تمام بشر باید از داشتن بهترین و خالص‌ترین عقاید بر طبق تشخیص و نیاز خود بهره‌مند گردند، و نیازهای متعالی روحی و معنوی و اجتماعی خود را از طریق آنها برآورده سازند.

۳/ فرهنگ و هنر، و آداب و رسوم جهان حقیقت است، در نتیجه به زیباترین، و اصیل، پویا و مدرن‌ترین شکل ممکن خود می‌بایست احیاء شده و شکل و رنگ دنیا را زیبا و دگرگون کنند؛ این حق ملل جهان است که با استفاده از تمامی داشته‌های فرهنگی خود، زندگی خود را به شکلی زیبا طراحی کنند و بگذرانند.

۴/ علم و دانش جهان حقیقت است، در نتیجه همه مردم جهان می‌بایست از مواهب علم و دانش، و روشنی و رشدی که به زندگی بشر می‌دهد بهره‌مند گردند.

۵/ اقتصاد و تجارت جهان حقیقت است، در نتیجه همه مردم جهان می‌بایست از شرایط کار و تجارت و فعالیت‌های اقتصادی سالم بهره‌مند گشته، و از گرسنگی، فقر، رنج و استثمار نجات و رهایی یابند.

انسان استاندارد انسانی است بطور مطلق عادل و حقیقت جو ...

اینها حقوق اصلی و ابتدایی و نیازهای لازم و ضروری بشر هستند؛ تمامی بشر بطور مساوی حق دارند از مواهب این حقوق بهره برده و از زندگی مناسب انسانی برخوردار گردند؛ **مسئولیت ایجاد زمینه‌های عملی تحقق این حقوق و محافظت از آنها نیز برعهده مستقیم جامعه جهانی انسان استاندارد** - متشکل از نمایندگان تمامی کشورهای جهان - است، که با هماهنگی حکومت و مدیریت داخلی کشورهای جهان شرایط بهره‌برداری از آنها را فراهم و ایجاد می‌نماید؛ این یک سیستم متقابل مدیریتی و اجرایی است که همکاری و هماهنگی جهانی را به اوج خود می‌رساند

در مقابل تضمین و اجرا و برآورده کردن این حقوق، وظایف متقابلی نیز به شرح زیر برعهده انسان‌ها، گروه‌ها، ملت‌ها و کشورهای جهان می‌باشد؛ درک و تشخیص اینکه چه تعبیری می‌بایست از حقوق متقابل انسانی در برابر برخورداری از این مواهب زیبا و بی‌شمار مادی و معنوی نمود، برای ۱۰ درصد شیطانی بسیار ناشدنی و بغرنج، اما برای ۷۰ درصد مثبت با رعایت اصول انسانی و اخلاقی بسیار ساده و قابل فهم است؛ به این ترتیب که:

حقوق متقابل فردی و اجتماعی، و بین‌المللی و جهانی بشر در برابر اقدامات نجات‌بخش جامعه جهانی انسان استاندارد

در زندگی فردی و اجتماعی (مربوط به افراد):

۱/ شما به آیینی معتقد هستید؛ اول: در صورتی که آن را به شکل خانوادگی و ارثی کسب کرده‌اید، می‌بایست یک مطالعه صادقانه به منظور

حقیقت‌یابی در تفکرات و اندیشه‌ها و آیین‌های دیگر نیز داشته باشید، تا اگر به این نتیجه رسیدید که آیین شما آیین ایده‌آل و مورد تصور شما نیست! در نتیجه آن را تغییر داده و آیین صحیح‌تر و کامل‌تر را انتخاب کنید؛ و دوم اینکه اگر متوجه شدید که آیین اولی شما آیین صحیح و قابل قبولی است، از این پس با شناختی بیشتر آموزه‌های آیین خود را انجام دهید؛ و این تلاش صادقانه شما در عین حال جهان‌بینی شما را نیز گسترش داده و متوجه خواهید شد که انسان‌های دیگری هم در این جهان زندگی می‌کنند، که آیین‌های موجه و قابل قبولی برای خود دارند، و زندگی خود را با پیروی از آن آموزه‌ها و آداب می‌گذرانند.

۲/ اگر آیین شما زیرمجموعه فرعی دارد، که در طول تاریخ و به اشکال گوناگون به آن وارد شده است، سعی نمایید با ریشه‌یابی و حقیقت‌یابی و مطالعه به اصل و حقیقت آیین خود برسید، تا هرچه بیشتر - و به سهم خود - آلودگی‌های عقیدتی جامعه خود را محو کرده و با رعایت اصول صحیح و حقیقی آیین و عقیده خود به پاک‌سازی و سلامت آیین‌تان کمک کنید.

۳/ آیین و باور شما نسبت به فرهنگ و جامعه و درک و نیاز شما و برای شما بهترین و صحیح‌ترین است، و آیین دیگری نسبت به شناخت و درک افراد دیگر بهترین است؛ در نتیجه به تمامی آیین‌ها و تفکرات احترام بگذارید و با تعصب و برتری‌جویی‌های شیطانی و جاهلانه فضای زندگی خود و جامعه و جهان خود را ناآرام نکنید.

۴/ آموزه‌های آیین خود را به شکل صحیح و کامل انجام دهید زیرا آیین‌ها و تفکرات انسانی نقش انسان‌سازی و جامعه‌سازی دارند.

۵/ پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی خود را رعایت نمایید.

۶/ اخلاق انسانی و ادب و احترام را در همه شئون زندگی خود ترویج دهید.

۷/ قوانین اجتماعی جامعه خود و جامعه جهانی را رعایت کنید.

۸/ کار و شغل و وظیفه اجتماعی خود را با صداقت و به نحو احسن انجام دهید.

۹/ از طبیعت و پاکیزگی و سرسبزی محیط خود و جهان خود استفاده و محافظت کنید.

۱۰/ با آرامش روحی، و صداقت عمیق قلبی، و شعور و منطق عقلی زندگی خود و روزگار خود را بگذرانید.

۱۱/ از سلامت جسمی و روحی خود با ورزش و تحرک مستمر محافظت کنید.

۱۲/ به هر شکل و طریق ممکن، و در صورت نیاز، به هم‌نوع انسانی خود در هر نقطه از جهان کمک کنید.

۱۳/ از مال و دارایی خود به منظور شاد کردن فقیران و نیازمندان و همچنین شاد و بشاش کردن روح خود ببخشید و صدقه دهید؛ بخشش از مال تمرین روحی مناسبی است در برابر نفوذ انرژی و صفت مال‌پرستی متصاعده از جهل شیطانی؛ در نتیجه با بخشش از مال خود و همچنین با بخشش آنهایی که ناخواسته به شما ظمی کرده‌اند روح خود را پالایش داده و از سلطه تفکر مال‌پرستی و همچنین خشونت‌گرایی نجات دهید.

۱۴/ همیشه دستیابی به بهترین، سالم‌ترین و برترین‌ها را با رعایت برابری و مساوات و رعایت حقوق دیگران جستجو کنید.

۱۵/ در برابر ظلم و بی‌عدالتی پایدار و مقاوم باشید، و از عدالت و صلح حمایت کنید.

نتیجه‌گیری نهایی: ضرورت تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد ۲۳۳

- ۱۶/ جاهلان را با شیوه‌های انسانی و روانشناختی - و نه با لجبازی و برخورد - معالجه کنید.
- ۱۷/ حرمت حریم خصوصی دیگران را رعایت کنید، و بدون اجازه وارد آن نشوید.
- ۱۸/ انجام اعمال غیراخلاقی و شرم‌آور را نهی و از اعمال انسانی حمایت کنید.
- ۱۹/ عدالت و انصاف را در همه امور فردی و اجتماعی خود رعایت کنید.
- ۲۰/ مطالعه و علم آموزی و حقیقت‌جویی را ترک ننمایید.
- ۲۱/

در زندگی بین‌المللی و جهانی (مربوط به حکومت‌ها):

- ۱/ می‌بایست تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های شما، در جهت تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی، و به شکلی موجه در جهت رعایت قوانین بین‌المللی باشد.
- ۲/ در مواقع لزوم، با کمک‌های انسان‌دوستانه به کشورهای نیازمند کمک کنید.
- ۳/ از تفکرات سلطه‌جویانه و قدرت‌طلبانه که ویژه ۱۰ درصد شیطانی است پرهیز کنید.
- ۴/ اگر با کشوری در تنش سیاسی و عقیدتی و فرهنگی و غیره هستید، تفاهم و گفتگو را تنها مسیر حل مشکل خود بدانید و نه ایجاد تنش و برخوردهای خصمانه را.
- ۵/ اگر کشوری با نظم جهانی موجود - به هر دلیل موجه و یا غیرموجه و شخصی - مخالفت داشت، باید بداند که هر تغییری تنها از

طریق جامعه جهانی مشروع و قابل قبول است، و نه با لجاجت‌های انفرادی و تنش‌آفرینی و اقدامات تروریستی و ...

۶/ اگر کشوری تز و نظریه و اندیشه‌ای دارد که می‌تواند نظم جهان را دگرگون و اصلاح کند، می‌بایست از طریق مجامع جهانی به آن مشروعیت دهد؛ تاریخ بشر بارها شاهد اقدامات یک‌جانبه قدرت‌های کوچک و بزرگ بوده است، که حاصلی جز شکست آن اندیشه و ایجاد ناامنی جهانی در پی نداشته است، در نتیجه تنها راه حل اصلاح جهان راه‌حلی است که تمام و اکثریت کشورها و مردم جهان آن را مشروع بدانند و بپذیرند؛ ادعاهای عدالت‌خواهانه بدون ارایه راه‌کار جهان‌شمول که حق همه بشر را در نظر بگیرد چیزی نیست جز تلاش در جهت قدرت‌طلبی تفکر مدعی؛ ...

۷/ کشورها و تفکراتی که تصورات و نظریه‌های اصلاح جهانی دارند باید بدانند که ابتدا می‌بایست خود را اصلاح کنند؛ اما اینگونه مدعیان از آنجایی که بیشتر جزو ۱۰ درصد شیطانی هستند تنها به قدرت‌طلبی و برهم زدن صلح و آرامش انسان‌ها می‌اندیشند.

۸/ تصورات تک‌حزبی در اداره کشورها و بخصوص اداره جهان متنوع بشری تصویری بسیار سنتی و قدیمی است، حتی قدرت‌های بزرگ خوب و یا بد نیز در طول تاریخ نتوانسته‌اند به شیوه‌ای تک‌حزبی حکومتی جهانی و موفق ایجاد کنند؛ یک حکومت تک‌حزبی شاید بتواند در محدوده‌ای کوچک مردم یک کشور را متحد و برخی از آنها را مجبور به اتحاد و برخی را به زندان انداخته و یا مخالفان سرسخت خود را با انواع شیوه‌ها از سر راه بردارد، اما هرگز نمی‌تواند مردم جهان را مجبور به اطاعت از خود کرده و یا بخشی از آنها را بکشد و تصور کند که بر جهان حاکم است! چنین تصوراتی تصورات ۱۰ درصد شیطانی

است که در طول دهه‌های گذشته نیز سعی کرده‌اند کنترل جهان را بدست گیرند، اما هرگز موفق نشده و نخواهند شد.

۹/ راه‌حل مشکلات جهانی تنها با اتحاد جهانی و از طریق مجامع بین‌المللی میسر است.

۱۰/ راه‌حل مشکلات جهانی تنها با عقل و منطق و تفاهم میسر است.

۱۱/ اگر ظلم و بی‌قانونی بر جهان بشری حاکم باشد، راه مقابله، اتحاد کشورهای ظلم‌ستیز از طریق اتحاد و سازندگی خود، و در نتیجه مرحله به مرحله متحد کردن کشورهای دیگر با خود است، تا نیروهای مثبت از طریق مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ... قدرت گرفته و به مرور زمان بتوانند بر جهان خود اثر مثبت گذاشته و جهان بشری را به سمت عدالت پیش ببرند؛ کشورهایی که مخالف ظلم جهانی هستند و سعی می‌کنند با روش‌های جاهلانه و لج‌بازانه با جهان مخالفت کنند تنها تنفر جهانی و عدم همکاری بین‌المللی را متوجه خود خواهند نمود.

۱۲/ کشوری که نتواند بر مشکلات خود فایده‌آید نمی‌تواند در حل مشکلات جهانی ادعایی مشروع و قابل قبول داشته باشد.

۱۳/ شایسته است رهبرانی که نتوانسته‌اند وظایف قانونی خود را در مدیریت کشورشان انجام دهند، صادقانه از مردم‌شان عذرخواهی کرده و استعفاء دهند.

۱۴/ تنها یک قانون عقلانی است که می‌تواند پایه و اساس قانون بین‌المللی قرار گیرد، قانونی که حاصل عقل جمعی جهان بشری باشد، و نه یک کشور و یا یک تفکر و یک گروه خاص، قانونی که حق موافق و مخالف و همه ملل و مردم جهان را تأمین و برآورده کند.

۱۵ / جهان کنونی، جهان شایسته زندگی بشر امروزی نیست، و می‌بایست از طریق نظم و سیستمی عظیم و فراگیر اصلاح گردد.
۱۶ / ...

تمام این‌ها و بسیاری دیگر در ذهن ۱۰ درصد شیطانی بسیار بغرنج و پیچیده می‌نمایند، زیرا که آنها همان‌هایی هستند که قادر نیستند مسایل ساده‌ای چون مثال $2+2=4$ را حل کنند؛ البته اگر هم که جواب را بدانند با این هدف و منظور شیطانی که اوضاع جهان را آشفته کرده و در نتیجه به دستاوردهای شیطانی خود برسند امنیت و صلح جهانی را به خطر می‌اندازند! ...

صفات حکومتی ۱۰ درصد شیطانی:

۱ / قدرت‌طلبی، زیاده‌خواهی و برتری‌جویی. ۲ / ضعف مدیریتی در اداره کشور، در بخش‌های سیاسی، ایده‌نولوژیکی، فرهنگی، علمی و اقتصادی.
۳ / ضعف سیاسی در تعاملات صحیح بین‌المللی. ۴ / در خود فرورفتگی سیاسی. ۵ / گرایش به دیکتاتوری و سرکوب مخالفان. ۶ / حقیقت‌پوشی و دروغ‌گویی. ۷ / توجیه اعمال با خیال‌پردازی و برترسازی خود. ۸ / تهدید امنیت جهانی. ۹ / از بین بردن صلح و آرامش جهانی؛ ...

صفات فردی ۱۰ درصد شیطانی:

۱ / خودخواهی و خودپسندی و برتری‌جویی. ۲ / خشونت رفتاری. ۳ / تعصب و تجاهل عقیدتی. ۴ / بدخلقی و بدرفتاری با ضعیف‌تر. ۵ / نادیده گرفتن حقوق دیگران. ۶ / ظلم و جنایت. ۷ / فساد اخلاقی. ۸ / اشتغال به امور غیرانسانی و غیراخلاقی. ۹ / اختلال در آسایش اجتماعی.
۱۰ / قانون‌گریزی. ۱۱ / مال‌پرستی. ۱۲ / فرد پرستی؛ ...

اساساً چرا استانداردهای دهیومنیزم از ۱۰ درصد شیطنانی اینقدر متنفر و

منزجر است؟! (لطفاً ص. ۲۷۰، ۱۰٪ شیطنانی و دنیای آنها ملاحظه شود).

به این دلیل که:

۱/ آنها در عرصه مدیریت و سیاست، یا گنذذهن بوده و منابع مادی و معنوی ملت‌ها و کشورها را با سوء مدیریت خود نابود کرده و کشورشان را عقب مانده نگه می‌دارند، و یا مکار و دروغگو و قدرت طلب هستند و مردم خود را فریب می‌دهند تا با به قدرت رسیدن، خواسته‌های خود را برآورده کنند و بر قدرت و ثروت ملت‌ها و کشورها چیره شوند، و زندگی انسان‌ها را تلخ و به آنها ظلم کنند.

۲/ آنها در عرصه ادیان و عقاید یا متعصب و برتری‌جو و قدرت طلب هستند، و یا تاجر و سرمایه‌گذار! آنها ادیان و عقاید خالص بشری را به تفرقه می‌کشاند تا در درون آنها حزب و گروه خود را ایجاد کرده و برتری‌جویی خود را دامن بزنند؛ آنها فرهنگ فردپرستی را رواج می‌دهند تا با نزدیک نشان دادن خود به آن فرد برتر و جبهه و مقام خود را در پیش مردم بالا برده و دکان و تشکیلات خود را به منظور استثمار مردم برپا گردانند؛ **۱۰ درصد شیطنانی فردپرست هستند و استانداردهای دهیومنیزم بطور مطلق قانون پرست است؛** آنها در برابر سادگی مردم که آنها را بزرگ می‌شمرند جایگاه و مقام خود را گم کرده و دچار تصورات آقایی بر مردم جهان می‌شوند؛ برخی از آنها که متوجه می‌شوند اعتقاداتشان از ریشه بی‌پایه است در برابر طرفداران خود سکوت می‌کنند تا مقام و کسب خود را از دست ندهند؛ ... اساساً تمامی ادیان و عقاید بشری توسط الهامات روحانی بر پیامبران و یا افراد حقیقت‌جو هویت و بروز و ظهور پیدا می‌کنند، و در نتیجه در شکل اصلی خود کامل و صحیح هستند، اما پیروان جهل و قدرت‌طلبی با آلوده کردن و آمیختن عقاید به خرافه و

دروغ، و آداب و سنن ساختگی، شکل و هویت آنها را ملی و میهنی کرده و به نفع خود ضبط و تصرف می‌کنند؛ برخی از آیین‌ها شاید این ظرفیت را داشته باشند تا به مرور زمان سیری تکاملی پیدا کنند، طبیعتاً اینگونه آیین‌ها و انشعابات و تقسیمات آنها مستثنی و قابل احترام هستند؛ ...

دین را حقیقت می‌سازد و آداب و رسوم را مردم (منظور از دین، تمامی آیین‌های مادی و معنوی انسانی است!) و در این بین برخی آیین‌ها نیز گرایشات ملی و میهنی دارند، اما آیین‌هایی که جهان‌شمول هستند در صورتی که از شکل خالص اولیه خارج گشته و بیشتر شکل ملی و میهنی به خود بگیرند دیگر نمی‌توانند هدف جهانی خود را عملی کنند؛ چرا که با تبدیل شدن و محدود کردن یک دین و آیین پویا و فراگیر به آداب و رسوم ملی یک کشور، مانند پرنده‌ای که در قفس افتاده باشد آزادی و پویایی اش را از دست می‌دهد و محدود و کوچک می‌شود؛ این یکی از مهمترین اهداف و ضربه‌های شوم ۱۰ درصد شیطانی است، که عقاید را به تفرقه کشانده و پاره پاره کنند و هر بخش را بین ملتی تقسیم کنند، و آنها را با این ذهنیت مشغول دارند که قسمت صحیح‌تر و برتر آن در دست شما است و در نتیجه شما حقیقت را بهتر درک کرده‌اید و شما برترین هستید!

دین و آیین هویت فراگیر بشری دارد و آداب و رسوم هویت ملی و میهنی؛ دین را حقیقت جهان شکل می‌دهد تا صلح و عدالت را به ارمغان آورده و راه بشر را هموار کند، (ادیان و عقاید در مسیر جستجوی حقیقت و زندگی بهتر شکل می‌گیرند) و آداب و رسوم را مردم! تا زندگی رنگارنگ و زیبای زمینی و منطقه‌ای، و ملی و میهنی خود را با آن شکل دهند؛ تبدیل کردن دین و عقیده فراگیر و حقیقت‌جویانه به آداب و رسوم ملی و میهنی از حيله‌های جهل و فریب شیطانی به منظور منحرف کردن و خستی کردن آنها از مسیر اصلی انسان‌سازی و جامعه‌سازی‌شان است.

۳/ ۱۰ درصد شیطنانی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از بین می‌برند، و از طریق جنگ و یا تبلیغات و غیره خود را برتر نشان می‌دهند، و سعی می‌کنند با زرق و برق‌های کاذب آداب و رسوم و فرهنگ خود را بهتر جلوه داده و آن را بر جهان بشری حاکم کنند، تا با حمله گازانبری و همه‌جانبه خود از طریق برتری جویی‌های سیاسی، عقیدتی، فرهنگی، علمی و اقتصادی بر جهان بشری حاکم شوند؛ از طرف دیگر و از درون نیز (از درون فرهنگ کشورها) نیروهای همدست شیطنانی و جاهل آنها با خرافه وارد کردن به فرهنگ و آداب و رسوم ملل جهان چهره‌ای کهنه و قدیمی از آنها ارائه می‌کنند تا راه تهاجم فرهنگ غریبه کاملاً بازگردد،

۴/ در عرصه علم و دانش نیز ۱۰ درصد شیطنانی علم عقلانی را گمراه کننده می‌خوانند، و با بی‌سواد نگه داشتن مردم و ملت‌ها سلطه و استثمار همه‌جانبه خود را می‌گسترانند،

۵/ در عرصه اقتصاد و تجارت، با تسلط بر منابع ثروت، جهان بشری را در اوج ثروتمندی خود فقیر و تحت تسلط، و تحت استثمار و استعمار نگه می‌دارند،

در هر حال گسترش و نفوذ آنها به منظور ظلم به بشر بسیار گسترده و فراگیر است، و از اینرو تنها راه نجات بشر - و نیز حفظ اصالت‌های خود - اتحاد انسانی قوی، پویا و سیستماتیک است

بنابراین استاندارد هیومنیزم که جز انسانیت و درستی نمی‌اندیشد از

۱۰ درصد شیطنانی عمیقاً متنفر و منزجر است.

نکته: از نظر استاندارد هیومنیزم دین و آیین مجموعه‌ای از اصول و قوانین حقیقت‌جویانه با هدف برقراری صلح و عدالت اجتماعی است (شامل فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت مادی و معنوی) که در دل خود فرهنگ خاص خود را نیز ممکن است داشته باشند؛ **فرهنگ و آداب و رسوم** شکل و رنگ و زیبایی‌های زندگی را دربرمی‌گیرد؛ **فرهنگ و تمدن** شامل تمام داشته‌های یک ملت است؛

منظور از شیطان و ۱۰ درصد شیطانی در این کتاب، خوی حیوانیت جاهلانه، متعصبانه، خودخواهانه، زیاده‌خواهانه و قدرت‌طلبانه بخشی از بشر است که با جهل و تعصب و زیاده‌خواهی و ظلم خود زندگی بشر را رنج آلود و تیره کرده‌اند.

۱۰ درصد شیطانی افراد متعصب و جاهل، خودخواه و زیاده‌خواه و قدرت‌طلبی هستند که با تصاحب و سلطه بر تمامی داشته‌های انسانی موجب تفرقه، رنج، فقر، گرفتاری و عقب‌ماندگی بشر می‌شوند؛ گسترش علم و دانش و مدیریت قوی انسانی و همه‌جانبه جهان بشری از مهم‌ترین راه‌کارهای ریشه‌کنی سلطه و سیطره این جاهلان و زیاده‌خواهان است.

استاندارد هیومنیزم پس از پاک‌سازی جهان بشری از طریق توسعه دانش و آگاهی، و انسانیت و عدالت، و همچنین از طریق مدیریت قوی و سیستماتیک و جهان‌شمول خود، همچون سپری از نفوذ جهل و ظلم و خودخواهی و قدرت‌طلبی ۱۰ درصد شیطانی بر زندگی بشر محافظت خواهد کرد.

استاندارد هیومنیزم خوی وحشی حیوانیت نهفته و یا مسلط بر روح و ذات بخشی از بشر (۱۰ درصد شیطانی) را مهار کرده و زندگی صلح‌آمیز هزاره سوم بشر را رقم می‌زند.

نتیجه اینکه با در نظر گرفتن تمامی اقدامات و تلاش‌های ارزشمند جامعه جهانی بشر در مسیر تثبیت صلح و آرامش، و همچنین رشد و توسعه جهانی در یکصد سال گذشته، دستاوردهای او با توجه به آمارهای موجود بسیار ضعیف و ناچیز می‌باشد، بنابراین به منظور رفع سلطه ۱۰ درصد شیطانی و برقراری صلح و عدالت پایدار، تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد و مدیریت انسانی و فراگیر آن اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است.

زندگی بشر در جامعه جهانی انسان استاندارد

در دنیا و جامعه جهانی انسان استاندارد:

۱/ عقل جمعی، و ایمان جمعی، و مدیریت جمعی برقرار و حاکم خواهد شد.

۲/ مدیریت انسان استاندارد ضعف‌های بشری را کنترل و همه چیز او (سیاست، دین، فرهنگ، اقتصاد و علم) را به ایده‌آل‌ترین شکل خود کنترل و هماهنگ و مدیریت کرده، و جهانی در شأن زندگی انسان ایجاد می‌کند.

۳/ با قبول تفکر انسان استاندارد جهل سستی و تفرقه‌افکنانه حاکم بر برخی گروه‌های دینی و اعتقادی - که باعث شده عدّه زیادی از افراد پاک‌سرشت از عقاید سالم انسانی گریزان شده و رو به تفکرات پوچ گرایانه بکنند - محور گردیده، و با برقراری قوانین روشن انسانی بشر به حقیقت اتحاد انسانی و صلح نزدیک‌تر می‌گردد.

۴/ استاندارد هیومنیسم رؤیای صلح و اتحاد بشری که ایده‌آل همه ادیان و تفکرات بشری است را عملی می‌کند.

۵/ با تفکر و مدیریت انسان استاندارد زندگی انسانی به شکل شگفت‌انگیزی تازه و نو می‌شود؛ اصالت فرهنگ‌ها به شکل زیبایی حفظ شده و معماری، لباس و آداب و رسوم آنها به اصالت و پویایی خود می‌رسند، و همه در حد ایده‌آل و استاندارد خود می‌درخشند.

۶/ پس از درک و فراگیر شدن تفکر انسان استاندارد و برقراری جامعه جهانی انسان استاندارد، بسیاری از گروه‌های سیاسی و دینی، و

فرهنگ‌های خرافی و بنگاه‌های چپاول‌گر اقتصادی منحل و محو گشته و دیگر هرگز فرصتی برای حضور در جامعه انسانی و پویای بشر - به منظور تحمیل رنج و چپاول انسان‌ها - پیدا نخواهند کرد.

۷/ عقیده انسان استاندارد عقیده حرکت به سوی مثبت است، بدون بحث و درگیری و تنش عقیدتی با عقاید دیگر.

۸/ تفکر انسان استاندارد نخستین تفکر مشترک جهانی بشر است که زندگی صلح‌آمیز همراه با احترام به یکدیگر را به ارمغان می‌آورد.

۹/ ۱۰ درصد شیطانی خشن و قدرت‌طلب، خودخواه، برتری‌جو، و گستاخ و شرور هستند، و انسان‌های مثبت در برابر آنها ضعیف و تحت ظلم؛ در نتیجه تنها راه غلبه بر این جاهلان ظالم و زیاده‌خواه اتحاد انسانی است؛ در غیر اینصورت ظلم و رنج بر زندگی بشر همواره گسترده خواهد بود؛ **اتحاد انسانی در پناه قانون جهانی**، ۱۰ درصد شیطانی را تحت کنترل درآورده و نیروی منفی آنها را خنثی و بی‌اثر می‌گرداند.

۱۰/ انسان‌های مثبت در پناه قانون به مبارزه با ۱۰ درصد شیطانی پرداخته و با رعایت پنج اصل انسانی استاندارد هیومنیزم و رأی به برقراری جامعه جهانی انسان استاندارد، کنترل جهان خود را بدست می‌گیرند.

۱۱/ یک انسان نمونه با پذیرش پنج اصل استاندارد هیومنیزم و عمل به آن نفوذ نیروهای منفی به زندگی بشر را خنثی و جهانی به دور از خودخواهی و خودپسندی و حرص و طمع و جهل ایجاد می‌کند.

۱۲/ استاندارد هیومنیزم یک تجربه جدید انسانی است، که سطح تفکر و انتظارات انسانی را یک مرحله بالاتر برده، و به سطح عقل و درک و فهم والای جهانی نزدیک‌تر می‌کند.

۱۳/ جامعه جهانی انسان استاندارد مدیریت جدید جهانی است که کنترل جهان را به دست انسان‌ها می‌سپارد.

۱۴/ مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد، مدیریت راستی و درستی و عقل است.

۱۵/ مدیریت جامعه جهانی انسان استاندارد، مدیریت و حکومت انسانیت بر انسان است.

در دنیا و جامعه جهانی انسان استاندارد:

معماری جهان نو و دگرگون خواهد شد، و شهرها و روستاها و کشورها از نو ساخته می‌شوند، در مناطق مناسب جغرافیایی، و ایمن از سیل و زلزله و طوفان و ...؛ همچنین پراکندگی جمعیت به گونه‌ای خواهد بود که جمعیت شهرها نسبت به نیاز و متناسب با ظرفیت و حجم شهرها هماهنگ خواهد شد،

معماری شهرها و کشورهای جهان مطابق با شرایط جغرافیایی و اقلیمی، و طبق فرهنگ معماری خود، و با تلفیق بهترین جلوه‌های معماری مدرن طراحی و اجرا خواهد شد، تا جهان بشری را نو و جدید و زیبا کند؛ از آنجایی که **توریسم جهانی** از اهداف مهم استاندارد هیومنیزم است، در نتیجه جهان انسان‌ها می‌بایست متنوع و زیبا و شگفت‌انگیز باشد، و معماری در این بین حرف اول را می‌زند،

با طراحی و ساخت جهانی نو و زیبا و متنوع، به هر کجای جهان که سفر کنیم، تنوع معماری را در شهرها، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، فروشگاه‌ها، خانه‌ها، مغازه‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، موزه‌ها، یادبودها، کلیساها، مساجد، معابد، رستوران‌ها، هتل‌ها، تفریح‌گاه‌ها، مهمان‌سراها،

جاده‌ها و نیز طبیعت جهان سرسبز و زیبای خود مشاهده کرده و از زندگی خود با تنوع معماری آن در تمام نقاط جهان مشعوف و شاد خواهیم شد، و درس‌های بی‌شماری را خواهیم آموخت؛ همچنین در *سفر انسانی* خود به نقاط مختلف جهان، با مردم جهان و تنوع بی‌شمار فرهنگ‌های اصیل و زیبا، تنوع آداب و رسوم، شگفتی‌ها، عجایب، نوآوری‌ها و ابتکارات رنگارنگ فرهنگی و هنری، و انواع غذاها و خوراکی‌های آنها آشنا خواهیم شد و از همه آنها خواهیم چشید، با این شادی و آرامش که در جهان شایسته و زیبای ما بدلیل مدیریت فراگیر جامعه جهانی انسان استاندارد تمامی انسان‌های فقیر و دردمند و محتاج سیر و ثروتمند هستند! و دیگر هیچ اثری از محرومیت و فقر در جهان وجود ندارد.

دنیای انسان استاندارد دنیایی است زیبا، اصیل و متنوع.

در دنیا و جامعه جهانی انسان استاندارد:

- ۱/ اثری از درد و رنج و فقر و ظلم و فلاکت و بدبختی نیست.
- ۲/ اقتصاد جهان به نفع مردم جهان کار می‌کند.
- ۳/ دیگر کشوری فقیر نخواهد بود تا مردم تحقیر شده‌ای را به جهان بفرستد تا در نقاط دیگر جهان و در کشورهای ثروتمند مجبور به انجام کارها و شغل‌های تحقیرآمیز شوند، نه از این جهت که آن کارها تحقیرآمیز هستند، بلکه از این جهت که وقتی شما به دلیل فقر کشور خود به کشور ثروتمندی مهاجرت می‌کنید، مجبور خواهید بود شغل‌هایی را انتخاب کنید که انجام آنها موجب تحقیر و سرشکستگی شما در برابر شخصیت خود و خانواده‌تان می‌گردد؛ شما این تحقیر شخصیتی را می‌پذیرید چون

مجبور هستید! این حقارت شخصیت شما را کوچک می کند، و کوچک شدن شخصیت یک انسان، انسانی نیست!

در دنیا و جامعه جهانی انسان استاندارد شخصیت هیچ انسانی تحقیر و کوچک نخواهد شد، چون شما با سربلندی در کشور زیبا و ثروتمند خود مشغول به کار خواهید بود و به رضایت کامل شغلی و شخصیتی از موقعیت مناسب اجتماعی خود خواهید رسید؛ و تنها زمانی همراه با خانواده خود به کشور دیگر سفر می کنید که به عنوان یک انسان بخواید اوقات فراغت خود را در یک سفر تفریحی توریستی زیبا بگذرانید؛ و مردم ملل دیگر نیز وقتی شما را می بینند که با فرهنگی متفاوت و لباسی زیبا و متفاوت به کشور آنها سفر کرده اید، از دیدن شما شاد می شوند و دوست خواهند داشت تا با شما هم صحبت شوند

این دنیای انسانی جامعه جهانی انسان استاندارد است، که شخصیت همه انسان ها را در حد شایسته آن ارج می نهد، و از احترام و شخصیت همه انسان ها حمایت و دفاع می کند؛ احترامی که با مدیریت شایسته و قوانین پویا و والای انسانی خود عملی و محقق می کند.

در دنیا و جامعه جهانی انسان استاندارد:

تجارت و صنعت و کشاورزی به کامل ترین شکل خود مدیریت و هدایت می شود، مدیریتی هماهنگ و در جهت ایجاد اشتغال و تولید مناسب تمامی مایحتاج زندگی، و در تمامی بخش های تولیدی و مورد نیاز جهان بشری؛ تقسیم کار و تولید توسط بخش اقتصاد و تجارت جهانی به شیوه ای هماهنگ مدیریت خواهد شد، در نتیجه کشورهای جهان با هماهنگی خاص و ویژه ای مسیر رشد و توسعه خود را خواهند پیمود.

در اصل از آنجایی که مدیریت جهان بشری، طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد، مدیریت عقل و شعور جهانی است، در نتیجه همه داشته‌های بشر در خدمت برترین زندگی مناسب و قابل تصور انسانی خواهد بود؛ و از آنجایی که *استاندارد هیومنیزم عمیقاً به احترام انسانی و اتحاد انسانی و زندگی انسانی معتقد است*، در نتیجه زندگی برتر و کامل انسانی را در تمامی جنبه‌های مادی و معنوی حق همه انسان‌های آفریقایی، آمریکایی، آسیایی، اروپایی، منطقه اقیانوسیه و تمام بخش‌های مسکونی کره زمین می‌داند، با هر نژاد، ملیت، رنگ، زبان، دین، آیین و فرهنگی که باشند

انسان امروز می‌بایست تمامی موانع غیرانسانی پیش پای خود را در مسیر ایجاد بهترین زندگی شایسته انسانی بردارد.
 انسان امروز می‌بایست جهان انسانی خود را به بهترین شکل ممکن بسازد، این وظیفه قطعی و غیرقابل اجتناب انسان است.
 ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌های شایسته گذران بهترین زندگی انسانی هستیم.

از آنجایی که استاندارد هیومنیزم قویاً مدافع انسانیت و عدالت، و صلح و شادی انسانی به نفع تمام جهان بشریت است و خود را مسؤول برقراری عدالت و انسانیت جهانی می‌داند، در نتیجه معتقد است که برقراری عدالت و انسانیت می‌بایست تنها از طریق یک آرگان قدرتمند جهانی، انسانی و عدالت‌خواه - که نفع تمام مردم جهان با تمامی عقاید و فرهنگ‌ها و سلیقه‌ها را در نظر گیرد - انجام شود؛

مراحل اصلاح جهان طبق تفکر انسان استاندارد

پس از قبول فرهنگ و عقیده انسان استاندارد، جهان آماده تغییر اساسی و ریشه‌ای خود می‌شود؛ و پس از تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد مراحل رشد کامل و فراگیر خود را آغاز می‌کند:

- ۱/ ابتدا بشر آماده پذیرش استاندارد هیومنیزم می‌گردد.
- ۲/ جهان به سمت تشکیل و برقراری جامعه جهانی انسان استاندارد - و نظم ریشه‌ای و سیستماتیک آن - پیش می‌رود.
- ۳/ مقاومت‌ها و مخالفت‌های جدی ۱۰ درصد شیطانی شروع می‌شود، اما با عزم قاطع و هوشیاری و اتحاد جهانی بزودی تحت کنترل در آمده و خنثی می‌گردد.
- ۴/ سیستم قدرتمند مدیریتی جامعه جهانی مستقر و پابرجا می‌شود، و نوسازی خود را آغاز می‌کند.
- ۵/ دوره شکوفایی انسانی آغاز می‌گردد.
- ۶/ صلح و آرامش حاکم می‌شود.
- ۷/ جریان انرژی‌های مثبت در جهان، و در دین، سیاست، فرهنگ، علم و اقتصاد، تند و پرتحرک می‌شود.
- ۸/ دوره تکاملی نابودی خوی وحشی حیوانیت ۱۰ درصد شیطانی و خنثی شدن آنها آغاز می‌گردد.
- ۹/ عدالت و انسانیت حاکم می‌شود.
- ۱۰/ بشر به سمت درک بهشت زمینی - که مقدمه زندگی در بهشت واقعی ماورایی (زندگی بعدی انسانی) است - پیش می‌رود.
- ۱۱/ مرحله بعدی زندگی انسان در کره زمین و کرات و دنیاهای دیگر آغاز می‌گردد؛ (دنیاهای متفاوت مادی و معنوی)

انسان پس از درک "اهمیت رسیدن به عدالت و صلح، و دوری از جهل و ظلم" قادر خواهد شد با گذر از مرحله زندگی این دنیا، دنیاهای برتر بعدی خود را آغاز کند! در غیر اینصورت همچنان در دنیای ۱۰ درصد شیطانی گرفتار و سرگردان خواهد ماند

عاقبت زندگی بشر بر روی این کره خاکی

چشم اندازهای بشر نسبت به ادامه حیات خود بر روی این کره خاکی، و مسیر استمرار و شکل و آینده آن متنوع بوده، و فلسفه‌ها و نظریه‌های گوناگونی در این ارتباط مطرح شده، و فکر بشر را به خود مشغول داشته است؛ بشر نسبت به آینده زندگی خود بر روی این کره خاکی همواره بسیار کنجکاو و بسیار نگران بوده است! کنجکاو از این جهت که به چه دستاوردهایی در آینده خود خواهد رسید، و نگران نسبت به اینکه آیا می‌تواند در صلح و آرامش به زندگی خود ادامه دهد و یا خیر! بشر نگران است که آیا می‌بایست به انتظار حوادث مهلکی بنشیند که کابوس را بجای آرامش برای او به ارمغان خواهند آورد؟ ...

بشر به گونه‌ای به آینده خود با نگرانی می‌نگرد که گویی کمترین توان و اراده‌ای در تعیین سرنوشت خود ندارد!!!

به منظور درک نگاه بشر نسبت به آینده خود، نگاهی به افق دید و انتظارات انسان در مراحل و سطوح مختلف زندگی اش می‌اندازیم:

۱/ مرحله و سطح اول؛ دنیای واقعی زندگی بشر

بشر در مرحله واقعی زندگی خود که از هزاران سال پیش بر روی این کره خاکی شروع شده و همچنان ادامه دارد، به جهان خود و به آینده جهان خود اینگونه می‌نگرد که می‌بایست قدرتمند و ثروتمند باشد تا بتواند بر دشمنان خود غلبه کرده و از زندگی خود محافظت کند؛ ...

در این مرحله بشر تنها به بقای خود فکر می‌کند و فراتر از آن را نمی‌بیند؛ با استمرار وضعیت و طبیعت فعلی جهان (سیستم حکومت و

مدیریت جهانی قدرت و ثروت) قدرت‌های حال حاضر جهان، دیر یا زود جای خود را به نیروهای مخرب دیگری می‌دهند، که جهان را وارد چرخه جدید و تازه‌ای از ظلم و بی‌لیاقتی خواهند نمود؛ تسلط گروهی دیگر، که ممکن است نگاه انسانی کم‌افق‌تری به جهان انسان‌ها داشته باشند، و اهداف شیطانی وسیع‌تر و خطرناک‌تری را دنبال کرده و برای بشریت رقم بزنند، و در نتیجه تاریخ چرخه تکراری خود را ادامه داده و بشر همچنان در ظلم و رنج زندگی بدوی و سنتی خود را ادامه دهد؛ و یا ممکن است جهان بشری به هر علت طبیعی و یا غیرطبیعی به فناى خود نزدیک شود و پایان پذیرد

۲/ مرحله و سطح دوم؛ دنیای رؤیایی زندگی بشر

بشر در مرحله رؤیایی زندگی‌اش تصورات بی‌شمار و رنگارنگی نسبت به آینده خود دارد! او از طریق تصورات، و خیال‌پردازی‌ها، و قصه‌گویی‌ها، و یا از طریق باورهای دینی و اعتقادی دنبال یک منجی و رهایی‌بخش می‌گردد تا زندگی ایده‌آل انسانی را بر طبق خواسته‌های او برآورده کند؛

در این مرحله بشر علاوه بر گذران زندگی مستمر و طبیعی خود در عالم واقعیت، بدون هیچ تلاش شایسته‌ای همچنان در امید و انتظار است تا مشکلاتش به شیوه‌ای ماورایی و معجزه‌گونه حل گردند

۳/ مرحله و سطح سوم؛ دنیای استانداردهیومنیزم

در دنیای انسان استاندارد و نمونه، بشر به حدی از درک و شعور بالای انسانی می‌رسد که متحد و سیستماتیک جهان انسانی خود را به شیوه‌ای

فراگیر، و با رعایت حقوق همه انسان‌ها، و در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی می‌سازد؛ جهانی که با عقل و شعور، و درک و تشخیص، و توان خود ساخته است، و زندگی مشروع و قانونی خود را در آن آغاز کرده و ادامه می‌دهد؛

بشر در هزاره سوم زندگی‌اش این درک و توان و تشخیص را دارد که از مراحل اول و دوم زندگی‌اش خارج شده و زندگی شایسته انسانی خود را بدون نفوذهای جاهلانه، خودخواهانه و ظالمانه ۱۰ درصد شیطانی، و همچنین بدون نیاز به رؤیا پردازی‌های پایان ناپذیر (درست و یا غلط) تنها با مدیریت قوی و با اتحاد انسانی خود بسازد، و زندگی شایسته خود را در **عالم واقعیت** آغاز کند

در دنیای استاندارد هیومنیزم بشر به حدی از شعور و آگاهی دست می‌یابد که تمامی حقایق علمی و فلسفی نهفته در دنیای اول خود را کشف و به جهش‌های عظیم مادی و معنوی نائل می‌گردد

بشر در دنیای انسان استاندارد، یک انسان پیشرفته و جهش یافته خواهد بود که با خودسازی از طریق اصول پنج‌گانه استاندارد هیومنیزم و با مدیریت انسانی و قوی جامعه جهانی انسان استاندارد، جهان انسانی و پویای خود و زندگی‌های برتر بعدی خود را آغاز می‌کند

هدف و مقصود اصلی استاندارد هیومنیزم چرخش و تغییر از ماهیت و طبیعت بدوی زندگی فعلی، به ماهیت و طبیعت و سیستم "رشد استاندارد گونه‌ای" است (خروج از چرخه زندگی بدوی برتری جویی فعلی و ورود به دنیای رشد مرحله‌ای و تصاعدی به سمت مراحل بالاتر، و کشف قابلیت‌های بیشتر انسانی و زندگی انسانی).

استانداردهیومنست چه کسی است!؟

یک انسان استاندارد و نمونه (مسیحی، مسلمان، هندو، بودایی، شیتویی، تائویی، سیک، کنفوسیوسی، زرتشتی، جائینی، یهودی، کمونیست، سکولار، ... و آسیایی، آفریقایی، آمریکایی، اروپایی و از هر نقطه جهان با هر نژاد و ملیت و رنگ و زبانی) و به عنوان یک *استانداردهیومنست*:

۱/ به خدا و خالق و پروردگار جهان = حقیقت جهان، به عنوان نقطه اشتراک و سبب پیوند او با تمامی انسان‌های دیگر که همه راستی و درستی از آن حقیقت منشعب می‌شود، چه با باوری واقعی و عمیق و چه با باوری سمبولیک و قراردادی - که او و دیگر انسان‌ها را در مقابل نیروها و افراد جاهل، ظالم و خودخواه متحد می‌کند - معتقد است.

۲/ به یکی از ادیان، آیین‌ها و تفکرات انسانی از هر نوع رنگارنگ و متنوع مادی و معنوی معتقد، و هویت و شخصیت فردی و اجتماعی خود را با انجام آموزه‌های آن شکل می‌دهد و می‌سازد.

۳/ به تمامی آیین‌های معتبر انسانی احترام برابر گذاشته و حق برخورداری از زندگی کامل انسانی را برای همه پیروان آنها برابر با حق خود می‌شمارد، در نتیجه قانون مشترک جهانی را که از حاصل مشترکات تمامی آیین‌های بشری و توسط جامعه جهانی انسان استاندارد تدوین می‌گردد را قانون بین‌المللی خود در تعاملات جهانی خود قرار می‌دهد.

۴/ به منظور رفع سلطه ۱۰ درصد شیطانی که زندگی او را در رنج و فقر و ظلم چندین هزار ساله نگه داشته است به تشکیل جامعه جهانی انسان استاندارد رأی می‌دهد، به این امید که با مدیریت جهانی آن عدالت

و قانون انسانی، و رشد و توسعه همه جانبه بشری برای تمامی بشر با سلايق و عقايد رنگارنگ خود بطور مساوي تأمين شده و برقرار گردد.

(انسان استاندارد و نمونه به تشكيل جامعه جهانی انسان استاندارد از طريق سايت استاندارد هیومنیزم، و يا از طريق گروه و صفحه فیس بوک استاندارد هیومنیزم:

www.facebook.com/StandardHumanism رأی می دهد، و در ترویج

انسان استاندارد هیومنیزم به امید برقراری جهان شایسته انسانی می کوشد).

۵/ به نظافت و پاکیزگی جسمی و روحی، و فردی و اجتماعی خود اهمیت ویژه داده و زندگی فردی و جمعی خود را در نهایت تمیزی و پاکیزگی و نظم نگه می دارد.

انسان استاندارد، یک انسان تمیز و با شخصیت و فهمیده است.

انسان استاندارد، یک انسان بطور مطلق حقیقت پرست است.

انسان استاندارد، انسان هزاره سوم است.

هر تفکری اصولی را ارائه می کند تا انسان ایده آل خود را با پیروی از آن اصول مجسم کرده و به جهانیان معرفی کند، ... بنابراین انسان ایده آل استاندارد هیومنیزم هم انسان استاندارد است که با قبول پنج اصل استاندارد هیومنیزم هویت پیدا می کند تا جهان خود را به شیوه انسانی و فراگیر و با رعایت حقوق انسان های دیگر با تفکرات و آیین های دیگر بسازد و سعادت کامل مادی و معنوی انسانی را به جهانیان هدیه کند.

×

هر انسان شایسته ای حق انسانی دارد تا در ترویج فرهنگ صلح، عدالت و برابری جهانی استاندارد هیومنیزم به عنوان نماینده این تفکر در هر نقطه از جهان و به هر طریق مشروع و قانونی بکوشد.

این کتاب، یک کتاب مقدس دینی و یا یک کتاب تحلیلی سیاسی نیست، بلکه **کتابی است انسانی** و خطاب به همهٔ بشر تا به سهم خود در جهت آنچه که شایستهٔ بشریت است گامی برداشته باشد، و به این امید که در هزارهٔ سوم با اتحادی انسانی بر زندگی خود مسلط شویم.

استانداردهیومنیزم یک تفکر، فلسفه و آیین فرادینی و فراسیاسی و فرانسانی است:

فرادینی است از این جهت که با پاک‌سازی ادیان و عقاید بشری، و با ایجاد بستری سالم موجب می‌گردد تمامی ادیان و عقاید بشری به دور از نفوذ ۱۰ درصد شیطانی به سلامت و شکوفایی در شأن خود برسند و بتوانند صلح را در بین پیروان خود برقرار سازند.

فراسیاسی است از این جهت که برتر از هر سیاست و مدیریتی جهان بشری را به شیوه‌ای بسیار قوی و کامل، و در تمامی بخش‌های زندگی انسانی، و با رعایت حقوق مادی و معنوی تمامی انسان‌ها به شکلی پویا و جهانی نظم می‌دهد و می‌سازد.

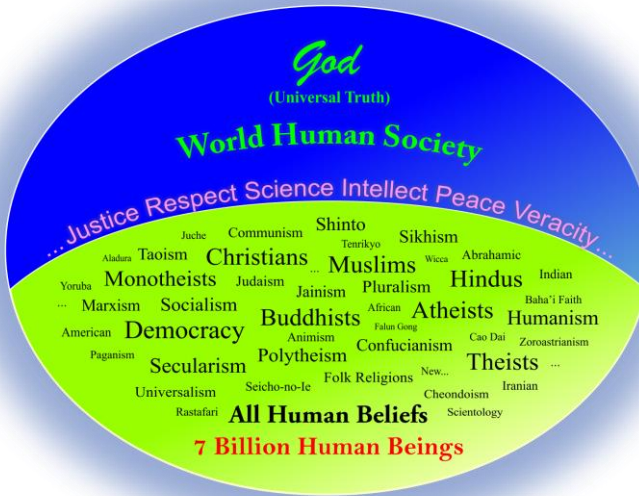
و **فرانسانی** است از این جهت که سلامت زندگی انسانی را برای تمامی کودکان، دختران، پسران، زنان، مردان و سالخوردهگان جهان از هر دین و آیین، و ملیت، رنگ، نژاد و زبانی که باشند با سیستم انسانی خود به ارمغان می‌آورد، و قویاً از راستی و درستی، و احترام و هویت و عدالت انسانی دفاع می‌کند.

این هدیهٔ خدا به من بود و من آن را با شما قسمت کردم.

داریوش قاسمیان دستچردی

پانزدهم سپتامبر ۲۰۱۰

My Earth



Standard Humanism©

www.standardhumanism.org / Founded by Dariush GH D - 2005/6

**Standard Humanism
&
Worldwide Standard Human Society**

By Dariush Ghasemian Dastjerdi

September 15, 2010 – Mysore India

حرف آخر

استانداردهیومنیزم، باور و سیستم مدیریتی جدید هزاره سوم بشر - با قابلیت برقراری صلح و عدالت - است! با این شعار که:

ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌ها هستیم، ۷ میلیارد انسان ...

استانداردهیومنیزم بر این مبنا و باور استوار است که:

۱/ زندگی بشر از ابتدا و تاکنون بر روی این کره خاکی به شکلی کاملاً بدوی و سستی گذشته است؛ هیچ تفکر و سیستمی تا به امروز به دلیل ماهیت و طبیعت بدوی زندگی انسان نتوانسته است آن را - به گونه‌ای شایسته، فراگیر و قابل پذیرش از طرف همه انسان‌ها - از فقر، ظلم، کشتار و جنایت و کاستی‌هایش نجات دهد، در نتیجه رنج‌ها، نقصان‌ها و ظلم‌های زندگی او همچنان پایدار بوده و حتی به نظر می‌رسد پایان ناپذیر نیز می‌باشند!

۲/ برای خروج از این زندگی بدوی و سستی، انسان‌های مثبت‌اندیش با هر آیین و فرهنگ و ملیتی لازم است تا با تجهیز خود به صفات و اصول پنج‌گانه استانداردهیومنیزم (و با حفظ تمامی داشته‌های خود، و نه با از دست دادن آنها) ماهیت زندگی بدوی بشر را تغییر داده و جهان را وارد دنیای دیگری کنند!!! تفاوت آن دنیا با دنیای امروز بشر، تفاوت زندگی انسان عقب‌مانده و عقب‌نگاه داشته شده حال حاضر با انسان جهش یافته هزاره سوم خواهد بود.

۳/ جامعه جهانی انسان استاندارد این ویژگی سیستماتیک را بر مبنای باور به پنج حقیقت برتر زندگی بشر (مدیریت و سیاست، ادیان و عقاید، فرهنگ و هنر، علم، و اقتصاد) دارد تا حق و نیاز همه بشر را برآورده کرده و زندگی کامل و پویای انسانی او را در هزاره سوم بسازد و مدیریت کند.

هدف و مقصود اصلی استانداردهیومنیزم چرخش و تغییر از ماهیت و طبیعت بدوی زندگی فعلی، به ماهیت و طبیعت و سیستم "رشد استاندارد گونه‌ای" است (خروج از چرخه زندگی بدوی برتری جویی فعلی و ورود به دنیای رشد مرحله‌ای و تصاعدی به سمت مراحل بالاتر، و کشف قابلیت‌های بیشتر انسانی و زندگی انسانی).

به عبارت دیگر فلسفه استاندارد هیومنیزم عبارت است از:

۱/ باور به خدا (حقیقت مطلق جهان هستی، قانون راستی و درستی، خالق، انرژی و دوست...) که خود را از طریق تمامی ادیان و باورهای صلح طلب و عدالت جو (مذهبی، اجتماعی یا سیاسی = مادی یا معنوی) به بشر معرفی و ارائه نموده تا او را در مسیر هماهنگ با آفرینش خود (طبق ظرفیت و توانایی هایشان) هدایت کند.

۲/ در زندگی بشر پنج حقیقت برتر وجود دارد که زندگی کامل انسانی را در تعادل با هم می سازند

۳/ نفوذ جهل و ظلم ۱۰ درصد بشر در طول تاریخ موجب ناخالصی این پنج حقیقت برتر و در نتیجه رنج بشر شده است به گونه ای که هرگز نتوانسته زندگی شایسته خود را تاکنون در این جهان رقم بزند و صلح و عدالت را برقرار سازد

۴/ به منظور نجات بشر به گونه ای که به اهداف دنیایی و زندگی های بعدی خود برسد لازم است تا ۷۰ درصد مثبت بشر که در بین تمامی مردم جهان و در بین تمامی ملت ها و فرهنگ ها با ادیان و باورهای متفاوت خود زندگی می کنند - به علاوه ۲۰ درصد خشتی در بین ما - زیر چتر استاندارد هیومنیزم با یکدیگر متحد شده تا کنترل جهان بشری را از ۱۰ درصد شیطانی گرفته و به رشد شایسته خود برسند.

۵/ استاندارد هیومنیزم یک سیستم مدیریتی و اجتماعی، و باور جدید هزاره سوم زندگی بشر است که به دلیل دارا بودن سیستم خاص خود در رعایت و حمایت از تمامی داشته های بشری، زندگی پیشرفته مادی و معنوی کاملی را بدور از نفوذ جهل و ظلم برای بشر رقم خواهد زد

- با اصلاح زندگی بشر در هر دو بعد فردی و اجتماعی این امکان بوجود می آید تا بشر بتواند زندگی کامل این جهان - در بالاترین استاندارد آن - را آغاز و با گذر از آن به زندگی های بعدی خود برسد! در غیر این صورت همچنان در گرفتاری ها و مشکلات بی پایان این زندگی تا ابد دست و پا خواهد زد و به جایگاه شایسته خود نخواهد رسید

با پذیرش استاندارد هیومنیزم رشد جهان خود را سرعت دهید!

ادعاینامه استانداردهیومینیزم

(استانداردهیومینیزم، پانزدهم سپتامبر ۲۰۱۰ توسط داریوش قاسمیان دستچردی - متولد هشتم فوریه ۱۹۶۱ - پس از حدود ... سال تفکر و تحقیق بنیانگذاری شده است).

استانداردهیومینیزم یک تفکر و عقیده مستقل است، بدون هیچ ربط و رابطه‌ای با عقاید، تفکرات، ادیان و سیاست‌های دیگر، و بدون هیچ ربط و رابطه‌ای با هر نوع گروه و تشکیلات و فرهنگ و ملتی؛ این یک تفکر بطور مطلق انسانی و مستقل است با هدف اتحاد انسانی و صلح، و امید به ایجاد فرصتی به منظور جستجوی بهترین روش زندگی کامل و بین‌المللی انسانی با حضور و همراهی تمامی مردم جهان با تمامی تفکرات و ادیان و عقاید فرهنگی و سیاسی‌شان.

این یک تفکر بین‌المللی و فرا-مرزی است، با هدف برقراری صلح و زندگی شایسته انسانی از طریق سازمان‌های معتبر جهانی و با حضور نمایندگان تمامی کشورهای جهان به منظور ایجاد فرصت اتحاد و صلح و پیشرفت همه‌جانبه بشری، و محو سلطه جاهلان و خودخواهان و قدرت‌طلبان از زندگی بشر.

استانداردهیومینیزم به ایجاد بهترین جهان شایسته زندگی انسانی از طریق تشکیل **جامعه جهانی انسان استاندارد** اعتقاد دارد، چون به اعتقاد استانداردهیومینیزم ما بهترین انسان‌ها هستیم در نتیجه نیاز به بهترین جهان شایسته زندگی انسانی داریم، جهانی بدون سلطه و نفوذ جاهلان و ظالمان و خودخواهان!

استانداردهیومینیزم به برقراری جهان شایسته زندگی انسانی با حفظ تمامی فرهنگ‌ها و عقاید و ادیان و سیاست‌ها می‌اندیشد! و نه با محو همه به خاطر یک تفکر و عقیده.

در دنیای انسان استاندارد و استاندارد هیومنیزم تمامی فرهنگ‌ها و عقاید، و برترین سیاست‌ها از طریق مدیریت و پاک‌سازی سیستم مدرن و فراگیر جامعه جهانی انسان استاندارد در ایده‌آل‌ترین شکل خود خواهند درخشید، برخلاف آنکه در دنیای تسلط ۱۰ درصد شیطانی همه با هم در جنگ و تنش و برتری‌جویی هستند تا حزب و گروه خود را به قیمت نابودی دیگران پیروز گردانند!

جهان بشری در طول تاریخ با پایداری انسان‌های شایسته مرحله به مرحله در جهت مثبت و بهتر شدن حرکت کرده است، اما هنوز به بلوغ کامل مادی و معنوی، و صلح و شادی و عدالت فراگیر، و برقراری یک دنیای عظیم و کامل انسانی به گونه‌ای که انتظار و لیاقت آن را داریم نرسیده است! پس با اتحاد خود از طریق *استاندارد هیومنیزم* فرصت برقراری *جهان شایسته و کامل انسانی* را فراهم نموده، و نفوذ نیروهای منفی و مخرب که جهان انسان‌های مثبت را با خرافات و پیشگویی‌های جاهلانه به سمت نابودی و ناامیدی و ظلم می‌برند را محو کنیم، در نتیجه تصور یک آینده تاریک را از بین برده و به رشد جهان خود سرعت دهیم؛ ما نیاز به بهترین جهان داریم، زیرا که بهترین انسان‌ها هستیم.

کتاب *استاندارد هیومنیزم* را به منظور نشر یک جهان بینی فرا انسانی و جهان شمول که به برقراری صلح و عدالت، و پیشرفت کامل مادی و معنوی بشر می‌اندیشد، به دوستان خود و همچنین مراکز دانشگاهی و کتابخانه‌هایی که در جهان می‌شناسید - از طریق سایت آن - معرفی و ارسال کنید.
<http://www.standardhumanism.org>

پیوست‌ها

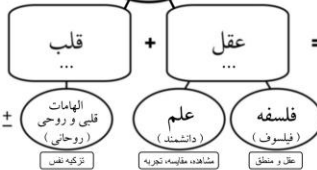
مقایسه استانداردهیومنیزم با تفکرات و عقاید دیگر:
بررسی و مقایسه تفکرات موجود با استانداردهیومنیزم
پنج جهان بینی موجود (توسط دنیس مک‌کالام)
جهان بینی استانداردهیومنیزم (مقایسه)
واضح‌سازی معنی و مفهوم «حقیقت و واقعیت» و رابطه آنها

۱۰ درصد شیطانی و دنیای آنها!!!
پیش از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد!
نامه دعوت به پذیرش استانداردهیومنیزم ...
سردفتر استانداردهیومنیزم!
واژه‌ها و عبارات جدید
منابع و مأخذ
ارسال نظرات
بیوگرافی

(دست‌آورد زندگی بشر)



(ارتباط روحی)



ادیان و عقاید

سیاست مدیریت

فرهنگ و هنر

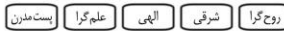
علم و دانش

اقتصاد و تجارت

(حقیقت برتر زندگی بشر)

فلسفه: علم الهامات قلبی و روحی
 —————
 همه مسیر متفاوت برای رسیدن به حقیقت! آنچه که درست است!

جهان بینی ها



سیستم های عقیدتی

(ادیان؛ مکاتب فکری؛ فلسفه ها...)



مقایسه استانداردهیومینیزم با تفکرات و عقاید دیگر:

بررسی و مقایسه تفکرات موجود با استانداردهیومینیزم
طبق الگوی سایت ReligionFacts.com

خدا و جهان هستی - خدا حقیقت مطلق جهان هستی است که همه بشر را بطور برابر تحت قانون پایدار خویش پوشش داده و نمی‌توان آن را در قالب صورت و یا گروه‌ها تفسیر نمود ... خدا یک انرژی هوشمند بسیط است، یک انرژی هوشمند زنده که خالق است ... او یک فرد نیست! ...

خدا (انرژی و حقیقت زنده) همیشه جاوید است، و در طول تاریخ زندگی بشر و طبق ضرورت و شرایط خاص هر منطقه و فرهنگی - و از طریق گذر از مسیر عقل، قلب و روح - به شکل یک دین و آیین متفاوت و رنگارنگ نمایان شده، تا مردم تحت پوشش خود را به بهترین شکل ممکن و هماهنگ با فرهنگ و تمدن‌شان هدایت کند.

خدا (حقیقت) یعنی صلح و عدالت! این یعنی اینکه تمامی ادیان، عقاید و فلسفه‌های عدالت‌جو و صلح‌طلب که در زندگی بشر وجود داشته و دارند، از خدا و از حقیقت منشعب می‌شوند! هر عقیده‌ای - چه با مضمون دینی یا اجتماعی، فرهنگی، سیاسی ... - که از مجموعه‌ای از قوانین و اصول عدالت‌جویانه تشکیل شده باشد و هدف آن برقراری صلح و عدالت باشد از حقیقت (خدا) است؛ در نتیجه تمامی باورهای عدالت‌جو و صلح‌طلب بشری از خدا و از حقیقت جهان سرچشمه می‌گیرند، و بنابراین برای مردم تحت پوشش خود کامل هستند؛ هرچند مسیر رشد و تعالی بیشتر آنها نیز ممکن است باز باشد!

در نتیجه خواهیم داشت: ادیان ابراهیمی؛ ادیان و عقاید هندی و شرقی (هندوئیسم، بودیسم، تائوئیسم و غیره)؛ ادیان ایرانی؛ آیین‌های قومی و قبیله‌ای؛ آیین‌ها و تفکرات اجتماعی، سیاسی و غیره؛ همگی منشعب از خدا و حقیقت، تا مردم تحت پوشش خود را از بی‌عدالتی و ظلم - طبق وضعیت و نیازهای‌شان - نجات دهند؛ این یعنی اینکه همگی آنها برای مردم تحت پوشش خود و فرهنگ خود درست هستند، نه اینکه الزاماً به مردم و تمدن‌های دیگر القاء شوند! اما از آنجاییکه بحث تحمیل دین و عقیده همیشه و در طول تاریخ زندگی بشر وجود داشته و معضلات و نابسامانی‌های بی‌شماری را رغم زده است، پذیرش استانداردهیومینیزم راه‌گشای زندگی بشر در هزاره سوم خواهد بود ...

با برقراری صلح و عدالت (از طریق قوانین فراگیر انسانی) بشر به هدف خود - از آفرینش - رسیده و قادر خواهد شد زندگی‌های بعدی خود را شروع کند! (۱۰ درصد شیطانی - با تصاحب پنج حقیقت برتر زندگی بشر - هرگز اجازه نداده‌اند تا در صلح و عدالت زندگی کنیم، و به همین دلیل است که زندگی بشر علی‌رغم تمامی تلاش‌های پایان‌ناپذیر اصلاحی آن توسط ادیان و عقاید در طول تاریخ، همچنان ضعیف و ناکارآمد باقی مانده و به سطح شایسته خود نرسیده است ...).

از نظر استانداردهیومنیزم، مفهوم خدا (حقیقت جهان هستی) از دو منظر قابل توجه است:

۱/ *از نظر اجتماعی* - به عنوان حقیقت حاکم و مطلق جهان، و قانون راستی و درستی ... که از طریق تمامی ادیان و عقاید صلح طلب و عدالت جوی بشری (مذهبی، اجتماعی یا سیاسی = مادی یا معنوی) و از طریق گذر از مسیر عقل، قلب و روح در زمانها و مکانهای مختلف آشکار شده و بشر را به سمت روش صحیح تر زندگی خود (با انواع اسامی گوناگون! و طبق ظرفیت های شان) مستقیم یا غیر مستقیم! هدایت نموده است

۲/ *از نظر فردی* - دوست، خالق و انرژی الهام بخشی که از طریق ارتباط ماورایی با او (به انواع روش های پرستش، مدیتیشن، یوگا و غیره، و از طریق آموزه های آیین های متفاوت) موجب ارتقای روحی فرد می گردد؛ در نتیجه ارتباط خالصانه با او ظرفیت روحی بشر را در مواجهه با پستی و بلندی های زندگی افزایش داده، و در نهایت موجب می گردد تا انسان - با درک صحیح تر حقیقت - زندگی این دنیایی سالم تر و نیز زندگی های بعدی بهتری را (چه در این جهان و چه در دنیاهای دیگر) بگذراند و آغاز کند

انسان و هدف از زندگی - در زندگی بشر پنج حقیقت برتر وجود دارد که زندگی کامل انسانی را در تعادل با هم می سازند ... نفوذ جهل و ظلم ۱۰ درصد بشر در طول تاریخ موجب ناخالصی این پنج حقیقت برتر و در نتیجه رنج بشر شده است به گونه ای که هرگز نتوانسته زندگی شایسته خود را تاکنون در این جهان رقم بزند و صلح و عدالت را برقرار سازد ... به منظور نجات بشر به گونه ای که به اهداف دنیایی و زندگی های بعدی خود برسد لازم است تا ۷۰ درصد مثبت بشر که در بین تمامی مردم جهان و در بین تمامی ملت ها و فرهنگ ها با ادیان و باورهای متفاوت خود زندگی می کنند - به علاوه ۲۰ درصد خشتی در بین ما - زیر چتر استاندارد هیومنیزم با یکدیگر متحد شده تا کنترل جهان بشری را از ۱۰ درصد شیطانی گرفته و به رشد شایسته خود برسند.

زندگی پس از مرگ - با اصلاح زندگی بشر در هر دو بعد فردی و اجتماعی این امکان بوجود می آید تا بشر بتواند زندگی کامل این جهان - در بالاترین استاندارد آن - را آغاز و با گذر از آن به زندگی های بعدی خود برسد! در غیر این صورت همچنان در گرفتاری ها و مشکلات بی پایان این زندگی تا ابد دست و پا خواهد زد و به جایگاه شایسته خود نخواهد رسید

* - استانداردهیومنیزم یک سیستم مدیریتی و اجتماعی، و باور جدید هزاره سوم زندگی بشر است که به دلیل دارا بودن سیستم خاص خود در رعایت و حمایت از تمامی داشته های بشری، زندگی پیشرفته مادی و معنوی کاملی را بدور از نفوذ جهل و ظلم برای بشر رقم خواهد زد

پنج جهان بینی موجود (توسط دنیس مک کالام)

— امروزه حدود شش هزار مذهب در جهان فعالیت دارند! اما این امکان وجود دارد تا بتوان فلسفه و جهان بینی آنها را در غالب پنج جهان بینی کلی به شرح ذیل دسته بندی کرد:

* - طبیعت گرایان (بی خدایان، منکرین خدا و پیروان فلسفه وجود)

واقعیت - جهان مادی تمام آن چیزی است که به عنوان واقعیت وجود دارد؛ واقعیت تک بعدی است؛ چیزی به اسم روح وجود ندارد؛ همه چیز تنها بر مبنای قواعد طبیعت قابل بررسی است.

انسان - انسان حاصل یک جهش اتفاقی بیولوژیکی و یک موجود اساساً طبیعی است (بدون ارتباط ماورایی)؛ گونه انسانی روزی از چرخه حیات خارج خواهد شد.

حقیقت - حقیقت بر مبنای اثبات علمی درک می گردد؛ تنها آنچه که با حواس پنجگانه مشاهده می شود به عنوان مسأله ای واقعی و یا حقیقی مورد پذیرش است.

ارزش ها - حقیقت مستقلی به عنوان ارزش ها و یا اخلاقیات وجود ندارد؛ اخلاقیات مزیت ها و ویژگی های فردی و یا رفتارهای مفید اجتماعی هستند؛ حتی رفتارهای اجتماعی در جریان تغییر و تکامل یافتن قرار می گیرند و مطلق نیستند.

* - همه خدایی، وحدت وجود (هندوئیسم، تائوئیسم، بودیسم ... عصر نو، آگاهی ...)

واقعیت - تنها بُعد معنوی وجود دارد، غیر از آن هر چه هست وهم و خیال است، مایه؛ واقعیت معنوی، برهمن، همیشگی و غیر قابل شناخت است؛ باور بر این است که همه چیز از خداست و خدا در همه چیز و همه جا حضور دارد.

انسان - انسان با حقیقت مطلق یکی است، بنابراین انسان معنوی، جاودان و بدون هویت مستقل است؛ این تصور انسان که یک فرد مستقل و دارای اختیارات فردی است وهم و خیالی بیش نیست.

حقیقت - حقیقت تجربه یکی شدن با یگانگی جهان است؛ حقیقت فراتر از هر بیان عقلانی است؛ تفکرات عقلانی به گونه ای که در غرب رواج دارد نمی تواند حقیقت را تعریف کند و بشناساند.

ارزش ها - اساساً تفاوتی بین درست و غلط بودن رفتار - به شکل هنجارهای رفتاری مرسوم اجتماعی امروز - وجود ندارد، بلکه هر زمان صحبت از رفتار غیر متعالی می شود منظور آن رفتارهایی است که فرد را دچار فقدان همسویی و اتحاد با حقیقت مطلق می گرداند.

* - معتقدین به خدا (یهودیت، مسیحیت، اسلام)

واقعیت - یک خدای واحد و نامحدود وجود دارد؛ دنیای مادی و محدود، مخلوق اوست؛ واقعیت هم مادی است و هم معنوی؛ جهانی که ما می شناسیم آغازی داشته و پایانی نیز خواهد داشت.

انسان - انسان مخلوق منحصر به فرد خداست؛ انسان پرتوی از جمال خداوند است، این به آن معنی است که ما معنوی، طبیعی، منحصر به فرد و جاودانی هستیم.

حقیقت - حقیقت درباره خدا از طریق وحی قابل درک است؛ حقیقت درباره دنیای مادی از طریق وحی و حواس پنجگانه، همراه با تفکر عقلانی قابل کشف می‌باشد.
ارزش‌ها - ارزش‌های اخلاقی، جلوه برونی اخلاقی و معنوی بودن است.

*** - روح گریان و چند خداپرستان** (شامل هزاران مذهب)

واقعیت - دنیا مملو از ارواحی است که آنچه را که می‌گذرد اداره می‌کنند؛ خدایان و اهریمنان علل واقعی رخدادها و شعور حاکم بر وقایع طبیعی هستند؛ موجودات طبیعی واقعی هستند اما با ارواح آمیخته‌اند در نتیجه می‌توان آنها را به شیوه معنوی و روحانی تفسیر کرد.

انسان - انسان مخلوق خدایان است، درست مثل دیگر مخلوقات روی زمین؛ برخی نژادها و اقوام ارتباط خاصی با برخی از خدایان دارند که از آنها محافظت می‌کنند و می‌توانند آنها را بخاطر خطاهایشان تنبیه نیز بکنند.

حقیقت - حقیقت درباره دنیای طبیعی از طریق کاهنان قابل کشف است که از آگاهی خاصی برخوردارند، بنابراین برای آنها آشکار می‌شود که اهریمنان و خدایان چه می‌کنند و چه می‌اندیشند.

ارزش‌ها - نمونه‌های اخلاقی به شکل اعمال حرام باعث رنجش ارواح مختلف می‌شوند، این اعمال، متفاوت از بحث خوب و زشت بودن رفتارها است، چون عدم رنجش ارواح بد به همان اندازه عدم رنجش ارواح خوب مهم است ...

*** - فرامدرنیسم**

واقعیت - واقعیت می‌بایست با معیار فرهنگ بیان و تعریف شود؛ بنابراین واقعیت یک پروسه اجتماعی است.

انسان - انسان‌ها محصول بنیان اجتماعی‌شان هستند؛ این نظریه که مردم خودمختار و آزاد هستند افسانه‌ای بیش نیست.

حقیقت - حقایق بنیان‌های ایجاد شده معنوی توسط افراد در محدوده‌های فرهنگی خود هستند، و قابل تجویز به فرهنگ‌های دیگر نمی‌باشند؛ بیان و درک حقیقت بستگی به فرهنگ فرد دارد.

ارزش‌ها - ارزش‌ها هم چون حقایق بخشی از نمادهای اجتماعی ما هستند، بردباری، آزادی بیان، مشارکت و عدم ادعای اینکه همه جواب‌ها را می‌دانیم تنها ارزش‌های جهانی هستند.

- هر کدام از جهان‌بینی‌های فوق از زاویه خود جهان را درک کرده‌اند.

فرض کنید - در یک مسابقه طراحی و ساخت مجسمه‌های شنی، در طول ساحل یک دریای آبی - عده‌ای هنرمند (هریک در محدوده خود، و با دانش و فرهنگ خود) با شکل دادن به شن‌های ساحل، مجسمه‌هایی ساخته‌اند ... هر کدام به اثر خود می‌بالد و آن را بهترین و حقیقت محض می‌داند، و اسمی روی آن می‌گذارد! اما حقیقت محض و مطلق، همان شن ساحل دریای آبی است! ... و آن مجسمه‌ها تنها تجسم‌هایی از حقیقت محض هستند، و نه کل حقیقت؛ آنها حقایق نسبی هستند

داستان ممکن است چیز برتر و یا ترکیبی از اینها باشد!

جهان بینی استاندارد هیومنیزم (مقایسه)

واقعیت (آنچه که هست / فیزیکی + ترکیب فیزیکی و متافیزیکی) - واقعیت، زندگی و بودن است ... واقعیت، آن است که چیز شگفت انگیزی در جهان وجود دارد ... واقعیت، یکی بودن و کشف کردن است ... واقعیت، گذر از این زندگی همراه با صلح و عدالت است

حقیقت (۱) آنچه که فرای واقعیت قرار دارد، و اصل وجود جهان هستی (خدا)؛
۲/ و یا صحیح ترین وضعیت موجود در ارتباط با هر چیزی / متافیزیکی).

۱/ حقیقت یک انرژی هوشمند و بسیط است که ابعاد و اندازه اشیا را می آفریند و با ما خلی عظیم هستند) ... حقیقت آن چیزی است که خلق می کند و آنچه را که خلق کرده است نگاه می دارد ... نگاه کردن به او و درک او مثل نگاه کردن یک ماهی به دنیای خارج خود است، مبهم و نه قابل تشخیص به درستی (حداقل از زاویه و وضعیت محدودی که ما در این جهان داریم) چون او کل است و ما جزء

۲/ فرهنگ ها و مردمان مختلف هر یک از زاویه و دریچه نگاه محدود خود او را می بینند و درک می کنند! بنابراین او چیز خیلی عظیم و پیچیده ای است، که قابل تشخیص تنها از یک بُعد و یا از طریق یک فلسفه نیست

.....

انسان - انسان یک اثر هنری است! خلق شده توسط خالق جهان از طریق انرژی و هوشی که به طبیعت القاء شده ... این اثر هنری یک موجود تکامل یافته و پیچیده ای است که نشان از بزرگی و توانایی خالق خود دارد ... ما به عنوان انسان نیز توانایی خلق آثار هنری را داریم، اما تفاوت در این است که مخلوق ما و اثر هنری انسانی نمی تواند ما را به عنوان خالق خود درک کرده و یا به ما بیندیشد، در صورتیکه انسان به عنوان یک شاهکار خلق شده می تواند به حقیقت و واقعیت جهان خود بیندیشد و آنها را کشف کند، البته نه در یک مرحله! این به این معنی است که ما می باید «مراحل رشد فراگیر» را طی

کنیم تا به درک جهانی و کاملی از هستی برسیم و بالاخره به توانایی درک حقیقت نایل شویم = این فلسفه استاندارد هیومنیزم است که انسان را به سمت یک زندگی استاندارد گونه‌ای هدایت می‌کند! این یعنی ما می‌بایست بهترین زندگی توأم با صلح و عدالت، و یک زندگی کامل مادی و معنوی - برای کل بشر و بطور هماهنگ که افق دید فعلی‌مان از یک زندگی کامل است - را ترسیم کنیم و سپس با دستیابی به آن استاندارد بالاتر و افق بعدی را برنامه‌ریزی کنیم، و سپس زندگی کامل مادی و معنوی برتر و برتر دیگر تا اینکه در نهایت بزرگ و بزرگ‌تر شویم و در حقیقت و انرژی جهان هستی (خدا) حل گردیم، و بالاخره او را درک کرده و با او یکی شویم.

انسان یک شاهکار هنری و بخشی از روح جهان هستی است - و از آنچنان مقام و ارزشی برخوردار است - که می‌بایست در برترین سطح احترام توسط تمامی مردم جهان و فرهنگ‌ها قرار گیرد و هرگز مورد ظلم و ستم واقع نشود.

.....

ارزش‌ها - ارزش‌ها آن بخشی از الگوها، رفتارها و اعمال انسانی است که به ما کمک می‌کند تا با منطبق شدن با ایده‌آلهایی که ترسیم کرده‌اند انسانی شویم که ظرفیت و توانایی زندگی در صلح و عدالت را پیدا کنیم؛ زندگی در صلح و عدالتی که ما را به ظرفیت گذر از این زندگی به زندگی برتر بعدی‌مان هدایت خواهد کرد و خواهد رساند.

برخی ارزش‌ها جهانی و بین‌المللی هستند و برخی فرهنگی و منطقه‌ای ... آن بخشی که بین‌المللی هستند مانند راستگویی و درستکاری - که از حقیقت و خدا ساطع می‌شوند - غیرقابل تغییر هستند، اما ارزش‌های منطقه‌ای و فرهنگی تمایل به منفی شدن و تغییر در اثر نفوذ جهل و ظلم ۱۰ درصد شیطانی دارند! ۱۰ درصد شیطانی از طریق جهل و ظلم‌شان تلاش می‌کنند تا نگذارند بشر در صلح و عدالت زندگی کرده و در نتیجه وارد مرحله برتر زندگی جهانی خود شود، و مراحل رشد شایسته خود را طی کند

.....

صلح و عدالت - صلح و عدالت یعنی وضعیتی که همه در آن شرایط و وضعیت راضی و خرسند باشند؛ این یعنی برقراری یک سیستم بین‌المللی تا

آن شرایط را محقق و عملی کند؛ بدون یک سیستم جامع بین‌المللی، صلحی پایدار و یا عدالتی فراگیر وجود نخواهد داشت.

برقراری عدالت یعنی احترام به تمامی داشته‌های بشری، و این داشته‌ها طبق تفکر انسان استاندارد و استاندارد هیومنیزم پنج حقیقت برتر زندگی بشر را شامل می‌شوند که عبارتند از: ۱/ سیاست و مدیریت؛ ۲/ ادیان و عقاید؛ ۳/ فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی؛ ۴/ علم و دانش؛ ۵/ اقتصاد و تجارت ... جهل و ظلم ۱۰ درصد بشر (طبق فلسفه استاندارد هیومنیزم) از طریق تصرف و یا تخریب این پنج حقیقت برتر زندگی انسان هرگز اجازه نداده است تا در صلح و عدالت زندگی کنیم، و به همین دلیل استاندارد هیومنیزم پنج اصل سه بعدی اتحاد انسانی را ابداع کرده است تا سپس با تأسیس تشکیلات جدید و پیشرفته جامعه جهانی انسان استاندارد (بجای سازمان ملل متحد فعلی) زندگی انسان را هدایت و کنترل کند.

به منظور دستیابی به صلح و عدالت و سپس شروع زندگی‌های برتر بعدی‌مان، کل جهان بشری (تمامی کشورها و فرهنگ‌ها) در تمامی جنبه‌های زندگی می‌بایست هماهنگ با هم رشد کنند؛ بدین ترتیب: روح بشریت با اتحاد و همبستگی وارد مرحله برتر زندگی بعدی خود خواهد شد.

.....

نکته: بشر در مراحل اولیه زندگی خود است! در نتیجه ممکن نیست تا تمامی حقایق جهان خود را در همین مرحله (این جهان) درک کند، حقایقی مثل اینکه: دقیقاً خدا چیست؟ و یا، هدف از آفرینش بشر چه بوده است؟ و یا، آیا زندگی پس از مرگی وجود دارد یا خیر؟ و غیره؛ پس ابتدا لازم است تا با دستیابی به صلح و عدالت که برترین استاندارد قابل تشخیص حال حاضر زندگی ما می‌باشد، به آگاهی، ظرفیت و درک بالاتری برسیم تا در نتیجه حقایق و واقعیات بیشتری را در اثر افزایش ظرفیت‌مان درک کنیم، درک حقایق و واقعیاتی که نزدیک‌تر به حقایق جهانی هستند ... پس ابتدا لازم است تا تمرکز و انرژی خود را متوجه اصلاح زندگی فعلی خود کنیم، و سپس با ظرفیتی که از طریق مدیریت جدید زندگی خود کسب کرده‌ایم حقایق و واقعیات بیشتری برای ما آشکار خواهند شد ... بنابراین برقراری صلح و عدالت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است تا در اثر تلاشی که در جهت برقراری آنها انجام می‌دهیم ظرفیت‌ها و آگاهی‌هایمان افزایش یابد ... برقراری صلح و عدالت بالاترین چالش زندگی انسانی است که رسیدن به آنها نشان از توان بشر در کنترل جهل و ظلم، و خودخواهی داشته و انسان را به ظرفیت شایسته خود و آگاهی بالاتری می‌رساند تا به پاداش زندگی برتر بعدی خود برسد.

* (زندگی بشر تنها با بهره‌گیری کامل از عقل و قلب و روح، و در جهت زندگی کامل مادی و معنوی، و با نگاهی جهانی، کامل و معنی‌دار و بزرگ است)

واضح‌سازی معنی و مفهوم «حقیقت و واقعیت» و رابطه آنها

(از نظر استاندارد هیومنیزم)

سه وضعیت متفاوت در ارتباط با رابطه بین حقیقت و واقعیت، و معنی و مفهوم آنها قابل تصور است:

واقعیت = (آنچه که هست / ...) **حقیقت** = (۱ / آنچه که فرای واقعیت قرار دارد، و اصل وجود جهان هستی؛ ۲ / یا صحیح‌ترین وضعیت موجود در ارتباط با هر چیزی / ...).

الف (از زاویه نگاه به آینده) / در این مرحله یک واقعیت مطلق وجود دارد که فیزیکی و قابل مشاهده است؛ و یک حقیقت مطلق که متافیزیکی بوده و حکایت از «درست بودن مطلق» دارد که بر همه چیز مسلط و محاط است؛ (شاید بتوان آن را **خدا** نامید: در اینصورت این یک "تعبیر فلسفی و علمی" از خداوند است و نه یک "تعبیر عامیانه و سنتی"!)

* در وضعیت اول هیچگونه آشتی و ارتباطی بین حقیقت و واقعیت وجود ندارد و شما همه چیز را یا حقیقت مطلق و ماورایی می‌بینید و به جهان مادی و فیزیکی خود (علم، اقتصاد، فرهنگ، رشد و توسعه و غیره) بی‌توجه هستید، و یا تنها متوجه واقعیت مطلق و دنیای فیزیکی خود هستید و از حقیقت و از رشد روحی و معنوی غافلید (این یعنی فلسفه و نگاه شما فراگیر و جامع نیست و تنها از یک بُعد به جهان خود می‌نگرید) ...

ب (بررسی آنها در حال حاضر) / در این مرحله وضعیت اینگونه است که واقعیت و حقیقت به هم خواهند رسید و یک مفهوم را خواهند ساخت! به عنوان مثال حقیقت در مورد شما این است که شما شایستگی، و یا ظرفیت اینکه بهترین هنرمند شهرتان بشوید را دارید؛ و یا حقیقت این است که شما شایسته داشتن یک زندگی مناسب هستید، اما در واقعیت اینطور نیست! هرگاه شما توانستید زندگی شایسته‌ای برای خود رقم بزنید، در آن صورت واقعیت و حقیقت در مورد شما یکی خواهند شد و واقعیت (حقیقت) این خواهد بود که شما زندگی خوب و مناسبی دارید ...

وضعیت دوم می‌تواند یک سیر بی‌پایان باشد! به این معنی که شما ابتدا - در حال حاضر - یک وضعیت برتر (حقیقت) را در مورد خود تصور می‌کنید و در عالم واقعیت با تلاش به آن می‌رسید، و بدین ترتیب و بطور مستمر مراحل

رشد بیشتر را تا جایی که حقایق برتری را می‌توانید برای خود تصور کنید، و شایستگی رسیدن به آن را دارید رقم می‌زنید و برای خود عملی می‌کنید؛

(استانداردهیومنیزم بر مبنای این فرمول دوم پایه‌ریزی شده است ... تا زندگی انسان را به بالاترین سطح شایسته آن که استحقاقش را داریم برساند، تا جایی که مرحله به مرحله مراحل رشد مادی و معنوی را تا بالاترین استاندارد قابل تصور هر مرحله طی کرده و در نهایت در حقیقت مطلق حل گشته و یکی شویم).

* در وضعیت دوم حقیقت و واقعیت در ارتباط تنگاتنگی با هم هستند و پس از طی مراحل به هم خواهند رسید و یکی خواهند شد (این یعنی شما به رشد فراگیر مادی و معنوی، و کشف حقایق برتر جهان خود معتقد هستید) ...

ج (از زاویه نگاه به گذشته)/ وضعیت سوم بدین گونه است که تفاوتی بین معنی و مفهوم حقیقت و واقعیت وجود نخواهد داشت! و هر دو یک معنی مشترک را القاء خواهند نمود؛ به عنوان مثال واقعه‌ای رخ داده است و شما می‌خواهید بدانید که دقیقاً چه شده است؛ در این وضعیت شما خواهید پرسید که: حقیقت در این مورد چیست؟ و یا، واقعیت در این مورد چیست؟ با پرسش هر دو سؤال شما یک چیز را می‌خواهید بدانید و آن این است که ماجرای دقیقاً چیست!

* در وضعیت سوم نگاه این است که حقیقت و واقعیت یکی هستند و در همه چیز بطور همزمان مخلوط بوده و در جریانند (این یعنی شما در حالت انفعالی، و یا در آرامش مطلق قرار دارید و همه چیز را همانگونه که هست می‌پذیرید) ...

- (هرکدام از پنج جهان‌بینی ذکر شده در بالا تلاش دارد تا حقیقت و واقعیت جهان هستی و زندگی انسان را از زاویه بخشی از این سه وضعیت بیان کند! اما شاید حقیقت (= وضعیت صحیح) این است که برای آنالیز و یافتن حقایق و واقعیات جهان بشری لازم باشد تا نگاهی ترکیبی با توجه به سه وضعیت ذکر شده در این بخش داشته باشیم) ...

- (تشخیص حقیقت در مراحل اولیه خود نسبی و چندلایه است تا به حقیقت مطلق برسیم؛ حقیقت در طول زمان مرتباً خود را پالایش می‌کند، و فراگیرتر و قابل درک‌تر می‌شود).

۱۰ درصد شیطانی و دنیای آنها!!!

در عالم واقعیت زندگی ما، شیطان یک مفهوم دولایه است:

(طبق فلسفه و تفکر انسان استاندارد)

الف/ بخشی از غریزه حیوانی انسان‌ها که ما را به سمت خودخواهی، حرص و طمع، قدرت طلبی، جهل و ظلم ... سوق می‌دهد (بیشتر در ۱۰ درصد انسان‌ها ...).
ب/ برخی شرایط محیطی و انرژی‌های منفی اطراف محیط زندگی مان که زمینه‌های گسترش و نفوذ خودخواهی، قدرت طلبی و ظلم را مهیا می‌سازند

در نتیجه: (الف) مجهز شدن به دانش، احترام گذاردن به دیگران، و درک و تفاهم داشتن در حل مسائل ... و (ب) کنترل سیستماتیک زندگی انسان بر طبق عقل و قانون، جواب و راه‌حل تمام نقصان‌ها و مشکلات زندگی انسانی خواهد بود! (و بدین ترتیب شیطان جهل و ظلم برای همیشه از زندگی بشر ریشه‌کن خواهد شد).

فلسفه شگفت‌انگیز استانداردهیومینیزم بر اساس: ۱/ ارائه پنج اصل به دقت طراحی شده استانداردهیومینیزم؛ و ۲/ تشخیص پنج حقیقت برتر زندگی بشر، موجب می‌گردد تا ریشه تمامی مشکلات جهان بشری به شکلی عملی در زندگی بشر کشف شده و ختنی گردد!

برای بخش (الف) استاندارددهیومینیزم پنج اصل اتحاد انسانی را پیشنهاد می‌کند

و

برای بخش (ب) سیستم کامل جامعه جهانی انسان استاندارد را به منظور مدیریت پیشرفته زندگی انسانی در هزاره سوم، توأم با برقراری صلح و عدالت ارائه می‌دهد (از طریق پنج دیپارتمان خود)

*- بدین ترتیب ۱۰ درصد شیطانی آنهایی هستند که با شخصیت منفی و نفوذ خود پنج حقیقت برتر زندگی بشر را نابود می‌کنند!

و این است دنیای ۱۰ درصد شیطانی:

۱/ اداره جوامع بشری را تحت کنترل می‌گیرند تا به مردم ساده و مظلوم ظلم کنند

(این مشکل از طریق بخش مدیریت و سیاست جامعه جهانی حل خواهد شد)

۲/ ادیان و عقاید را تحت کنترل می‌گیرند و چهره‌ای تاریک از آنها ارائه می‌دهند تا مردم صادق و درستکار را دشمن همدیگر کنند

(این مشکل از طریق بخش ادیان و عقاید جامعه جهانی حل خواهد شد)

۳/ کنترل فرهنگ‌ها را در دست می‌گیرند ... و تلاش می‌کنند تا داشته‌های زیبا و متنوع فرهنگی ملت‌های جهان را نابود کنند

(این مشکل از طریق بخش فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی جامعه جهانی حل خواهد شد)

۴/ اقتصاد و تجارت، و نیز ثروت بشر را در تسلط و کنترل خود می‌آورند تا مردم را فقیر و رنج‌دیده نگه دارند

(این مشکل از طریق بخش اقتصاد و تجارت جامعه جهانی حل خواهد شد)

۵/ بشر را بیسواد نگه می‌دارند تا او را برده خود کنند

(این مشکل از طریق بخش علم و دانش جامعه جهانی حل خواهد شد)

جامعه جهانی انسان استاندارد از طریق مدیریت و پاک‌سازی پنج حقیقت برتر زندگی بشر، و از طریق پنج دپارتمان اصلی خود، کنترل و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی را خنثی و محو خواهد نمود!

و اکنون آشکار می‌گردد که؛

این همان چیزی است که استانداردهیومنیزم بر اساس آن ابداع شده است؛ که عبارت است از اینکه از طریق دانش سیستماتیک استانداردهیومنیزم (پنج اصل آن) و مدیریت سیستماتیک جامعه جهانی انسان استاندارد زندگی بشر را نجات دهیم و دنیای روشن و درخشان هزاره سوم را به دور از کنترل و نفوذ ۱۰ درصد شیطانی به تمامی کودکان، دختران و پسران، و زنان و مردان از هر نژاد، ملیت، دین و آیین، و رنگ و زبانی هدیه کنیم

- از طریق سیستم خاص اتحاد انسانی استانداردهیومنیزم و مدیریت پیشرفته آن، این امکان برای بشریت فراهم خواهد گردید تا خیلی سریع‌تر از آنچه که در دنیای تسلط ۱۰ درصد شیطانی در حال رشد و پیشرفت هستیم رشد کنیم، و جهان خود را آنگونه که شایستگی‌اش را داریم بسازیم.

پیش از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد!

پیش از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد - و مدیریت فراگیر آن به شکل رسمی از طریق مشارکت تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی - در هر کشور و یا شهری، با مشارکت تمامی انسان‌هایی که تمایل به تغییر جهان خود از طریق استاندارد هیومنیزم را دارند، نمایندگی‌های موقت جامعه جهانی می‌توانند تأسیس شوند، تا در محدوده‌های خود، تغییرات و اصلاحات شایسته جهان خود را آغاز کنند! در نتیجه سیستم پیشنهادی استاندارد هیومنیزم این شور و شعف را در بین مردم مشتاق زندگی بهتر انسانی در شهرها و کشورهای جهان و بخصوص در کشورهای عقب مانده ایجاد خواهد کرد که هر چه سریع‌تر از طریق سیستم کامل و فراگیر استاندارد هیومنیزم به سمت آنچه که شایستگی‌اش را دارند حرکت کنند و زندگی جدید خود را بسازند؛ (این نمایندگی‌ها به صورت سازمان‌های مردم‌نهاد، و طبق قوانین جاری در هر کشور تحت نام "نمایندگی‌های استاندارد هیومنیزم" پس از کسب اجازه‌نامه رسمی از طرف **داریوش قاسمیان دستجردی: بنیانگذار استاندارد هیومنیزم**، می‌توانند تأسیس شوند).

* - در تمامی نمایندگی‌های جامعه جهانی انسان استاندارد به دلیل تأکید خاص استاندارد هیومنیزم به اهمیت قانون محوری تنها یک رئیس وجود دارد که آن هم **"کتاب استاندارد هیومنیزم"** است؛ (به عنوان پرزیدنت، و خط‌مشی دهنده، و مرجع اصلی تمامی امور اجرایی) و هیچ فرد مشخصی به عنوان رئیس در هیچ نمایندگی و دپارتمان وجود نخواهد داشت، بلکه همگی همکار هم به شمار خواهند آمد؛ **استاندارد هیومنیزم تمرکز قدرت و حزب‌گرایی و فردگرایی را ذوب نموده و حکومت قانون انسانی را در دستان انسان‌ها استوار و پایدار می‌گرداند.**

* - **هیئت رئیسه** در هر نمایندگی شامل: سه نماینده از هر یک از پنج دپارتمان جامعه جهانی - جمعاً ۱۵ نفر - خواهد بود، که از طریق رأی‌گیری، با توجه ویژه به دارا بودن شایستگی‌های سطح بالای علمی و فرهنگی، از بین اعضای همان دپارتمان انتخاب می‌شوند.

* - در هر یک از پنج دپارتمان، به تعداد مشارکت افراد واجد شرایط (حتی تا ۵۰ نفر در هر دپارتمان) متخصصینی مشغول ترویج و اجرای استاندارد هیومنیزم خواهند بود!

دپارتمان‌ها وظایف خود را طبق شرح وظایف تعریف شده در بخش چهارم کتاب (جامعه جهانی انسان استاندارد و پنج بخش مدیریتی آن) و با اخلاق انسان استاندارد، و با تفاهم و روشنگری پیگیری کرده و به انجام می‌رسانند.

۱/ دپارتمان مدیریت و سیاست، بدنبال رایزنی برای اصلاح سیستم سیاسی کشور خود؛ پیگیری امور مربوط به حقوق بشر؛ حفظ محیط زیست و غیره خواهد بود.

۲/ دپارتمان ادیان و عقاید، پنج اصل استانداردهیومنیزم را ترویج می‌کند

۳/ دپارتمان فرهنگ و هنر و زیبایی‌های زندگی، بر روی اصلاح ساختار شهرنشینی، ترویج جلوه‌های زیبای معماری، و نیز لباس و غذا، و آداب و رسوم منطقه خود فعالیت می‌کند

۴/ دپارتمان اقتصاد و تجارت، بر روی فقرزدایی و اشتغال‌زایی فعالیت می‌کند

۵/ دپارتمان علم و دانش، بر ریشه‌کنی بیسوادی و مخصوصاً بر رعایت پاکیزگی و بهداشت عمومی تأکید خواهد کرد.

*- در هر نمایندگی یک بخش اداری از طریق یک مُنشی - زیر نظر هیئت رئیسه - امور دفتری و اداری آن مرکز را مدیریت خواهد کرد (یافتن منابع مالی جهت اداره کلیه امور مرکز برعهده این بخش است)

اهمیت سیستم مدیریتی استانداردهیومنیزم در این است که: الف/ فراگیر و کامل بوده و همه جنبه‌های زندگی انسانی را همزمان با هم دربرمی‌گیرد؛ ب/ بدلیل برخورداری از یک جهان‌بینی کامل انسانی این اطمینان را در قلب همه مردم جهان با هر تفکر و فرهنگی ایجاد می‌کند تا حاضر باشند با اتکاء به استانداردهیومنیزم زندگی اصیل و خاص خود را بدور از بیگانگی فرهنگی و هویتی بسازند.

پیش از تأسیس جامعه جهانی انسان استاندارد! یک سردفتر اصلی به عنوان آغازگر اصلاحات بنیادین زندگی انسانی در هندوستان، آمریکا، و اروپا تأسیس خواهد شد، و نظارت بر نمایندگی‌های موقت و خودجوش مردمی در کشورها و مناطق مختلف جهان را برعهده خواهد داشت

- هر انسان شایسته‌ای حق انسانی دارد تا در ترویج فرهنگ صلح، عدالت و برابری جهانی استانداردهیومنیزم به عنوان نماینده این تفکر در هر نقطه از جهان و به هر طریق مشروع و قانونی بکوشد.

Invitation letter

نامه دعوت به پذیرش استاندارددهیومنیزم

To all those who are concerned!

Please adopt and realize Standard Humanism!

And save the world of 7 billion mankind and life on Earth!!!

Dear Sir/ Madam

With all my respect and best wishes

The letter you are reading is in regards to my new book (Standard Humanism ...) which is about human life and peace, and perfect living on this Earth!

As we are all human beings with our diverse Nationalities, Cultures, Religions, Beliefs and Ideas; we need to live on this earth in peace, justice and solidarity ... but this is thousands year hope and dream and has never visualized perfectly, thus it is our job and duty to constantly work on it and try to make this dream come true; I am also trying to do something in this concern by my ability, even if I am not very strong about it.

Through this letter I am going to invite you to adopt Standard Humanism and participate in changing your world for the sake of all human beings; and do your share to in support of dedicating the bright and brilliant world of third millennium to mankind!

Standard Humanism is the first international belief of the 3rd millennium, covering all the aspects of human life and has the potential to bring peace & justice;

With the slogan of:

"We need the best world, because we are the best Human beings - 7 billion human beings, all human beliefs ..."

Maybe this effort makes us to become nearer to what human beings deserve for a good life and helps us to pave the way of peace and understanding and end the darkness of ignorance, oppression, etc.

This is a try to save and change human life from primitive to advanced world by the participation of **all**

The whole idea of Standard Humanism is discussed in my book: "Standard Humanism and Worldwide Standard Human Society" which can be downloaded from the site: <http://standardhumanism.org>

Best regards,

Dariush Ghasemian Dastjerdi

Founder of Standard Humanism



عملیاتی کردن استاندارد هیومنیزم!

Promoting Standard Humanism for the sake of all ...

Any peace-loving and pure human being needs to **promote** and **strengthen the belief of Standard Humanism** in order to give the gift of the ideal and best imaginable world to mankind which will change the human life for the sake of all (*Politics, religions, beliefs, ideas, cultures, races, and people of the world ...*) to eliminate all the failures, ignorance, oppression, superstition etc. and shine the life of human beings on this earth;

This can be done by: speaking, advertising and any other ways of promoting you can and desire.

In order to promote the Idea of Standard Humanism (In its worldwide tour) you can also donate to:

Account No. **30886398269**

Name: **Dariush Ghasemian Dastjerdi**

State Bank of India; Karnataka, Mysore - Main Branch: Code No. 3130

Swift Code: **SBININBB 170**

And how to fulfill it?!

- 1/ [Adopting and voting for Standard Humanism!!!](#)
- 2/ Read [the book](#) and teach [the five principles of Standard Humanism!](#)
- 3/ [Establishing NGOs of Standard Humanism!](#)
- 4/ [Establishing Worldwide Standard Human Society](#)

(The Universal Society of Standard Human) in the place of [UN!!!](#)

[Download and send the book of Standard Humanism to your friends!](#)

To human unity and elimination of the ignorance and oppression of "the Satanic 10%" in human societies!

Standard Humanism is a kind of belief system! Which:

- 1 – Spreads to public life thru believe in its 5 principles
- 2 – Thru the NGOs of Standard Humanism works officially.
- 3 – By establishing "**Worldwide Standard Human Society**" - in the place of UN - changes and purifies human life of mankind!

سردفتر استاندارد دهیومنیزم!

Design for "The First Standard Humanism Headquarters"

This architectural design is based on my recent research and design of **Hanging Gardens of Babylon** as one of the **7 wonders of ancient life** which now I am turning it to the building of **The First Standard Humanism Headquarters!** To be suggested and be built as a magnificent masterpiece as well as a center for the new researches in the field of: **The best way of human life administration**, according to *The Philosophy of Standard Humanism*, that is based on: *peace, respect, purification & understanding*.

The specific characters of this design makes it possible to **host** scholars, meetings and visitors from all around the world (**Both as study center & hotel**) who are interested to witness the first steps in the new changes of human life by the philosophy of respect and understanding in *The New Way of Standard Humanism*.

There are five and five things there!

There are five (1) & five (2) & five (3) there in matching to make the 5 floors of Hanging Gardens reasonable and to be accordable with the principles and departments of Standard Humanism in constructing this design, as the best design for the building of the first Standard Humanism Headquarters!

In this way in the:

Top floor (5): All religions & beliefs **come out of** God and the Truth! Thus, *the first principle* and *the first department* are placed - philosophically - in the top floor of the design!

The next floor (4): Believe in one of the recognized beliefs & religions **with** the Cultures & beauties of life in the next floor!

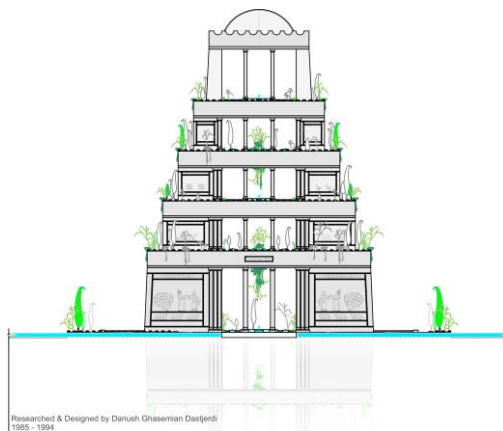
The next floor (3): Believe in the common characteristics of all the beliefs **with** Politics & management!

The next floor (2): Vote for constructing the Worldwide Standard Human Society **with** Economics & trades!

The next floor (1): To be clean and pure in our life **with** Sciences & knowledge!

All these mean:

To construct something beautiful and correct as the first building of an office, to start the best possible start in making a place to change human life from primitive nature to an advanced one by Standard Humanism!



This is available here in the hope of having your respectful cooperation in constructing the first Standard Humanism Headquarters as well as the first study center to promote human life by the participation of all recognized scholars!

This is also sent to more recognized Offices of democratic countries to capture more attention & cooperation and even to build the equal centers to share more spaces and knowledge, and hence to step forward faster in changing human life to what we really deserve.

The Headquarters activities and programs:

- 1. Introducing & preaching Standard Humanism thru advertising, publishing etc.*
- 2. Finding the opportunities of establishing NGOs of Standard Humanism in various regions and countries*
- 3. Holding seminars and conferences regarding the introducing Standard Humanism*
- 4. Active connection with the international organizations with the scope of fulfillment of the Standard Humanism!*
- 5. Active connection with the universities and finding the ways of teaching Standard Humanism thru the establishment of the departments of Standard Humanism in universities with the scope of changing human life from its primitive nature of now to the progressed and advanced life of 3rd millennium for the sake of all seven billion mankind.*
- 6.*

واژه‌ها و عبارات جدید

واژه‌ها و عبارات بکار رفته در این کتاب:

انسان استاندارد (انسان نمونه)	برتری و قدرت طلبی و بیسواد
استانداردهیومنیزم (آیین انسانی نمونه)	پاک کننده و اصلاح کننده قوی انسانی
جامعه جهانی انسان استاندارد	فرا دینی و فراسیاسی و فراحکومتی
دنیای روشن و درخشان هزاره سوم	هویت کامل انسانی
۷ میلیارد انسان	فرامعمولی
طبیعت بشر	جهش انسانی عظیم تر
شخصیت و طبیعت جهان بشری	پاک سازی دینی، سیاسی، فرهنگی،
شخصیت و طبیعت افراد بشر	علمی و اقتصادی
درجات شخصیتی انسان	منشور شیشه ای بسیار درخشان
۷۰ درصد مثبت	جهان ایده آل و شایسته زندگی انسانی
۱۰ درصد شیطانی	صلح و عدالتی پایدار
۲۰ درصد خنثی	رشد استاندارد گونه ای
عقل و عواطف	اهداف برتر
جهل و ظلم	مدیریت جدید جهانی
اعمال و رفتار صحیح و ناصحیح انسانی	اعتبار انسانی
تقدیر و سرنوشت	رشد انسانی
قضا و قدر	مراحل و سطوح زندگی بشر
برابری اتم و کهکشان	قانون جنگل
آرمان شهر	شیطان جهل
اصول سه بعدی اتحاد انسانی	مدیریت قوی انسانی و همه جانبه -
نیروهای منفی و شیطانی ضد بشر	جهان بشری
باور واقعی و یا سمبولیک	حقیقت مطلق جهان
فرهنگ مشترک جهانی	عقل، قلب و روح
پنج حقیقت برتر زندگی بشر	انرژی مثبت و انرژی منفی
منشور اخلاقی و ایمانی جامعه -	ترکیب جسم و روح
جهانی انسان استاندارد	برنامه آموزشی زندگی انسان
مدیریت و پاکسازی	ارتقای روحی
هدف بشر	ظرفیت زندگی برتر بعدی
عقل بشر	بزرگی و پهناوری جهان

حقیقت پرست (پیروی از آن چیزی که
درست است، و از طریق عقل، قلب و روح
بشر قابل تشخیص و قابل اجرا است)
هویت فراگیر بشری
هویت ملی و میهنی
احترام انسانی
عالم واقعیت
رشد جهان
لوگو و آرم
سفر انسانی
حقیقت‌یابی
جهان‌شمول
اخلاق سیاسی جهان
حقوق بشر
راه حل مناسب
دنیای رشد مرحله‌ای و تصاعدی
خوی وحشی حیوانیت
پاکیزگی جسمی و آرامش روحی
مقابله شیطانی و جاهلانه
یک جهان استاندارد و نمونه
زندگی بین‌المللی
گروه و مرتبه اول انسان‌ها ...
توریسم جهانی
جهان جدید بشری
حقوق متقابل فردی و اجتماعی بشر
راه کار جهان‌شمول
گرایش‌های ملی و میهنی
مراحل اصلاح جهان
دوره شکوفایی انسانی
جریان انرژی‌های مثبت
انسان هزاره سوم

...

سفر درون سنگی
ابردنیای غول‌پیکر
حقیقت بهتر و برتر
جهان ذهنی و کاذب
یک هویت کامل و دولایه
فاکتور متحد‌کننده
جهان دوستان و هم‌جهانیان
سپر انسانی
قانون راستی و درستی
مفهوم خدا (یک انرژی هوشمند بسیط)
فرهنگ مشترک بشری
درک احترام متقابل
رشد انسانی
هویت اعتقادی
قانون انسانیت
یک زندگی کامل انسانی
عقل جمعی
مدیریت پرسپکتیوی
یک جامعه جهانی
منطق و اخلاق انسان استاندارد
حکومت انسانیت بر انسان
انسجام جهانی
گروهی جاهل کوچک
شبه دولت
قدرت طلبی حزبی
زالوهای شیطانی
جهان شوم‌های شیطانی
اصالت انسانی
احیای زندگی بشر
عادل و حقیقت‌جو
فرد پرست
قانون پرست

References

منابع و مأخذ:

Sources and books which have been used or reviewed in writing this book:
Starred ones indicate the used resources, (First check date 03/09/2010)

List of sites and organizations:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Religion>*
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religions*
http://en.wikipedia.org/wiki/Major_religious_groups*
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_belief_systems
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_people_by_belief
http://en.wikipedia.org/wiki/Religions_of_the_world
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_new_religious_movements
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religious_organizations
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_religious_populations
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_political_ideologies
http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion_by_country
http://en.wikipedia.org/wiki/Religion_and_happiness
<http://www.xenos.org/classes/papers/5wldview.htm>*
http://en.wikipedia.org/wiki/philosophy_of_religion*
http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_symbolism
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_symbols
http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_humanism
http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_conversion
http://en.wikipedia.org/wiki/God/Names_of_God/...
http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_text
<http://en.wikipedia.org/wiki/Humanism>
<http://www.nobeliefs.com/beliefs.htm>
<http://en.wikipedia.org/wiki/Dualism>
<http://www.religionfacts.com>
...
http://en.wikipedia.org/wiki/League_of_Nations*
http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations*
http://en.wikipedia.org/wiki/World_Federalist_Movement
http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Global_Compact
http://en.wikipedia.org/wiki/Dialogue_Among_Civilizations
http://en.wikipedia.org/wiki/Interfaith_dialog
http://en.wikipedia.org/wiki/Institute_for_Interreligious_Dialogue

http://en.wikipedia.org/wiki/Peace_movement
http://en.wikipedia.org/wiki/Global_citizenship
http://en.wikipedia.org/wiki/Parliament_of_the_World's_Religions
http://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_World_Federalists
http://en.wikipedia.org/wiki/World_government
<http://en.wikipedia.org/wiki/Monism>
http://en.wikipedia.org/wiki/World_Social_Forum
http://en.wikipedia.org/wiki/Earth_Charter
http://en.wikipedia.org/wiki/University_for_Peace
<http://en.wikipedia.org/wiki/Alter-globalization>
http://en.wikipedia.org/wiki/Global_governance
http://en.wikipedia.org/wiki/World_Peace
http://en.wikipedia.org/wiki/Global_Peace_Index
http://en.wikipedia.org/wiki/Global_Centre_for_Pluralism
http://en.wikipedia.org/wiki/Reform_of_the_United_Nations
http://en.wikipedia.org/wiki/Hans_Kung
<http://en.wikipedia.org/wiki/Multiculturalism>
http://en.wikipedia.org/wiki/1973_World_Congress_of_Peace_Forces
http://en.wikipedia.org/wiki/Le_Corbusier
http://en.wikipedia.org/wiki/Utopia*
<http://worldparliament-gov.org>

...

http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Wars_by_type
http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_war
http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion_and_violence
http://en.wikipedia.org/wiki/Category:Religion-based_wars
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_invasions
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_treaties
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars_and_disasters_by_death_toll
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_ongoing_conflicts
http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_wars_2003current*

...

http://en.wikipedia.org/wiki/Culture*
http://en.wikipedia.org/wiki/Cultural_assimilation
http://en.wikipedia.org/wiki/Science*
http://en.wikipedia.org/wiki/Economics*

...

List of books:

- 1- Department of Political Science. Western political thought (MA Political Science Course Lessons), Karnataka State Open University, Mysore India: Academic section; 2009.*
- 2- Durant Will. The Story of Philosophy, New York: Simon and Schuster; 1926.*
- 3- Durant Will. Our Oriental Heritage, New York: Simon and Schuster; 1935.*
- 4- Malherbe Michel. Les religions de l'humanité, Paris: Critériion; 1990. (Farsi translation by Tavakoli M. Iran: Nashr-e Nei; 2008).*
- 5- Hume R E. The World's Living Religions, New York: Scribners; 1959. (Farsi translation by Abdolrahim Gavahi. Iran: Nashr-e Elm; 2007).*
- 6- Fakhori H, Jar KH. Tarikh al Falsafeh al-Arabiya (The Story of Philosophy of Arab), Farsi translation by AbdolMohammed Ayati. Iran: Entesharate Elmi Farhangi; 2007.*
- 7- Alam A. Bonyad'haye Elm-e Siyasat (The basis of Political Science), Iran: Nashr-e Nei; 2009.*
- 8- Pooladi K. Tarikh-e Andisheye Siasi dar Gharb (A History of Political Thought in West), Iran: Nashr-e Markaz; 2009.*
- 9- William Sahakian & Mabel Lewis Sahakian. Ideas of the great philosophers, Barnes & Noble; Reprint. 3rd printing 1967 L. C. 66-23155 edition (1967). (Farsi translation by Dr. G. Saiedi...)*
- 10- Gregory Bergman. The Little book of Bathroom Philosophy, Fair Windows Press; 2004. (Farsi translation by K. Ghobadian...).
- 11- Koenig. Harold G., Larson, David B., and McCullough, Michael E. – Handbook of Religion and Health, Oxford University Press (2001), ISBN 0-8133-6719-0.
- 12- Theories of World Governance: A Study in the History of Ideas by Cornelius F. Murphy; Publisher: Catholic University of America Press 1999.
- 13- Michelet Jules. The Bible of Humanity, New York: J.W. Bouton 706 Broadway 1877.

...

لطفاً نظرات خود را به آدرس های ذیل ارسال نمایید، متشکرم:

Please send your feedback to the following email addresses:

Standardhumanism@yahoo.com

Standardhumanism@gmail.com

And:

A - I would appreciate any invitation regarding the speech on the subject (in English).

B - This book (The original Farsi and its translated to English) is published in limited copies, so I would appreciate any suggestions regarding translation it to other Languages - too - for worldwide publishing.

C - In order to promote the Idea of **Standard Humanism** in our worldwide tour you can donate to:

Account No.: 30886398269

Name: Dariush GHASEMIAN DASTJERDI

State Bank of India; Karnataka, Mysore - Main Branch: Code No. 3130

Swift Code: SBININBB 170

(Through SBI, Commercial Branch – 4161)

Vote for Standard Humanism

Any vote will make the world nearer to what we really deserve.

Worldwide Standard Human Society

<http://www.standardhumanism.org>

info@standardhumanism.org

Please always download the last edited thru the:

<http://www.standardhumanism.org>

<https://sites.google.com/site/standardhumanism/>



LIBRARY OF CONGRESS CATALOG RECORD



View LC holdings for this title in the: [LC Online Catalog](#) View this record in: [MARCXML](#) | [MODS](#) | [Dublin Core](#)

Istāndārd-i hiyūmanizim va jāmi'ah-'i jahān-i insān-i istāndārd

LC control no.	2011415732
Type of material	Book (Print, Microform, Electronic, etc.)
Personal name	Qāsimiyān Dastjirdi, Dāryūsh. » More like this قاسميان دستجردی، داریوش. » More like this
Main title	Istāndārd-i hiyūmanizim va jāmi'ah-'i jahān-i insān-i istāndārd / nivishtah-'i, Dāryūsh Qāsimiyān Dastjirdi. استاندارد هیومنیزم و جامعه جهانی انسان استاندارد / نوشته، داریوش قاسمیان دستجردی.
Added title page title	Standard humanism and worldwide standard human society
Edition	Chāp-i 1. چاپ 1.
Published/Created	Mysore, India : Standard Humanism, 2010.
Description	264, [4], 33 p. : ill. ; 22 cm.
Notes	In Persian and English. Includes bibliographical references (p. [265]-[268]).
Subjects	Humanism. » More like this
LC classification	B821 Q27 2010
Language code	per eng
Quality code	pcc
Links	Table of contents only: < http://www.loc.gov/catdir/toc/fy12pdf01/2011415732.html >

My Resume & Biography (In one page)

Name: DARIUSH/ **Surname:** GHASEMIAN DASTJERDI

Date of birth: 8th February 1961 - IRAN

Artist, designer & writer; and the founder of Standard Humanism!

(**Education:** MFA; Ministry of Culture ... Tehran 2013 – MA Political Science; Mysore, India 2011 – Ph.D. researcher; **Thesis:** Human life in 3rd Millennium ...; Mysore, India 2013).

I dream to make **Standard Humanism** worldwide and running in human life! Also, the rest of my life have a beautiful farm by my own design and live in it in the calm ...

Fields of Interest & Occupations (What I have done and I'm doing now!):

1/ Designing & Painting (and Teaching) 1977 – 2014 ...

The best one and masterpiece is the flowers bouquet – Oil on canvas 83x107 cm/ 1980 - 1989 ...

2/ Set Design (& Decor) for TV Programs 1999 – 2016 ...

The result in this field is my design of the great package of **Up-village** film, a comedy for cinema (With all the scenario, storyboard, direction and set-designing of the film) ...

3/ Designer & Advisor of Architectural Projects 1994 – 2013 ...

The best of mine in the field of architecture is the research & design of the Hanging Gardens of Babylon; 1985 - 1994 (To be built as a 7-star hotel or a palace in the UAE! Or the first Headquarters of Standard Humanism!) ...

4/ Research & Writings 2000 – 2016 ...

In various artistic & humanistic fields (By publishing or thru the internet: **Lulu.com**; **Amazon Kindle**, and more, and on the Facebook groups & pages) ...

5/ Qur'an and Islam 2014 ...

The new outlook & understanding in Islam & Qur'an! (One God - One Islam! & the Islamic Consultative Council of Islam World! To gift peace and progress in Muslim societies!) ...

6/ Standard Humanism 15th September 2010 Mysore - India;

The New International and Humanistic Belief of 3rd Millennium! To change human life from its primitive nature of now to the advanced one ...

<http://www.standardhumanism.org>
info@standardhumanism.org

Facebook: <https://www.facebook.com/TheBibleOfHumanity> (Standard Humanism)

Twitter: <https://twitter.com/BibleOfHumanity> (Standard Humanism)

<https://sites.google.com/site/theofficialsiteofdariush/>
Autobiography: [The Amazing Story of Dariush's Life!](#)

This book at the same time is sending to many parts of the world; Such as:

A- The Honorable Offices of the Governments of:

Switzerland; Finland; Austria; Denmark; Spain; Italy; French; Russia; Japan; China; South Korea; Malaysia; Hong Kong; Canada; Brazil; Mexico; United States of America; Cuba; South Africa; Lebanon; India; United Arab Emirates; Australia; Singapore; Sweden; Egypt; Turkey; Brunei; England; Netherland; Norway;

B- Main international organizations of the world:

- 1- UN** - 1st Ave & E 44th St. New York, NY 10017 USA.
- 2- UNESCO** - 7 Place de Fontenoy, 75007 Paris, France - 01 45 68 10 00.
- 3- Democratic World Federalists** - 55 New Montgomery St # 225 San Francisco, CA 94105-3421 (415) 227 - 4880 USA.
- 4- Council for a Parliament of the World's Religions** - 70 E. Lake Street, Suite 205 Chicago, IL 60601 USA.
- 5- Dialogue among Civilizations** - Herengracht 518 1017 CC Amsterdam, Netherland.
- 6- Global Centre for Pluralism** - Sussex Drive, Ottawa, Canada.
- 7- Council for a Parliament of the World's Religions** - Melbourne, Australia....
- 8- The World Federalist Movement** - 708 3rd Ave # 24, New York, NY (212) 599-1320 USA.
- 9- The World Federalist Movement** - 145 Spruce Street, Ottawa, ON K1R 6P1, Canada - (613) 232-0647.
- 10- The World Social Forum** - (WSF) Porto Alegre, Brazil.
- 11- American Humanist Association** - 1777 T Street Northwest, Washington, DC - (202) 238-9088 USA.
- 12- Swedish Humanist Association** - "Swedish Humanist Association (Humanisterna) Box 16241, SE-103 24 STOCKHOLM, Sweden.
- 13- Council of Australian Humanist Societies** - 4 Alandale Ave, Balwyn VIC 3103, Australia - (03) 9857 9717.
- 14- Sociedade da Terra Redonda (Brazil)** - R. Primeiro de Março, 66 - Centro, Rio de Janeiro, 20010-000 Brazil.
- 15- University of peace** - Rua Paulino Fernandes, nº3, Rio de Janeiro - RJ, 22270-050 Brazil.
- 16- World peace council** - 350 5th Ave # 59 New York, NY 10118-5999 USA.

17- Center for International Governance Innovation - 57 Erb St. West
Waterloo, ON N2L 6C2 Canada.

18- Council on Foreign Relations - 58 East 68th Street New York, NY
10065. / 1777 F Street, NW Washington, DC 20006 USA.

19- The Institute of Oriental Philosophy - 1-236, Tangi-cho, Hachioji
City Tokyo 192-0003 Japan.

20- The Society for Buddhist-Christian Studies - Society for Buddhist-
Christian Studies c/o CSSR Executive Office Rice University MS 156
P.O. Box 1892 Houston, TX 77251-1892 USA.

21- Thai Inter-Religious Commission for Development - 29/15 Soi
Ramkumheng 21, Ramkunhend Rd., A. Wangthonglang, Bangkok 10310 Thailand.

22- Soka Gakkai International - SGI Headquarters Josei Toda
International Center 15-3 Samon-cho, Shinjuku-ku, Tokyo, 160-0017 Japan.

23- Museum of World Religions - 6F, No.236, Sec. 1, Jungshan Rd.
Yonghe, Taipei County 234 Taiwan R.O.C.

24- The Office of Tibet in New York - 241 East 32nd Street
New York, NY 10016 USA.

25- The Los Angeles Buddhist-Catholic Dialogue - 928 S. New
Hampshire Ave Los Angeles, CA 90006 USA.

26- The Society for Buddhist-Christian Studies - Society for Buddhist-
Christian Studies c/o CSSR Executive Office Rice University MS 156
P.O. Box 1892 Houston, TX 77251-1892 USA.

27- The Interfaith Education Initiative - 815 Second Avenue New
York, NY 10017 USA.

28- Three Faiths Forum - Star House 104 Grafton Road London NW5 4BA UK.

29- BRUCKE – KOPRU - Begegnung von Christen und Muslimen
Leonhardstrase 13 90443 Nurnberg, Germany.

30- World Council of Churches - PO Box 2100, 150 route de Ferney,
CH-1211, Geneva 2, Switzerland.

31- All Africa Conference of Churches - P.O. Box 14205- 00800
Westlands, Nairobi Kenya.

32- The Ecumenical Association of Third World Theologians -
UNISA Theology P.O. Box 392, PRETORIA 0003 South Africa.

33- The NCC Center for the Study of Japanese Religions - Karasuma
Shimotachiuri Kamikyo-ku Kyoto 602-8011 Japan.

34- KAIROS- Canadian Ecumenical Justice Initiatives - 129 St. Clair
Ave. West Toronto, ON Canada M4V 1N5.

35- The Supreme Council for Confucian Religion in Indonesia -
Kompleks Royal Sunter Blok F 23, Jl. Danau Sunter Selatan, Jakarta
Utara City : DKI Jakarta, Indonesia.

- 36- Centre Vedantique of Geneva** - 63 Av. d'Aire CH-1203 Geneva.
- 37- Hindu Forum of Britain** - Unit 3, 861, Coronation Road, Park Royal, London NW10 6PT United Kingdom.
- 38- Hinduism Today (Magazine)** - Hinduism Today 107 Kaholalele Road Kapaa, Hawaii 96746-9304 USA.
- 39- Hindu Institute of Learning** - 2411 Dundas Street West, Toronto, Ontario, M6P 1X3 Canada.
- 40- The Hindu Council of Australia** - The Hindu Council of Australia 17 The Crescent, Homebush NSW 2140 Australia.
- 41- Hindu Council UK** - Boardman House 64 Broadway Stratford, London E15 1NT United Kingdom.
- 42- Morung for Indigenous Affairs & Just Peace** - The Morung Express, House No: 4, Duncan Road Dimapur Nagaland-797112 India.
- 43- The Center for World Indigenous Studies** - Center for World Indigenous Studies PMB 214 1001 Cooper Point Road SW Suite 140 Olympia, WA 98502-1107 U.S.A.
- 44- World Federation of Dalit and Tribal Rights** - World Federation of Dalit and Tribal Rights C/o. BSS (Buddha Smriti Sansthan) 110/A Baba Ganganath Market, Munirka, New Delhi-110 067 India.
- 45- The Australian Institute of Aboriginal and Torres Strait Islander Studies** - AIATSIS GPO Box 553, Canberra ACT 2601 Australia.
- 46- Arctic Council Indigenous Peoples' Secretariat** - Strandgade 91, 4th floor P.O. Box 2151 1016 Copenhagen K, Denmark.
- 47- The Federation of Jain Associations in North America** - JAINA Headquarters P.O. Box 700 Getzville, NY 14068 USA.
- 48- Jain Centre of Leicester (Jain Samaj Europe)** - Jain Centre 32 Oxford Street Leicester LE1 5XU United Kingdom.
- 49- Jain Heritage Centres** - Nitin H.P. No.62, 'Sonia', 3rd cross, Kurubarahally, Near Siddarthanagar, Mysore-570011 Karnataka, India.
- 50- The Abrahamic Fellows Program** - P.O. Box 705 New York, NY 10150 United States.
- 51- Inter-Religious Organization of Singapore** - Raffles City P O Box 712, Singapore 911724.
- 52- The Centre for Inter-religious Dialogue** - 595, Ajesa Street Off Amino Kano Crescent Wuse II Abuja, Nigeria.
- 53- National Peace Council** - 12/14 Purana Vihara Road Colombo 6 Sri Lanka.
- 54- World Congress of Faiths** - c/o 1 Ashbourne Grove, London, NW7 3RS United Kingdom.

- 55- Auburn Seminary- The Center for Multifaith Education** - 3041 Broadway New York, NY 10027 USA.
- 56- UNESCO – Division of Cultural and International Dialogue** - Division of Cultural Policies and International Dialogue 1, rue Miollis 75732 Paris Cedex 15 France.
- 57- Religions for Peace: The European Council of Religious Leaders** - P O Box 6820 St. Olavs pl, NO-0130, Oslo Norway.
- 58- The Organization for Security and Cooperation in Europe** - Kaerntner Ring 5-7 1010, Vienna, Austria.
- 59- Bangladesh Hindu-Christian-Buddhist Oikya Parishad** - 5, Tejkuni para, Dhaka-1215 Bangladesh.
- 60- Institute for Feminism and Religion** - 30, Parkhill Rise Kilnamanagh, Dublin 24, Ireland.
- 61- United Religions Initiative** - P.O. Box 29242 San Francisco, CA 94129 USA.
- 62- The United Religions Initiative of Korea** - 301 Uwon Villa 193-120 Jangchung-dong 2ga, Jung-gu, Seoul 100-856 Korea.
- 63- The World Faiths Development Dialogue** - WFDD The International Study Centre The Precincts Canterbury Kent CT1 2EH UK.
- 64- Global Ethics and Religion Forum** - P.O Box 7121 Orange, California 92863-7121 USA.
- 65- Knowledge Center for Religion and Development** - P.O. Box 19170 3501 DD Utrecht, Netherlands.
- 66- The Glencree Centre for Peace and Reconciliation** - Glencree Enniskerry County Wicklow, Ireland.
- 67- The Interfaith Center of New York** - 475 Riverside Drive New York, NY 10115 USA.
- 68- Interfaith Youth Core** - 1111 N Wells St., Ste. 501 Chicago, IL 60610 USA.
- 69- Children of Abraham** - 307 W. 38th Street Room 1805 New York, NY 10018 USA.
- 70- The Pluralism Project** - 1531 Cambridge St. Cambridge, MA 02139 USA.
- 71- The Nanzan Institute for Religion and Culture** - 18 Yamazato-chō Shōwa-ku Nagoya 466-8673 Japan.
- 72- Religious Affairs Offices of the Ministry of Culture and Tourism** - Ministry of Culture & Tourism Republic of Korea 110-703, 42, Sejongno, Jongno-gu Seoul, Korea.
- 73- The Cape Town Interfaith Initiative** - 8 Erin Road, Rondebosch, Cape Town 7700 South Africa.

- 74- Africa Files** - Room 21 300 Bloor Street West Toronto, ON M5S 1W3 Canada.
- 75- The New Zealand Interfaith Group** - PO Box 5428 Wellington, New Zealand.
- 76- Inter-Faith Spiritual Fellowship** - Batu 6, Jalam Puchong 58200 Kuala Lumpur, Malaysia.
- 77- Interfaith Resources** - 511 Diamond Rd. Heltonville, IN 47436 Indiana, USA.
- 78- 3iG** - Keizersgracht 788 1017 EC Amsterdam, Netherlands.
- 79- The World Bank: Development Dialogue on Values and Ethics** - 1818 H Street NW Washington, DC 20433 USA.
- 80- Association of Women from Romania** - P.O.Box 80 Postal Office 37 Bucharest, Romania.
- 81- Beliefnet, Inc.** - 115 E 23rd ST Suite 400 New York, NY 10010 US.
- 82- Centre for Inter-Faith Studies at the University of Glasgow** - Department of Theology and Religious Studies University of Glasgow 4 The Square Glasgow, G12 8QQ United Kingdom.
- 83- Religions for Peace** - 777 United Nations Plaza, 9th Floor New York NY 10017, USA.
- 84- World Council of Religions for Peace in Croatia** - Marticeva 43, 10000 Zagreb, Croatia.
- 85- The Week of Global Interfaith Dialogue** - Global Family for Love and Peace 46-60 156th Street Flushing, NY 11355 USA.
- 86- Fellowship of Reconciliation** - 521 N. Broadway Nyack, New York 10960 USA.
- 87- Global Peace Works** - PO Box 316 Yorktown Heights, NY 10598 USA.
- 88- The Harmony Institute** - PO Box 242 Jonesville, VT 05466 North Carolina, USA.
- 89- Interfaith Action** - Star House 104 Grafton Road London NW5 4BA United Kingdom.
- 90- Inter-Faith Action for Peace in Africa** - Coordinating Office Sheikh Saliou Mbacke, Consultant / Coordinator C/O LWF/DWS Gitanga Road Lavington P.O. Box 40870, 00100 GPO - Nairobi, Kenya.
- 91- Interfaith Voices for Peace & Justice** - PO Box 23346 Santa Barbara, CA 93121 USA.
- 92- Interfaith Center of New York** - The Interfaith Center of New York (we moved!) 475 Riverside Drive New York, NY 10115 USA.
- 93- Interfaith Center on Corporate Responsibility** - Room 1842 - 475 Riverside Drive New York, NY 10115 USA.

- 94- International Association for Religious Freedom** - 2 Market Street Oxford OX1 3ET United Kingdom.
- 95- International Committee for the Peace Council** - 1112 Grant Street Madison, Wisconsin 53711 USA.
- 96- International Interfaith Centre (IIC)** - PO Box 750 Oxford OX3 3BR UK.
- 97- Interreligious Engagement Project** - Jim Kenney, Executive Director 980 Verda Lane, Lake Forest, IL 60045 USA.
- 98- Institute of Interfaith Dialogue** - 5905 Winsome Ln. #200 Houston, TX 77057 USA.
- 99- Movement for a Beloved Community** - P.O Box 620036 San Diego, CA 92162-0036 USA.
- 100- North American Interfaith Network** - 1426 9th Street NW, Second Floor Washington, DC 20001-3330 USA.
- 101- Schools of Forgiveness and Reconciliation, ESPERE** - Father Leonel Narvaez Gomez, Director Calle 40 No. 78A-14, Bogota, Colombia.
- 102- Tanenbaum Center for Religious Understanding** - 254 W. 31st Street 7th Floor New York, NY 10001 USA.
- 103- The Temple of Understanding** - 211 East 43rd Street, Suite 1600 New York, NY 10017 USA.
- 104- Tripartite Forum on Interfaith Cooperation for Peace** - 556 Fifth Avenue New York, NY 10036 USA.
- 105- The Unification Theological Seminary** - 30 Seminary Drive Barrytown, NY 12571 USA.
- 106- UNIITE** - Tri-Cap Building #4 700 W St. Germain St. Cloud, MN 56301 Minnesota USA.
- 107- World Interfaith Congress** - PO Box 23346 Santa Barbara CA 93121 USA.
- 108- World Peace Prayer Society** - The World Peace Sanctuary 26 Benton Road Wassaic, NY 12592 USA.
- 109- World Youth Peace Summit** - World Youth Peace – Headquarters Empire State Building 350 Fifth Avenue, Suite 5403 New York, NY 10118 USA.
- 110- Centre for Contemporary Islamic Studies** - 32 Onan Road The Galaxy Singapore, 424484.
- 111- International Islamic Council for Daw'a and Relief** - P.O. Box 34128 Jeddah 21468 Saudi Arabia.
- 112- The World Council of Muslims for Interfaith Relations** - P. O. Box 142 Macomb, IL 61455, USA.
- 113- Affinity Intercultural Foundation** - PO BOX 496 Auburn, NSW 2144 Australia.
- 114- Islamic Religious Council of Singapore** - Secretary MUIS Islamic Center of Singapore 1, Lorong 6 Toa Payoh Singapore.

115- Qantara.de - c/o Deutsche Welle Online Kurt-Schumacher-Strasse 3
D-53113 Bonn Germany.

116- The Organization of the Islamic Conference - PO Box 178
Jeddah-21411 Kingdom of Saudi Arabia.

117- The World Council For Muslim Interfaith Relations - 200 E.
10th Street #518 New York, New York, 10003 USA.

118- Lady Liberty League - Circle Sanctuary PO Box 9 Barneveld, WI
53507 USA.

119- The Pagan Federation UK - 22 Joiners Way, Lavendon,
Buckinghamshire, MK46 4JF England.

120- The Pagan Federation Paine Canada - PO Box 876 Station "B",
Ottawa ON, K1P 5P9 Canada.

121- The Druid Network - PO Box 3533 Whichford, Shipston on Stour,
Warwickshire CV36 5YB England.

122- Center for Sacred Sciences - 1430 Willamette St. #164 Eugene,
OR 97401 USA.

123- Brahma Kumaris World Spiritual University - PO Box No 2,
Mount Abu 30750 Rajasthan, India.

124- The Sikh Interfaith Council of Victoria - PO Box 85, Mulgrave,
Vic. 3170 Australia.

125- Sikh Nari Manch - 180 Plantsbrook Rd. Walmley Sutton Coldfield,
West Midlands B76 1HL United Kingdom.

126- The Australian Sikh Association - PO Box 834 Blacktown NSW
2148 Australia.

127- Guru Gobind Singh Foundation - Guru Gobind Singh Foundation
13814 Travilah Road, Rockville, Maryland 20850 USA.

128- World Sikh Organization - 1183 Cecil Avenue Ottawa, Ontario
K1H 7Z6 Canada.

129- Federation of Zoroastrian Associations of North America - 5750
South Jackson Street Hinsdale, IL 60521 Illinois, USA.

130- World Zoroastrian Organization - 135 Tennison Road South
Norwood London SE25 5NF UK.

131- Zoroastrian Interfaith Group - Zoroastrian Association of Greater
New York 106 Pomona Road Suffern, NY 10901 USA.

132- Zoroastrian College - Sanjan, India.

133- Asia Faiths Development Dialogue - University of Cambodia, Cambodia.

134- World Faiths Development Dialogue - 3307 M. St. NW Suite 200,
Washington, DC (202) 687-6444 USA.

135- The International Shinto Foundation - Tokyo, Japan.

- 136- Global Family for Love & Peace/ Museum of World Religions -** Jhonghe City Taipei County, Taiwan.
- 137- Chung Tai Chan Monastery -** 2 Chung Tai Road, Puli, Nantou 54544, Taiwan, R.O.C.
- 138- Monash University -** Monash University Clayton VIC 3168, Australia.
- 139- Guru Nanak Nishkam Sewak Jatha (UK) -** Gurdwara Guru Nanak Nishkam Sewak Jatha (London) UK.
- 140- Shinji Shumeikai -** 2430 E Colorado Blvd Pasadena, CA 91107-4250 USA.
- 141- Parliament of the World's Religions -** Waldhäuser Straße 23 D-72076 Tübingen, Germany
- ...

C- Universities of:

- 1/ Stanford University** – Stanford, CA, United States.
- 2/ University of California** – 110 Sproul Hall, #5800 Berkley 94720 California USA.
- 3/ Peking University** – 5 Yiheyuanlu Beijing 100871 Beijing province China.
- 4/ Michigan state university** – 450 Administration Bldg. East Lansing 48824-1042 Michigan USA.
- 5/ Yale University** – New Haven 06520 Connecticut USA.
- 6/ Indiana University** – Bloomington Indiana USA.
- 7/ University of Cambridge** – Trinity Lane Cambridge CB2 1TN East of England.
- 8/ University of Oxford** – Wellington Square Oxford OX1 2JD South East England.
- 9/ Keio University** – 2 – 15 – 45 – Mita, Minato – Ku Tokyo 108 – 8345 Tokyo Japan.
- 10/ National University of Singapore** – 21 Lower Kent Ridge Road Singapore 119077.
- 11/ Federal University of Rio de Janeiro** – Avenida Pedro Calmon, 550 Rio de Janeiro Brazil.
- 12/ Harvard University** – Massachusetts Hall Cambridge 02138 Massachusetts USA.
- 13/ University of Washington** – 1400 NE Campus Parkway Seattle 98195 – 4550 Washington USA.
- 14/ New York University** – 70 Washington Square South New York City 10012 – 1091 New York USA.

- 15/ Boston University** – One Sherborn Street Boston 02215
Massachusetts USA.
- 16/ Waseda University** – 1 - 104 Totsuka – machi, Shinjuku – ku Tokyo
169 – 8050 Tokyo Japan.
- 17/ the University of Tokyo** – 7 - 3 – 1 Hongo, Bunkyo – Ku Tokyo 113
– 8654 Tokyo Japan.
- 18/ Free University of Berlin** – Kaiserswerther Str. 16 – 18 Berlin 14195
Berlin Germany.
- 19/ the University of Manchester** – Oxford Road Manchester M13 9PL
North West England.
- 20/ the University of Hong Kong** – Pok Fu Lam Road Hong Kong.
- 21/ the University of Melbourne** – Swanston Street Melbourne 3010
Victoria Australia.
- 22/ University of Geneva** – 24 Rue du General-Dufour Geneva 1211
Genève Swiss.
- 23/ University of Oslo** – PO Box 1072, Blindern Oslo Norway.
- 24/ Moscow State University** – Leninskie Gory Moscow 119992
Moscow Russia.
- 25/ University of Delhi** – University Road Delhi 110 007 National
Capital Territory of Delhi India.
- 26/ Anna University** – Sardar Patel Road Chennai 600 025 Tamil Nadu India.
- 27/ University of Milan** – Via Festa del Perdono 7 Milano 20122
Lombardia Italy.
- 28/ Tampere University of Technology** – Korkeakoulunkatu 1 Tampere
33720 Pirkanmaa Finland.
- 29/ National Autonomous University of Mexico** – Ciudad Universitaria
Mexico City 04510 Distrito Federal Mexico.
- 30/ International University of Japan** – 777 Kokusai – cho Minami
Unonuma – shi 949 – 7277 Niigata Japan.
- 31/ Chulalongkorn University** – 254 Phyathi Road, Patumwan Bangkok
10330 Bangkok Metropolitan Area Thailand.
- 32/ University of Malaya** – Pantai Valley Kuala Lumpur 50603 Selangor
Malaysia.

...

D- International Libraries of:

Australian National University Library, Canberra - Australia
Birmingham Central Library - England
Huntington Library, San Marino, California - USA
London Library - UK
Library of Parliament, Ottawa - Canada
Library of Congress, Washington D.C. - USA
Los Angeles Central Library - USA
National Central Library (Rome) - Italy
National Library of Australia, Canberra - Australia
Library of Alexandria, Alexandria - Egypt
Royal Library of Sweden, Stockholm - Sweden
Danish Royal Library, Copenhagen - Denmark
Glasgow University Library - Scotland
National Library of New Zealand, Wellington - New Zealand
National Library of Russia, St Petersburg - Russia
National Library of India, Kolkata - India
National Library of China, Beijing - China
National Library of Brazil, Rio de Janeiro - Brazil
National Diet Library, Tokyo and Kyoto - Japan

...

E- News Agencies of:

CNN - 6430 W Sunset Blvd # 300, Los Angeles, CA 90028-7906
(323) 993-5000 USA.

CNN - 820 1st St NE, Washington D.C. 20002-4243
(202) 898-7900 USA.

CNN - 10 Columbus Cir, New York, NY 10019-1158
(212) 275-7800 USA.

BBC - Wood Lane Hammersmith, London W12 7, United Kingdom
0870 603 0304 - BBC.co.uk.

Algérie Presse Service - Avenue des frères Bouadou, Bir Mourad Rais -
Alger, Algeria.

Jiji Press Tokyo - "7th Floor, Jiji Press Building 5-15-8 Ginza Chuo-ku,
Tokyo 104-8178 Japan.

...

Also: More Officials; Organizations; Famous people & celebrities
(Bill Gates; Pope Francis; Aung San Suu Kyi; Amitabh Bachchan; ...).

